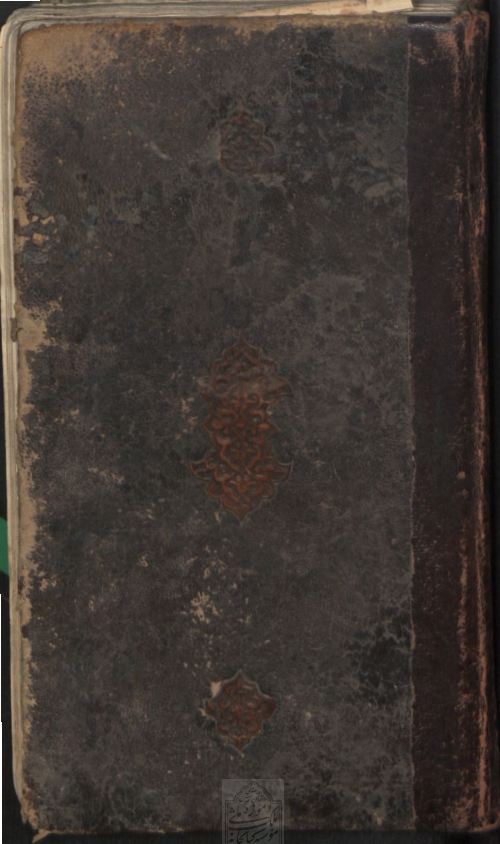




۵
۳۱۶

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
 شماره ثبت ۲۱ - شماره ۱۳۳۰
 تاریخ ثبت ۲۱ - شماره ۱۳۳۰

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
 شماره ثبت ۲۱ - شماره ۱۳۳۰
 تاریخ ثبت ۲۱ - شماره ۱۳۳۰

آستان قدس رضوی
 کتابخانه ملی ملک - طهران
 شماره ۲۹۵۰
 تاریخ ثبت ۲۱ - شماره ۱۳۳۰

باز دید حد
 ۱۳۵۱





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
حَدَّثَنَا السَّيِّدُ الْأَجَلُجِيُّ الدِّزْبِيُّ
الشَّرِيفُ أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ
أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ
الْحُسَيْنِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ
السَّعِيدُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ
شَهْرِيَارٍ الْخَازَنِي خِزَانَةُ مَوْلَانَا أَمِيرِ مَوْفُورِ



از این کتاب
کتاب...

از این کتاب
کتاب...

از این کتاب
کتاب...

عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي شَهْرِ

ربيع الاول من سنة ست عشرة وخمسة

مئة واربعة وثمانين سنة

قراءة عليه وأنا اسمع قال سمعته على

الشيخ الصدوق أبي منصور محمد بن

محمد بن أحمد بن عبد الغفر العكبري

المعتمد رحمه الله عن أبي الفضل محمد

عبد الله بن المطلب الشيباني قال

حدثنا الشريف أبو عبد الله جعفر بن

محمد بن جعفر بن الحسن بن جعفر بن

الحسن بن الحسن بن أمير المؤمنين علي بن

أبي طالب عليه السلام قال حدثنا

أبي طالب

علي بن أبي طالب

علي بن أبي طالب

علي بن أبي طالب



عَبْدُ اللَّهِ عَمْرٍو لَخَطَابُ الرِّثَاءِ

عبد الله عمرو بن خطاب

سَنَةِ خَمْسٍ وَسِتِّينَ وَمِائَتَيْنِ قَالَ

سال دویست و شصت و شصت

حَدَّثَنِي خَالِي عَلِيُّ بْنُ النُّعْمَانِ الْأَعْلَمُ

که روایت کرد مرا خاوی من علی بن النعمان الاعلم

قَالَ حَدَّثَنِي عُمَيْرُ بْنُ مُتَوَكِّلٍ الثَّقَفِيُّ

که گفت من که روایت کرد مرا عمیر بن متوکل الثقفی

الْبَلْخِيُّ عَنْ أَبِيهِ مُتَوَكِّلِ بْنِ هَارُونَ

بلخی از پدرش متوکل بن هارون

قَالَ لَفِيتُ بِحَيٍّ بَزْزِيدٍ عَلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

که گفتم متوکل که عاقبت کردم بخی بزم زید بن علی علیه السلام

بَعْدَ قَتْلِ أَبِيهِ وَهُوَ مُتَوَجِّهٌ إِلَى

بعد از کشتن پدرش و حال آنکه او در راه بود

خُرَاسَانَ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَقَالَ لِي

خراسان پس سلام کردم بر او و مرا

مِنْ أَيْنَ أَقْبَلْتَ قُلْتُ مِنَ الْحِجْزِ فَقَالَ لِي

از کجا می آیی منی گفتی از حجاز پس بگوید

عَنْ أَهْلِهِ وَبَنِي عَمِّهِ بِالْمَدِينَةِ وَآخِ

از اهل خود و بنو عمش که در مدینه بودند و باقی

السُّؤَالِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

در سوال از امام حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

فَلَجَزِي



فَاخْبَرْتَهُ بِخَبْرِهِ وَخَبَرَهُمْ وَخَرَّبَهُمْ عَلَى

پس خبر دادم اورا بکبر حضرت در خبر ایشان و آفرود ایشان

أَبِيهِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ

پدرش زید بن علی علیه السلام پس گفت

لِي قَدْ كَانَ عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ أَشَارَ

اما بخیف که بود عم من یعنی حضرت امام محمد باقر

عَلَى ابْنِ بَتْرَكٍ الْخُرُوجِ وَعَرَفَهُ أَنَّ هُوَ

پدر مرا بترک شد و چون آمد او را اگر او

خَرَجَ وَفَارَقَ الْمَدِينَةَ مَا يَكُونُ إِلَيْهِ

خروج کند و جدا شود از مدینه پس گفتا خواهد رسید

مَصِيرُ امْرِئٍ فَهَلْ لَقِيتُ ابْنَ عَمِّي جَعْفَرِ

قال اور پس آیا ملاقات کردی برعم مرا جعفر

مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ

محمد بر او آمد و درود گفتم آری گفت

فَهَلْ سَمِعْتَهُ يَذْكُرُ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ

پس آیا شنیدی از او که تذکر کند چیزی را از حال من

قُلْتُ نَعَمْ قَالَ لَمْ يَذْكُرْ لِي خَيْرًا قُلْتُ

گفتم آری گفت که یاد نکرد مرا خیر و مرا غم

جَعَلْتُ فِدَاكَ مَا أَحْبَبْتُ عَنْ سَتَقِيلُكَ

بمردم فدای تو نهادم که بگویم بروی تو

بِمَا سَمِعْتُهُ مِنْهُ فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ

اگر شنیده ام اورا از آن گفت پس گفت ای برک

تُخَوِّفُنِي هَاتِ بِمَا سَمِعْتَهُ فَقُلْتُ سَمِعْتُهُ

بیزمانی را بیاورد که شنیده اند این کلمه گویند

يَقُولُ إِنَّكَ تَقْتُلُ وَتَضْلِبُ كَمَا

که میگوید برستی که تو کشته می شوی و درویش می شوی

قَتَلَ ابْنُكَ وَضَلَبَ فَتَغَيَّرَ وَجْهُهُ

کشته شد برست و درویش شد پس متغیر شد روی او

وَقَالَ يَحْوِ اللَّهُ مَا لَيْسَاءُ وَيَتَبَّ وَ

وگفت محکم خدا آنچه را بخواهم و بماند

عِنْدَهُ أَمْ الْكِتَابِ يَا مُتَوَكِّلَ إِنَّ

نزد اوست اصل کتاب ای متوکل برستی

اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَيْدِي هَذَا لَأَمْرٍ بِنَا وَجَعَلَ

که خدا ای دست بی قدرت کرده است این امر را بنا کرد و بنا کرد

لَنَا الْعِلْمَ وَالسَّيْفَ فَجَمَعْنَا وَخَصَّ

برای ما علم و شمشیر را پس جمع شد است برای ما و خاص

بَنُو عِمِّيْنَا بِالْعِلْمِ وَخَصَّكَ فَقُلْتُ جَعَلْتُ

برای من علم و خاص شد پس گفتم

فَإِنَّكَ إِنِّي رَأَيْتُ النَّاسَ إِلَى ابْنِ

خدا ای تو برستی که دیدم مردم را برای پسر

جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمِيلَ مِنْهُمْ إِلَيْكَ

جعفر بر او بود و درود می دادند و به تو می آمدند

وَالِإِلَى أَبِيكَ فَقَالَ إِنَّ عَمِّي مُحَمَّدٌ عَلَى

و بر من بود پس گفتم که عم من امام محمد است

وَأَمَّا



وَابْنَهُ جَعْفَرًا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ دَعَا

دلیلی بر امام جعفر صادق برائت از یهود و درود خواندن

النَّاسَ إِلَى الْحَيٰوةِ وَكُنْ دَعْوَاهُمْ

ردم را بسوی حیات و ما - خواندیم

إِلَى الْمَوْتِ فَقُلْتُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ

بسمی مرکب پس گفتم ای پسر رسول خدا

أَهْمَ أَعْلَمُ أَمْ أَنْتُمْ فَأُطْرَقَ إِلَى الْأَرْضِ

آیات و انما نزلناها علیک

مِلْيًا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَقَالَ كُلْنَا لَهُ عِلْمٌ

ما فی دوازده پس را در سه خود را و گفت بر ما را علم است

غَيْرَ أَنَّهُمْ يَعْمُونَ كُلَّمَا نَعَّمْنَا وَلَا

الا ايكه ايشان ميديتند همه اكنه با مسكتم و نه

نَعْلَمُ كُلًّا يَلْعَمُونَ ثُمَّ قَالَ إِنِّي أَكْتُبُ

پیدایم آنچه میدانند ایشان پس گفت مرا آه شسته

مِنْ ابْنِ عَمِّي شَيْئًا قُلْتُ نَعَمْ قَالَ رُبِّيهِ

از پدر علم من جنزی گفتند آری گفت خامنه ایشان

در علم من جزئی قسم آردی گفت بنامین اش

أَحْرَجَتْ إِلَيْهِ وَجُوهَهَا مِنْ الْعِلْمِ

فأخرجت إليه وجوها من العلم
يس آردوم بسوی او نوعی بند از علم

أَخْبَرَنَا أَبُو دَاوُدَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

وَأَخْرَجْتُ لَهُ دُعَاءَ أَمْلَاءِهِ عَلَى

دوسروں کو آدمی اور دعا کے اٹھا کر وہ لوگوں اور ابرہہ

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تاسیس ۱۳۰۲ هجری قمری
تاسیس ۱۳۰۲ هجری قمری
تاسیس ۱۳۰۲ هجری قمری
تاسیس ۱۳۰۲ هجری قمری

ملک و منور دما

أَنَّ أَبَاهُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

در آنکه در حدیث محمد بن علی بر او باد در دو

أَمْلَأَهُ عَلَيْهِ وَالْخَبْرُ أَنَّهُ مِنْ دُعَاءِ أَبِيهِ

از آنکه در حدیث بر او باد در خبر و او در او را بر این دعا از حدیث

عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مِنْ

از امام زین العابدین است بر این دعا و در دو از

دُعَاءِ الصَّحِيفَةِ الْكَامِلَةِ فَظَرَّ

دعای صحیفه کامله پس نظر کرد

فِيهِ بِحَبِيٍّ حَتَّى أَتَى عَلَى آخِرِهِ وَقَالَ لِي

در آن که گفتم تا رسید به آخر آن و گفت مرا

أَنَّا ذَنْ فِي لِسْنِهِ فَقُلْتُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ

ای رفیق من در دهانش این است گفت ای پسر رسول خدا

أَسْتَغْفِرُكَ فِيمَا هُوَ عَنْكَ كَمْ فَقَالَ

در غفرت من در آنچه از شماست پس گفت

أَمَّا لَا خَرَجَ لِيكَ صَحِيفَةٌ مِنَ الدُّعَاءِ

که آگاه باش که بر این دعا و در دو صحیفه از دعای

الْكَامِلِ مِمَّا حَفِظَهُ ابْنِي عَنْ أَبِيهِ

که من از آنکه حفظ کرده آن را پدرم از پدرش

وَأَنَّ ابْنِي وَصَانِي بِصَوْنِهَا وَمَنْعَهَا

و پسر من و وصیت کرده مرا بنگاه داشتن در آن و در دو

غَيْرَ أَهْلِهَا قَالَ عَمِيرٌ قَالَ ابْنِي فَقُمْتُ

از غیر اهل آن گفت عمو گفت چو من بستم

إِلَى

إِلَى

إِلَيْهِ فَقَبِلَتْ رَأْسَهُ وَقُلْتُ لَهُ وَاللَّهِ

بجوی او پس بسدم او را و گفتی مرا و او را گفتی

يَا بَنَ رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي لَأَدِينُ اللَّهَ

ای پسر رسول خدا بدستی کردن من را می کنم خدا را

مُحِبِّكُمْ وَطَاعِنَكُمْ وَأَبِي لَارِجُو

بدوستی شما و بدینداری شما و بدوستی کردن من را

إِنَّ يَسْعِدَنِي اللَّهُ فِي حَيَاتِي وَمَمَاتِي

که من را بخشد و در دنیا و در آخرت مرا

يُولَانِيكُمْ فَرَمِي صَحِيفَتِي الَّتِي

بدوستی شما بر من انداخته و می مرا

دَفَعْتُهَا إِلَيْهِ إِلَى غَلَامٍ كَانَ مَعَهُ

داد و بردم او بجوی او بگری که بود با او

وَقَالَ اكْتُبْ هَذَا الْمَدْعَاةَ بِحِطِّ

و گفت بنویس این دعا را بسط

بَيْنَ حَسَنِ وَأَعْرَضَهُ عَلَى لَعَلِّي

فهمی خوبی و عرض کن از برای من است

أَحْفَظُهُ فَإِنِّي كُنْتُ أَطْلُبُهُ مِنْ

که حفظ کنم او را پس بدستی کردن من می بسدم این را از

جَعْفَرٍ حَفِظَهُ اللَّهُ فَيَمْنَعُنِيهِ قَالَ

جعفر نگاه دارد او را خدا پس بدو من را نگاه

مُتَوَكِّلٌ فَتَدِمْتُ عَلَى مَا فَعَلْتُ

متوکل شد پس پشیمان نشدم بر آنچه کرده بودم

وَلَمْ أَذِرْ مَا أَصْنَعُ وَلَمْ يَكُنْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ

و نه استم که بستم و نه دیک حضرت ابو عبد الله

عَلَيْهِ السَّلَامُ نَقَدَمَ إِلَى إِلَّا أَدْفَعَهُ

بر او باد درود بیشتر گفته شده من که نه اسم انرا

إِلَى أَحَدٍ ثُمَّ دَعَا بَعِيْبَةً فَأَسْتَحْجَرَ مِنْهَا

بسی کسی می طلب کرد جامه انرا پس سر او را دراز کرد

صَحِيْفَةً مَفْقَلَةً مَخْنُومَةً فَنَظَرَ إِلَى خَاتَمِ

صحیفه نقل زود محسوسه پس نگاه کرد بوی آن مهر

وَقَبْلَهُ وَبِكَائِمٍ ثُمَّ فَصَّهَ وَفَتَحَ الْقَفْلَ ثُمَّ

دو کسید انرا در کت پس کت نهاد و زد و قفل را پس

لَشَّرَ الصَّحِيْفَةَ وَوَضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ

و اگر دو صحیفه را و گذاشت آن را بر چشم خود

وَأَمَرَهَا عَلَى وَجْهِهِ وَقَالَ وَاللَّهِ يَا مَعْزُورُ

دعاست انرا بر روی خود و گفت که ای معزور

لَوْ لَمْ أَذْكُرْ مِنْ قَوْلِ بْنِ عَمِيٍّ

اگر بگویم آنچه از او گوی از گفته پس علم من

إِنِّي أَقْتُلُ وَأَصْلِبُ لَمَّا دَفَعْتُهَا إِلَيْكَ

که راستی گویم که من می کشم و در دار می کشم تو مرا می دهی انرا به

وَلَكُنْتُ بِهَا ضَئِيْفًا وَلَكِنِّي

و گفتم بودم بپایان و بکلی من

أَعْلَمُ أَنَّ قَوْلَهُ حَقٌّ أَخَذَهُ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

میدانم که گفته او حق است فرا گرفته انرا از پدر من و علیهم السلام

عَيْنَيْهِ

وَاللَّهُ

وَأَنَّهُ سَيُصَحِّحُ فَحَقَّتْ لِي أَنْ يَقَعَ مِثْلُ هَذَا

دایم بر روی خود پس رسیدم که بگویم مانند این

الْعِلْمُ إِلَى ابْنِي أُمِّيَّةَ فَيَكْتُمُونَ وَيَكْتُمُونَ

علم است یعنی ایست پس نهان شوند و پنهانند

فِي خَزَائِنِهِمْ لَا تَقْبِضُهُمْ فَاقْبِضْهَا وَاقْبِضْهَا

در خزانه ایست که در دستشان پس بگیر از آن و بگیر از آن

وَتَرِضْ بِهَا فَإِذَا أَقْضَى اللَّهُ مِنْ أَمْرِي وَأَمْرِي

و نظر باش آن را پس بگویم که خدا از کار من و کار

هُوَ لِأَيِّ الْقَوْمِ مَا هُوَ فَافْضِ فِيهِ أَمَانَةً

این مردم به چه قومیست که ایمنی در میان آنست پس ایمنی

عِنْدَكَ حَتَّى تُوَصِّلَهَا إِلَى ابْنِي عَمِّي مُحَمَّدٍ

در نزد تو تا آنکه رسد به آن را پس رسانم به آن محمد

إِبْرَاهِيمَ ابْنِي عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ

ابراهیم پسران عبد الله پسر حسن پسر حسن

بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَإِنَّهُمَا الْقَائِمَانِ

پسر علی بر ایشان باد درود پس بگویم که این دو نفر

فِي هَذَا الْأَمْرِ بَعْدِي قَالَ الْمُتَوَكِّلُ فَقَبِضْتَ

در این امر بعد از من گفت متوکل که بگیرد

الصَّحِيفَةَ فَلَمَّا قِيلَ لِي بَنِي زَيْدٍ صِرْتُ إِلَى

آن صحیفه را پس چون شنیدم که بنی زید در دست

الْمَدِينَةِ فَلَقِيتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

در مدینه پس ملاقات کردم ابوعبد الله علیه السلام

امیر از اهل بیت است که در دستش است
بنا بر حدیثی که در کتاب
در این است

روایت است که در دستش است
این صحیفه است که در دستش است
هم در مدینه



فَحَدَّثَهُ الْحَدِيثَ عَنْ جَبْرِ قَبْلِي وَاسْتَدَّ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَجَلَدَ عَلَيْهِ وَقَالَ رَحِمَ اللَّهُ ابْنَ عَمِّي
از دود او کمال گویی
وَالْحَقُّهُ يَا بَائِدُ وَأَجْدَادُهُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
درست اند او را و اجداد او بر ایشان آرد
وَاللَّهُ يَا مُتَوَكِّلُ مَا مَنَعَنِي مِنْ دَفْعِ
در کدای ای متوکل که از خدا شسته بودم از دود
الدُّعَاءِ إِلَيْهِ إِلَّا الَّذِي خَافَهُ عَلَى صَحِيفَةٍ
دعا به گویی که بپای من می کشید از آن صحیفه
أَبِيهِ وَأَبْنِ الصَّحِيفَةِ فَقُلْتُ هَاهُنِي
پدرش و پسر است صحیفه این ستم این است صحیفه
فَقَتَحَهَا وَقَالَ هَذَا وَاللَّهِ خَطُّ عَمِّي يُرِيدُ
این کشود آن را در گفت این بکش که خط عم من است
وَدُعَاءُ جَدِّي عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ
دودر جد من علی بن حسین بر ایشان آرد
تَمَّ قَالَ لِأَبْنِهِ قُمْ يَا إِسْمَاعِيلُ فَأَتَنِي
این فرمود پسر است که مرا من ای اسمعیل بس بیار
بِالدُّعَاءِ الَّذِي أَمَرْتُكَ بِحِفْظِهِ وَصُونِهِ
آن دعا را که امر کرده بودم حفظ این را نگاه داری
فَقَامَ إِسْمَاعِيلُ فَأَخْرَجَ صَحِيفَةً كَانَتْهَا
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این دعا را که مرا فرمود
بسم الله الرحمن الرحيم

الصَّحِيفَةُ



الصَّحِيفَةَ الَّتِي دَفَعَهَا إِلَيَّ يَحْيَى بْنُ زَيْدٍ

جان صحیفہ است کہ دواہ برداش با من بیکسی پس زید

فَقَبَّلَهَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَوَضَعَهَا عَلَى

پس بر سید ان حضرت ابو عبد الله علیه السلام دگر بخت برد

عَيْنِهِ وَقَالَ هَذَا خَطُّ أَبِي وَإِمْلاؤُ

مستم مارک خود د زبیر کہ ان خط بر زید و امار

جَدِّي عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بِمَشْهَدِي

مد من بر بخت اس با و درود بر کعبه زید

فَقُلْتُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنْ رَأَيْتُ

پس گفت ای پسر رسول خدا اگر رخصت نمایند

أَنْ أَعْرِضَهُمَا مَعَ صَحِيفَةِ زَيْدٍ وَيَحْيَى

معا دو کیم ان صحیفه با صحیفه زید و یحیی

فَإِذَنْ لِي فِي ذَلِكَ وَقَالَ قَدْ رَأَيْتَكَ لِكُلِّ

پس رخصت انهم را در این منی و درود بختی کہ دویم من اینان

أَهْلًا فَظَرْتُ وَإِذَا هُمَا أَمْرٌ وَاحِدٌ

پس یکجا دردم دویم کہ این دو صحیفه یکی اند

وَلَمْ أَجِدْ خَرْقًا مِنْهَا يَخْتَلِفُ فِي الصَّحِيفَةِ

و نیاستم هر فی از انہا کہ می افتند با یک در صحیفه

الْآخَرَى ثُمَّ اسْتَأْذَنْتُ بِأَعْبَدِ اللَّهِ

و گزیدم پس رخصت بیدم از حضرت ابی عبد الله

عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي دَفْعِ الصَّحِيفَةِ إِلَيَّ

علیه السلام در دواش صحیفه بر سران

عَيْنِهِ

این صحیفه است که در دست
ابو عبد الله علیه السلام
بود و در دست یحیی بن زید
بود و در دست من بود

عَبْدُ اللَّهِ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ

عبد الله بن حسن برادر او بود پس گفت

إِنَّ اللَّهَ بِأَمْرِكُمْ أَنْ تُوَدَّ الْأَمَانَاتُ

مرستی که خدا می تاملی امر میکنی بشمار اگر حجت نباشد اما حق را

إِلَى أَهْلِهَا نَعْمَ فَادْفَعُهَا إِلَيْهِمَا فَلَمَّا

پس ای ایضا آردی پس ده ان مخدود داشت ان پس ان

نَهَضَتْ لِلْفَاءِ مِمَّا قَالَ لِمَنْ كَأَنَّكَ

برخواستی برای وین ان از خود مرا که کسی بودی

ثُمَّ وَجَّهَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَابْنِ هَيْمٍ فَجَاءَ أَقْصَالَ

پس بپشتن نموده از اوسیم رفت و پس آمد پس فرود

هَذَا مِيرَاثُ ابْنِ عَمٍّ كَمَا يَحْتَمِلُ

ان مخدود میراث برادر عم شما که می تواند

مِنْ أَبِيهِ فَلَمْ يَخْصُ كَمَا بِهِ دُونَ

از پدرش پس حق که مخصوص باخته است شما

إِخْوَانِهِ وَكُنْ مُشْتَرِطُونَ عَلَيْهِ كَمَا

برادران مخدود و شما علی شما

فِيهِ شَرْطًا فَقَالَ أَرْحَمَكَ اللَّهُ قُلْ فَقَوْلُكَ

در باب ان مخدود پس گفتند با مرز و خدا که پس مال

الْمَقْبُولُ فَقَالَ لَا تَخْرُجْ بِهَذَا الصَّحِيفَةُ

پس مرز است پس فرمود که پس در این محبت خدا

مِنَ الْمَدِينَةِ فَلَا وَلَمْ ذَاكَ قَالَ

از مدینه پس گفتند برای محبت از خود

إِنَّ ابْنَ عَمِّكَ مُخَافٌ عَلَيْهَا أَمْرًا

برستی که بر عم شما میترسد بر این صفت امر را

اخَافُهُ أَنَا عَلَيْهِ كَمَا قَالَ إِنَّمَا خَافُ

که میترسم آنرا من بر شما که خفتد بر عم خود

عَلَيْهَا حِينَ عَلِمَ أَنَّهُ يُقْتَلُ فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ

بر این هنگامی که بدید که کشته میشود پس فرمود ابن عباس

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنْتُمْ أَفَلَا تَأْمَنُونَ قَوْلَ اللَّهِ إِنِّي

بر او درود دشمنان را این میگویند پس گفتند که

لَا عَلَمَ أَنْتَ كَمَا مَسَّخَرْتَ جَارَكَ كَمَا

بدانم که شما درودی که سرخس را کشتید چنانکه

خَرَجَ وَسَقَطَ لَانِ كَمَا قُتِلَ فَقَالَ

خروج نکرد درودی که کشته میشود چنانکه کشته شد و کشته

وَهُمَا يَقُولَانِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

و حال آنکه این دو گفتند نیست قدرتی و نه قوه ای مگر باری خدا

الْعَلَى الْعَظِيمِ فَلَمَّا خَرَجَا قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ

نزد بزرگ پس چون بیرون شدند بوقت صبح ابن عباس

عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مُتَوَكِّلُ كَيْفَ قَالَ

بر او درود ای متوکل چگونه گفت

لَكَ يَحْيَى ابْنُ عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَابْنَةُ

تو ای یحیی برستی که من محمد بن علی و پسر

جَعْفَرٍ أَدْعُوا النَّاسَ إِلَى الْكَيْفِ

جعفر خوانند مردم را بسوی زندگانی

وَنَحْنُ دَعَوْنَاهُمْ إِلَى الْمَوْتِ قُلْتُ نَعَمْ

وَأَمَّا هَذَا بَشَرًا لَمْ يَكُنْ لَكُمْ آيَاتٌ

يُحْيِي ذَٰلِكَ فَقَالَ يَرْحَمُ اللَّهُ يُحْيِي إِنْ لَمْ

خَلَقْتَنِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ

السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

أَخَذَتْهُ نَعْسَةٌ وَهُوَ عَلَى مَبِيعٍ فَرَأَى

فِي مَنَامِهِ رِجَالًا يَنْزُونَ عَلَى مَبِيعٍ نَزَوْا

الْفُرْدَةِ يَرُدُّونَ النَّاسَ عَلَى أَعْقَابِهِمْ

الْفَهْقَرَى فَاِسْتَوَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى

عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسًا وَالْحَرْنُ يُعْرِفُ فِي

وَجْهِهِ فَأَنَّهُ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

رَوَى بِإِسْنَادٍ مِنْ عَنِ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بِهَذِهِ

این حدیث در تفسیر نهج البلاغه
در باب بیان صفات حضرت علی علیه السلام
در باب بیان صفات حضرت جبرئیل علیه السلام
در باب بیان صفات حضرت محمد علیه السلام
در باب بیان صفات حضرت ابی طالب علیه السلام
در باب بیان صفات حضرت فاطمه علیها السلام
در باب بیان صفات حضرت زینب علیها السلام
در باب بیان صفات حضرت ریحان علیها السلام
در باب بیان صفات حضرت خدیجه علیها السلام
در باب بیان صفات حضرت آمنه علیها السلام
در باب بیان صفات حضرت ابی طالب علیه السلام
در باب بیان صفات حضرت فاطمه علیها السلام
در باب بیان صفات حضرت زینب علیها السلام
در باب بیان صفات حضرت ریحان علیها السلام
در باب بیان صفات حضرت خدیجه علیها السلام
در باب بیان صفات حضرت آمنه علیها السلام

کتابخانه
موزه و مرکز اسناد
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

بِهَذِهِ الْآيَةِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي

این آیه را و مگر در سیدم ۹۰ آنرا که

أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ

مؤمنان و مگر در پیش از این مردان و آن در حق

الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَخَوْفَهُمْ فَأَرْسَلْنَاهُمْ

مکلفند کرده شد در آن و خبر نامه ما و آنرا و اینها

الْأَطْعِيَانَا كَبِيرًا يَعْنِي بَنِي أُمَيَّةٍ

مگر سبکی معصوم بنو امیه بنی امیه را

قَالَ يَا جَبْرُثُ عَلَيَّ عَهْدِي يَكُونُونَ

گفت بنو امیه جبرئیل آیه در عهد من خواهد بود

وَفِي زَمْنِي قَالَ لَأُولَئِكَ نَدْوَرُ

و در زمان من گفتند و یکی

رَحَى الْإِسْلَامَ مِنْ مَهَاجِرِكَ فَتَلَبَّثْتُ

استیای اسلام از هجرت کردن تو و میماند

بِذَلِكَ عَشْرًا ثُمَّ نَدْوَرُ رَحَى الْإِسْلَامِ

بن گشتن ده سال پس دیگر گشتن بنی امیه استیای اسلام

عَلَى رَأْسِ خَمْسٍ وَثَلَاثِينَ مِنْ مَهَاجِرِكَ

بر سر سال سی و هجتم از هجرت تو

فَتَلَبَّثْتُ بِذَلِكَ خَمْسًا ثُمَّ لَا بَدَّ رَحَى

پس میماند بن گشتن پنج سال پس نه آن با جبرئیل استیای

ضَلَالَةٍ هِيَ قَائِمَةٌ عَلَى قُطْبِهَا ثُمَّ

مگر ای که استاده باشد بر قطب خود پس آن

این آیه را و مگر در سیدم ۹۰ آنرا که
مؤمنان و مگر در پیش از این مردان و آن در حق
مکلفند کرده شد در آن و خبر نامه ما و آنرا و اینها

این آیه را و مگر در سیدم ۹۰ آنرا که
مؤمنان و مگر در پیش از این مردان و آن در حق
مکلفند کرده شد در آن و خبر نامه ما و آنرا و اینها

بِقَوْلِهِ

و مگر در سیدم ۹۰ آنرا که

وَبَعْضُنَا أَخْبَرَ اللَّهُ نَبِيَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

و گفته باری عز و جل در حق محمد و آل او درود

بِمَا يُلْقِي أَهْلُ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلُ مَوْدِعَتِهِمْ

با کچه میرسد اهل بیت محمد و دوستان را

وَسَيَعْنَهُمْ مِنْهُمْ فِي أَيَّامِهِمْ وَمُلْكِهِمْ

و بجز و این است که در روزی است در تمام دولت و پادشاهی

قَالَ وَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِمْ أَلَمْ تَزَلِ

گفت حضرت صادق علیه السلام که از خدا تعالی در راه حق است آگاهی می آید

الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا وَ أَحْلَوْا

این که می گویند که نعمت است از خدا تعالی را بخران و فرموده است

قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ جَهَنَّمَ بَصُلُونَهَا

قوم خود را در دوزخ بهرامی طاعت که جسم است در میانند و دار

وَيَسِّرُ الْقُرَارُ وَ نِعْمَةُ اللَّهِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلُ

و می آید که طاعت و نعمت است در محمد و اهل بیت

بَيْنَهُمْ حَبْنُهُمْ إِيْمَانٌ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَ تَجَنُّهُ

بیت او دوستی است که ایمان است که داخل می شود بهشت و دوری است

كُفْرٌ وَ نِفَاقٌ يَدْخُلُ النَّارَ فَاسْرَرٌ

کفر است و نفاق که می گویند که در دوزخ است پس چنانچه

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

ذَلِكَ إِلَى عَلِيٍّ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

اینکه تا حضرت علی علیه السلام و اهل بیت او بر اهل بیت و درود

از اینست که طاعت است که
دانش است که طاعت است
و اینست که طاعت است

قَالَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

گفت شکر الہی کی گفت حضرت صادق علیہ السلام

مَا خَرَجَ وَمَا يُخْرِجُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ

که خنجر کرده دست بر رخ کوه کرده اند، اول بیت آ

قِيَامٍ قَائِمًا أَحَدٌ لِيَدْفَعُ ظُلْمًا وَيُنْعِشَ

برداشت قایم مایه صابون برای آنکه در کوه سستی ایامه سازد

حَقًّا إِلَّا أَصْطَلَمْتُهُ الْبَلِيَّةُ فَكَانَ

حقیرا مکر ایلیہ از پنج برکنہ اورا بطا فی دہرہ ہند

قِيَامُهُ زِيَادَةٌ فِي مَكَرٍ وَهِنًا وَشَيْخَانَةٍ

قیم اور پچھم عشق زادی اندوہ دیردوان

فَالْمُتَوَكِّلُ ابْنُ هَارُونَ ثُمَّ اَمْلَى

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِذْ قَالَ لَهُمْ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِمْ الْفُلُ يَأْتِيهِمْ فِي الْوُجُوهِ

عَلَىٰ ابْنِ عَبَّادٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ السَّلَامُ الْآدَمِيَّةُ

بسم الله الرحمن الرحيم

وهي خمسة وسبعون بابا سفت

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ

عَنْ مَنِهَا أَحَدُ عَشَرَ بَابًا وَحَفِظْتُ

وَبِالْأَسْمَاءِ هِيَ الْمُبِينَا

از اینها شصت و چهار باب ورودات کردیم

لَا أَفْضَا قَالُوا وَهَآئِهِ مَحْشَأُكُمْ

ابوالمفضل قال وحديثي حمزة

...

في القسم الثاني

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the previous page, written in a cursive style.

الحسن

در کتب و در این کتاب
در کتب و در این کتاب
در کتب و در این کتاب

الحَسَنُ بْنُ رُوَيْبَةَ أَبُو بَكْرٍ كَرَّمَ اللَّهُ
 الْكَائِبُ نَزِيلُ الرَّحْمَةِ فِي رِجَالِهِ
 قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْمُسْلِمِ
 الْمُطَهَّرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ
 عَمْرِو بْنِ مُتَوَكِّلٍ التَّفْغِي الْبَلْخِيُّ
 عَنْ أَبِيهِ الْمُتَوَكِّلِ بْنِ هُرُونٍ
 قَالَ لَفِيتُ بِحُجَيِّ بْنِ زَيْدٍ بْنِ عَلِيٍّ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ فَذَكَرَ الْحَدِيثَ بِتَمَامِهِ
 إِلَى نَزْوِي النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَآلِهِ النَّبِيُّ ذَكَرَ هَاجِفُ بْنُ مُحَمَّدٍ
 عَنْ آبَائِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ



وَفِي رَوَايَةِ الْمُطَهَّرِي ذِكْرُ

در روایت مطهری ذکر است

الْأَبْوَابِ وَهِيَ التَّحْمِيدُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

ابواب دعا و آن است تحسین کردن برای خدا می توانی

الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّلَاةُ عَلَى

درود بر ستادان بر محمد و آل او درود بر ستادان

حَمَلَةِ الْعَرْشِ الصَّلَاةُ عَلَى مُصَدِّقِي

بر دارنده عرش درود بر ستادان بر صدیقین خداوند

الرَّسْلِ دُعَاؤُا لِنَفْسِهِ وَخَاصَّتِهِ

بسمان دعا می گفت برای خود و خواص خود

دُعَاؤُا عِنْدَ الصَّبَاحِ دُعَاؤُا فِي الْمُهَيَّمَةِ

دعا می گفت نزد صبح دعا می گفت در مهیما

دُعَاؤُا فِي الْإِسْتِعَاذَةِ دُعَاؤُا فِي الْإِسْتِثْنَاءِ

دعا می گفت در پناه گشتن از عاقبت دعا می گفت در پناه گشتن

دُعَاؤُا فِي الْجَاءِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى دُعَاؤُا

دعا می گفت در پناه بردن گشتن برای حق تعالی دعا می گفت

دُعَاؤُا بِجَوَائِمِ الْخَيْرِ دُعَاؤُا فِي الْإِعْتِرَاءِ

دعا می گفت با جوامع خیر دعا می گفت در اعتراف

وَطَلَبِ التَّوْبَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ دُعَاؤُا

در طلب توبه گشتن برای خدا می توانی دعا می گفت

فِي طَلَبِ الْحَوَائِجِ دُعَاؤُا فِي الظَّلَامَاتِ

در طلب حاجات دعا می گفت در تاریکی ها

دُعَاؤُا



دُعَاؤُ عِنْدَ الْمَرَضِ دُعَاؤُ فِي الْإِسْتِثْقَالَةِ

دعای کثرت نزد بیماری و دعای کثرت در کسالت

دُعَاؤُ عَلَى الشَّيْطَانِ دُعَاؤُ فِي الْمَخْذُورَةِ

دعای کثرت بر شیطان و دعای کثرت در مخرجه

دُعَاؤُ فِي الْإِسْتِسْقَاءِ دُعَاؤُ فِي مَكَارِمِ

دعای کثرت در طلب باران و دعای کثرت در احسان

الْإِحْلَاقِ دُعَاؤُ إِذَا اخْرَجْتُمُ فِي

الکسب و توده دعا کثرت هرگاه اندوختن نزد او امری در

الْإِسْتِثْقَالِ كَقَاءِ دُعَاؤُ عِنْدَ الشَّدَةِ

طلب کثرت آن دعا کثرت نزد سختی

دُعَاؤُ بِالْعَافِيَةِ دُعَاؤُ لِابْنِهِ دُعَاؤُ

برای کثرت در شفای دعا کثرت برای پسر دعا کثرت

دُعَاؤُ لِوَلَدِكَ دُعَاؤُ لِحَبْرَانِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ دُعَاؤُ

برای اولاد دعا کثرت برای صاحبکار خود و دوستان خود دعا کثرت

دُعَاؤُ لِأَهْلِ الشُّعُورِ دُعَاؤُ فِي التَّفَرُّعِ

دعای کثرت برای کجایان دعا کثرت در شش و در سبب

دُعَاؤُ إِذَا اقْتَرَعَتْ عَلَيْهِ الرِّزْقُ دُعَاؤُ

دعای کثرت هرگاه رزق بر او میفتد دعا کثرت

دُعَاؤُ فِي الْمَعُونَةِ عَلَى قَضَاءِ الدِّينِ

در طلب برای انداختن در پس داد و در قرض

دُعَاؤُ فِي ذِكْرِ التَّوْبَةِ وَ طَلِبِهَا

دعای کثرت در یاد و طلب توبه و طلب توبه

دُعَاؤُهُ فِي صَلَوةِ اللَّيْلِ **دُعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِخَارَةِ**

دعا که حضرت در نماز شب دعا که حضرت در طلب خیر و دفع شر

دُعَاؤُهُ فِي طَلَبِ السِّتْرِ إِذَا ابْتَلَى أَوْ رَأَى

دعا که حضرت در طلب پوشش و در زمانی که آفت یا آزار را می بیند یا می شناسد

مُسْتَلَى **دُعَاؤُهُ فِي الرِّضَا بِالْقَضَاءِ**

دعا که حضرت در رضایت و در رضا و در تقضای بندگان

دُعَاؤُهُ عِنْدَ سَمَاعِ الرَّعْدِ **دُعَاؤُهُ فِي الْأَعْيَادِ**

دعا که حضرت نزد شنیدن رعد دعا که حضرت در ایام و در اعیان

بِالتَّقْصِيرِ عَنْ تَادِيَةِ الشُّكْرِ

بالتقصیر از ادا کردن شکر که ادا می شود

دُعَاؤُهُ فِي الْأَعْتَادِ مِنْ تَبَعَاتِ الْعِبَادِ

دعا که حضرت در اعتدال و در عهد و در تبعات بندگان

دُعَاؤُهُ فِي طَلَبِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ **دُعَاؤُهُ**

دعا که حضرت در طلب عفو و رحمت دعا که حضرت

إِذَا نَعِيَ إِلَيْهِ مَيِّتٌ أَوْ ذِكْرُ الْمَوْتِ

نزدیک کردن مرد متوفی یا یاد کردن مرگ

دُعَاؤُهُ فِي السِّتْرِ وَالْوَقَايَةِ **دُعَاؤُهُ عِنْدَ**

دعا که حضرت در طلب پوشش و در وقایع دعا که حضرت

خَتَمِ الْقُرْآنِ **دُعَاؤُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْهَلَالِ**

ختم کردن قرآن دعا که حضرت هرگاه به هلال نگاه کند یا در

دُعَاؤُهُ لِدُخُولِ شَهْرِ رَمَضَانَ **دُعَاؤُهُ**

دعا که حضرت از برای آمدن ماه رمضان دعا که حضرت

الودعة



لِيُودَاعَ شَهْرَ رَمَضَانَ **دُعَاؤُهُ لِلْعِيدِ**
 وَالْجُمُعَةِ **دُعَاؤُهُ فِي دَفْعِ كَيْدِ الْأَعْدَاءِ**
 وَرَدِّ بَاسِهِمْ **دُعَاؤُهُ فِي الرَّهْبَةِ دُعَاؤُهُ**
 فِي التَّضَرُّعِ وَالِاسْتِغَاثَةِ **كَأَنَّهُ دُعَاؤُهُ**
 فِي الْإِحْتِاجِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ **دُعَاؤُهُ**
دُعَاؤُهُ فِي التَّذَلُّلِ دُعَاؤُهُ فِي اسْتِكْشَافِ
الْهُمُومِ وَبَاقِي الْأَبْوَابِ بِقِطْعَةِ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِ رَحِمَهُ اللَّهُ
حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ
الْحَسَنِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ
عَمْرٍو خَطَّابُ الزَّيَّاتِ قَالَ

دُعَاؤُهُ فِي دَفْعِ كَيْدِ الْأَعْدَاءِ
 دُعَاؤُهُ فِي الرَّهْبَةِ
 دُعَاؤُهُ فِي التَّضَرُّعِ وَالِاسْتِغَاثَةِ

دُعَاؤُهُ فِي التَّذَلُّلِ
 دُعَاؤُهُ فِي اسْتِكْشَافِ الْهُمُومِ
 دُعَاؤُهُ فِي الْإِحْتِاجِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

حَدَّثَنِي خَالِي عَلَى بْنُ النُّعْمَانِ لَا أَعْلَمُ

روایت کرده ام خالوی من علی بن النعمان را نمی دانم

قَالَ حَدَّثَنِي عَمِيرُ بْنُ مُتَوَكِّلٍ التَّفَقُّ

گفت روایت کرده ام امیر بن متوکل التقف

الْبَلْخِي عَنْ أَبِيهِ مُتَوَكِّلِ بْنِ هُرَيْرٍ

بلخی از پدرش متوکل بن هریز

قَالَ أَمَلَى عَلَى سَيِّدِي الصَّادِقِ

گفت خوانده ام بر من پیغمبر اسلام حضرت صادق

أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ

گفت ابو عبد الله جعفر بن محمد

أَمَلَى جَدِّي عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَى أَبِي

خوانده ام جد من علی بن الحسین علی ابی

مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَشْهَدِي

حضرت امام محمد باقر علیه السلام در مشهد

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ابْتَدَأَ

وكان من دعائه عليه السلام اذا ابتدأ

بِالدُّعَاءِ بِدَايَا الْحَمْدِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالشَّائِءِ عَلَيْهِ

در دعای او با دایای حمد لله عز وجل و شایء علیه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلَا أَوَّلٍ كَانَ

الحمد لله الاول بلا اول كان

قَبْلَهُ وَالْآخِرِ بِلَا آخِرٍ كَوْنَهُ

قبله والآخر بلا آخر كونه

اللَّيْلَى



کرامتی گروه است از زمین او چشمه

کینه کشندگان دعا فراموش است از وصف کردن اندیشه‌ها

در صف کشندگان به پیاد و رده است بقدرت خدا آفریننده

در آید و فی نفسه داخل حقیر اعظم و الشان ایدار حاشیه خود در

پس روایت از امام ابراهیم علیه السلام در این مختصر است

در حدیث محبت خود ، لک می شد

تا خیر نمودن از آنکه تقدیم نموده است ایشان سوی او و توانا نموده

بیشتر از آنچه مدفن خفته است و ادگر دانده

برای مصاحبه و نوشتن روز می معلوم

صفت شده از روز می خرد کم میکند

هرگز از یاد کرد دست نمی کشند و دنیا و دنیا طلبی را ترک کرده اند

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

مِنْهُمْ زَايِدٌ ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَوٰهٖ

وزارت اشیاء و گنبدہ پس نشین کردہ است از برای او در زندگی

أَجَلًا مَوْثُوتًا وَوَضَعَ لَهُ أَمَدًا مَمْلُوءًا

دست معلومی در دست است برای او نهایت معینی

يَخْطُ إِلَيْهِ بِأَيَّامِ عَمْرِهِ وَيَرْهَفُهُ

کام نیز خدادی بسوی آن خجاست روزهای زندگیش دزد یک مظلوم

بَاعُوا مِ دَهْرِهِ حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَقْصَى

بایمانی روزگار شریف تا چون سید بهایت

اشْرَءْ وَاسْتَوْعِبْ حِسَابَ عَمْرِ قَبْضَ

درشن و قائم شده شماره زمین لیکن افزاینده

إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورٍ تَوَابِهِ

سوی پنجم خوانده است سوی آن از خواست بسیار خود

وَأَخَذُوا بِعِقَابِهِ يُخْزِي الَّذِينَ كَفَرُوا

ی عقاب خندار کرده شده تا اینکه خراوم اکس خرا که به کرده

بِمَا عَمِلُوا وَيُجْزَى الَّذِينَ حَسَنُوا بِالْحُسْنِ

سید اکبر کرده اند دستنوا و در آوازهای مختلف

عَدْلًا مِنْهُ تَفْدِ سِتَّ سَمَائِهِ وَتَظَاهِرُ

از عدل خود

الْأَوَّلَ لَا يَسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ لَا يَسْأَلُونَ

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ عَذَابٌ أَلِيمٌ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَوْحَىٰ عَنْ عِبَادِهِ

دستبازان و خدا را به

مَحْدُودًا

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

بشناختن کسیں حدود و برآ کچھ عطا کردہ نہیں! از نعمتہای

بی در پی خود و اتمام نمودن برایشان از نشستی

بی بی در پی خود و اتمام نمودن برایشان از ششمتی

یوں کہ جو کہ اس کے لئے ہے وہ اس کے لئے ہے

وَلَوْ سَئَعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يُغْنِ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُكْرِمُونَ

در ایامی هستند در روزی او بیست و نه روز می آید

۱- سرکه گاو گودزی بهس

حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حُدُودِ الْبَهِيمَةِ

بسمی صد چسارمانی

یسو، یزدی بنا کنه دصف کرده دکت ر مکه عز

کتابہ انہم الا کالانعام

[illegible]

مجلس این از بنیام کمر او ترند و در آن روز خدایا

لَا عَرْفَنَامِنْ نَفْسِهِ وَالْهَمْنَامِنْ

کے

شکر خود دگر شود است برای ما از درای علم

موسسه کمالیانه

يُرْوِيهِنَا وَدَلَّنَا عَلَيْهِ مِنَ الْإِخْلَاقِ

ببر در دکاری خود و راه عزیمت را بر آس از اخلاص و مهر و

لَهُ فِي تَوْحِيدِهِ وَجَنَّبَنَا مِنَ الْإِخْلَادِ

برای او در چکاتی او و در دکر داند به است از الحاد

وَالشَّكِّ فِي أَمْرِ حَمْدًا نَعْتَمُّ بِهِ فِيمَرْجَلُ

دست در امراد سپاسی که زیت کهنه را در میان حرکه جگر

مِنْ خَلْقِهِ وَلَسَبِقَ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَى

آفسر مکان (د وېشني کليم) آن سدرېشني کليمه

رِضَاهُ وَعَقْوُهُ حَمْدًا يُضِيُّ لَنَا بِهِ

در شنود می آید و عجز از سپاسی که روشن کننده راجعی باشد

ظلمات البرزخ وليسهل علينا به

مآثرهای بهتر از دستان گرداننده ما

سَبِيلِ الْبَعْثِ وَكُشِّرَ بِهِ مَنَازِلُنَا

۱۲۰ مشهوره و شرف از زبان جلالی دارد

عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ يَوْمَ تُجْزَى

روز جاری ایستادن روزی که حرم و امام

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ

مهر نفس : کج کب کرده است و باشد

لَا يَظْلُمُونَ يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ شُرَكَاؤُهُمْ لَا يُفْلِكُونَ

ستم کرد، می‌شوند روزی که دفع می‌کند دوستی از دوستی

شَيْئًا وَهُمْ لَا يُنْصَرُونَ حَمَلًا يَرْفَعُ

پھر اس وقت کی پاریس میں گئے۔ وہاں ان کی پوری زندگی گزری۔

اعمال

مِنَّا إِلَىٰ أَعْلَىٰ عَلَيْهِ فِي كِتَابِ

از ما بر روی اعلیٰ عیسی و نگاه داشته شود در کتاب

مَرْقُومٍ لِشَهَدَةِ الْمُقَرَّبُونَ حَمْدًا تَقَرَّبُ بِهِ

نوشته شده که حاضر شوند مقربان سبای که مرده و آن

عُيُونُنَا إِذَا بَرَقَ الْإِبْصَارُ وَتَقَيَّصُ

چشمهای ما بنگاه می که خیره می شود چشمها و می خیزد

بِهِ وَجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَّتِ الْإِبْتِثَارُ

پیش روی ما بنگاه می که سیاه شود پیش رو

حَمْدًا نَعْتَوِيهِ مِنَ الْيَمِّ نَارًا لِلَّهِ الْكَرِيمِ

سبای که بر آید از روی یامیم آن در آتش آید ناله خدا بر روی یامیم

جَوَارِ اللَّهِ حَمْدًا نَزَّاحِمٍ بِمَلَكُوتِهِ

در مجده خدا سبای که بر آید از یامیم آن در ملکوت

الْمُقَرَّبِينَ وَنُضَامٍ بِهِ أَنْبِيَاءُ الْمُرْسَلِينَ

مقربان را و نظم بهم سبای که بر آید از یامیم آن در مرسل

فِي دَارِ الْمَقَامَةِ الَّتِي لَا تَزُولُ وَمَحَلِّ

در خانه اقامتی که بر آید از یامیم آن در محل

كَرَامَتِهِ الَّتِي لَا تَحُولُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

زادش بخت که بر آید از یامیم آن در کرامت

الَّذِي اخْتَارَ لَنَا خَاسِنَ الْخَلْقِ وَجَرَى

که برگزیده است ما را خردمندی خلق را و در آید از یامیم آن

عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ وَجَعَلَ لَنَا

برای ما روزهای پاکیزه و کردار نیک است برای ما

و الله اعلم
بما لا يعلمون
الحمد لله
الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا
هداه

و الله اعلم
بما لا يعلمون
الحمد لله
الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا
هداه



الفَضِيلَةُ بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ

زیادتی بسبب تنگدستی جمع متن

فَكَلَّ خَلِيفَتِهِ مُنْقَادَةً لَّنَا بِقُدْرَتِهِ

پس ہم آفرینش می او فرمان بردارند ما را تقدیر است

وَصَائِرُهُ إِلَى طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

و کرد از ده اند سومی و علت ما را لغزت او بود

الَّذِي أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ

که دست از ما دور است ما را که مریضی داد

فَكَيْفَ نَطِيقُ حَمْدَهُ أَمْ مَتَى

مکتبہ دارالمسیر احمدیہ کے

تُوَدِّيْ شَيْءًا لِّمَنِيَّ وَالْحَدُّ لِلَّهِ

اور شام کو ایک اور غلام کو دیا کہ تو غلام کی سیو مضہ

الَّذِي رَكَّبَنَا الْآلَتِ الْبَشِطِ

تک فہرستوں، الحق می کشوں

وَجَعَلْنَا أَدْوَاتِ الْقَبْضِ وَمَتَعْنَا

مکتبہ اسلامیہ دارالعلوم دیوبند

مَارُوا فِي الْحَمَةِ وَأَنْتُمْ فَنَاحُوا رَحَ

درج سیویں

الأَعْمالُ وَغَدَائِطَاتُ الرِّزْقِ

هـ صحابہ و صحابیہ

وَاعْنَانَا بِفَضْلِهِ وَاقْنَانَا مَنَّهُ ثُمَّ

الحمد لله رب العالمين

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the previous page, written in a cursive style. The text is arranged in a single column and appears to be a continuation of the historical or biographical narrative.

أَمْرًا لِيُخْتَبَرُ طَاعَتُنَا وَنَمُنَّا لِيَبْتَلَى

امر کرد ما را تا بخوابد و بخت کند از روی امر او تا بخت کند تا بخت کند

شَكَرْنَا فَمَا لِفُسَاخٍ عَنْ طَرَفِ أَمْرِهِ

شکر کرد ما را پس چرا فساد است از طرف امر او

وَرَكِبْنَا مَتُونٌ زَجْرٌ فَلَمْ يَبْدُرْنَا

و سوار شدیم بر اسبهای تند و نرسیدیم

بِعَقْوِيْنِهِ وَلَمْ يُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ بَلْ أَنَا

در عقوبت خود و نرسید به نقامت خود بلكه ما

بِرَحْمَتِهِ تَكْرُمًا وَانْظُرْ مَرَجَعَنَا

بر رحمت خود از روی کرم و نگاه کن بازگشت ما را

بِرَأْفَتِهِ حَلْمًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَكُنْ

بر رافت خود از روی بردباری و ستایش خدا را که راه نرفت ما را

عَلَى التَّوْبَةِ الَّتِي لَمْ نَقْضِهَا إِلَّا مِنْ قَضَى

بر توبه که نپایان دادیم آنرا مگر از قضای

فَلَوْ لَمْ نَعْتَدْ دَمِنْ فَضْلِهِ إِلَّا بِهَا لَقَدْ

پس اگر در شمار نداشتیم آنرا مگر بپایان آنرا مگر از فضل او

حَسَنَ بِلَاقٍ عِنْدَنَا وَجَلَّ إِحْسَانُهُ

نیکو است بپایان نزد ما و بزرگ است احسان او

إِلَيْنَا وَجَسَمَ فَضْلُهُ عَلَيْنَا فَمَا هَلَكْنَا

بر سوی ما و جسد فضل او بر ما پس چرا هلاک شدیم

كَأَنَّ سُنَّتَهُ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ

چون سنت او در توبه است برای هر که بود

و سوار شدیم بر اسبهای تند و نرسیدیم
بِعَقْوِيْنِهِ وَلَمْ يُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ بَلْ أَنَا
بِرَحْمَتِهِ تَكْرُمًا وَانْظُرْ مَرَجَعَنَا
بِرَأْفَتِهِ حَلْمًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَكُنْ
عَلَى التَّوْبَةِ الَّتِي لَمْ نَقْضِهَا إِلَّا مِنْ قَضَى
فَلَوْ لَمْ نَعْتَدْ دَمِنْ فَضْلِهِ إِلَّا بِهَا لَقَدْ
حَسَنَ بِلَاقٍ عِنْدَنَا وَجَلَّ إِحْسَانُهُ
إِلَيْنَا وَجَسَمَ فَضْلُهُ عَلَيْنَا فَمَا هَلَكْنَا
كَأَنَّ سُنَّتَهُ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ



قَبَلْنَا لَقَدْ وَضَعْنَا لَهَا أَطَاقَةً

پیش از آن که وضع کردیم برای آن

بِهِ وَلَمْ يُكَلِّفْنَا الْإِسْعَاءَ وَلَمْ يَجْعَلْنَا

بر او و نگذاشتیم بر او دشواری و نگذاشتیم

إِلَّا يَسْرًا وَلَمْ يَدُلَّ أَحَدًا حَاجَتَهُ وَلَا

یکسری و نگذاشتیم کسی را که بداند حاجت او را و نگذاشتیم

عَدْرًا فَالْهَذَا لَكَ مِثْلُ مَنْ هَلَكَ عَلَيْهِ

و نگذاشتیم کسی را که بر او گناه باشد

وَالسَّعِيدُ مِثْلُ مَنْ رَغِبَ إِلَيْهِ وَالْحَدُّ

و شادمانی مِثْلِ مَنْ که به او رغبت کند و حد

بِكُلِّ أَحَدٍ بِهِ أَذْنَى مِثْلُ كُنْ

بر هر کسی که به او آذنی مِثْلِ كُنْ

إِلَيْهِ وَاتَّكِرْ خَلِيفَتَهُ عَلَيْهِ وَأَوْ

و اتکرم خلیفه او را به او و او را

حَامِدِيهِ لَدَيْهِ حَمْدًا يَفْضُلُ سَائِرَ

حمدهای او را در نزد او با حمدی که بر همه دیگر است

الْحَمْدُ كَفَضْلِ رَبِّنَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ

است حمدی که بر همه خلق است

تَمَّ لَهُ الْحَمْدُ كَمَا أَنَّ كُلَّ نِعْمَةٍ لَهُ حَمْدٌ

و تمام شد حمد او همانند آنکه هر نعمتی که از او است حمدی است

وَعَلَى جَمِيعِ عِبَادِهِ الْمَاضِينَ وَالْبَاقِينَ

و بر همه بندگان او گذشته و آینده

عَلَّه

عَدَدَمَا أَخَاطَ بِهِ عِلْمُهُ مِنْ جَمِيعِ

الْأَشْيَاءِ وَمَكَانَ كُلِّ وَاحِدَةٍ

مِنْهَا عَدَدُهَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً

أَبْلَسَ مَدًّا إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ حَمْدًا

لَا مُنْتَهَى لِحَمْدِهِ وَلَا حِسَابَ لِعَدَدِهِ

وَلَا مَبْلَغَ لِعَاقِبَتِهِ وَلَا انْقِطَاعَ لَأَمْرِهِ

حَمْدًا يَكُونُ وَصْلَةً إِلَى طَاعَتِهِ

وَعَقْدًا وَسَبَبًا إِلَى رِضْوَانِهِ وَذَرْعًا

إِلَى مَغْفِرَتِهِ وَطَرِيقًا إِلَى جَنَّتِهِ وَنَهْجًا

مِنْ نَقَمَتِهِ وَأَمْنًا مِنْ غَضَبِهِ وَظَهْرًا

عَلَى طَاعَتِهِ وَخَاجِرًا عَنْ مَعْصِيَتِهِ

نیز در این کتاب
در بیان
شماره ها و
اعداد و
مکان ها و
در بیان
شماره ها و
اعداد و
مکان ها و

در بیان
شماره ها و
اعداد و
مکان ها و
در بیان
شماره ها و
اعداد و
مکان ها و

وَعَوْنَا عَلَى تَادِيَةِ حَقِّهِ وَوَظَّافَهُ حَمَلًا

و در کارهای بارگذاشتن حق او و در کارهای بارگذاشتن حق او

نَسْعُدُ بِهِ فِي السَّعْدَاءِ مِنْ أَوْلِيَاءِهِ

که بخدمت خودیم از دوستان و یاران

وَنُضِيرُ بِهِ فِي نَظْمِ الشَّهْدَاءِ لِسُيُوفِ

و بجزایم سپاه در نظم شهدا و شمشیر

أَعْدَائِهِ إِنَّهُ وَلِيُّ حَسَنٍ

و دشمنان او بر کسی که او را یاری درنده

وَكَانَ فِي غَايَةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ هَذَا

و بود از و در آخر عمر

التَّحْمِيدُ الصَّلَاةُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

سپاس در صورت بر رسول خدا صلی الله علیه و آله

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ

و سپاس خدا را که انعام کرد بر ما و محمد پیغمبر ما را

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دُونَ الْأَمَمِ الْمَلَأَ

در کتب خود را و آل او را با ائمه که پرستند

وَالْقُرُونِ السَّالِفَةِ بِقُدْرَتِهِ الَّتِي

و در این می پرستند و قدرت او را که

لَا تَجْزَعُ عَنْ شَيْءٍ وَإِنْ عَظُمَ وَلَا يَفُوتُهَا

چیز نبود از چیزی و هر چند بزرگ باشد و فراموشش نبود

شَيْءٌ وَإِنْ لَطَفَ فَخَتَمَ بِنَا عَلَى جَمِيعِ

چیزی و اگر چه نازک کند پس ختم کرد با بر همه

مَنْ

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله



مَنْ ذَرَأَ أَوْ جَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى مَنْ جَعَلَهُ

اگر چه آفریده و گردانیده اند کولان را بر هر که کار کرد

وَكُنَّا بِمَنْتِهِ عَلَى مَنْ قُلُ اللَّهُمَّ

و بسپاردی و دادی برست خود را آنکه آنکه بود یا رفتند

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَخَيْرِ

پس تسبیح کن بر محمد و آل محمد و بر خیر

وَجَيْبِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَصَفِيكَ مِنْ

از جیب تو از خلق تو و بسندیده تو است از

عِبَادِكَ إِمَامِ الرَّحْمَةِ وَقَائِدِ الْخَيْرِ

بسندگان تو بشوای رحمت و پیشرو خیر

وَمِفْتَاحِ الْبَرَكَةِ كَمَا نَصَبَ لِمَرْكَ

و کلید برکت را چنانکه تو نهادی برای

نَفْسِهِ وَعَرَضَ فِيكَ لِلْمَكْرُوهِ بَدَلَهُ

نفس خود را در پیش تو نهاد و برای آنکه بدو بد

وَكَا شَفَى فِي الدُّعَاءِ إِلَيْكَ حَامَتُهُ

و آید بخار کرد و شفا داد در خواندن بسوی تو، خوف تو

وَحَارِبَ فِي رِضَاكَ أَسْرَتَهُ وَقَطَعَ

و کارزار کرد در آنکه تو را در پیش خود و بر

فِي أَحْيَاءِ دِينِكَ رَحْمَةً وَأَقْصَى الْأَيْتِشِ

در زنده دین تو رحمت و دور کرد از نزد تو

عَلَى جُحُودِهِمْ وَقَرَّبَ الْأَقْصَيْنِ

بر کارهای دشوار تو را و نزدیک ساخت دوران را

این تسبیح را بر هر که بخواند
در روز قیامت
پادشاه بهشت است

این تسبیح را بر هر که بخواند
در روز قیامت
پادشاه بهشت است

و کما



عَلَى اسْتِجَابَتِهِمْ لَكَ وَوَالِي فَيْكِ

در بوم کون استیجاب برای امر تو و دوستی کرد در راه تو

الْأَبْعَدِينَ وَعَادَى فَيْكِ الْأَقْرَبِينَ

از دورتر آن و دشمنی کرد در راه تو از نزدیکتر آن

وَأَذَابَ نَفْسِهِ فِي تَكْلِيلِ رِسَالَتِكَ

و تلافی نفس خود را در تاج رسالت تو

وَاتَّبَعَهَا بِاللِّدْعَاءِ إِلَى مِلَّتِكَ وَشَغَلَهَا

و پیوسته انداخت او را بسبب فریاد تو و مشغول داشت

بِالنَّصْحِ لِأَهْلِ دَعْوَتِكَ وَهَاجَرَ إِلَى بِلَادِ

بیت و دامن برای دعوت تو و دوری کرد سوی

الْغُرَبَاءِ وَحَمَلَ النَّاسَ عَنْ مَوْطِنِ

غریب و حمل مردمی از جاگاه

رَحْلِهِ وَمَوْضِعَ رَحْلِهِ وَمَسْقَطَ رَأْسِهِ

راهنمای خود و موضع قدم تو و محل انداختن سر خود

وَمَا نَسِ نَفْسُهُ إِزَادَةً مِنْهُ لِإِعْزَازِ

و آنچه را که فراموش نکرد از بزرگواری او

وَأَسْتَنْصَارًا عَلَى أَهْلِ الْكُفْرِ

و برای استیضاح بر اهل کفر

حَتَّى اسْتَنْتَبَ لَهُ مَا حَاوَلَ فِي عَدْلِكَ

تا آنکه در استیضاح برای او آنچه مضاعف کرده در عدالت تو

وَأَسْتَمَّ لَهُ مَا ذُبَّرَ فِي أَوْلِيَائِكَ فَهَدَى

و تامل کرد برای او آنچه تزیین کرده در یاران تو و هدایت

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين أجمعين

الْبَيْتُ



إِلَيْهِمْ مُسْتَفْتِحًا بِعَوْنِكَ وَمُتَّقِيًا

بسیاری آغاز رنج جوینده بدو کاری تو در قوی

عَلَىٰ ضَعْفِهِ بِبَصْرِكَ فَعَزَّاهُمْ فِي عَقْرِ

با وجود ضعف خود بصیرت تو پس فکند با ایشان در پس

دِيَارِهِمْ وَهَجَمَ عَلَيْهِمْ فِي مَجْبُوحَةٍ قَرَّاهُمْ

فانگشاید ایشان را هجوم آورد در پشت آن در وسط قرارگاه ایشان

حَتَّىٰ ظَهَرَ أَمْرُكَ وَغَلَّتْ كَلِمَتُكَ

تا آنکه ظاهر شد امر تو و پنهان گردید کلمه تو

وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ اللَّهُمَّ

و اگر چه دشمنان و مشرکان بدارند یا نه

فَارْزُقْهُ بِمَا كَلَحَ فِيكَ إِلَىٰ اللَّهِ حِمَّةٌ

پس میده که این سبب آن بشی که گشته در راه تو مراد

الْعُلَيَّا مِنْ جَنَّتِكَ حَتَّىٰ لَا يَسَاوِي

بالا ترین از بهشت تو تا کسی مساوی نباشد

فِي مَنَزَلَةٍ وَلَا يَكُافَا فِي مَرْتَبَةٍ

در منزلتی و در رسم برتری کند او در بر برتری

وَلَا يُوَازِيهِ لَدَيْكَ مَلَكٌ مُّقَرَّبٌ وَلَا

و در برابر نباشد با او نزدیک تو داشته مقرب او و نه

بَنِي مُرْسَلٍ وَعَرَّفَهُ فِي أَهْلِ الظَّاهِرِينَ

بنی مرسل یعنی در ایشان او را در با کان اهل او

وَأَمَّتِهِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ حُسْنِ الشَّفَاعَةِ

و ستمان آن است او از میگری شفاعت

خداوند است
در این دعا
بسیاری است
از این دعا

در این دعا
بسیاری است
از این دعا

أَجَلْ مَا وَعَدْتَهُ يَا نَافِذَ الْعَهْدِ يَا وَفِيَّ

نیاورد بر آنچه وعده کرده اورا ای رواستنده وعده ای وفا کننده

الْقَوْلِ بِأُمْدِلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافٍ

بکثرت ای بدل کننده بدیهای بچندین برابر

مِنَ الْحَسَنَاتِ إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

از خیریهایی بدی که بزرگتر است از بزرگی

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّلَاةِ عَلَى

و بود از دعای حضرت علی السلام در صلوة

حَمَلَةِ الْعَرْشِ وَكُلِّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ

و آورنده عرش و هر یک از ملائکه مقربین

اللَّهُمَّ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ الَّذِينَ لَا يَفْتَرُونَ

ای خدا ای آورنده عرش تو ای آنکه ساختن

مِنْ تَسْبِيحِكَ وَلَا يَسْأَمُونَ مِنْ تَقْدِيرِكَ

از تسبیح کردن تو و غول گیرنده از منزهت حق تو

وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ مِنْ عِبَادَتِكَ وَلَا

و ناله می ندارند از عبادت تو و

يُؤْتِرُونَ التَّقْصِيرَ عَلَى الْجِدِّ فِي أَمْرِكَ

استیغاثه می نمایند التقصیر را بر جدتت در کار تو

وَلَا يَخْفَلُونَ عَنِ الْوَلَاءِ إِلَيْكَ وَاسْتَرْفِ

و حاصل نمی شوند از وفاداری بسوی ذات تو و استرغف

صَاحِبِ الصُّورِ الشَّاهِصِ الَّذِي

که صاحب صورت است و چشم کننده

بشهر

يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ وَحُلُولَ الْأَمْرِ

فَيُسَبِّحُهَا بِالنَّفْحَةِ صَرَخِي رَهَائِنَ الْقُبُورِ

وَمِنْ كَاتِلٍ ذُو الْجَاهِ عِنْدَكَ

وَالَّذِي كَانَ الرَّفِيعُ مِنْ طَاعَتِكَ

وَجَبْرُ الْإِمِينِ عَلَى وَحْيِكَ الْمُطَاعِ

در جہان میں امین یا وحی تو در صفحہ

فِي أَهْلِ سَمَوَاتِكَ الْمَكِينُ لَدَيْكَ

المَقْرَبُ عِنْدَكَ وَالرَّوْحُ الَّذِي هُوَ

عَنْ
نَدْوَى
دَرْوِشِ كَرَمِي

عَلَى مِلَّةِ كَةِ الْحَجْبِ وَالرُّوحِ

الَّذِي مِنْ أَمْرِكَ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ

مِنْ سُبُكَانِ سَمَوَاتِكَ وَاهْلٍ

از سبب کفر استخوانی تر و ابل

۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱
 ۴۷۲

الْأَمَانَةَ عَلَى رِيسَالَتِكَ وَالَّذِي لَا

تَلْخُلُهُمْ سَاءَةٌ مِنْ ذُنُوبِهِمْ لَا عِلْمَ

مِنْ غُيُوبِهِمْ وَلَا فُتُورٍ وَلَا تَشْغَلُهُمْ

تَسْبِيحُكَ الشَّهَوَاتُ وَلَا يَقْطَعُكَ

عَنْ تَعْظِيمِكَ سَهْوُ الْغَفْلَاتِ الْحَشَعُ

الْأَبْصَارُ فَلَا يَرُومُونَ النَّظَرَ إِلَيْكَ

التَّوَاكُّسُ الْأَذْقَانُ الَّذِينَ قَدْ

طَالَتْ عَيْنُهُمْ قِيمَا لَدَيْكَ الْمُسْتَهْزِئُونَ

بِذِكْرِكَ الْإِلَهِاتُ وَالْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ

عَظَمَتِكَ وَجَلَالِ كِبَرِيَّاتِكَ

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا انْظُرُوا إِلَى جَهَنَّمَ

دُونَ مَا كُنْهُمْ يَنْظُرُونَ

این دعا را در هر روز بخواند هر کس که بخواهد از غیبت و غفلت و شهوات و فتنه ها محفوظ بماند و در تعظیم حق تعالی مداومت کند و از تواضع و بزرگواری و از نظر کردن به جهنم و از آنکه بگوید دُونَ مَا كُنْهُمْ يَنْظُرُونَ

ذُرِّ



زَجْرِهِ لِيَسْمَعَ زَجْلُ الرُّعُودِ وَإِذَا سَجَىٰ

راهنای او شنیده شود و آوازه برسد

خَفِيفَةُ السَّحَابِ التَّمَعَّتْ صَوَاعِقُ

ابرهای که محراب آردار است در شنیده شود و آوازه برسد

الْبُرُوقِ وَمُشْتَعِمِي السَّلْجِ وَالْبَرَدِ وَالْهَلَا

برقهای که شنیده در آوازی که همراهی است در آوازه برسد

مَعَ قَطْرِ الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ وَالْقَوَامِ عَلَىٰ

با قترای باران برگاه زود آمد و در است و آوازه برسد

خَزَائِنِ الرِّيحِ وَالْمَوَكِّلِينَ بِالْجِبَالِ

خزاینه های باد و برکنگان

فَلَا تَزُولُ وَالَّذِينَ عَرَفَهُمْ مَثَاقِيلُ اللَّيَالِ

زایل نشوند و آنانی که شناختند ساقیه

وَكَيْلُ مَا تُحْوِيهِ أَوَاعِي الْأَمْطَارِ

و قدر آنچه زارفته است بارانهای سخت

وَعَوَاجِجُهَا وَرُسُلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ

درجهت است در برکنان و از میان عالم

إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ تَكْرُوهُ مَا يَنْزِلُ

برای اهل زمین ببردی که نازل شود

مِنَ الْبَلَاءِ وَمَحْبُوبِ الرِّخَاءِ وَالسَّفَرِ

که آن عباد و محبوبی که آن را می بیند در رسیدن

الْكَرَامِ الْبَرَّةِ وَالْحَفْظَةِ الْكَرَامِ

کرامی سبک کار و آنانی که نگاهبان و کرامی

الکاشين



الْكَاتِبِينَ وَمَلَكَ الْمَوْتِ وَأَعْوَانَهُ

وَمُتَّكِرُونَ كَبِيرٌ وَمُبَشِّرٌ وَلَبِيشِيرٌ

وَرُومَانٌ فَتَانِ الْقُبُورِ وَالطَّائِفِينَ

بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَمَالِكٌ وَالْخَزَنَةُ

وَرِضْوَانٌ وَسَدَنَةُ الْجَنَّةِ وَالَّذِينَ

لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ

مَا يُؤْمَرُونَ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ

عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ

وَالرَّيَّانِيَّةِ الَّذِينَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ خُذُوا

فَعَلُوا ثُمَّ لَعَنُوا ابْتَدَأُوا سِرَاعًا

وَلَمْ يَنْظُرُوا وَمَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرُ

این کاتبین و ملاک الموت و اعوانه
و متکبران و مبشر و لبشیر
و رومان و فتان القبور و الطائفین
بالبیت المعمور و مالک و الخزنه
و رضوان و سدنه الجنه و الذین
لا یعصون الله ما امرهم و یفعلون
ما یؤمرون و الذین یقولون سلام
علیکم بما صبرتم فنعیم عقبی الدار
و الریانیه الذین اذا قیل لهم خذوا
فعلوا ثم لعنوا ابتدأوا سیراعاً
و لم یظنوا و من اوهمنا ذکر

و متکبران و مبشر و لبشیر
و رومان و فتان القبور و الطائفین
بالبیت المعمور و مالک و الخزنه
و رضوان و سدنه الجنه و الذین
لا یعصون الله ما امرهم و یفعلون
ما یؤمرون و الذین یقولون سلام
علیکم بما صبرتم فنعیم عقبی الدار
و الریانیه الذین اذا قیل لهم خذوا
فعلوا ثم لعنوا ابتدأوا سیراعاً
و لم یظنوا و من اوهمنا ذکر

و متکبران و مبشر و لبشیر
و رومان و فتان القبور و الطائفین
بالبیت المعمور و مالک و الخزنه
و رضوان و سدنه الجنه و الذین
لا یعصون الله ما امرهم و یفعلون
ما یؤمرون و الذین یقولون سلام
علیکم بما صبرتم فنعیم عقبی الدار
و الریانیه الذین اذا قیل لهم خذوا
فعلوا ثم لعنوا ابتدأوا سیراعاً
و لم یظنوا و من اوهمنا ذکر



وَلَمْ تَعْلَمْ مَكَانَهُ مِنْكَ وَيَا أَيُّ امْرِئٍ

وَكَلَمَتُهُ وَسُكَّانِ الْهَوَاءِ وَالْأَرْضِ

وَالْمَاءِ وَمَنْ مِنْهُمْ عَلَى الْخَلْقِ فَصَلِّ

عَلَيْهِمْ يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا قَائِمٌ وَ

شَهِيدٌ وَصَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَواتُ رَبِّكَ عَلَيْهِمْ

عَلَى كَرَامَةٍ عَلَى كَرَامَتِهِمْ

وَطَهْرَانِ عَلَى طَهَارَتِهِمُ اللَّهُمَّ وَإِذَا

صَلَّيْتَ عَلَى مَلِكٍ كَتَبْتَ لَهُ رُسُلَكَ

وَبَلَغْتَهُمْ صَلَواتُنا عَلَيْهِمْ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوَائِمِ يَا جَوَادِ

وَكَانَ مِنْ غَاثِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّلَوةِ

وَمِنْ غَاثِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرُحْمَةُ رَبِّكَ

وَلَمْ تَعْلَمْ مَكَانَهُ مِنْكَ وَيَا أَيُّ امْرِئٍ
وَكَلَمَتُهُ وَسُكَّانِ الْهَوَاءِ وَالْأَرْضِ
وَالْمَاءِ وَمَنْ مِنْهُمْ عَلَى الْخَلْقِ فَصَلِّ
عَلَيْهِمْ يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا قَائِمٌ وَ
شَهِيدٌ وَصَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَواتُ رَبِّكَ عَلَيْهِمْ
عَلَى كَرَامَةٍ عَلَى كَرَامَتِهِمْ
وَطَهْرَانِ عَلَى طَهَارَتِهِمُ اللَّهُمَّ وَإِذَا
صَلَّيْتَ عَلَى مَلِكٍ كَتَبْتَ لَهُ رُسُلَكَ
وَبَلَغْتَهُمْ صَلَواتُنا عَلَيْهِمْ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ
بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوَائِمِ يَا جَوَادِ
وَكَانَ مِنْ غَاثِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّلَوةِ
وَمِنْ غَاثِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرُحْمَةُ رَبِّكَ

وَلَمْ تَعْلَمْ مَكَانَهُ مِنْكَ وَيَا أَيُّ امْرِئٍ
وَكَلَمَتُهُ وَسُكَّانِ الْهَوَاءِ وَالْأَرْضِ
وَالْمَاءِ وَمَنْ مِنْهُمْ عَلَى الْخَلْقِ فَصَلِّ
عَلَيْهِمْ يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا قَائِمٌ وَ
شَهِيدٌ وَصَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَواتُ رَبِّكَ عَلَيْهِمْ
عَلَى كَرَامَةٍ عَلَى كَرَامَتِهِمْ
وَطَهْرَانِ عَلَى طَهَارَتِهِمُ اللَّهُمَّ وَإِذَا
صَلَّيْتَ عَلَى مَلِكٍ كَتَبْتَ لَهُ رُسُلَكَ
وَبَلَغْتَهُمْ صَلَواتُنا عَلَيْهِمْ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ
بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوَائِمِ يَا جَوَادِ
وَكَانَ مِنْ غَاثِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّلَوةِ
وَمِنْ غَاثِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرُحْمَةُ رَبِّكَ

غَاثِ



عَلَى اتِّبَاعِ الرَّسُولِ وَمُصَلِّ قِيَمِهِمْ

پسروان رسولان و تقدیم کنندگان

اللَّهُمَّ وَاتِّبَاعِ الرَّسُولِ وَمُصَلِّ قُوهُمْ

بار خدایا و پیروان رسولان و تقدیم کنندگان

مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عَنْهُ مَعَارِضُهُ

از اهل زمین بپیش روی پنهانی

الْمُعَانِدِينَ لَهُمْ بِالَّتِي كَذِبُوا

نیکوکاران را با آنکه کذب کردند

الْإِشْتِيَاءِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَائِقِ

دروغ و اشتیاق به رسولان و حقیقت

الْإِيمَانِ فِي كُلِّ دَهْرٍ وَزَمَانٍ

ایمان در هر روزگار و زمان

أَرْسَلَتْ فِيهِ رَسُولًا وَأَقَمْتَ لَهُ هُدًى

که فرستاده در آن رسولی و در راه او راه را

دَلِيلًا مِنْ لَدُنْكَ أَدْمُ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

راهنمایی از نزد تو آدم تا محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ أُمَّةٍ الْهُدَى وَقَادَةُ

پیامبر و آل او از امت هدایت و قادیان

أَهْلِ النَّفَقِ عَلَى جَمِيعِهِمْ السَّلَامُ فَادْكُرْ

مسلم را بر همه آنها سلام کن و یاد کن

مِنْكَ بِعَفْوَةٍ وَرِضْوَانٍ اللَّهُمَّ وَاصْحَا

از عفو تو و رضوان خدایا و صفا

و قدیم کنندگان
از اهل زمین
بپیش روی پنهانی
نیکوکاران را
با آنکه کذب کردند
دروغ و اشتیاق
به رسولان و حقیقت
ایمان در هر روزگار
و زمان
که فرستاده در آن
رسولی و در راه او
راه را راهنمایی
از نزد تو آدم تا
محمد صلی الله علیه
و آله از امت هدایت
و قادیان
پیامبر و آل او
از همه آنها سلام
کن و یاد کن
از عفو تو و رضوان
خدایا و صفا

و قدیم کنندگان

پسروان

کرمی

شفاعت



مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ

حضرت محمد صلی الله علیه و آله که

وَالَّذِينَ أَبْلَوْا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ

و آن صحابه که بنا کردند محبت و

وَكَا نَفَقُوا وَاسْرَعُوا إِلَى وَفَادَتِهِ

و در دگر روی نمودند و در وقت نهفتند بر ویست او

وَسَابِقُوا إِلَى دَعْوَتِهِ وَاسْتَجَابُوا لَهُ

و پیشتر رفتند بر وی دعوت او و استجاب کردند و

حَيْثُ أَسْمَعَهُمْ حُجَّةَ رَسُولِ اللَّهِ وَ

در وقتی که شنیدند از ایشان حجّت رسول الله

فَارَقُوا الْأَزْوَاجَ وَالْأَوْلَادَ فِي ظَهَارِ

و دوری کردند از زنان و اولاد در ظاهر

كَلِمَتِهِ وَقَاتَلُوا الْأَبَاءَ وَالْأَبْنَاءَ

کلمه او و کشتند پدران و اولاد خود را

فِي تَثْبِيتِ نَبْوَتِهِ وَانْتَصَرُوا بِهِ وَمَنْ

در تثبیت کردن نبوت او و در انتصار او بوسیله او

كَانُوا مُنْطَوِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِ يَرْجُونَ

که در دل می داشتند محبت او را در حالتی که امید داشتند

نَجَاتَهُ لَنْ يَبُورَ فِي مَوَدَّتِهِ وَالَّذِينَ

نجاتی را که در محبت او و راه نماند در دوستی او و آن صحابه

هَجَرَتْهُمْ الْعَشَائِرُ إِذْ تَعْلَقُوا بِعُرْوَةِ

که دوری کردند از ایشان عشایر چون چسبیدند به چوبه زنده نموده بودند

وَانْتَفَرَّتْ

و آن صحابه که بنا کردند محبت و در دگر روی نمودند و در وقت نهفتند بر ویست او و پیشتر رفتند بر وی دعوت او و استجاب کردند و در وقتی که شنیدند از ایشان حجّت رسول الله و دوری کردند از زنان و اولاد در ظاهر کلمه او و کشتند پدران و اولاد خود را در تثبیت کردن نبوت او و در انتصار او بوسیله او که در دل می داشتند محبت او را در حالتی که امید داشتند نجاتی را که در محبت او و راه نماند در دوستی او و آن صحابه که دوری کردند از ایشان عشایر چون چسبیدند به چوبه زنده نموده بودند

و آن صحابه که بنا کردند محبت و در دگر روی نمودند و در وقت نهفتند بر ویست او و پیشتر رفتند بر وی دعوت او و استجاب کردند و در وقتی که شنیدند از ایشان حجّت رسول الله و دوری کردند از زنان و اولاد در ظاهر کلمه او و کشتند پدران و اولاد خود را در تثبیت کردن نبوت او و در انتصار او بوسیله او که در دل می داشتند محبت او را در حالتی که امید داشتند نجاتی را که در محبت او و راه نماند در دوستی او و آن صحابه که دوری کردند از ایشان عشایر چون چسبیدند به چوبه زنده نموده بودند



وَانْتَفَتَ مِنْهُمْ الْقُرْبَاتُ اِذَا سَكُوا

بر طرقتہ از این فریثہ چوں بکشد

فِي ظِلِّ قَرَابَتِهِ فَلَا تَنْسَ لَهُمُ اللَّهُمَّ

در پی زوکی او پس ترک کن از دست با خدا

ما تَرْكُ وَالكَ وَفِيكَ وَأَرْضِهِمْ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مِنْ رِضْوَانِكَ وَبِمَا جَاشُوا الْخَلْقَ

لَكَ وَكَانُوا رِجَالًا ذُخْرًا

عليك واما تو اجمع رسولك دعا ه
بر تو در برون با رسول تو جهنده

سَالِيكَ وَاشْكُرْهُمْ عَلَيْهِمْ

برای رضای تو بگری تو و بگریاده اش را برود و می آید

يَا دِينَارُ مَوَاهِمٍ وَخُرُوجِهِمْ مِنْ

در راه تو و چار فوتم عوفرا و بی من آمدن

لَعْنَةُ الْمَعَانِ صَيْفِيَّةٍ وَمِنْ كَر

فَاعِزٌّ اَزْ دِيْنِكَ مَبْظُوْمٌ مِمَّا لَلَّهِ

در اعزاز و من حوز

وَأَوْصِلْ إِلَى التَّائِبِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ

در بیان معنی اس اسم آن بهترین برای خود را

لَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِ

انامی کہ میگوید: پروردگار ما بیا مرز ما را در اودان

فراق آب زلال است
که در دل و دماغ است
سین و دهن و زبان
با کمال و با کمال
یا که این آب است
که در گلو و گلو
تا که در گلو

سفری به ملک ایران
بیدار باد این سرزمین را
از کوه و دره و دشت و رود
که از آنجا برآید تا دریای

الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ خَيْرَ جَزَاءَ

که سبقت گرفته اند ما با ایمان بهتر است از ما

الَّذِينَ قَصَدُوا أَسْمَهُمْ وَحَزَرُوا وَجْهَهُمْ

اینکه می گزیدند آنرا و از روی خود می پوشیدند

وَمَضُوا عَلَى شَاكِكِ لَيْسَهُمْ لَيْسَتْ لَهُمْ

و می رفتند بر روی شکسته ای که نیست از آن

فِي بَصِيرَتِهِمْ وَلَمْ يَحْتَلِجْ لَهُمْ شَكٌّ فِي

در بینش ایشان و در مضمون حرف ایشان شک نبود

قَقْوَانَا رَهُمْ وَالْإِيمَانُ بِهِدَانِيهِمْ

و پیروی از ما و ایمان به هدایت ایشان

مُكَافِئِينَ وَمُؤَاظِرِينَ لَهُمْ وَيَدِينُونَ

در مقامی که با ایشان است و مواظبند بر ایشان و بدین

بِدِينِهِمْ وَيَهْتَدُونَ بِهِدْيِهِمْ يَتَفَقَّحُونَ

بر دین ایشان و در راه ایشان و از روی ایشان

عَلَيْهِمْ وَلَا يَتَهَمُونَهُمْ فِيمَا آذَوْا إِلَيْهِمْ

بر ایشان و متهم نمی نمایند ایشان را در آنچه از ایشان

اللَّهُمَّ وَصَلْ عَلَى التَّابِعِينَ مِنْ يَوْمِنَا

ای خداوند وصل کن بر پیروان ما از این روز

هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ وَعَلَى أَزْوَاجِهِمْ

این روز تا روز قیامت و بر زنهای ایشان

وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِمْ وَعَلَى مَنْ اطَاعَكَ

و بر اولاد ایشان و بر هر کس اطاعت کرده است از

و بر هر کس که از ایشان پیروی کند
و بر هر کس که از ایشان متابعت کند
و بر هر کس که از ایشان تقلید کند
و بر هر کس که از ایشان اقتداء کند
و بر هر کس که از ایشان تأسیس کند
و بر هر کس که از ایشان تقلید کند
و بر هر کس که از ایشان تقلید کند
و بر هر کس که از ایشان تقلید کند

در این روضه رحمتی که نگاه دار می باشد از آن مصیبت خود

درست و برای این در بعضی می باشد خود

نصفه دار است از سبب است و از کمر شیطان

در حدودی ایشان را با حق تعالی برانگیختند و دست اندازند برانگیختند

از مکه می آید و کعبه و در آنجا است و از آنجا که

[illegible]

حسن رجباً نكاحاً جامعاً

رَبِّ السَّامَةِ فِي مَا حَوِيهِ أَيْدِي الْعِبَادِ

رَدُّهُمْ إِلَى الرَّعْبَةِ إِلَيْكَ وَالرَّهْبَةِ

مَكَاتِبُ رِهْدِهِمْ فِي سَعَةِ الْعَاجِلِ وَ

حَيْبُ إِلَيْهِمُ الْعَمَلُ لِلْأَجَلِ وَالْإِسْتِعْدَادُ

1

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

تبرکات

بِمَا بَعَدَ الْمَوْتِ وَتَهْوَنَ عَلَيْهِمْ كُلَّ

بزرگوار می شد از مردن و آسایش بر آن بر می آمد

كَرْبٍ يَحِلُّ بِهِمْ يَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ

از دوی که روزی است که روزی است که روزی است

مِنْ أَيْدَانِهَا وَصَافِيَهُمْ مِمَّا نَقَعَ بِهِ

از دست و پا و صاف می شد از آنکه روزی است

الْفِتْنَةُ مِنْ مَحْدُورَاتِهَا وَكَتَبَهُ

از آتش از این که روزی است که روزی است

النَّارِ وَطُولُ الْحُلُودِ فِيهَا وَتَصَيَّرَهُمْ

بهشت و درازی عذاب و درازی است که روزی است

إِلَى أَمِنْ مِنْ مَفِئِلِ الْمُتَّقِينَ

به ایستادن که روزی است که روزی است

وَكَانَ مِنْ عَائِلِيهِ النَّارُ لِنَفْسِهِ وَأَهْلِيهَا لَا يَشْرِبُ

و بود از دوی که روزی است که روزی است

اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَنْقُضُ عَجَائِبُ عَظَمَتِهِ

ای که روزی است که روزی است

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْجِبْنَا عَنْ

رحمت است بر محمد و آل او و ما را از

الْإِخْلَادِ فِي عَظَمَتِكَ يَا مَنْ لَا تَنْتَهِي

مدول از حق و درازی است که روزی است

مَنْهُ مُلْكُهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

زود بر محمد و آل او رحمت است بر محمد و آل او

وَأَعِزُّوْا



إِلَىٰ أَحَدٍ مَّعَ يَدِّكَ وَلَا تَسْتَوْجِبْ

بجز کسی با وجود بخشش تو دوست نمیستیم

مِنْ أَحَدٍ مَّعَ فَضْلِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ

از کسی با وجود احسان تو بار خدا یا رسول الله

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكَذَلْنَا وَلَا تَكِدْ

محمد و آل او و گوییم که ای بار خدا که گدازد

عَلَيْنَا وَأَمَّا كَرَلْنَا وَلَا تَكْرِبْنَا

بر ما و اما بر ما نماند و بر ما نماند

وَأَدِلْ لَنَا وَلَا تَدِلْ مِنَّا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ

و راهنما کن ما را و نگذار ما را از خود و مفضل کن ما را از خود

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَفَنَامِنُكَ وَاحْفَظْنَا بِكَ

محمد و آل او و بخوابیم در کنار تو و نگاهدار ما را از خود

وَاهْدِنَا إِلَيْكَ وَلَا تَبَاعِدْنَا عَنْكَ

و راهنما کن ما را به سوی خود و دور نگذار ما را از خود

إِنَّ مَنْ تَقِيَهُ يَسْلَمْ وَمَنْ تَهْجُكْ يَعْزِمُ

مکسی که بگریزد از تو ایمن است و هر که را دشمنی دارد او را نماند

وَمَنْ تَقَرَّبَهُ إِلَيْكَ يَغْنَمُ اللَّهُمَّ صَلِّ

و هر که نزد تو آید او را سودی خود غنیمت شود بار خدا یا رسول الله

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآكُفْنَا حَدَّ ثَوَائِبِ

بر محمد و آل او و کم کن حد گناهان و خطیای

الزَّمَانِ وَشَرِّ مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ

از زمانه و شر دشمنی شیطان

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في القرآن
آيات كثيرة من العجائب
والآيات العظمى والبراهين
التي لا يدركها العقل ولا
يحيط بها الخيال والحمد لله
الذي جعل في القرآن
آيات كثيرة من العجائب
والآيات العظمى والبراهين
التي لا يدركها العقل ولا
يحيط بها الخيال والحمد لله

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في القرآن
آيات كثيرة من العجائب
والآيات العظمى والبراهين
التي لا يدركها العقل ولا
يحيط بها الخيال والحمد لله

وَمَرَّة

و در زمانه و شر دشمنی شیطان

و در زمانه و شر دشمنی شیطان

و در زمانه و شر دشمنی شیطان

وَمَرَانِ صَوْلَةِ السُّلْطَانِ اَللّٰهُمَّ اِنَّمَا

يَكْفِي الْمَا كَتَبُوْنَ بِفَضْلِ

قُوَّتِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآكُفْنَا

وَإِنَّمَا يُعْطَى الْمُعْطَوْنَ مِنْ فَضْلِ حِدَتِكَ

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْطِنَا وَإِنَّمَا يُعْطَى

الْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِكَ فَصَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاهْدِنَا اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ مَنَّ

وَالَيْتَ لَمْ يَضُرُّهُ خِلَافُ الْخَازِلِينَ

وَمَنْ أُعْطِيَ لَمْ يَنْقُصْهُ مَنَعُ الْمَالِ

وَمَنْ هَدَيْتَ لَمْ يَغْوِ اضْلالُ الْبَاطِلِينَ

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْنَعْنَا بَعْرَكَ

مِنْ عِبَادِكَ وَاعْنِنَا عَنْ غَيْرِكَ يَا فَادِكَ

از بندگانت در پناه تو گردان و از غیر تو محفوظ بمانیم ای فادای خود

وَاسْلِكْ بِنَا سَبِيلَ الْحَقِّ يَا رَسَّادَكَ

ز بسیر ما را در راه حق برانگیز ای سرانجام دهنده خود

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ

بار خداوند رحمت رحمت بر محمد و آل او و بگردان

سَلَامَةً قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ

سلامتی دلهای ما را در یاد کردن بزرگواری خود

وَفَرِّغْ أَبْدَانِنَا فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ

و گردان را خالی کن در سپاس دهی ما را از نعمت بزرگواری خود

وَاطْلُأْ السَّيِّئَاتِ فِي وَصْفِ مِثْلِكَ

و گردان را در پناه تو از بدیها پاک کن در وصف کردن خود

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنَا

خداوند از رحمت رحمت بر محمد و آل او و بگردان ما را

مِنْ دُعَايِكَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ وَهْدَانِكَ

از فرستادن کسان خود که خوانند ما را به سوی خود و هدایت ما را

الدَّالِّينَ عَلَيْكَ وَمِنْ خَاصَّتِكَ

که دلالت میکنند بر تو و از خاصان خود

الْخَاصِّينَ لَدَيْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

که محض ما هستند نزد تو ای بخشنده ترین بخشنده کسان

وَكَانَ مِنْ غَايَةِ عِلْمِنَا عِنْدَ الصُّبْحِ

و بود از غایت علم ما نزد صبح و شام

لَكَ وَشَهْوَةً وَخَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصَرًا

در وقت دهنوت در آفرین برای ایشان روز روشن

لِيَتَّخُوا فِيهِ مِنْ فَضْلِهِ وَلِيَسْتَبْشِرُوا إِلَىٰ

تا هر گاه بخواهند در آن روزی که بخواهند بفرمانند

رِزْقِهِ وَلِيَسِرَّ حُورًا فِي أَرْضِهِ طَلَسًا لِمَا فِيهِ

در روزی که او بخواهد در زمین برای هر که بخواهد

نَيْلَ الْعَاجِلِ مِنْ دُئَانِهِمْ وَدَرَكَ الْعَاجِلِ

رسیدن آنچه را که بخواهند در وقت دهنوت

فِي أَحْرَامِهِمْ بِكُلِّ ذَلِكَ يُصْلِحُ شَأْنَهُمْ

در آن وقت که هر یک از اینها را اصلاح کند حال را

وَيَبْلُغُوا الْخَبَارَ لَهُمْ وَيَنْظُرُ كَيْفَهُمْ

در آن وقت که بخواهد خبر را بداند و نگاه کند که چگونه اند

فِي أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ وَمَنَازِلَ فُرُوضِهِ

در وقت که بخواهد طاعت او را بداند و در وقت که بخواهد فرائض او را بداند

وَمَوَاقِعَ أَحْكَامِهِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ

و در وقت که بخواهد احکام او را بداند تا جزا دهد آنکه را

أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا

که بداند که چه کرده اند و جزا دهد آنکه را که بد کرده اند و جزا دهد آنکه را که خوب کرده اند

بِالْحُسْنَىٰ اللَّهُمَّ فَلَاكُمُ الْحَمْدُ عَلَىٰ مَا خَلَقْتُمْ

بجزای آنکه بد کرده اند و جزا دهد آنکه را که بد کرده اند و جزا دهد آنکه را که خوب کرده اند

لَنَا مِنْ لَإِصْبَاحٍ وَمَتَّعْنَا بِهِ مِنْ ضَوْءٍ

برای ما و بجزای آنکه بد کرده اند و جزا دهد آنکه را که بد کرده اند و جزا دهد آنکه را که خوب کرده اند

در وقت دهنوت در آفرین برای ایشان روز روشن تا هر گاه بخواهند در آن روزی که بخواهند بفرمانند در روزی که او بخواهد در زمین برای هر که بخواهد

رسیدن آنچه را که بخواهند در وقت دهنوت در آن وقت که هر یک از اینها را اصلاح کند حال را در آن وقت که بخواهد خبر را بداند و نگاه کند که چگونه اند در وقت که بخواهد طاعت او را بداند و در وقت که بخواهد فرائض او را بداند و در وقت که بخواهد احکام او را بداند تا جزا دهد آنکه را

النهار



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

وَأَمَّا لَنَا صَاحِبُنَا
مِنْ خَسَنَاتِنَا
بِطَعْنِ عَمِيدِ رَبِّ
وَأَمَّا لَنَا صَاحِبُنَا
مِنْ خَسَنَاتِنَا
بِطَعْنِ عَمِيدِ رَبِّ
وَأَمَّا لَنَا صَاحِبُنَا
مِنْ خَسَنَاتِنَا
بِطَعْنِ عَمِيدِ رَبِّ

وَأَحْسَنَانَا اللَّهُمَّ يَسِّرْ عَلَى الْكَرَامِ
الْكَاتِبِينَ مَوْنَتَنَا وَأَمْلَأْنَا مِنْ
خَسَنَاتِنَا صَاحِبَانَا وَلَا تَخْرُجْنَا عَنْهُمْ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ لَنَا
فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ حَظًّا مِنْ
عِبَادَتِكَ وَكَثِيبًا مِنْ شُكْرِكَ
وَسَاهِدًا صِدْقٍ مِنْ مَلَكِكَ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْفَظْنَا مِنْ
بَيْنِ أَيْدِينَا وَمِنْ خَلْفِنَا وَعَنْ أَيْمَانِنَا
وَعَنْ شِمَائِلِنَا وَمِنْ جَمِيعِ نَوَاحِينَا
وَاصِمًا مِنْ مَعْصِيَتِكَ هَادِيًا إِلَى طَاعَتِكَ



مُسْتَعْمِلًا لِمَحَبَّتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

کار فرموده باشد برای دوستی تو بار خدا یا رحمت بر محمد

وَالِهٖ وَوَفَّقْنَا فِي يَوْمِنَا هَٰذَا وَلَلْآيَةُ لِلَّذِينَ

در آن وقت که در آن روزها و این شب

هَذِهِ فِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا وَلِيَا لِيُنَا الْإِسْتِعْمَا

دور زده روزهای ما دشمنهای ما برای کرد

الحجروهمجران الشروش كرم النعم

کار خیر و دوری گزینی از شر و شکر نهداری نعمتها

وَاتِّبَاعِ السُّنَنِ وَمُجَانِبَةِ الْبِدْعِ وَالْأَمْرِ

و بسوی کردن طریقتی سفر و ترک کردن عیقا و لنگرگاه

بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ

بہشتی و قہر گدن زناست و

حِیَاطَةُ الْإِسْلَامِ وَائْتِقَاصُ الْبَاطِلِ

می نفت کردن مسلمانان در کم نمودن ، خل

وَأَنذَرْنَا لَهُ وَنُصْرَةَ الْحَقِّ وَالْغُرَابِ وَأَرْشَادِ

و هزار کردن و یار می نمودن حق و کرامتی که پیش آن در راه بود

الضَّالِّ وَمُعَاوَنَةُ الضَّعِيفِ وَادْرَاكِ

کمره وایری کردن صدف و درفش

اللَّهِيفِ اللَّهُمَّ صَلِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْهُ

ستم و دیر به رضا، رحمت و مکر و آمل و دیگران

إِيْمَنَ يَوْمَ عَهْدِنَاهُ وَافْضَلَ صَاحِبِ حَيَاتِهِ

بنا کردن روزی که در ایام اعیان انرا در کاظمین مصافی که حضرت

۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

یا خدایا که این دعا را
 از زبان من بخوانی
 از عبادت تو شادمان باشم

وَخَيْرَ وَقْتٍ ظَلَمْنَا فِيهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ
 اَرْضِي مِنْ مَرَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ
 مِنْ جُمْلَةِ خَلْقِكَ اَشْكُرْهُمْ
 لِمَا اَوْلَيْتَ مِنْ نِعَمِكَ وَاَقُوْمُهُمْ غَاشِقَتِ
 مِنْ شَرِّ اَعْيُنِكَ وَاَوْقِفْهُمْ عَمَّا حَذَرْتَ
 مِنْ نَهْيِكَ اَللّهُمَّ اِنِّي اَشْهَدُ سَمَآوَاتِكَ
 وَاَرْضِكَ وَمَنْ اَسْتَكَتْهُمَا مِنْ
 مَلِكِكَ كَيْتِكَ وَسَائِرِ خَلْقِكَ فِي
 يَوْمِي هَذَا وَسَاعَتِي هَذِهِ وَلَيْلَتِي هَذِهِ
 وَمُسْتَقَرِّي هَذَا اِنِّي اَشْهَدُ اَنْكَ اَنْتَ
 اللّهُ الَّذِي لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ قَائِمٌ بِالْقِسْطِ

بهترین وقتی که بر ما روا شده است در بگردان باران از
 و دشواری تنگی که گذشت است بر او است و روز
 از جمله آن فریاد ای تو شکرت کنند از این
 مرا آنچه را عطا کرده از نعمت های خود و آنچه که بر من است این را بگو
 از شر پستی های خود و باز است تا که این را از این بگو
 از شایسته ای خود یا خداوند پرستی که این گواه بگویم
 زمین ترا و هر که اسکن کرده در آن از
 فرشتگان خود و سایر خلق که در
 این روز من دوران این ساعت و در این
 در این جا بنگاه من بر آنچه که ای می گویم که تو
 خدا ای که نیست نه ای که تو با حق از نه انصافی



عَدَلٌ فِي الْحُكْمِ رُؤُوفٌ بِالْعِبَادِ

عادل در حکم بسیار مهربانی بر بندگان

مَالِكِ الْمَلِكِ رَحِيمٌ بِالْخَلْقِ وَأَنْ مُحَمَّدًا

مالک الملک رحیم به خلق و آنکه محمد است

عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَخَيْرُكَ مِنْ خَلْقِكَ

نمده است و رسول حق و در هر جماعت از ما بهتر است

خَمَلْتَهُ رِسَالَتِكَ فَأَذَاهَا وَأَمْرَتَهُ

سخت کردی او را بدین رسالت و فرمودی بر او و امر کردی او را

بِالْبَصِيحِ لَأَمْتِهِ فَصَحَّحْ لَهَا اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى

بصیحت بر او را بدین آئینت کردی و خداوند ایستاد بر او و صلوات

مُحَمَّدٍ وَإِلَى أَهْلِ بَيْتِهِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى

محمد و آل او و بر ایشان بر رحمتی که بر مرسلان داده

أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَإِنَّهُ أَفْضَلُ مَا أَنْتَ

کسی از خلق خود و او در حق او که بهتر از هر کسی است

أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ وَالْجَنَّةُ عِنَّا أَفْضَلُ

کسی از بندگان خود و بهشت نزد ما از هر جای دیگر

وَأَكْرَمُ مَا جَرَيْتَ أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِكَ

و در ارجح آنکه بدین رسالت داده کسی از پیغمبران خود

عَنْ قَامَتِهِ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُنْتَازِعُ بِالْجَسِيمِ

از جانب است و بر او برتری است بر هر کس که بندگان

الْغَافِرِ لِلْعَظِيمِ وَأَنْتَ أَرْحَمُ مِنْ كُلِّ

دانا و بخشنده هر گناه و در حق او مهربانی از هر

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد و آله الطيبين
الطاهرين

و بعد از این دعا
در هر روز بخواند
در هر وقت که خواهد
در هر جای که خواهد

در هر روز بخواند
در هر وقت که خواهد
در هر جای که خواهد

رحم



رَحِيمٌ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ

برای پس محمد و آل او که پاکیزگان

الظَّاهِرِينَ الْأَخْيَارَ الْأَنْجَيْنِ

وَكَانَ مِنْ غَائِبَةٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا عَرَضَتْ لَهُ

از غایب از حضرت علیه السلام هرگاه عارض میشد

مِثْمًا وَنَزَلَتْ بِهِ مِلَّةٌ وَعِنْدَ الْكَرْبِ

میسر و نازل میشد با او عارضه در نزد

يَا مَنْ كُلُّ بِهِ عُقْدُ الْمَكَارِهِ وَيَا مَنْ

ای که هر چه بدی در او است و ای که هر

يَفْشَا حُجْدُ الشَّدَائِلِ وَيَا مَنْ يَلْمَسُ

سبب شود با او شندی سخت و ای که هر چه

مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى دَوْحِ الْفَرَجِ ذَلِكَ

از او بدست می آید از دایره برکت و آنرا

لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابُ وَتَسْبِيحُ طِفْلِكَ

بر قدرت تو است دشواری و تسبیح کودک

الْأَشْيَابُ وَجَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ

سبب و جاری شده است بقدرت تو حکم

وَمَضَتْ عَلَى رَأْدَتِكَ الْأَشْيَاءُ فِيهِ

در روان شده است بر دشت تو در این

بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْمِنَةٌ وَبِأَرَادَتِكَ

بمقتضی تو است بی گفتن تو فرمان بردارند و بخواست تو

وَأَمَّا مَا فِي يَدَيْهِ فَسَبِيحُ طِفْلِكَ

وَأَمَّا مَا فِي يَدَيْهِ فَسَبِيحُ طِفْلِكَ

دُونَ نَهْيِكَ مُنْجِرَةٌ أَنْتَ الْمَدْعُودُ
لِلْمُهْمَاتِ وَأَنْتَ الْمُفْرَعُ فِي الْمِمَاتِ
لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ وَلَا
يَنْتَكِشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ
وَقُلْنَا لِي يَا رَبِّ مَا قَدَرْتُ كَأَنْتَ
ثِقَلُهُ وَالْمَ لِي مَا قَدَرْتُ بِهَظْمِي حُلَّهُ وَبِقَدَرِ
أَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ وَبِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتَهُ
إِلَيَّ فَلَا مُصْدِرَ لِي أَوْرَدْتَ وَلَا صَارَ
لِي أَوْجَهْتُ وَلَا فَاتِحَ لِي أَاغْلَقْتَ
وَلَا مُعْلِقَ لِي أَاغْلَقْتَ وَلَا مَيْسِرَ لِي
عَسَرْتَ وَلَا نَاصِرَ لِي أَخْلَلْتَ فَضْلَ

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين



عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْتَحْ لِي بَابَ

الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ وَأَكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ

الْهَمِّ بِحَوْلِكَ وَأَنْبِئْنِي حُسْنَ النَّظَرِ

فِيمَا شَكَّوْتُ وَادْفِنْنِي خِلَافَ

الصَّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ وَهَبْ لِي مِنْ

لَدُنْكَ رَحْمَةً وَفَرَجًا هَيِّئْهُ وَاجْعَلْ

لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجًا وَجِيلاً لَا شُغْلَ

بِالْإِهْتِمَامِ عَنْ عَاهِدِ فِرْعَوْنَ

وَأَسْتَعْمَلِ سُنَّتِكَ فَقَدْ ضَيَّقْتَ

لِي أَنْزَلَ بِي يَا رَبِّ ذُرْعًا وَأَمْتَلَأْتُ

بِحُكْمٍ مَا حَدَّثْتَ عَلَيَّ هَمًّا وَأَنْتَ الْقَادِرُ

بچه جان من
که نام تو را در کتابت
نویسم ایضا در هر جا

بچه جان من
که نام تو را در کتابت
نویسم ایضا در هر جا

عَلَى كَشْفِ مَا مُنِيتُ بِهِ وَدَفْعِ

از آنچه پنهان شده بودم و دفع

مَا وَقَعْتُ فِيهِ فَاَفْعَلْ لِي ذَلِكَ وَ

آنچه افتاده ام و مرا آن را پس من بامن این کار را و

إِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

و اگر چه من مستحق آن را از جانب تو ای صاحب عرش بزرگ

وَكَيْفَ كَانَ مِنْ عِلْمِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

و چگونه بود از علم تو بر او سلام

الْإِسْتِعَاذَةُ مِنَ الْمَكَارِهِ وَ

پناه بردن از مکر و مفسدات

سَيِّئِ الْأَخْلَاقِ وَمَذَامِرِ الْأَفْعَالِ

فرومای از بد اخلاقی و زکرها را می نامند

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ

خدایا من پناه می برم به تو از هیجان

الْجَرِّصِ وَسُورَةِ الْغَضَبِ وَعَلَبَةِ

سور و از سر زدن و بازی و

الْحَسَدِ وَضَعْفِ الصَّبْرِ وَقِلَّةِ الْقَنَاءَةِ

دشمنی و ضعف استقامت و کمبود پاداش

وَمِنْ كِبَاسَةِ الْخَلْقِ وَالْحَاجِ تَنْجِي

و از ستمی خلق و حاجت نجات

وَمَلَكَهَ الْحَيَّةِ وَمُتَابِعَةِ الْهَوَى

و از پیروی حی و متابعت هوا

و مخالفه



وَمُخَالَفَةَ الْهَدْيِ وَسِنَةَ الْعَقْلَةِ وَ

دوازدهم مخالفت کردن راه هدایت و دوازدهم مخالفت

تَعَاظِي الْكُلْفَةِ وَإِثَارَ الْبَاطِلِ

دوازدهم ایستادن بر سر کلفت و دوازدهم برانگیختن باطل

عَلَى الْحَوِّ وَالْإِضْرَارِ عَلَى

بر سر حق و دوازدهم بر سر زیان و زیان

الْمَعْصِيَةِ وَاسْتِدْكَابَ الْكِبَارِ وَالطَّاعَةِ

سجده و دوازدهم استدکاب کردن بزرگان و طاعت

وَمُبَاهَاةِ الْمُكَذِّبِينَ وَالْإِزْرَارِ

دوازدهم مباهاة کردن کاذبان و دوازدهم زیان

بِالْمُقِيلِينَ وَسُوءِ الْوَلَايَةِ لِمَنْ يَحْمِلُ إِلَيْنَا

دوازدهم بدرفتاری با مصلحتیان و دوازدهم بدرفتاری با کسی که نزد ما می آید

وَنَزِيلِ الشُّكْرِ لِمَنْ اضْطَنَعَ الْعَارِفَةُ

دوازدهم نازل کردن شکر بر کسی که عارفانه

عِنْدَنَا أَوْ أَنْ تَعْصِدَ ظَالِمًا أَوْ تَحْذَلَ

دوازدهم نزد ما یا آنکه بر سر کسی که ظالم است یا آنکه

مَلْهُوفاً أَوْ تَرْوِمَ مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقٍّ أَوْ

دوازدهم مالهوفا یا آنکه بر سر کسی که مال ما نیست یا آنکه

نَقُولَ فِي الْعِلْمِ بَعِيرٌ عِلْمٌ وَنَعُوذُ بِهِ

دوازدهم بگویم در علم ببعیر علم و دوازدهم پناه ببریم به

أَنْ نَسْطُوِيَ عَلَى غَيْرِ أَحَدٍ وَارْتَحِبَ

دوازدهم آنکه بر سر کسی که بر سر کسی نیست یا آنکه

دوازدهم مخالفت کردن راه هدایت و دوازدهم مخالفت

دوازدهم ایستادن بر سر کلفت و دوازدهم برانگیختن باطل

دوازدهم مابهاتة کردن کاذبان و دوازدهم زیان



بِأَعْمَالِنَا وَنَمُدُّ فِي أَمْوَالِنَا وَنَعُوذُ بِكَ

مکر دار ای خود و در دامن خشم ای خدا ای خود را دنیا به یکسر تو

مِنْ سُوءِ السَّرِيعَةِ وَاحْتِقَارِ الصَّغِيرَةِ

از آنگاه که بخت اندازد و از حقارت کتفه کوچک

وَ لَيْسَنَا الشَّيْطَانُ

و ما شیطان

أَوَيْتُ بِنَا الرِّمَانِ أَوَيْتُ هَضْمَنَا

ای که بخت اندازد و ای که دانه کار با آنکه ستر کند

السَّلْطَانَ وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ

پادشاه و دنیا به یکسر تو از دست گرفتن

الْإِسْرَافِ وَمِنْ فَقْدِ الزَّكَاةِ

اسراف و دزدان دانه ای کفاف

وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ شِمَائَةِ الْأَعْلَاءِ وَمِنْ

دنیا به یکسر تو از غارت اشراف و از

الْفَقْرِ إِلَى الْإِكْفَاءِ وَمِنْ مَعْلَشَةِ

استیصال و از فقر به کفایت و از

فِي شَيْءٍ وَمَيْتَةٍ عَلَى غَيْرِ عِلَّةٍ وَنَعُوذُ

در چیزی و از مردن بی سبب و دنیا به یکسر

بِكَ مِنَ الْخُسْرِ الْعَظِيمِ وَالْمُصِيبَةِ

تو از خسارت بزرگ و از مصیبت

الْكِبَرَىٰ وَأَسْقَى الشَّقَاءِ وَسُوءَ

کو در بزرگترین مصیبت و از بدترین بدبختی و از بدی

الْمَلَأَ

از دنیا به یکسر تو از غارت اشراف و از فقر به کفایت و از مصیبت بزرگ و از بدترین بدبختی و از بدی



المآبِ وَجَرْمَانِ الثَّوَابِ وَحُلُولِ

روز نهمید شدن از خواب روز نهم آمدن

وَأَعِزَّنِي مِنْ كُلِّ ذَلِكَ

المؤمنين والمؤمنات يا ارحم الراحمين

وكان من غايه عليه السلام في الاستيقاق

از دعای حضرت علی علیه السلام در وقتان
الْمُطْلَبُ الْمَغْفِرَةَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى جَلَّالَهُ

در طلب آفرینش از خدا می جلد

مَحْمُوكٌ مِنَ التَّوْبَةِ وَأَزْلَنَّا عَنْكَ هَذَا

من الاضار اللطيفة وقصائده

کراتی جہاد است گناہ مند و خدا و جہاد کا باہمی تعلق ہے

[illegible]

باسم ربهم ما فناء واجعل ثوبی صواباً
یا اکرم زودتر فانی شود ز کبر و ان قریب را در کعبه درازتر

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

بِقَاءِ وَإِذَا هَمَمْنَا بِهَمٍّ مِّنْ يُّرْضِيكَ
أَحَدُهُمَا عَنَّا وَنَسْخُطُكَ الْآخِرَ عَلَيْنَا
فَبِ
قُوَّتِهِ
ذَلِكَ بَيْنَ نَفُوسِنَا وَاخْتِيَارِهَا فَأَتَاهَا
مُخْتَارَةً لِلْبَاطِلِ إِلَّا مَا وَفَّقْتَ أَتَانَهُ
بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ اللَّهُمَّ وَإِنَّكَ
مِنَ الضَّعْفِ خَلَقْتَنَا وَعَلَى الْوَهْنِ
بَلَّيْتَنَا وَمِنْ مَاءٍ مَّهِينٍ ابْتَدَأْتَنَا
فَلَا حَوْلَ لَنَا إِلَّا بِقُوَّتِكَ وَلَا قُوَّةَ لَنَا
إِلَّا بِعَوْنِكَ فَإَيُّدْنَا بِتَوْفِيقِكَ وَسَدِّدْنَا

بقای آن در هرگاه قصد شد بدو چنان که دوست نپسندد ترا

احد هما عنا و نسخطك الآخر علينا

یکی از اینها را از ما بدوستی آرد ترا و دیگری بر ما

قوته عينا و اوهين

قوت دارد از آنکه دوست دارد ترا و در او کمزوری

ذلك بين نفوسنا واختيارها فانها

آنست که بین ما را در اختیار کردنش و در میان دوستی است و اینها

مختارة للباطل الا ما وفقك اتانها

مختار شده برای باطل را مگر آنکه تو مقرب می گردانی

بالسوء الا ما رحمت اللهم وانك

بسی بدی مگر آنکه رحمت فرمائی خداوند ما را و دوستی کنی

من الضعف خلقنا وعلى الوهن

از ناتوانی ما را آفرینده ما در سستی و ناتوانی

بليتنا ومن ماء مهين ابتدانا

نمای حققت ما را از آب خوار و حقیری که بیست کرده ما را

فلا حول لنا الا بقوتك ولا قوة لنا

بسی نیست حولی ما را مگر بقوت تو و نیست قوتی ما را

الا بعونك فايدينا بتوفيقك وسددنا

مگر بعد کاری تو بیست می دهی ما را بتوفیق تو و در حق ما را

بِسْمِ اللَّهِ



بِتَسْلِيدِكَ وَأَعِمْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا
 بِرَفْعِ قُلُوبِنَا وَتَرْكِ قُلُوبِنَا
 عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَكَ وَلَا تَجْعَلْ لَشَيْءٍ
 إِذَا كُنْهُ فِي لَوْحِ كَرَمِكَ حَرَمًا
 مِنْ جَوَارِحِنَا نَفُودًا
 مِنْ جَوَارِحِنَا نَفُودًا
 اللَّهُمَّ فَضِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَهُ وَاجْعَلْ
 خَدَائِعَ بَيْتِ حُرَّةٍ بِرَحْمَةِ دَائِلِهِ وَكَرَمِهِ
 هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا وَحَرَكَاتِ
 آوازهای بستان دلبهای مارا در جنبشهای
 أَعْضَائِنَا وَلِحْجَاتِ أَعْيُنِنَا فِي مُوجِبَاتِ
 عضوهای مارا در گزشتنهای چشمهای مارا در صفای کار
 ثَوَابِكَ حَتَّى لَا تَقُوتَ نَاحِسَتُهُ لَشَيْءٍ
 تراست تا درت نشود از ما کار کسی که بنزد تو
 بِهَا جَزَاءُكَ وَلَا تَبْقَى لَنَا سَيِّئَةٌ
 مان حسدای بیکتا در باقی نماند برای ما کسی
 تَسْتَوْجِبُ بِهَا عَمَلًا بَلَّ
 کوستوب تویم باقی عملت بست ترا
 وَكَانَ زِيَادَةً عَلَيْنَا فِي الْحَيَاةِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى
 برود از دعای حضرت علیه السلام در دنیا و دوزخ کفای برای
 اللَّهُمَّ إِنْ تَشَاءُ عَفِّ عَنَّا فِضْلَكَ
 خداوند اگر خواهی در بیکندری از ما پس این فضل بخت

وَلِحْجَاتِ أَعْيُنِنَا
 و لحنهای چشمهای ما
 و لحنهای چشمهای ما
 و لحنهای چشمهای ما



وَإِن شِئْنَا لَنُعَذِّبَنَّكَ فَبِعَذِّبِكَ فَسَهَّلْنَا

دراز خواهم کرد عذاب گویی را پس این بعد از آن که آسان کردی

عَفْوَكَ بِمَنِّكَ وَأَجْرُنَا مِنْ عَذَابِكَ

عفو خود را بمنت خود و زانی و دانا از عذاب خود

بِنَجَّاءٍ نَدَى لَاطَاقَةً لَّنَا بِعَذِّبِكَ

پس بر نجاتی که بر ما می آید از عذاب خود

وَلَا نَجَاةَ لِأَحَدٍ مِنَّا دُونَ عَفْوِكَ

و نیست رانی برای کسی از ما عفو تو

يَا غَنَى الْأَغْنِيَاءِ هَالِكُنْ عِبَادَكَ يَبِينُ

ای پسند ز پسندانان ای که ما پسندگان تویم پس

بِيَدِكَ وَأَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَيْكَ فَاجْزِ

تو ایستاده و من محتاج ترینم به تو ای پسر من

فَاقْتَنَّا يَوْسُفَ وَلَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا

ماست حاجت ما را یوسف را و قطع امید ما را

بِمَنِّكَ فَتَكُونَ قَدْ أَشْفَيْتَ

بنازد اختر تو پس بوده باشی بخشن که به گشت کرده باشی

مَنْ اسْتَسْعَدَّ بِكَ وَحَرَمْتَ مِنْ اسْتِشَارَةٍ

کسی را که به تو پناه برد و از پرسش تو محروم گردانی

فَضْلِكَ فَإِلَى مَنْ جِئْنَا مُنْقَلِبًا

فضل تو را پس برمی گردیم در آن پس گاه ما را

عَنْكَ وَالْإِلَى أَيْنَ مَذْهَبُنَا عَنْ بَابِكَ

از رخسار تو و به کجا خواهیم رفت از درگاه تو

اشهد ان لا اله الا الله
و ان محمد عبده ورسوله
و ان الله اعلم بالظاهر
و الباطن

سُبْحَانَكَ حُنَّ الْمُضْطَرُونَ الَّذِينَ

اَوْجِبَتْ اِجَابَتُهُمْ وَاَهْلُ السُّوءِ الَّذِينَ

وَعَدْتَ الْكَشْفَ عَنْهُمْ وَاشْبَهَ

الْأَشْيَاءِ بِمَشِيَّتِكَ وَأَوَّلَى الْأُمُورِ

بِكَ فِي عَظَمَتِكَ رَحْمَةً مِنْ أَسْرَحَمِكَ

وَعُوثٍ مِنْ أَسْتَغَاثَ بِكَ فَأَرْحَمِ

تَضَرَّعْنَا إِلَيْكَ وَاعْنِنَا إِذْ طَرَحْنَا

أَنْفُسَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ اللَّهُمَّ أَتَى الشَّيْطَانُ

قَدْ شِمِتَ بِنَا إِذْ شَاعِنَا عَلَى

مَعْصِيَتِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا

تَشْمِتْهُ بِنَا بَعْدَ تَرْكِئِنَا إِيَّاهُ

لَكَ وَرَغِبْنَا عَنْهُ إِلَيْكَ

برای تو فرستادیم او را و از او بگریز
وَكَانَ مِنْ عَائِدَةٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخَوَائِمِ الْحَيِّينَ

و بود از دعای حضرت علیه السلام از برای عابدین
يَا مَنْ ذِكُّكَ شَرَفٌ لِلْمَلَائِكَةِ

ای آنکه یاد آوردی او شرفست برای مومنان و روزگار
وَيَا مَنْ شُكْرُكَ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ

و ای آنکه شکر گذاری او رستگاریست برای شاکران
وَيَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاءٌ لِلْمُطِيعِينَ صِلْ

و ای آنکه فرمان رسانی او رستگاریست برای فرمانبرداران و دوست
عَلَى تَحْمِيدِ وَالِهِ وَاشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ

بر محمد و آل او و مشغول کن دلها را با یاد تو
عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ وَالسَّيِّئَاتِ بِشُكْرِكَ

از هر یاد و بدی و از هر بدی با یاد تو
عَنْ كُلِّ شُكْرٍ وَجَوَارِحُنَا بِطَاعَتِكَ

از هر شکر و از هر عبادت ما را
عَنْ كُلِّ طَاعَةٍ فَإِنْ قَلَدَتْ لَنَا

از هر عبادتی پس اگر بگذرد از ما
فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ

از هر بیهوشی پس گردان آن را به فراغ سلامتی
تَذَرِكُنَا فِيهِ سَبْعَةً وَلَا تُحْقِنَا فِيهِ

گردان ما را در حق آن هفت بار و نه با حق آن

عالمی . تا اینکه بر کردند . نزدیش ، نو سنجیدن

کتابخانه، محقق، از دوز

در بسیاری دیگر کوزه نویسنده گان هنر

از پیش افتادمان با کج زشتی از

احسان گوئی کا ذریعہ کہہ کر دے اور دوسرے کا کہہ کر دے

وكرمتم ملة اعمارنا واسمحة

عَوْنِكَ إِلَهِي لَا إِلَهَ مِنْهُ وَأَمَّا الْإِلَٰهُ

خو اندن تر که چارست از وقوع آنها و از احوال آنها

بسم الله الرحمن الرحيم

تَاخْصِي غُلِيْنَا كُتُبَةً اَعْمَالِنَا

بِمَقْبُولَةٍ لَا تُؤْتِي عِلْمًا

تذکره بسندیه که با نذرانی مادر ابد از آن ترم

بر کن ای نگارده ام دگر چه سود

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the previous page, written in a cursive style.

اَقْرَفْنَاهَا وَلَا تَكْشِفُ عَنْهَا

کتابخانه مؤسسه امام ابراهیم و برادران

سِتْرًا سَتَرْتَهُ عَلَى رُؤُسِ الْأَشْهَادِ

برده که پوشانده اند در در محصور ۵ نفران

يَوْمَ تَبْلُوا خُبَارَ عِبَادِكَ إِنَّكَ رَحِيمٌ

روز می که از این پیش میفرایند کلاں فردا بدستی که قرار دارند

بِمَنْ دَعَاكَ وَمُسْتَجِيبٌ لِمَنْ نَادَاكَ

همه که فواید ترا را جاسوس می شناسند و می دانند که نه اگر فواید ترا

فَكَانَ مِنْ غَائِبِ السَّلَامِ فِي

از دوازده مرتبه یکبار

الاعتراف وطلب التوبة من الله تعالى

أَوَّلُ مَا يَجِبُ فِيهِ

اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَحْجِبُنِي عَنْ مَسْئَلَتِكَ

فَلَا تُفْجِرْ

خِلَالِ ثَلَاثٍ وَتَحْدُوْنِي عَلَيْهَا خِلَالِ

اَمْ مِّنْكُمْ مَّنْ يَمْلِكُ اِذَا دُعِيَ لِلْحَيٰثَةِ اَنْ يَّجِيْزَ

واحد بحجبتی امر امرت به فایضات

وَقَدْ نَفَخْنَا فِي السَّحَابِ عَنَّا

عنه و الهی بکلی عنه فاسرعت
از این که این و مضری که خن کرده از این پس شش قدم

الْمَاثِلَةُ الْإِنْعَاءُ : بِهَا فَقُصَّتْ

إِلَيْهِ وَلِعَمْرٍ الْغَمْتُ بِهَا عَصْرَتِ
 ہوسا اس وقت کہ انعام فرمودہ اس میں تصویر کردہ نام

...

فِي شُكْرِهَا وَيَجِدُونِي عَلَى مَسَلَّتِي

در شکرگزاری آن در عین نیازمرا در سوال کرد

تَفْضُلِكَ عَلَى مَنْ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ

بفضل تو بر کسی که روی آورد به سوی تو

وَوَفَدَ بِحُسْنِ ظَنِّهِ إِلَيْكَ إِذْ جَمِيعُ

و بیاید با کمال شکوهی نزد تو همه

إِحْسَانِكَ تَفْضُلُ وَإِذْ كُلُّ نَعْمٍ

احسان تو بفضل است و همه نعمت های تو

أَبْتَدَاءُ فَهَذَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي أَقِفْ بِيَابَ

آه اینست پس ایستادن ای خدای من ایستاده درگاه

عِزِّكَ وَقُوفُ الْمُسْتَسْلِمِ الدَّلِيلِ وَسَائِلِكَ

عزت تو ایستادن فرمان بردار خوار و سرال نشان

عَلَى الْحَيَاءِ مِنِّي سَوَالُ الْبَائِسِ الْمَعِيلِ

بر شرمساری از من سوال کردن محتاج محتر

مُقِرُّكَ بِأَنِّي لَمْ أَتَسَلِمْ وَقْتُ إِحْسَانِكَ

اقرار کننده باینکه زمان برودم ایستادم ایستادن تو

إِلَّا يَا قَلْبَاعٍ عَنْ عِصْيَانِكَ وَلَمْ أَخْلُ فِي

مگر باز ایستادم از عصیان تو نه خالی بودم در

الْحَالَاتِ كُلِّهَا مِنْ أَمْتَانِكَ

در همه حالات از امتیانت تو

فَهَلْ يَنْفَعُنِي يَا إِلَهِي إِقْرَارِي عِنْدَكَ

پس ای سودمید چاره ای خدای من اقرار کردن من نزد تو

در شکرگزاری آن در عین نیازمرا در سوال کرد
بفضل تو بر کسی که روی آورد به سوی تو
و بیاید با کمال شکوهی نزد تو همه
احسان تو بفضل است و همه نعمت های تو
آه اینست پس ایستادن ای خدای من ایستاده درگاه
عزت تو ایستادن فرمان بردار خوار و سرال نشان
بر شرمساری از من سوال کردن محتاج محتر
اقرار کننده باینکه زمان برودم ایستادم ایستادن تو
مگر باز ایستادم از عصیان تو نه خالی بودم در
در همه حالات از امتیانت تو
پس ای سودمید چاره ای خدای من اقرار کردن من نزد تو

لِسُوءِ مَا اكْتَسَبْتَ وَهَلْ يُجِيبُنِي

بدی ای که انت کرده ام و ای مرا نمی بخشد

مِنْكَ اغْتِرَافِي لَكَ بَقِيْعٍ مَا اَرْتَكِبْتُ

از غدا برت اغتراف کردن من بر شقی ای که ارتکاب نموده ام

اَمْ اَوْجِبْتَ لِي فِي مَقَامِي هَذَا سَخَطَكَ

یا ای که واجب کرده اند برای من در این مقام من حشم خود را

اَمْ لَزِمْنِي فِي وَقْتِ دُعَائِي مَقْتَكَ

یا لازم شده است مرا در وقت دعا کردن من کیسته تو

سُبْحَانَكَ لَا اَيْتَسُرُّ مِنْكَ وَقَدْ فَتَحْتَ

یا کی تو تا آمد منوم از تو دعا را ای که عمت کن ده

لِي بَابَ التَّوْبَةِ اِلَيْكَ بَلْ اَقُولُ مَقَالَ

برای من در توبه را بگوئی خود حکم بگویم گفتن

الْعَبْدِ الذَّلِيلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ

بنده خوار ستمکار بر خود

الْمُسْتَخِفِّ بِجُرْمَةٍ رَآهُ الَّذِي عَظُمَتْ

استخفا شده بگرمت بود کار خود که بزرگ شده

ذُنُوبُهُ فَجَلَّتْ وَاذْبُرْتُ اَيَّامَهُ قَوْلَتْ

گناهان او پس بزرگ شدند و درشت روزگار او پس گشت

حَتَّى اِذَا رَأَى مُدَّةَ الْعَمَلِ قَدْ انْقَضَتْ

تا ای که دید مدت عمل را محقق که رسیده باشد

وَعَايَةِ الْعُمْرِ قَدْ اِنْتَهَتْ وَاَيُّقُنْ اَنَّهُ

در عاقبت عمر او محقق منتهی شده و یقین است که

این دعا را در هر روز بخواند
و اگر در وقت دعا کردن
از خداوند بخواهد که
او را از عذاب خود
رهان کند و او را
در بهشت ببرد
و او را از عذاب خود
رهان کند و او را
در بهشت ببرد

لا تحبص



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

لَا يَحْصِي لَهُ مِنْكَ وَلَا مَهْرَبَ لَهُ
عَنْكَ تَلَقَّاكَ يَا إِنْبَاءَ وَأَخْلَصَ لَكَ
الْقُوَّةَ فَقَامَ إِلَيْكَ بِقَلْبٍ طَاهِرٍ
نَقِيٍّ ثُمَّ دَعَاكَ بِصَوْتٍ حَائِلٍ خَفِيِّ
قَدْ تَطَاطَاكَ فَانْجَنِي وَنَاكَ كَسَنَ
رَأْسِهِ فَأَشْنَى قَدْ أَرَعَشْتَ خَشْيَتَهُ
رِجْلَيْهِ وَغَرَقَتْ دُمُوعُهُ خَدَيْهِ
يَدْعُوكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَيَا أَرْحَمَ
مَنْ أَنْشَأَهُ الْمُسْتَزْجُونَ وَيَا أَعْظَمَ
مَنْ أَطَافَ بِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ وَيَا مَنْ
عَفُوهُ أَكْثَرُ مِنْ نَقْمَتِهِ وَيَا مَنْ

بیت گناه مرا در از تو دست گز گاهی مرا در

از تو روی آوردن بسبب شکست و خالص گردانده برای

تو را پس رفعت بسوی تو با دل پاک

با کبره پس خوانده را با دوازده نیز یافته است

معنی گشت بی گناه برای تو تا معنی است در پیش گفته

سر قدرا تا دور تر شد معنی که ر عشته اند و تبت ترس او

بر دو پای او را و غرق گردانده است که می او را هر دو صفی روی او را

بخواند ترا با کبره ای کن نده ترش گشت نه کمال دای کن نده

از هر که کمره برگاه آورده اند مرت طیبان دای هر با تر

از هر که نذر او شده اند آ برایش خواندن دای گفته

عضو او بیشتر است از انتقام او دای گفته

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين



رِضَاهُ أَوْ قَرُّهُ مِنْ سَخَطِهِ وَيَا مَنْ يُحَمَّدُ

خوشنودی او زیاده است از چشم او و ای آنکه سنت نبوت

إِلَى خَلْفِهِ بِحُسْنِ الْجَاوِزِ وَيَا مَنْ عَوَدَ

بر حق خود به من گری در گذشتن و ای آنکه عاودت

عِبَادَتِهِ قَبُولُ الْإِنَابَةِ وَيَا مَنْ اسْتَعْصَلَ

بندگان خود را پذیرفتن بازگشت و ای آنکه عیاض

فَاسِدُهُمْ بِالْتَّوْبَةِ وَيَا مَنْ رَضِيَ مِنْ

تازه شده است از گروان توبه و ای آنکه راضی شده است

فِعْلِهِمْ بِالْيَسِيرِ وَيَا مَنْ كَانَتْ فِي

کردار ایشان آسانی و ای آنکه حسن احوال

قَلِيلُهُمْ بِالْكَثِيرِ وَيَا مَنْ ضَمِنَ

کار اندک ایشان را با عدل بسیار و ای آنکه ضمانت

لَهُمْ أَجَابَةُ الدُّعَاءِ وَيَا مَنْ وَعَدَهُمْ

برای ایشان اجابت دعا را و ای آنکه وعده کرده است

عَلَى نَفْسِهِ بِتَفْضُلِهِ حُسْنَ الْجَزَاءِ

بر نفس خود بفضل خود حسن پاداش را

مَا أَنَا بِأَعْصَى مَنْ عَصَاكَ فَغَفَرْتَ لَهُ

بسیستم من آنکه که تو را از فرمان تو سرپیچی و ای آنکه غفرانی کردی از من بزرگترین

وَمَا أَنَا بِالْوَمِّ مَنْ اعْتَدَرَ إِلَيْكَ فَعَدَّ

بسیستم من غایت عهدت از آنکه عهدت از تو بین کردی

عَلَيْهِ التَّوْبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا

بر او باز میگردم بسوی تو درین مقامی که هستم

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد واله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد واله الطيبين
الطاهرين

فَقَبِلَتْ مِنْهُ وَ
مَا أَنَا بِأَظْلَمَ مَنْ
تَابَ إِلَيْكَ
بازگشت بسوی تو

تَوْبَةً نَادِمٍ عَلَى مَا قَرِطَ مِنْهُ مُشْفِقٍ مِمَّا

بازنش پشیمان بر آنچه تفریط شده از او مهرور از آنچه

اجْتَمَعَ عَلَيْهِ خَالِصُ الْحَيَاءِ مِمَّا وَقَعَ فِيهِ

جمع شده است بر او شرمنده محض از آنچه افتاد در جمیع حال

عَالِمٌ بِأَنَّ الْعَفْوَ عَنِ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ

دانایانیکه عفو کردن از گناه بزرگ

لَا يَتَعَاظَمُكَ وَأَنَّ الْجَاوِزَ عَنِ الْإِثْمِ

نمی نماید ترا و آنکه درگذشتن از گناه

الْحَكِيلُ لَا يَسْتَضْعِبُكَ وَأَنَّ لِحِمَالِ

درنگور و سوار نیست بر تو و باریکه برهنش

لِلْجَنَائَاتِ الْفَاحِشَةِ لَا يَتَكَاذَرُ

بر مرتبه می نفازد

وَأَنَّ أَحَبَّ عِبَادِكَ إِلَيْكَ مَنْ تَرَكَ

و آنیکه دوست تر از تو بگذاشت کسی را که ترک کرد

الِاسْتِكْبَارَ كِبَارَ عَلَيْكَ وَجَانِبَ

استغبار بر تو و دوری کرد از

الِاسْتِزَارِ وَلَزِمَ الْإِسْتِغْفَارَ وَأَنَا ابْتَرَأُ

از استوار در گناه و ملازم شدم است طلب آمرزش و من بیزاری

إِلَيْكَ مِنْ أَنْ أَسْتَكْبِرَ وَاعْوِذُ

بسی تو از آنیکه استغنیایم و پناه ببرم

بِكَ مِنْ أَنْ أَصِرَّ وَاسْتَغْفِرُكَ لِمَا قَصُرَ

بمن از آنیکه استوار گشایم و طلب آمرزش میگردانم برای آنچه کوتاهی

نهیست استوار در گناه

موسسه

فِيهِ وَاسْتَغِيْنُ بِكَ عَلٰى مَا عَجَزْتُ عَنْهُ

در آن درباری که بر آنجا که فراموشی از آن

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَهَبْ لِيْ

در خداوند رحمت بر محمد و آل او بر خیرش بر من

مَا يَجِبُ عَلٰى لَكَ وَعَافِيْ مِمَّا اسْتَوْجِبُهُ

آنچه در رحمت بر من برای تو در عافیت مرا از آنکه مستحقش باشم

مِنْكَ وَاجْعَلْنِيْ مِمَّا يَخَافُهُ اَهْلُ الْاِسَاءَةِ

از عافیت بر ما و ده مرا از آنکه میترسند به کرداران

فَاِنَّكَ مُلِيٌّ بِالْعَفْوِ مَرَجُوْا لِلْمَغْفِرَةِ يَا اَرْحَمَ

پس میترسی که تو مال قدرت داری بر عفو امیدوار شوم به برای ارحم

بِالْحِجَاوَزِ لَيْسَ لِحَاجَتِيْ مَطْلَبُ سِوَاكَ

بر درختش از آنکه نیست از برای حاجت من بطلبی سوا می

وَلَا لِذَنْبِيْ غَافِرٌ غَيْرُكَ حَاشَاكَ وَلَا

دست برای نادم من از زنده غفران غیر تو حاشا که من باند و

اَخَافُ عَلٰى نَفْسِيْ اِلَّا اِيَّاكَ اِنَّكَ اَهْلُ

میترسم بر خود که از تو میترسم که از تو میترسم که از تو میترسم

التَّقْوٰى وَاهْلُ الْمَغْفِرَةِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

تقوی بر خداوند رحمت بر محمد و آل او بر خیرش بر من

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْضِ حَاجَتِيْ وَابْحَثْ طَلِبَتِيْ

در آن محمد و آل او حاجت مرا در بار طلب مرا

وَاعْفِرْ ذَنْبِيْ وَامِنْ خَوْفِ نَفْسِيْ

و بیا ز من را و ایمنی ده ترس نفس مرا

اِنَّكَ



إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَذَلِكَ

برای کبریا هر چه قدرت داری و این

عَلَيْكَ لَسِيرٌ آمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ

بر تو آسان است ای پروردگار دنیایان

وَكَانَ مِنْ عَائِدَةٍ عَلَيْكَ السَّلَامُ

و از دعای حضرت صدیق اکبر سلام

فِي طَلِبِ الْحَوَائِجِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

در طلب حاجت ها از خداوند تعالی

اللَّهُمَّ يَا مُنْتَهَى مَطْلَبِ الْحَاجَاتِ

خدایا ای سرانجام طلب حاجت ها

وَيَا مَنْ عِنْدَهُ نَيْلُ الطَّلِبَاتِ وَيَا مَنْ

وای آنکه نزد او رسیدن طلبها وای آنکه

لَا يَبِيعُ نِعْمَةً بِالْأَمْثَارِ وَيَا مَنْ لَا يَكِلِدُ

نیفروشد نعمتی با ثمن وای آنکه تیر ندارد

عَطَايَاهُ بِالْأَمْثَانِ وَيَا مَنْ يُسْتَعْنَى بِهِ

عطا می شود با ثمن وای آنکه استغاثه می شود

وَلَا يُسْتَعْنَى عَنْهُ وَيَا مَنْ يُرْغَبُ

و نه استغاثه می شود از او وای آنکه رغبت می شود

إِلَيْهِ وَلَا يُرْغَبُ عَنْهُ وَمَنْ لَا تُقْنَى

به او و نه رغبت می شود از او وای آنکه قانع می شود

خَرَائِئُهُ الْمَسَائِلُ وَيَا مَنْ لَا تَبْدُلُ

خزانه های او سوالات وای آنکه بدل ندارد

حِكْمَتَهُ الْوَسَائِلُ وَيَأْمَنْ

حکمت اورا وسایلی وای امان

لَا تَقْطَعُ عَنْهُ حَوَائِجَ الْمُحْتَاجِينَ

برید نشود از او حاجت های محتاجان

وَيَأْمَنْ لَا يُعْنِيهِ دُعَاءُ الدَّاعِينَ

وای امان است نمی اندازد از دعا دعا کنندگان

تَمْلِكُ حَتَّى بِالْغِنَاءِ عَنْ خَلْقِكَ ذَاتِ

ستوده خود را به پادشاهی از دست خود و توان

أَهْلُ الْغِنَى عَنْهُمْ وَلَسْبَتْهُمْ إِلَى الْفَقْرِ

سزاوار سناری از ایشان و سبقت از فقر

وَهُمْ أَهْلُ الْفَقْرِ إِلَيْكَ فَمَنْ جَاوَل

وایشان به اهل فقر است پس هر که قصد کند

سَدَّ خَلْقِهِ مِنْ عِنْدِكَ وَرَأَى صَوْرَتَهُ

بست رخسار خلق خود را از جانب تو و صورت خود را

الْفَقْرَ عَنْ نَفْسِهِ يَكْ فَقَدْ طَلَبَ

فقر را از خود پس هر که بخواهد فقر را

حَاجَتَهُ فِي مَظَاهِرِهَا وَإِنِّي طَلَبْتُهَا

حاجت خود را در جایگاه خود و آمده است بسوی خود

مِنْ وَجْهِهَا وَمَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ

به از پیش روی و هر که بخواهد روی خود را

إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ

به یکی از خلق تو یا بگرداند او را به باب

يُحْيِي هَادُومَهَانَكَ فَقَدْ تَعَرَّضَ مِنْكَ

برآمدن آن حالت بحال تو پس حق که در عرض از خود

لِلْحَيَمَانِ وَاسْتَحْيَى مِنْ عِنْدِكَ قُوَت

عریان در آمده و سحر او آورنده از نزد تو

الْإِحْسَانِ اللَّهُمَّ وَلِيَّ إِلَيْكَ حَاجَةٌ

ای ان خداوند و مرآت بری تو حاجتی

قَدْ قَصَّرَ عَنْهَا جَهْدِي وَتَقَطَّعَتْ

که قطع کرد عجز از آن وقت من بریده است

دُونَهَا حِيلِي وَسَوَّلَتْ لِي نَفْسِي

نزد آن حاجت خواره من در نظر من زینت داده من

رَفَعَهَا إِلَى مَنْ يَرْفَعُ حَوَاجَةَ إِلَيْكَ

بدون آن حیلای بوی کسی که بار دهد حاجت بوی تو

وَلَا يَسْتَغْنِي فِي طَلِبَائِهِ عَنْكَ وَهِيَ

و برین نیاز من در طلبهای خود از تو و آن

زَلَّةٌ مِنْ زَلَلِ الْخَاطِئِينَ وَعَثْرٌ مِنْ

نیزشی است از لغزشهای خطاکاران و سیردادن محبت از

عَثْرَاتِ الْمَذْنِبِينَ ثُمَّ انْتَبَهَتْ بِتَذَكُّرِكَ

بر سر آمدن من کن شکایتان پس از آن که بگویم راه از تو

لِي مِنْ عَقْلِي وَلَهَضَتْ بِتَوْفِيقِكَ

برای از عقلمت خود در هدایت تو حق تو

مِنْ زَلَّتِي وَنَكَصَتْ بِتَسْلِيْمِكَ

از آن لغزش خود و بر گشتم برایت که در تو

الخطا



يَرْغَبُ

عَنْ عَثْرَتِي وَقُلْتُ سُبْحَانَ رَبِّي كَيْفَ

از سب و آلودگی خود و قسم منزهی خدای من بکند

لِسُؤْلِ مُخْتَاَجٍ مُخْتَاَجًا وَإِنِّي رَغِبُ

سؤال کننده محتاجی محتاج بسیار و کی رغبت یافتم

مُعْلِمٍ إِلَى مُعْلِمٍ فَقَصَّدْتُكَ يَا إِلَهِي

معلمی بکسی معلمی پس قصد کردم ترا ای خداوند

بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَأَوْفَدْتُ عَلَيْكَ

از روی رغبت بسوی تو و دارم بر تو فرستاده

رَجَائِي بِالثِّقَةِ بِكَ وَعَلِمْتُ أَنَّ

سپاس خود را از روی اعتماد تو و دانستم آنکه

كَثِيرٌ مَا اسْتَسْلَمْتُ لِسَيْرِي فِي رُجُلِكَ

بسیار آنچه سوار شدم بر سیر خود در پای تو

وَأَنَّ خَطِيرًا اسْتَوْهَبُكَ حَقِيرٌ فِي

آنکه عظم آنکه خواهم از تو حقیرانم در حقیرانم

وُسْعِكَ وَأَنَّ كَرَمَكَ لَا يَضِيقُ

جزدست تو و آنکه رحمت کرم تو تنگ نمیشود

عَنْ سُؤْلِ أَحَدٍ وَأَنَّ يَدَكَ بِالْعَطَايَا

از سؤال یکی و آنکه دست تو بعطایا

أَعْلَى مِنْ كُرْبِي اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ

بالا تر است از هر درستی خداوند منم بجزئیات

مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَاجْتَنِبْ كَرَمَكَ

محمد و بسوی او و بدارم کرم خود

عَلَا



عَلَى التَّفَضُّلِ وَلَا تَحْمِلْنِي بِعَدْلِكَ عَلَى

بفضل و بار کن مرا از روی عدل جزو بر

الِاسْتِحْقَاقِ فَمَا أَنَا يَا وَلِيَّ رَاغِبٍ

استحقاق این ستم من اول کسی که رغبت کرده

رَغِبَ إِلَيْكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَهُوَ لَيْسَ بِحَقِّ

رغبت کرده اندر سوی تو پس عطا کرده ای او را و حال آنکه من شرفدار

الْمَنْعِ وَلَا يَا وَلِيَّ سَائِلٍ سَأَلَكَ فَافْضَلْتَ

من را و ستم من اول بنیال گشته که از تو سوال کرده پس تو

عَلَيْهِ وَهُوَ لَيْسَ تَوْجِبَ الْخَيْرَانِ اللَّهُمَّ

بر او و حال آنکه او سزاوارتر من باشد خداوند

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكَزَلِ الدُّعَاءِ

در محبت زارت بر محمد و آل او و مانند این دعا را

مُحِبِّيًا وَمِنْ دُعَائِي قَرِينًا وَلِتَضَرَّعِي

با محبت گشته و دهنه کردن من نزدیک و از برای زاری من

رَاحِمًا وَلِصَوْتِي سَامِعًا وَلَا تَقْطَعْ

رحم کننده و از برای آواز من شنونده و بر

رَجَائِي عَنْكَ وَلَا تَبْتَ سَبِي مِنْكَ

امید مرا از خود و قطع کن سبب من از تو

وَلَا تُوجِبْ هِنِي فِي حَاجَتِي هَذِهِ وَغَيْرَهَا

و مقرر کن اندوه من در این حاجت من و غیر آن

إِلَى سِرِّكَ وَتَوَلَّنِي تَحْتَ طَلِبَتِي وَقَضَاءِ

سری من جزو و دستور من در طلب من و قضاء

حَاجَتِي وَتَيْلَ سُؤْلِي قَبْلَ زَوَالِي عَنْ

حاجت من در رسیدن هر چه شده من پیش از رفتن من از

مَوْفِقِي هَذَا تَيْسِيرَكَ لِي الْعَسِيرَ

این جایگاه من گذراندن تو از برای من دشواری را

وَحَسَنَ تَقْدِيرِكَ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي

و نیکوئی تو تقدیر کرده آن تو از برای من در همه کارهای

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَواتٌ دَائِمَةٌ

در وقت هر وقت بر محمد و آل او رحمتی پیوسته

نَامِيَةً لَا انْقِطَاعَ لَهَا وَلَا مَنَافَةَ

فراشونده که اقطعی نباشد و مانع از آن نباشد

لَا مَدِيَهَا وَاجْعَلْ ذَلِكَ عَوْنًا لِي

بر دست او را و مکره الهی این را مددکاری از برای من

وَسَبِّحًا لِحَاجَتِي طَلِبَتِي أَنْتَ وَاسِعٌ

در سببی از برای تو آمدن مطلب من درستی که تو واسع

كَرِيمٌ وَمَنْ حَاجَتِي يَا رَبِّ كُنَّا

کریمی و از همه حاجت من ای پروردگار من

وَكُنَّا وَتَذَكَّرَ حَاجَتَكَ ثُمَّ

دیدیم و یاد داشتیم حاجت خود را پس

تَسْجُدٌ وَتَقُولُ فِي سَجُودِكَ فَضْلَكَ

سجده میکنی و میگوئی در سجود خود فضل تو را

الْحَسَنِي وَإِحْسَانَكَ لِي فَاسْأَلْكَ

آرام داد و بخشش تو را پس میگویم که ای پروردگار من

بِكَ وَبِحَمْدِ وَالِهِ صَلَوَاتُكَ

عَلَيْهِمْ أَنْ لَا تُزِدَنِي خَائِشًا

وَكَانَ مِنْ عَائِدَةٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اغْتَدَى

عَلَيْهِمْ أَوْ دَانَ مِنْ الظَّالِمِينَ فَلَا يَحِثُّ

بِأَمِّنٍ لَا يَحْتَفِي عَلَيْهِ أَنْبَاءُ الْمُتَظَلِّينَ

وَيَأْمَنُ لَا يَحْتَاجُ فِي قَصَصِهِمْ إِلَى

شَهَادَاتِ الشَّاهِدِينَ وَيَأْمَنُ قُرْبَتِ

نُصْرَتِهِ مِنَ الْمُظْلُومِينَ وَيَأْمَنُ بَعْدَ

عَوْنِهِ عَنِ الظَّالِمِينَ قَدْ عَلِمْتَ يَا إِلَهِي

مَنَا لِي مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مَا خَطَرُ

وَأَنْتَ هَكَه مَتَّى مَتَّى حَجَرْتَ عَلَيْهِ

بَطْرًا فِي عَمَلِكَ عِنْدَهُ وَاعْتِزَّارًا

از روی حقان در نسبت تو نزد او و اعتصم است

بِنِكَيرِكَ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى

از انبهار بر او خداوند ابراهیم رحمت بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخُذْ ظِلِّي وَعَدْوِي عَنْ

محمد و آل او و بگیر ظلم مرا و دشمن من از

ظِلْمِي بِقُوَّتِكَ وَأَقِلَّ حَقَّ عَنِّي بِقُدْرَتِكَ

ستم کردن من ب قدرت خود و بکش ستم من از من ب قدرت خود

وَاجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِيمَا يَلِيهِ وَعَجْزًا

و بگردان از برای او شغلی در نزد خود و عجزی

عَنَّا يَا وَيْهِ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

که ما او دشمنی کنده خداوند ابراهیم رحمت بر محمد و آل او

وَلَا تَسْقُوعْ لَهُ ظِلْمِي وَاحْسِنْ عَلَيْهِ عَوْنِي

در جهت ستم از برای او ستم مرا و حسن کن مددکاری مرا بر او

وَأَعِصْنِي مِنْ مِثْلِ أَفْعَالِهِ وَلَا تَجْعَلْنِي

و نگاه دار مرا از عاصم شدن کارهای او و مگردان مرا

فِي مِثْلِ خَالِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

در مثل حال او خداوند ابراهیم رحمت بر محمد و آل او

وَاعِدْنِي عَلَيْهِ عَدْوِي حَاضِرٌ تَكُونُ

در پستی دور مرا بر او پاری داوود حاضر می گردانند

مِنْ غَيْظِي بِهِ شِفَاءً وَمِنْ حَقِّي

از خشم من بر او شفای و از حق من

عَلَيْهِ



عَلَيْهِ وَفَاءَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَعَوْضَنِي مِنْ ظَلَمِهِ لِي عَفْوُكَ وَأَبْدِلْهُ

لِسُوءِ صَنِيعِهِ بِي رَحْمَتِكَ فَكُلُّ

مَكْرُوهٍ حَلَّلَ دُونَ سَخَطِكَ وَكُلُّ

مَرْزُوقَةٍ سَوَاءٌ مَعَ مَوْجِدَتِكَ اللَّهُمَّ

فَكَمَا كَرِهْتَ لِي أَنْ أَظْلِمَ

فَقِنِي مِنْ أَنْ أَظْلِمَ اللَّهُمَّ لَا أَشْكُو

إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ وَلَا أَسْتَعِينُ بِحَاجَتِي

غَيْرَكَ حَاشَاكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَصَلِّ دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ وَأَقْرِضْ كَلَامِي

بِالتَّغْيِيرِ اللَّهُمَّ لَا تَقْتَتِنِي بِالْفُتُوحِ

كَرِهْتَ لِي أَنْ أَظْلِمَ



مِنْ إِصْصَافِكَ وَلَا تَقْنِيَهُ بِالْأَمْرِ

از عدل و انصاف تو در میان آن ظلمت را با من شدن

مِنْ أَنْ كَارَكَ قَيْصَرٌ عَلَى ظُلْمِي

از آنکه کار کرد قیصر بر من بر سر ظلم من

وَيُجَاصِرُنِي مَجْنَى وَعَرْقُهُ عَمَّا قَلِيلٍ

و غلبه من بر من مجنی من و عرقه از من در نزدیکی

مَا أَوْعَدْتَ الظَّالِمِينَ وَعَرَفَنِي مَا

آنچه وعده کرده استم بستم بکار را و دشمنی من

وَعَدْتَ فِي إِبْجَابَةِ الْمُضْطَرِّينَ اللَّهُمَّ

و وعده کرده استم بکار را و دشمنی من

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَوَقِّفْنِي لِقَبُولِ

در حق محمد و آل او و توقف من در حق قبول

مَا قَضَيْتَ لِي وَعَلَى وَرَضْتَنِي بِمَا اخْتَرْتَ

آنچه قضا کردی برای من و رضایت من به آنچه برگزید

لِي وَمَنِّي وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ

از من و من و راهنمایی من در آنچه استوارتر است

وَاسْتَعْلِمْنِي بِمَا هُوَ أَسْلَمُ اللَّهُمَّ وَإِنْ

و آموختن من به آنچه استوارتر است و اگر

كَانَتْ الْحَيِّقَةُ لِي عِنْدَكَ فِي

آنچه حقیقت است برای من نزد تو

تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِي وَتَرْكِ الْإِسْتِقَامِ

تأخیر گرفتن از مرا و ترک استقامت

مَنْ ظَلَمَنِي إِلَى يَوْمِ الْفَصْلِ وَمَجْمَعُ

از آن کسی که ستم کرده است به من تا روز فصل و مجمع

الْخَضَمِ فَصْلٌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآيَتُنِي

دشمنان من در راست بر محمد و آل او و آیت مرا

مِنْكَ بِلَيْتَةٍ صَادِقَةٍ وَصَبْرٍ دَائِمٍ

از جانب تو به من بر یک راستی و صبر دایمی

وَأَعِدَّنِي مِنْ سُوءِ الرَّغْبَةِ وَهَلَعِ أَهْلَ

و پنداره مرا از خوارش و دروغ من را

الْمَحْرَصِ وَصَوِّرْ فِي قَلْبِي مِثَالَ مَا أَذْخَرْتَ

سر من و نگاشته کن در دل من مثل آنچه نهان کردی

لِي مِنْ ثَوَائِكَ وَأَعَدَّدْتَ لِحَصْمِي مِنْ

از برای من از ثواب تو و آموختی مرا از برای دشمنان

جَزَائِكَ وَعِقَابِكَ وَاجْعَلْ ذَلِكَ

پنداری خود و عتاب خود و بگردان این منی را

سَبَبًا لِقِنَاعَتِي بِمَا قَضَيْتَ وَتَقَرَّبِي

بسببی از برای قناعت من آنچه حکم کرده و از برای نزدیکی

مُخَيَّرْتَ أَمِينِ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَنْكَ

اختیار کرده ای مرا امین را ای پروردگار عالم را

ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

معبود فضل و بزرگی و تو بر هر چیزی توانا

وَكَانَ مِنْ غَائِبَةِ السَّلَامِ إِذَا مَرَّ

و بود از دعای حضرت علیه السلام بگفته مرا

اَقْرَبُ إِلَيْكَ كَرَّ أَوْ بَلِيَّةً

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَنْصَرِفْ

فِيهِ مِنْ سَلَامَةٍ بَدَنِي وَلَكَ الْحَمْدُ

عَلَى مَا أَحَدَثْتَ بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي

فَمَا أَذْرِي يَا إِلَهِي أَيُّ الْخَالِينَ أَحَقُّ

بِالسُّكْرِكَ وَأَيُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى

بِالْحَمْدِكَ أَوْ قَدْ الصِّحَّةُ الَّتِي هَيَّأْتَنِي

فِيهَا طِبَابٌ رَزَقَكَ وَلَشَطَنِي بِهَا

لَا بَيْغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَفَضْلِكَ وَقَوِيَّتِي

مَعَهَا عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ

أَمْ وَقَدْ الْعِلَّةُ الَّتِي مَحَضَّتَنِي بِهَا

وَالْيَتِيمُ



وَالنِّعَمَ الَّتِي اتَّخَفَّتْ بِهَا تَخَفِيفًا لَنَا

والتخفيف التي تخففنا بها تخفيفا لنا

ثَقُلَ بِهِ عَلَيَّ ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَةِ

ثقل به علي ظهري من الخطيئة

وَتَطْهِيرُ الْمَاءِ انْتَمَسَتْ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَةِ

وتطهير الماء انتمست فيه من السيئة

وَتَبَيَّهَا السَّائِلُ التَّوْبَةَ وَتَذَكُّرًا

وتبيها السائل التوبة وتذكرا

لِحُكْمِ الْكُفَّةِ بِقَدِيمِ النِّعْمَةِ وَفِي خِلَالِ

لحكم الكفة بقديم النعمة وفي خلال

ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبُ

ذلك ما كتب لي الكاتب

مِنْ ذِكْرِ الْأَعْمَالِ مَا لَا قَلْبٌ

من ذكر الأعمال ما لا قلب

فَكَرَفِيهِ وَلَا لِسَانٌ يُطَوِّقُ بِهِ

فكرفيه ولا لسان يطوق به

وَلَا جَارِحَةٌ تَكَلِّفُهُ بَلْ أَضَاءُ

ولا جارحة تكلفه بل أضاء

مِنْكَ عَلَيَّ وَأَحْسَانًا مِنْ صَنِيعِكَ

منك علي وأحسانا من صنيعك

إِلَى اللَّهِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

إلى الله فصل على محمد وآله

وَحَبِّبَ إِلَيَّ مَا رَضَيْتَ لِي وَلَيْسَ لِي
دوست گردان از برای من آنچه پسندیده برای من تو آن را را
مَا أَخْلَلَتْ بِي وَطْهَرْتَنِي مِنْ دَنَسٍ
آنکه فرو آلوده بنماید و پاک گردانم را از هر گناه
مَا اسْأَلْتُ وَأَخْجَعْتَنِي شَرَّ مَا قَلَّصْتُ
پیش از من و آنچه را از من شسترا که کمتر کردم
وَأَوْجَدَنِي خَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ وَأَذْفَنِي
و نیز دزدی دورا به شیری عافیت و پاک گردانم را
بِرَدِّ السَّلَامَةِ وَاجْعَلْ مَخْرَجِي عَنْ
بهری سلامت و گردانم را به سر و انداختن او
عِلَّتِي إِلَى عَفْوِكَ وَمُخَوِّلِي عَنْ صَرْعَتِي
از علت من به سویی عفو تو و گردانم را از تن افتادن من
إِلَى تَجَاوُزِكَ وَخَلَّاصِي مِنْ كَرْبِي
به سویی در گذشتن تو از من و خلاصی دورا از تن افتادن من
إِلَى رَوْحِكَ وَسَلَامَتِي مِنْ هَذِهِ
به سویی راحت تو و سلامتی مرا از این
السَّيِّئَةِ إِلَى فَرَجٍ إِنَّكَ الْمُتَفَضِّلُ
بهری از بدی و درانی من به نیکوئی تو عظم پسندیده
بِالْإِحْسَانِ الْمُنْتَظَرِ بِالْإِمْتِنَانِ الْوَهَّابِ
با حسن و عطا پسندیده و بخت پسندیده
الْكَرِيمِ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
به سویی صاحب بزرگی و در گردانمی

دکانات



وَكَانَ مِنْ عَالِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اسْتَقَالَ

دُشْمَنِ او تَضَرَّعَ فِي طَلَبِ الْعَفْوِ عَنْ عِيْنِ

اللَّهُمَّ يَا مَنْ بِرَحْمَتِهِ لَيْسَتْ غِيْثُ الْمَذْنُونِ

وَيَا مَنْ إِلَى ذِكْرِ إِحْسَانِهِ يَقْرَعُ

الْمُضْطَرُّونَ وَيَا مَنْ لِحَقِيقَتِهِ يَتَجَبَّرُ

الْمُخَاطَبُونَ يَا أَسْرَ كُلِّ مُسْتَوْجِلٍ

غَيْبٍ وَيَا فَجَّحَ كُلِّ مُكْرِبٍ

كَيْبٍ وَيَا غَوْثَ كُلِّ مُخْذَلٍ

فَرِيدٍ وَيَا عَضْدَ كُلِّ مُحْتَاجٍ طَرِيدٍ

أَنْتَ الَّذِي وَسِعَتْ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَةٌ

وَعِلْمًا وَأَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ لِكُلِّ

مَخْلُوقٍ فِي نِعْمِكَ سَهْمًا وَأَنْتَ الَّذِي

آفریده در نعمت می بودی سهم در توئی آنکه

عَقَّوْهُ أَعْلَىٰ مِنْ عِقَابِهِ وَأَنْتَ الَّذِي

عقود او بیشتر است از عقاب او در توئی آنکه

تَسْعَىٰ رَحْمَتُهُ أَمَامَ عِزِّهِ وَأَنْتَ

سپردی رحمت او پیشتر پیش عِز او در توئی آنکه

الَّذِي عَظَاؤُهُ أَكْثَرُ مِنْ مَنَعِهِ

آنکه عطا کرد او بیشتر است از منع او

وَأَنْتَ الَّذِي أَسْعَىٰ الْخَلَائِقُ كُلَّهُ

در توئی آنکه کسب همه آفریده ها را می کند

فِي وَسْعِهِ وَأَنْتَ الَّذِي لَا يُرْغَبُ

در تو آنکه کسی را رغبت نیست در توئی آنکه

فِي جِزَاءٍ مَنْ أَعْطَاهُ وَأَنْتَ الَّذِي

در پاداش نماند کسی که عطا کرده او را در توئی آنکه

لَا يَقْرُطُ فِي عِقَابٍ مَنْ عَصَاهُ وَأَنَا

در گناه نیافتم در عقاب کسی که نافرمانی او را در توئی آنکه

يَا إِلَهِي عَبْدُكَ الَّذِي أَمَرْتَهُ بِالذِّعَاءِ

ای خداوند من بنده تو که امر کردم او را به عداوت

فَقَالَ لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ هَا أَنَا ذَا

پس گفت لبیک و سعدتت ها اینم من

يَا رَبِّ مَطْرُوحٌ بَيْنَ يَدَيْكَ أَنَا الَّذِي

ای پروردگار من انداخته شده پیش تو منم آنکه

وَقَرَّرَ



أَوْقَرْتُ الْخَطَايَا ظَهْرُ وَأَنَا الَّذِي

که گران کرده است کنان پشت او را در پیشم ای خدای

أَقْبَتِ الذُّنُوبُ عُمْرُ وَأَنَا الَّذِي

که فروخت نه کنان عمرش عمر او را در پیشم ای خدای

بِحَقْلِهِ عَصَاكَ وَلَمْ تَكُنْ أَهْلًا

بکشتن تو در حق تو ای خدای که در پیشم ای خدای

مِنْهُ لَذَا هَلْ أَنْتَ يَا إِلَهِي رَاحِمٌ

سوی از تو ای خدای من رحم کننده

مَنْ دَعَاكَ فَأَبْلَغَ فِي الدُّعَاءِ أَمْ أَنْتَ

کسی که بخواند ترا بیش از همه در خواندن یا تو

غَافِرٌ لِمَنْ رَكَكَ فَاسْتَرْجِعْ فِي الْبُكَاءِ

آمرزده آن را که گریست پیش تو ای خدای که در گریستن

أَمْ أَنْتَ مُجَاوِرُ عَتَمٍ عَقْرُكَ وَجْهًا

یا تو در گزند و نه از آن کسی که مالد رخسار او برای تو در گزند

تَذَلُّلًا أَمْ أَنْتَ مُغْنٍ مَرَشَ كَا

از برای خواری یا تو تو ای خدای که در گزند و سوی

إِلَيْكَ فَقَرُّ تَوَكُّلًا إِلَهِي لَاحِظٌ

بوسی تو از حق خود از روی توکل ای خدای که در لحاظ

مَنْ لَا يَجِدُ مُعْطِيَا غَيْرَكَ وَلَا تَخْذَلُ

کسی را که نمی یابد معطی کننده غیر تو در خوار کردن

مَنْ لَا يَسْتَغْنِي عَنْكَ بِأَحَدٍ وَنِكَ

کسی را که استغنی نیستد از تو کسی دیگر برای تو

إِلٰهِي فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِهِ وَلَا تَعْرِضْ

خدایا من را بر محمد و آل او درود گردان

عَنِّي وَقَدْ أَقْبَلْتُ إِلَيْكَ وَلَا تَحْزَمْنِي

از من و حال اگر روی آورده ام بنه و زودید گردان مرا

وَقَدْ رَغِبْتُ إِلَيْكَ وَلَا تَجْهَنْيَ بِالرَّدِّ

و حال اگر رغبت نمودم بسوی تو در غم ریش را بر من

وَقَدْ أَتَصَّبْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ أَنْتَ الَّذِي

در جمعیت که ایستادم پیش تو توئی که

وَصَفَتْ نَفْسَكَ بِالرَّحْمَةِ فَصَلِّ

وصف کرده نفس خود را بر رحمت پس درود

عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِهِ وَارْحَمْنِي وَأَنْتَ

محمد و آل او در رحمت کن مرا از توئی

الَّذِي سَمَّيْتَ نَفْسَكَ بِالْعَفْوِ

آنکه نام من ده نفس خود را بر عفو گذارده

فَاعْفُ عَنِّي قَلْبِي يَا إِلٰهِي فَنِصْ

بزرگوار پس در گذر از من عفو کن که می بینی ای خدایا من را و ایست

دَمْعِي مِنْ خَيْفَتِكَ وَوَجِيبَ قَلْبِي

آنکه من از ترس تو در اضطراب دل من

مِنْ خَشْيَتِكَ وَأَنْتَ قَاضٍ جَوَارِحِي

از بیم تو و لرزیدن اعضای من

مِنْ هَيْبَتِكَ كُلِّ ذَلِكَ حَيًّا

از هیبت تو همه اینها از روی نترسم

مِنِّي لِسُوءٍ عَلَيَّ وَلِذَلِكَ خَلَدْتُ صَوْتِي

از من بسبب بدی اعمال من و از جهت فروخته شدن آوازم

عَنِ الْجَارِ إِلَيْكَ وَكَلَّ لِسَانِي عَنْ

از زاری کردن بسوی تو و گسسته شدن زبان من از

مُنَا جَانِكَ يَا اَللهُ فَلَكَ الْحَمْدُ فَكُم

من حاجت تو ای خدا ای من پس بگوشت سپاس بسیار

مِنْ غَائِبَةٍ سَتَرْتَهَا عَلَيَّ فَلَمْ تَقْضِنِي

عیبی که پوشانیده ای از من پس مرا نرسان

فَكُم مِنْ ذَنْبٍ عَظِيمَةٍ عَلَيَّ

از گناهی که پوشانیده ای از من پس مرا نرسان

فَلَمْ تَشْهَرْنِي فَكُم مِنْ شَائِبَةٍ

پس مرا نرسان عیبی که مرا پوشانیده ای پس مرا نرسان

الْمَمْتُ بِهَا فَلَمْ تَهَيِّكْ عَنِّي سِرَّهَا

که من را نرسان پس مرا نرسان پس مرا نرسان

وَلَمْ تَقْلُدْنِي فَكُرِّهْ شَنَايَهَا

و مرا نرسان پس مرا نرسان پس مرا نرسان

وَلَمْ تَبْدِ سَوَاءَهَا لِمَنْ يَلْتَمِسُ مَعَايِي

و مرا نرسان پس مرا نرسان پس مرا نرسان

مِنْ جِيرَتِي وَحَسْبُكَ نِعْمَتِكَ عِنْدِي

از من بگوشت ای من و درنگ بزرگوار من است تو نزد من

ثُمَّ لَمْ يَنْهِنِي ذَلِكَ عَنْ أَنْ جَرَيْتُ

پس مرا نرسان مرا این لطیف از روان شدن

إِلَى سُوءِ مَا عَاهَدْتُ مِنْهُ فَمَنْ أَجْهَلُ مِنِّي

بروی آن درها که با من عهد بودی از من پس کیست نادان تر از من

يَا إِلَهِي بِرُسُودِهِ وَمَنْ أَغْفَلُ مِنِّي عَنْ

ای خدای من بخیر و صلاح دلیت غافل تر از من از

حَظِّهِ وَمَنْ أَبْعَدُ مِنِّي مِنْ اسْتِصْلَاحِ

اصیب خود دلیت دورتر از من از اصلاح خود

نَفْسِهِ حِينَ انْقَوْمَا اجْتَرَيْتَ عَلَيَّ

نفس خود آن هنگامی که صرف کنم آنچه جاری ساخته بر من

مِنْ رِزْقِكَ فِيمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ

از روزی خود در آنچه نهی کرده مرا از آن

مَعْصِيَتِكَ وَمَنْ أَبْعَدُ غَوْرًا فِي

معصیت خود دلیت دورتر از درون در

الْبَاطِلِ وَأَشَدُّ إِقْلَامًا عَلَى السُّوءِ

باطل و سخت تر جرات بخشد بر بدی

مَنْ جِئَ أَقْفَ بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَدَعْوَةِ

از من در وقتی که می ایستم میان خواندن من ترا و خواندن

الشَّيْطَانِ فَاتَّبِعْ دَعْوَتَهُ عَلَى غَيْرِي

شیطان را پس بروی سخن فراموش ادا، عدم پیروی

مِنْ مَعْرِفَةِ بِهِ وَلَا لِسِيَّانٍ مِنْ حِفْظِي

از من در شناخت او و نمی فراموشی از از دست گرفتن

لَهُ وَأَنَا حِينَئِذٍ مُوقِنٌ بِأَنْ مَسْتَهْلِكُ

او را و من در آن هنگام یقین دارم باینکه منهای

دَعْوَتِكَ



دَعَوَاتِكَ إِلَى الْجَنَّةِ وَمُسْتَهْجِي دَعْوَتِهِ

خواندن تو بر کسی بجز اوست و نه با کسی غیر او را

إِلَى النَّارِ سُبْحَانَكَ مَا عَجَبَ مَا

بدوی آتش باقی خداوند چه عجب است آنچه

أَشْهَدُ بِهِ عَلَى نَفْسِي وَأَعِدُّ مِنْ

گواهی میدهم بر نفس خود از عتابم آن را

مَكَتُومٍ أَمْرِي وَأَعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ

پنهان شده کار خود و عجب تر از این

أَنْتَ أَتَى عَنِّي وَأَبْطَأُكَ عَنْ مُعَاجِلَتِي

برآمدی پیش از من و درنگ نمودی است از زود کردن من

وَلَيْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِكَ بَلْ

و نیست این از کرمی بودن من بلكه

تَأْتِيَا مِنْكَ لِي وَتَقْضِي لِمِنْكَ عَلَيَّ

از جهت آمدن تو است با من و قضا

لَأَنْ أَتَقَلَّعَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ الْمُسْخَطَةِ

از من و می آید تا از دستم از آنکه من را از کفر خود

وَأَقْلَعُ عَنْ سَيِّئَاتِي الْمَخْلُوقَةِ وَلَا تَبْ

روان دارم خود را از گناه من که گناه من شده اند و از برای من

عَفْوِكَ عَنِّي أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ عِقَابِي

عفو کردن تو از من دوست تر است بر من از عتاب کردن

بَلْ أَنَا يَا إِلَهِي كَثُرَ ذُنُوبِي وَأَقْبَحُ أَثَارًا

بل من ای خدا ای من بسیار گناه کرده ام و بدتر آثار دارم

وَأَشْنَعُ أَفْعَالًا وَأَشَدُّ فِي الْبَاطِلِ

دروغ است که در راه ترم و سخت اندر ترم در راه ظل

تَهَوُّرًا وَأَضْعَفُ عِنْدَ طَاعَتِكَ

از راه تهور در ضعف ترم نزد طاعت تو

تَيَقُّظًا وَأَقْلَّ لَوْ عَيْدِكَ إِنِّي لَهَا وَانْقَابًا

از روی حفظ و کم بختی تو در عهد تو

مِنْ أَنْ لَحْصَى لَكَ عَيْبِي وَأَقْدَرَ

از این که بشمارم برای تو عیبهای خود را و توانمندتر

عَلَى ذِكْرِ ذُنُوبِي وَإِنَّمَا أَوْجَحُ

به یاد کردن گناهانم و تنها امیدوارم

بِهَذَا نَفْسِي طَمَعًا فِي رَافِعَتِكَ الَّتِي

با این نفس خود را در آرزوی طمع در رفعتی که

بِهَذَا صِلَاحِ أَمْرِ الْمَذْنُونِ وَرَجَاءُ

به این است صلاح امری که در گناهان و آرزوی

لِرَحْمَتِكَ الَّتِي فِي كَأْسِ رِقَابِي

رحمتی که در کاس ریه من

الْمُخَاطَبِينَ اللَّهُمَّ وَهَذَا رَقَبَتِي

مخاطبین خداوند من و این ریه من

قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

چون گریه کرده است از گناهان من پس تسبیح کن بر محمد

وَالِهِ وَاعْتَقِقْهَا بِعَفْوِكَ وَهَذَا ظَهْرِي

و والد من و رها کن مرا با عفو تو و این پشت من

قَدْ أَثْقَلْتَهُ الْخَطَايَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

یعنی اگر آن کوه است ابد آن این بین قریش بر محمد

وَالِهَ وَخَفَّفَ عَنْهُ بِمَنِّكَ يَا إِلَهِي

وآل دو و سبک گزشت را با انعام خود ای خدای من

لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَسْقُطَ

اگر گریه کنم بر تو تا آنکه بسفتد

أَشْفَارُ عَيْنِي وَانْتَحَبْتُ حَتَّى يَنْقُطِعَ

انگشتری چشمهای من و بازماندگی من تا آنکه بقطع شود

صَوْتِي وَفَمْتُ لَكَ حَتَّى تَنْشُرَ قَلْبِي

آواز من و بستم از برای تو تا آنکه رهایم که در دلم بودی

وَرَكْعَتُكَ حَتَّى يَجْلُعَ صَلْبِي

و رکعت تو تا آنکه در دلم فرو رود

وَسَجَدْتُ لَكَ حَتَّى تَتَفَقَّأَ حَدَقَتَايَ

و سجد کردم از برای تو تا حد آید در دو سوراخ چشمم

وَكَسَلْتُ تُرَابَ الْأَرْضِ طَوْلَ عَمْرِي

و بکوزم خاک زمین را درازای عمر خود

وَشَرِبْتُ مَاءَ الزَّمَادِ آخِرَ دَهْرِي

و نوشتم آب خاکستر را تمام روزگار خود

ذَكَرْتُكَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ حَتَّى

ذکر تو کردم در آن ایوان تا آنکه

يَكِلَ لِسَانِي نَمْلًا أَرَفَعَ طَرَفِي

اگر آنکه کند شود زبانی من با زکیم چشم خود را

إِلَىٰ فَاوَالِ السَّمَاءِ اسْتَحْيَاءُ مِنْكَ

بازگشتن آسمان از روی شرمندگی از تو

مَا اسْتَوْجِبْتُ بِذَلِكَ مُحْسِنَةً

منه از تو نیستم با نیکی تو کردن کیست آنجا

وَاحِدَةً مِنْ سَيِّئَاتِي وَإِنْ كُنْتُ

از گناهان تو دورا و اگر

تَعْفُرُ لِي حِينَ اسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَكَ

ببخش می مرا در وقتی که استوار باشم آمرزش تو

وَتَعْفُو عَنِّي حِينَ اسْتَحِقُّ عَفْوَكَ فَإِنْ

و عفو کنی از من پس عفو تو استحقاق من

ذَلِكَ غَيْرُ وَاجِبٍ إِلَيَّ بِاسْتِحْقَاقِ

این و این استحقاق است از برای من پس استحقاق

وَلَا أَنَا أَهْلٌ لِبِاسْتِحْقَابِ إِذْ كَانَ جُرْأِي

در مستحق من این است از روی استیجاب زیرا که جرات من

مِنْكَ فِي أَوَّلِ مَا عَصَيْتُكَ النَّارَ

از تو در اول آنکه عصیان کردم تو را آتش بود

فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِي إِلَهِي

پس اگر عذاب کنی مرا پس تو ظالم نیستی برای من ای الهی

فَإِذَا قَدْ تَعَمَّدَتْ بِي لِسِيرَتِكَ فَلَمْ تَقْضِخْنِي وَ

پس چون بپاشی بر من راه سیرت تو را پس چرا نپاشی مرا

تَأْتِيَنِي بِكَرَمِكَ فَلَمْ تَعَا جِلْنِي

مرا با کرمی تو ای من چرا نپاشی مرا

بازگشتن آسمان از روی شرمندگی از تو
منه از تو نیستم با نیکی تو کردن کیست آنجا
از گناهان تو دورا و اگر
بخش می مرا در وقتی که استوار باشم آمرزش تو
و عفو کنی از من پس عفو تو استحقاق من
این و این استحقاق است از برای من پس استحقاق
در مستحق من این است از روی استیجاب زیرا که جرات من
از تو در اول آنکه عصیان کردم تو را آتش بود
پس اگر عذاب کنی مرا پس تو ظالم نیستی برای من ای الهی
پس چون بپاشی بر من راه سیرت تو را پس چرا نپاشی مرا
مرا با کرمی تو ای من چرا نپاشی مرا

وَحَلَّتْ



وَحَلَمْتُ عَنْكَ بِتَفْضَلِكَ فَلَمْ تَغَيِّرْ عَمَلَكَ

حکم مرد میری بامن بقبض حرد یس نفرزاد می بخت حرد

عَلَىٰ وَلَمْ تُكِدْ مَعْرُوفًا عِنْدِي

بسم الله الرحمن الرحيم

فَارْحَمْ طَوْلَ تَضَرُّعِي وَشِدَّةَ مَسْكَتِي

پس بیا نزد درازی نازی مرا و سختم

وَسُوءَ مَوْقِفِي اللَّهِ تَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وہی جا کچھ مرا خدا مرگت بر محمد وآلہ

وَقِنِي مِنَ الْمَعَاصِي وَاسْتَعْمِلِي بِالطَّاعَةِ

د کجاو دارمرا از آن گشت نان و کجاو دارمرا لطافت

وَأَرْزُقْنِي حُسْنَ الْإِنَابَةِ وَطَهِّرْ نِي

روزِ جمی کی ہر
سکرتی بانہ کست

التَّوْبَةُ وَأَيُّدِي بِالْعِصْمَةِ وَاسْتَضَلَّ

بیت دهر بکانه دشمن مرا صلوات آورد

لِعَافِيَةٍ وَأَذِقْنِي حَلَاوَةَ الْمَغْفِرَةِ

بسم الله الرحمن الرحيم
وكتبها في شهر ربيع الثاني سنة ١٢٨٥

اجْعَلْنِي طَلِيقَ عَفْوِكَ وَعَتِيقَ حِمْلِكَ

دیکرد ان مرا را کرده. عضو خود را از او نبوده رحمت خود

اَكْتُبْ لِي اَمَانًا مِنْ سَخَطِكَ

دینار یس از برای من کافی از علف و دانه

كَيْسَرْنِي بِذَلِكَ فِي الْعَاجِلِ دُونَ

شربت همراه با این در حاضره

الْأَجَلَ بُشِّرْهُ أَعْرِضْ عَنْهَا وَعَظِرْفِي فِيهِ

آینده و بشارت ده که شوم آنرا در پیش من مرا در محرم

عَلَامَةٌ أَتَيْتُهَا إِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ

علامتی که گذشت زدم آنرا درستی که بمعنی تنگ نیست

عَلَيْكَ فِي وَسْعِكَ وَلَا يَتَكَادُكَ

بر تو در جنبه تنگ و در مقدار نیست بر تو

فِي قَدَرَتِكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بیش قدرت تو درستی که بر همه چیز قادر هستی

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ذَكَرَ

و بر تو از دعای که حضرت اسلام بر تو در کرده و میگوید

فَاسْتَعَاذَ مِنْهُ وَمِنْ عَذَابِهِ وَكَيِّدِ

پس پناه بگرفت از او و از عذابتش او و بگوید

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَاغَاتِ الشَّيْطَانِ

خدایا درستی که پناه بگیریم تو از ناز و نهان شیطان

الرَّحِيمِ وَكَيِّدِ وَمَكَائِدِ

رازدنه و فریب دهنده و کلاه های او

وَمِنْ الْيَقَةِ بِأَمَانَتِهِ وَمَوَاعِيدِ

و از اعتماد به وعده های او و وعده های او

وَعُرْوِهِ وَمَصَائِدِ وَأَنْ يَطْمَعَ نَفْسَهُ

و در محبای او و در محبای او و از اینکه طمع نماید خود را

فِي إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِكَ وَامْتِنَانِنَا

در گمراه کردن ما از طاعت تو و در امتنان ما

وَلَا يَنْصَعِدُكَ فِئَاتُكَ
وَلَا يَوْرِدُكَ خِيَالُكَ
الَّتِي دَلَّ عَلَيْهَا الْبَيِّنَاتُ
أَنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَقْضِي
مَا تُرِيدُ

بِعَصِيَّتِهِ



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين

بِعَصِيَّتِكَ أَوْ أَنْ يَحْسُنَ عِنْدَنَا مَا

سبب از آنجا که یا اینکه منکر شود نزد ما

حَسَنَ لَنَا أَوْ أَنْ يَبْقُلَ عَلَيْنَا مَا

منکر کرده از برای ما یا اینکه بر ما

كَرِهَ إِلَيْنَا اللَّهُمَّ احْصَاهُ عَنَّا

از دشمنی که داشته کسی ما خداوند اورد ابرار از پیش

بِعِبَادَتِكَ وَاصْبِرْهُ بِدُؤْبَانِي

سبب است تو در کردارش ازنا سبب جدا در

مَحَبَّتِكَ وَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ سِتْرًا

دوستی تو در کردار میان ما دشمن او برده

لَا إِلَهَ كُفْرُهُ وَرَدَّمَا مَضْمَنًا لَا

که نبرد آن را در میان بری

يَقْتَنُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

نکند آن را خداوند رحمت است بر محمد و آل او و خیر

عَنَّا بِبَعْضِ غَدَائِكَ وَاعْصِمْنَا مِنْهُ

از ما بعضی از دشمنان خود و نگاه دار از او

يَحْسُنُ رِعَايَتِكَ وَاصْبِرْ فَنَاحَتَهُ

بگونگی رعایت کردن خود و گذشتن کردار او

وَوَلِّ سَاطِعَهُ وَأَقْطَعْ عَنَّا شَرَّ اللَّهِ

در کردار بری داشته او را و بپوش از او از او را خداوند

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْتِعْنَا مِنْ هُدًى

رحمت است بر محمد و آل او از او را از او است

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين

بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ وَزَوَّدَنَا مِنَ التَّقْوَى

بیل *کمر ازی او* *دور شده ده مارا از برکت کمری*

ضَدَّ غَوَايَتِهِ وَاسْأَلَكَ بِهَا مِنَ التَّقَى

خلاف *کمر ازی او* *دوباره* *دو مارا* *براه* *به برکت کمری*

خِلَافَ سَبِيلِهِ مِنَ الرَّدَى اللَّهُمَّ

خلاف *راه او* *کمر راه* *چاکریت* *خدا*

لَا تَجْعَلْ لَهُ فِي قُلُوبِنَا مَدْخَلَ وَلَا طَرِيقَ

نکرده *ان از راه او* *دروغ* *ای* *ممن* *اصل* *شکل* *دگر* *از* *شکل*

لَهُ فِيمَا لَدَيْنَا مِنْزِلًا اللَّهُمَّ وَمَا سَأُولُ

از راه او *دور* *نزد* *ما* *منزل* *کما* *منه* *اندما* *دگر* *را* *از* *دست* *او*

لَنَا مِنْ بَاطِلٍ نَعْرِفُنَاهُ وَإِذَا عَرَفْنَاهُ

در *لطف* *از* *باطل* *پس* *شناسان* *ما* *از* *او* *دگر* *که* *شناسان* *ما*

فَقِنَاهُ وَبَصَّرْنَاهُ مَا نَكَاكَ بِهِ

پس *نگاه* *در* *از* *از* *آن* *دست* *کرد* *ان* *را* *ما* *که* *کنیم* *بشکست* *آن*

وَالْهَيْئَتُ مَا تَعَدُّ لَهُ وَيَقْضُنَا عَنْ

دور *ان* *بشد* *از* *آخری* *که* *له* *دو* *کنیم* *او* *از* *ای* *دفع* *او* *در* *بدر* *از* *ما* *از*

سِنَّةِ الْغَفْلَةِ بِالرُّكُونِ إِلَيْهِ

و *اب* *نقوت* *بسبب* *سبب* *بروی* *او*

وَأَحْسِنْ تَوْفِيقَكَ عَوْنًا عَلَيْهِ اللَّهُمَّ

و *بیکر* *کس* *سبب* *توفیق* *دو* *باری* *دو* *ان* *را* *ما* *دو*

وَأَشْرِبْ قُلُوبَنَا أَنْ كَارَ عَمَلُهُ وَالْطَّعْ

و *آب* *دو* *دلی* *ما* *از* *انکار* *کرد* *از* *او* *دلی*

بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ وَزَوَّدَنَا مِنَ التَّقْوَى
ضَدَّ غَوَايَتِهِ وَاسْأَلَكَ بِهَا مِنَ التَّقَى
خِلَافَ سَبِيلِهِ مِنَ الرَّدَى اللَّهُمَّ
لَا تَجْعَلْ لَهُ فِي قُلُوبِنَا مَدْخَلَ وَلَا طَرِيقَ
لَهُ فِيمَا لَدَيْنَا مِنْزِلًا اللَّهُمَّ وَمَا سَأُولُ
لَنَا مِنْ بَاطِلٍ نَعْرِفُنَاهُ وَإِذَا عَرَفْنَاهُ
فَقِنَاهُ وَبَصَّرْنَاهُ مَا نَكَاكَ بِهِ
وَالْهَيْئَتُ مَا تَعَدُّ لَهُ وَيَقْضُنَا عَنْ
سِنَّةِ الْغَفْلَةِ بِالرُّكُونِ إِلَيْهِ
وَأَحْسِنْ تَوْفِيقَكَ عَوْنًا عَلَيْهِ اللَّهُمَّ
وَأَشْرِبْ قُلُوبَنَا أَنْ كَارَ عَمَلُهُ وَالْطَّعْ

بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ وَزَوَّدَنَا مِنَ التَّقْوَى
ضَدَّ غَوَايَتِهِ وَاسْأَلَكَ بِهَا مِنَ التَّقَى
خِلَافَ سَبِيلِهِ مِنَ الرَّدَى اللَّهُمَّ
لَا تَجْعَلْ لَهُ فِي قُلُوبِنَا مَدْخَلَ وَلَا طَرِيقَ
لَهُ فِيمَا لَدَيْنَا مِنْزِلًا اللَّهُمَّ وَمَا سَأُولُ
لَنَا مِنْ بَاطِلٍ نَعْرِفُنَاهُ وَإِذَا عَرَفْنَاهُ
فَقِنَاهُ وَبَصَّرْنَاهُ مَا نَكَاكَ بِهِ
وَالْهَيْئَتُ مَا تَعَدُّ لَهُ وَيَقْضُنَا عَنْ
سِنَّةِ الْغَفْلَةِ بِالرُّكُونِ إِلَيْهِ
وَأَحْسِنْ تَوْفِيقَكَ عَوْنًا عَلَيْهِ اللَّهُمَّ
وَأَشْرِبْ قُلُوبَنَا أَنْ كَارَ عَمَلُهُ وَالْطَّعْ

لَنَا فِي نَقْضِ حَيْلِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

از برای ما در شکست چلهای او خداوند رحمت بر محمد

وَالِهِ وَحَوْلُ سُلْطَانِهِ عَنَّا وَقَطَعَ

دال او و گردان شد سلطان او را و برید

رَجَاهُ مِثْلًا وَادْرَأَهُ عَنِ الْوُلُوعِ بِنَا

امید او را از ما در آتش کی او را از حریق پس کردن ما

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ

خداوند رحمت رحمت بر محمد دال او و گردان

أَبَائِنَا وَأُمَّهَاتِنَا وَأَوْلَادِنَا وَأَهْلَانَا

پدران ما و مادران ما و فرزندان ما و همسران ما

وَذُرِّيَّاتِنَا وَقُرَابَاتِنَا وَجِيرَانَنَا

و فرزندانش و نزدیکان ما و همسایگان ما

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي حَرِّزِ

از مؤمنان و مؤمنات در محفل

حَارِزٍ وَحِصْنٍ خَافِظٍ وَكَهْفٍ

محکم و حصار محافظ کننده و پناه

مَنْعٍ وَالسَّهْمِ مِنْهُ جُنَا وَأَقِيَّةٍ

پسندیده و برکت از برای من و تو و پناه و اقیه

وَاعْظِمْ عَلَيْهِ أَسْلِحَةَ مَا ضَيَّعَ اللَّهُمَّ

و بزرگوار گردان بر او سلاحی که ضایع شد خداوند

وَاعْتَمِدْ بِذَلِكَ مَنْ شَهِدَكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ

و تکیه کن بر آن که شهادت کند بر تو بر ربوبیت

این است دعا که در این کتاب است
و در این کتاب است



أَمَرْنَا وَنَعِظُ عَنْ مُتَابَعَتِهِ مَنْ اتَّبَعَ

از ما را و نهی می دهیم از پیروی او کسی را که پیروی کند

نَجَّرْنَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

خدایا ما را نجات ده از حرکت بر محمد خاتم نبیان

وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ

و بهترین رسولان و بر اهل بیت او

الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ وَاعْدَانَا وَاهْلَانَا

و پاکان و پدیدار شده و دشمنان و دینداران ما را

وَأَخْوَانَنَا وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

و برادران ما را و همه ی مؤمنان و مؤمنات را

مِمَّا اسْتَعَدْنَا مِنْهُ وَاجْرْنَا مِمَّا اسْتَجْرْنَا

از آنچه بناه بر ما از آن و از نهاده ها از آن که نهاده بودیم

بِكَ مِنْ خَوْفِهِ وَاسْمَعْ لَنَا مَا دَعَوْنَا بِهِ

بنا از ترس آن و بشنود از برای ما آنچه دعا کردیم آن

وَأَعْطِنَا مَا أَعْفَيْنَاهُ وَاحْفَظْ لَنَا

و عطا کن ما را آنچه ترک کردیم و نگاه دار برای ما

مَا نَسَيْنَاهُ وَصَيِّرْنَا بِذَلِكَ دَرَجَاتٍ

آنچه فراموش کردیم از او و گردان را بسبب آن در درجات

الصَّالِحِينَ وَمُرَاتِي الْمُؤْمِنِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

صالحان و مرآتای مؤمنان آمین ای رب عالمین

وَكَانَ مِنْ غَايَةِ عَالِيَةِ السَّمَاءِ إِذَا رَفَعَ

و بود از دوازده حضرت علیه السلام هرگاه دعا می شد

این دعا را در هر روز بخواند
و در هر وقت که بخواهد
و در هر حال که باشد
و در هر مکان که باشد
و در هر وقت که بخواهد
و در هر حال که باشد
و در هر مکان که باشد

کتابخانه
موزه
و کتابخانه
ایران

عَنْهُ مَا يَجِدُنْ أَوْ عَجَّلْ لَهُ مَطْلَبُ

آنکه خدا بخواهد آنچه را که بخواهد یا بخواهد آنچه را که بخواهد

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ قَضَائِكَ

خداوند مرا از استحقاق تو سپاس گویم بر حسن قضا تو

وَبِمَا صَرَفْتَ عَنِّي مِنْ بِلَائِكَ فَلَا أَجْعَلْ

و آنچه را که از من دور کردی از آزار تو و من را از آزار تو دور نگذاری

حَظِّي مِنْ رَحْمَتِكَ مَا عَجَّلْتَ لِي مِنْ

آنچه را که از رحمت تو برای من عجل کردی

عَافِيَتِكَ فَأَكُونُ قَدْ شَقِيتُ بِمَا

عافیت تو را پس من را بدست آورده باشم که بدست آورده باشم

أَحْبَبْتُ وَسَعَدْتُ غَيْرِي بِمَا كَرِهْتُ

دوست داشتم و شاد شدم غیر من را به آنچه را که نخواستم

وَأَنْ يَكُنْ مَا ظَلَمْتُ فِيهِ أَوْ بَئِ

و آنچه را که ظلم کردم در آن باشد یا نه

فِيهِ مِنْ هَذِهِ الْعَافِيَةِ بَيْنَ يَدَيَّ بِلَاءٍ

در آن از این عافیت که در پیش من است آزار

لَا يَنْقُطِعُ وَوَرْدٍ لَا يَرْفَعُ فَقَدِمَ لِي مَا

که منقطع نگردد و آنچه را که بالا نبرد پس من را آنچه را که

أَخَّرْتُ وَأَخَّرَ عَنِّي مَا قَلَمْتُ فَعَمِرْتُ كَثِيرًا

تاخیر کردم و تاخیر کردی از آنچه را که قلم کردم پس من را آنچه را که

مَا عَاقَبْتَهُ الْفَنَاءُ وَغَيْرُ قَلِيلٍ مَا عَاقَبْتَهُ

آنچه را که او را آفرید و آنچه را که او را آفرید

و آنچه را که او را آفرید و آنچه را که او را آفرید

البقاء



البقاء وصل على محمد وآله

وَكَا نَ فَرِي عَائِي عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ سِتْلِ شَقَائِهِ

اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ وَالشَّرْعَيْنَا

رَحِمْتُكَ بِغَيْثِكَ الْمَغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ

المُنْسَاقِ لِبَنَاتِ أَرْضِكَ الْمُؤْتَوِي فِي

جميع الافاق وامتن على عبادك

إِنِّي نَارُ الْفَلَاحِ وَآخِي يَلَادُكَ يَبْلُوغُ

الزُّهْرُ وَأَشْهَدُ مَلَأَ كُنْتَ

لِكِرَامِ السَّفَرَةِ لِسَقْمِي مِنْكَ نَافِعٌ

اِئِمَّ غَزَّةَ وَاسِعَ دَرْنُ وَا بِلِ سِرِيعِ

اجل تجي به ما قلمات ورتد بها

مجلس اول

بسم الله الرحمن الرحيم

قَلَفَاتٍ وَتُخْرِجُ بِهِ مَا هَوَاتٍ وَتُوسِعُ

مغیر تو بسعد است و درون او می بسیند اگر آن آدمی در رازی می

بِهِ فِي الْأَقْوَاتِ سَحَابًا مُتَرَاكِبًا

سحاب در دوزخ است بر روی بر روی برسم شد

هَيْئًا مَرِيًّا طَبَقًا عَجَلًا لَا غَيْرُ مِلْثِ

نیزیم کردار از کوزه آینه شد که در می نماند

وَذَقَهُ وَلَا حُلْبَ بَرْقِهِ اللَّهُمَّ اسْقِنَا

باران او و فریاد کنند نه برق آن خدا را بده مارا

غَيْثًا مَغِيثًا مَرِيًّا مَرِيًّا عَرِيضًا وَاسِعًا

بارانی دوا کننده گناه با طبع سست است بر راج

غَيْرُ تَرْدٍ بِهِ التَّهْيِضُ وَتَجَرُّ بِهِ الْمَهْيِضُ

بسیار باز گردانی مان بیا به ستاده و جگر نمی مان سست

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا سَقِيًّا سَقِيًّا

خداوند ما را که در او آب زنی از این

الْظَّرَابِ الْجَنَابِ وَتَجَرُّ

که بر سار از آن چاه و کشت می

بِهِ الْإِنْفَارُ وَتَبَّتْ بِهِ الْأَشْجَارُ وَ

سب آن نهر را و در دامن سب آن درختان را و

تُرْخَصُ بِهِ الْأَشْجَارُ فِي جَمِيعِ الْأَمْصَارِ

از آن می سب آن زخم را در همه شهرها

وَتَتَعَشَّرُ بِهِ الْبَهَائِمُ وَالْخَلْقُ وَتَكْمُلُ لَنَا

و از غش زمانی سب آن چهار پا را و خلق ما و کامل و کامل

و تخرج به ما هوات و توسع
مغیر تو بسعد است و درون او می بسیند
اگر آن آدمی در رازی می
سحاب در دوزخ است بر روی
بر روی برسم شد
نیزیم کردار از کوزه آینه شد
که در می نماند
باران او و فریاد کنند نه برق آن
خدا را بده مارا
بارانی دوا کننده گناه
با طبع سست است بر راج
بسیار باز گردانی مان
بیا به ستاده و جگر نمی مان
سست
خداوند ما را که در او آب زنی
از این
که بر سار از آن چاه و کشت می
سب آن نهر را و در دامن سب آن
درختان را و
از آن می سب آن زخم را در همه
شهرها
و از غش زمانی سب آن چهار پا را
و خلق ما و کامل و کامل

و تخرج به ما هوات و توسع
مغیر تو بسعد است و درون او می بسیند
اگر آن آدمی در رازی می
سحاب در دوزخ است بر روی
بر روی برسم شد
نیزیم کردار از کوزه آینه شد
که در می نماند
باران او و فریاد کنند نه برق آن
خدا را بده مارا
بارانی دوا کننده گناه
با طبع سست است بر راج
بسیار باز گردانی مان
بیا به ستاده و جگر نمی مان
سست
خداوند ما را که در او آب زنی
از این
که بر سار از آن چاه و کشت می
سب آن نهر را و در دامن سب آن
درختان را و
از آن می سب آن زخم را در همه
شهرها
و از غش زمانی سب آن چهار پا را
و خلق ما و کامل و کامل



بِهِ طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ وَتَثْبِثْ لَنَا بِهِ

سپید بود سپید می پاکیزد در دهر و در دهر می از برائی سپید

الرِّزْقِ وَتَثْبِثْ بِهِ الصَّرْعَ وَتَزِيدْ نَابِقُوهُ

در اعتدال در پیش کردنی سپید است در او بفرز دانی ما را بر این

إِلَى قُوَّتِنَا اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَيْنَا

بر زنت ما بر من و از من کردان سپید انداز بر ما

سَمُومًا وَلَا تَجْعَلْ بَرْدَهُ عَلَيْنَا حُسُومًا

سوموم و کردان سردی آن دارما ستوم

وَلَا تَجْعَلْ صَوْبَهُ عَلَيْنَا رُجُومًا وَلَا تَجْعَلْ

و کردان آیدن آن بر ما رجوم و کردان

مَاءَهُ عَلَيْنَا أَحَا جًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

آب ایوا بر ما صلح و نور خداوند را بر محمد

وَالْمُحَمَّدِ وَارْزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ

و آل محمد در روزی کن ما را بركات می دانند

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آسمانها و زمین هر چیزی را بر او است قدرت

وَكُنْ مِنْ عَائِدَةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَكَارِمِ

درود از دعای اکفرت علیه السلام در عطا افعال سوره

الْأَخْلَاقِ وَمَرْضَى الْأَفْعَالِ

و افعال و بسندده

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَبَلِّغْ بِإِيمَانِي

خداوند را رحمت است بر محمد و آل او و رسان این ایمان مرا

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم الصالحين
الجميعين



اَكْمَلِ الْاِيْمَانَ وَاجْعَلْ يَقِيْنِي اَفْضَلَ

کامل ترین ایمان را در گردان یقین مرا تا بهترین

الْيَقِيْنِ وَاَنْتَ بِيَّتِي اِلَى اَحْسَنِ النِّتَاءِ

یقین منی را به بهترین جای به بهترین پستی

وَيَعْمَلِي اِلَى اَحْسَنِ الْاَعْمَالِ اَللّهُمَّ وَفِّرْ

و عمل مرا به بهترین خداوند اوست

بِلَطْفِكَ يَّتِي وَصَحِّحْ بِمَا عِنْدَكَ يَقِيْنِي

مطهر من به رحمت تو و درست کن آنچه نزد توست یقین مرا

وَأَسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنِّي

و اصلاح مرا به قدرت تو آنچه تا شده است از من

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآكُفْنِي

خداوند درود را بر محمد و آل او و کفایت کن من

مَا يَشْغَلُنِي اَلْاهْتِمَامُ بِهِ وَاسْتَغْمِلْنِي

آنچه مشغول مرا است اهتمام به او و بکار دار مرا

بِمَا لَسْتُ لِي غَدًا عَنْهُ وَاسْتَفْرِغْ اَيَّامِي

در آنچه برای من نیست فردا و صرف کن روزگار مرا

فَمَا خَلَقْتَنِي لَهُ وَاعْنِي وَارْزُقْ عَلَيَّ

در آنچه آفریده مرا از برای او و مرا را و روزی کن مرا

فِي رِزْقِكَ وَلَا تَقْنِي بِالنَّظَرِ وَاعْزِزْنِي

در روزی خود را و مستحق نما مرا نظر کردن و عزیز گردان

وَلَا تَتْلِيَنِي بِالْكِبَرِ وَعَيْدِي لَكَ

و حال مرا را بکبر و عید من را به تو

و در روزی خود را و مستحق نما مرا نظر کردن و عزیز گردان

و در آنچه آفریده مرا از برای او و مرا را و روزی کن مرا

وَلَا تَقْسِدْ عِبَادَ نِي بِالْعَجْبِ وَاجْر
دست نه کردن
 لِلنَّاسِ عَلَى يَدَيَّ الْخَيْرِ وَلَا تَحْقُقْ بَيْنَ
از برای هرمان بدست من خیر را و باطل که او را بدست
 وَهَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ وَاعْظِمْنِي
در پیش رو و با حق نشسته اند و کجا وادار
 مِنَ الْفَخْرِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
از تقاضا کردن بمنه اندازد عزت بر محمد و آل او
 وَلَا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ رَجَاةَ الْأَحْطَاطِ
دست نه کردن از برای من در میان مردم بانه که آنکه دست کنی مرا
 عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا وَلَا تُحْدِثْ لِي
زود نفس خودم مثل آن بانه در میان من و در از برای من
 عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَحْدَثْتَ لِي ذِكْرًا
عزت ظاهر منی که آنکه بدیدم آوری از برای من بانه می
 بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدْرِهَا اللَّهُمَّ
بیب فی زود نفس خودم بقدرا دل عزت من بانه
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَبِعِي هَدْيِي
دست است بر محمد و آل محمد و پیروی من بانه
 صَاحِبِ لَا اسْتَبْدِلْ بِهِ وَطَرِيقَهُ حَقِّ
دست که به آن نشسته آن صاحب و طریق حق
 لَا أَرْيَغُ عَنْهَا وَنِيَّةَ رُشْدٍ لَا أَشْكُ
که کردم از آن دست صوابی که شک نمی

اینست که در این دعا
 از برای هرمان بدست من
 خیر را و باطل که او را
 بدست من

اینست که در این دعا
 از تقاضا کردن بمنه
 اندازد عزت بر محمد و آل او
 و کجا وادار

فِيهَا وَعَمَّرَ فِي مَآكُنْ عَمْرِي بِذَلِكَ

در آن مکان و بزرگوار دارم که در آنجا می بینم بجا دارد

فِي طَاعَتِكَ فَإِذَا كَانَ عَمْرِي مُرْتَعَا

در طاعت تو پس هرگاه که زندگانی من هرگاه

لِلشَّيْطَانِ فَأَقِصُّهُ إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ

شیطان را نزد خود بکش و پیش از آنکه

يَسْبِقَ مَقْتِكَ إِلَيَّ أَوْ لِيَسْتَحْيَ كَمَ

پیش من شود یا پیش من آید یا تو مرا شرمند سازد

عَضْبِكَ عَلَى اللَّهِ لَا تُلْغِ خَصْلَةً

عضبت را بر من نه و از آنکه در آنجا تو مرا

لَا تَعَابُ مِنِّي إِلَّا أَصْلَحْتُهَا وَلَا غَائِبَةً

که عیب کند از من مگر آنکه اصلاح کنم و اگر غایب باشم

أَوْ تَبَّ بِهَا إِلَّا أَحْسَنْتُهَا وَلَا أَكْرَمَةً

که بر من بد باشد مگر آنکه بهتر کنم و اگر بزرگوارتر

فِي نَافِضَةٍ إِلَّا أَتَمَمْتُهَا اللَّهُمَّ صَلِّ

در من که ناقص باشد مگر آنکه تمام کنی یا بار خداوند رحمت

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَبْدِلْنِي فِي بَعْضَةِ

بر محمد و آل محمد و بدل کن مرا در بعضی

أَهْلِ الشَّيْءِ بِالْحُبَّةِ وَمِنْ حَسَدِ أَهْلِ

اهل عداوت را با محبت و از حسد اهل

الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ وَمِنْ ظَنَّةِ أَهْلِ الصَّلَاحِ

دشمنی را با دوستی و از ظن اهل صلاح

الشَّقَّةَ



الْبَقَّةَ وَمِنْ عَدَاةِ الْأَذِينَ الْوَلَايَةَ

بر شوق و دشمنی نزدیکی را دوستی
مِنْ عَقْوِدِ وَيِ الْأَرْحَامِ الْمُبِينِ وَمِنْ

و عقوق خویش را به نیکوکاری و از
خَدَلَانِ الْأَقْرَبِينَ النَّصْرَ وَمِنْ حَبِ

خوار کردن اخصی را پیروی دادن و داندوستی
الْمُدَارِينَ تَصْحِيحَ الْحَقِّ وَمِنْ زِدِّ الْمَلَارِي

دار کردن نیکیان را درست کردن دوستی و در کردن مصیبتان
كَرَمِ الْعَشْرِ وَمِنْ مَرَأَةِ خَوْفِ

بهرت کردن دوستی و دشمنی ترس
الظَّالِمِينَ خِلَافَ الْأَمْنَةِ الْكَلَمِ صَدَأِ

سبکگاران را است یعنی امنیت خستادن و از رفتن
عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَاجْعَلْ لِي نِيْلًا عَلَى مَنْ

بر محمد و آل او و بگردان از برای من دوستی بر آنکه
ظَلَمَنِي وَلِسَانًا عَلَى مَنْ خَاصَمَنِي وَ

ستم کرده است بر من و زبانی بر آنکه خصومت داشته باشد
ظَفَرًا يَمِينِ عَانِدَنِي وَهَبْ لِي مَكْرًا

قدردانی بر آنکه دست کرده است بر من و بخش بر آنکه
عَلَى مَنْ كَايَدَنِي وَقَدْ عَلِمْتُ عَلَى مَنْ

بر آنکه بس کرده است بر من و قدرتی بر آنکه
اضْطَهَدَنِي وَتَكْذِيبًا لِمَنْ قَضَيْتَنِي

فست کرده است بر من و تندی بر آنکه مرا شکست داده است

شاید
چون که
راست نیست
نصف و شش
نیم و یک
نیم و یک
نیم و یک

وَسَلَامَةً مِّنْ تَوَعَّلَنِي وَوَفَّقَنِي لِمَطَاعَةٍ

و سلامتی از کسی که در عهد و امانت مرا و توفیق و هماهنگی مرا از برای

مَنْ سَدَّدَنِي وَمُتَابِعَةٍ مِّنْ ارْشَادِنِي

آنکه بر امضا و پیروی مرا و پیروی از کسی که خبر نموده است مرا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَدِّدَنِي

خدایا رحمت خود را بر محمد و آل او و توفیق و هماهنگی مرا

لِأَنَّ أَعَارِضَ مَنْ غَشَّيَنِي بِالنَّصِيحَةِ وَالْجَرَى

از برای آنکه مرا بر کسی که مرا با نصیحت و پیروی و جری

مَنْ هَجَرَنِي بِالْبِرِّ وَاتَّبَعَ مَنْ حَرَمَنِي

کسی را که از من دوری کرده است و پیروی از کسی که مرا حرام کرده است

بِالْبَذْلِ وَكَافِيَ مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَاةِ

و بخشش و کفایت و پیروی از کسی که مرا قطع کرده است با نماز

وَأَخَالَفَ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى الْحَسَنِ الْمَذْكُورِ

و مخالف و پیروی از کسی که مرا به حسن مذکور

وَأَن أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ وَأَغْضَى عَنِ

و آنکه من شکر کنم حسن را و غضب کنم از

السَّيِّئَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَلَّنِي

سعی خدایا رحمت خود را بر محمد و آل او و حل و آرامی مرا

بِحِلَّةِ الصَّالِحِينَ وَالْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ

در حله صالحان و بپوشان من زینت متقین

فِي سَبْطِ الْعَدْلِ وَكُظْمِ الْغَيْظِ وَالطِّفَاءِ

در سبزه عدل و کظم خشم و طوفان

الثَّانِي



وَالْأَنْبِيَاءُ
وَالْأَنْبِيَاءُ
وَالْأَنْبِيَاءُ

النَّائِثُ وَصَمِ أَهْلَ الْفُرْقَةِ وَاصْلَاحُ
 آتش عداوت و جمع کردن گروهی که متفرق باشند و وصل کردن
 ذَاتِ الْبَيْنِ وَافْشَاءُ الْعَارِفَةِ وَسِتْرُ
 میان برداشتن و فاش کردن چیزی که پنهان بود
 الْعَائِبَةِ وَلَيْتَ الْعَرِيكَ وَخَفَضُ
 عیب و عیب برداشتن و خف کردن
 الْجَنَاحِ وَحَسَنَ السَّيْرِ وَسُكُونُ
 بال و حسن رفتن و سکون
 الرِّيحِ وَطَيْبَ الْمَخَالِفَةِ وَالسَّيْفُ إِلَى
 باد و خوش طبعی با مردم و شمشیر
 الْفَضِيلَةِ وَابْتِثَارُ التَّقْضَلِ وَتَرْكُ
 بقیعت و بخت با مردم و ترک
 التَّغْيِيرِ وَالإِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّ
 بریدن کردن مردم و افضال بر غیر مستحق
 وَالْقَوْلُ بِالْحَقِّ وَإِنْ عَزَّ وَاسْتِقْلَالُ
 و گفتن حق و اگر چه اندک شد و اندک شدن
 الْخَيْرِ وَإِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي
 خیر و اگر چه بسیار شد از گفتن من و کردار من
 وَاسْتِكْثَارُ الشَّرِّ وَإِنْ قَلَّ مِنْ
 و بسیار شدن شر و اگر چه اندک شد از
 فِعْلِي وَكَسَمٌ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ
 و کمال کردن آن صفتها را از برای من به دوام

وَالْأَنْبِيَاءُ
وَالْأَنْبِيَاءُ
وَالْأَنْبِيَاءُ

قَوْلِي
گفتن من



الطَّاعَةِ وَلِزُومِ الْجَمَاعَةِ وَرَفْضِ أَهْلِ

طاعت کردن و همیشه با جماعت میزیدن و ترک اهل

الْبِدْعِ وَمُسْتَعْلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ اللَّهُمَّ

و بدعت است و کسی که بخوار میرود رایی اختراع کرده و خداوند

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ أَوْسَعَ

در رحمت و بزرگواری او و بگردان از انحراف

رِزْقِكَ عَلَيَّ إِذَا كَبُرْتُ وَأَقْوَى

در روزی خود را بر من آسانتر گاه بپر تو هم و قوی تر

قُوَّتِكَ فِي إِذَا اضْطَبْتُ وَلَا تَبْتَلِيَنِي

تو نیست خود را در سختی و گناه به بیتی آزمون و درستی ساز

بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ وَلَا الْعَمَى

بناظری کردن و از دست گیری تو و درستی

عَنْ سَبِيلِكَ وَلَا بِالْعُرْضِ الْخِلَافِ

از راه تو و در مستقر نشستن و مخالفت

مَحَبَّتِكَ وَلَا بِمُجَامَعَةٍ مِنْ يَفْرَقُ عَنْكَ

دوستی ترا و در جمع شدن با کسی که جدا شده باشد از تو

وَلَا مُفَارَقَةٍ مِنْ اجْتِمَاعِ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ

و در مفارقت کسی که نزد تو آمده باشد و دوری تو خداوند

اجْعَلْنِي أَصُولَ بَيْتِكَ عِنْدَ الضَّرُورَةِ

برگردان مرا محله کنم به بیتم خود در ضرورت

وَاسْتَثْلِكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ وَأَتَضَرَّعُ

و مرا اهل کنم از تو در حاجت و دعا می کنم

إِلَيْكَ عِنْدَ الْمَسْكَنَةِ وَلَا تَقْتَبِ

بروی تو نزد فقر تو

يَا لِمَ اسْتَعَانَهُ بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطَرَّ

نیازی بست به غیر تو هرگاه مضطر شود

وَلَا بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ غَيْرِكَ إِذَا افْقَرَ

و نه بهست روی کردن از برای سوال اگر تو بخل محض شوی

وَلَا بِالظُّرْعِ إِلَى مَنْ دُونِكَ إِذَا رَهَيْتَ

و نه از برای گریستن به سوی کسی که برای تو باشد زنی که دوستی

فَاسْتَحْوِذْ لَكَ خِدْلَكَ وَمَنْعَكَ

پس استحقاق تو را با سبب بازدارنده خود و مانع خود را

وَإِعْزِزْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ

و دوستی را که مهربان تر است ای خداوند ترین کشتگان خداوند

اجْعَلْ مَا يَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي

برو داند آنچه میگرداند شیطان در دل من

مِنْ الثَّمَنِ وَالْظَّنِّ وَالْخِيَارِ ذِكْرًا

از آرزو و گمان و یاد کردن

لِعَظَمَتِكَ وَتَفَكَّرْ فِي قُدْرَتِكَ

بر بزرگی ترا و دست گردان در قدرت تو

وَتَذَيَّرْ عَلَى عَدُوِّكَ وَمَا أَجْرِي عَلَى

و تذییر بر دشمن تو و آنچه درواری میانه من

لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فَحْشٍ أَوْ هَجْرٍ أَوْ شَمِّ

زبان من از سخن فحش یا هجر یا دشنام

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين



عَرَضَ أَوْ شَهَادَةً بَاطِلًا وَأَعْتَبَا ب

بر من کسی و گواهی باطلی یا عیبت کردن

غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ

غیبت و بدگفتار نام حاضر و آنچه مانند این

نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ وَأَعْرَافًا فِي الثَّنَاءِ عَلَيْكَ

سخن گفتن بپسند تو و ستایش کردن در ستایش تو

وَذَهَابًا فِي تَحْمِيدِكَ وَشُكْرُ النِّعَمِ عَلَيْكَ

و در ذمتی و در تحسین تو و شکر کردن نعمت تو

وَأَعِزًّا أَفَّا بِإِحْسَانِكَ وَإِحْصَاءُ لِمَنْتِكَ

و عزیزان که به حسن تو و شمردن نعمت تو

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا أَظْلَمَنَّ

خداوند! در رحمت بر محمد و آل او و ستم نکنم

وَأَنْتَ الْقَادِرُ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي

و حال کنی تو توانی در دفع کردن از من

وَلَا أَظْلَمَنَّ وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ

و ستم نکنم و حال کنی قدرت داری بر نگاه داشتن

مِنِّْي وَلَا أَضِلُّنَّ وَقَدْ أَفْكَرْتُكَ

من و گمراه ننوم و حال کنی محقق من است ترا

هَذَا بَيْنِي وَلَا أَفْقِرَنَّ وَمِنْ عَيْدِكَ تَوَدُّ

این میان من و فقیر نگردم و حال کنی نزد تو است

وَلَا أَطْغَيْنَنَّ وَمِنْ عَيْدِكَ وَجَدِي

و غیورم و حال کنی از زودست تو از من

و در ستایش تو و در تحسین تو و شکر کردن نعمت تو

و عزیزان که به حسن تو و شمردن نعمت تو

اللهم



اللَّهُمَّ إِلَى مَغْفِرَتِكَ وَقَدْتُ وَإِلَى

تو ای خداوند من به بخشش تو آمده ام و به سوی

عَفْوِكَ قَصَدْتُ وَإِلَى تَجَاوُزِكَ

عفو تو به قصد کرده ام و به حدی که شش از گناه

اَسْتَقْتُ وَبِفَضْلِكَ وَثِقْتُ وَ

استغاثه کردم به تو و به فضل تو اعتماد کردم و

لَيْسَ عِنْدِي مَا يُوجِبُ لِي مَغْفِرَتَكَ

من نزد من چیزی نیست که مرا برای بخشش تو

وَلَا فِي عَمَلِي مَا اسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَكَ

و در کار من چیزی نیست که مستحق عفو تو را

وَمَا لِي بَعْدَ أَنْ حَكَمْتُ عَلَى

و من بعد از این که حکم کردم بر

نَفْسِي إِلَّا بِفَضْلِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

نفس خود مگر به فضل تو پس صلوات بر محمد و آل او

وَبِفَضْلِكَ عَلَى اللَّهِ هَمٌّ وَأَنْظِفْنِي بِالْهُدَى

و به فضل تو بر من استغاثه و پاکیزه مرا با هدایت

وَالْهَمُّنِي التَّقْوَى وَوَقْنِي لِلَّتِي هِيَ

و در دل من انداز بر تقوا و در میان من در آن چیزی که

أَرْكَى وَأَسْتَعِظُنِي بِمَا هُوَ أَرْضَى

که پاکیزه است و به آن چیزی که مرا آسوده کند

اللَّهُمَّ اسْلِكْ بِي الطَّرِيقَةَ الْمُسْتَقِيمَةَ

خداوند من را به راه مستقیم

که در این دعا
از خداوند بزرگوار
درخواست می شود
که مرا به راه
مستقیم هدایت کند
و مرا از گناه
پاکیزد
و مرا به تقوا
آموزد
و مرا به آن چیزی که
مرا آسوده کند
آموزد

و در این دعا
از خداوند بزرگوار
درخواست می شود
که مرا به راه
مستقیم هدایت کند
و مرا از گناه
پاکیزد
و مرا به تقوا
آموزد
و مرا به آن چیزی که
مرا آسوده کند
آموزد

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في القرآن
كل شيء حكمة وعبرة
وآية لمن يعقل

وَجْعَلْنِي عَلَىٰ مِلَّةِكَ أَمْوُتٌ وَآخِيَا

و بگردان را چنانکه بر دین تو بمیرم و زنده باشم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَبِّحْهُ بِالْإِقْطَا

طه از نماز صبح بر محمد و آل او و صبح بخیر او را با صبح

وَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّيِّدَةِ وَمِنْ آدِلَةِ

و بگردان را از اهل صورت و از راهبان

الرَّشَادِ وَمِنْ صَالِحِي الْعِبَادِ وَارْزُقْنِي

بخیر و از دست راست یاران من و روزی مرا

فَوْزَ الْمَعَادِ وَسَلَامَةَ الْمَرْصَادِ اللَّهُمَّ

سعادتی را که در معاد است و سلامتی را که در راه رسیدن به آن است

خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا يَخْلُصُهَا

بگیر از برای خود از نفس من آنچه خلاصه کند

وَابْقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يَصْلِحُهَا

و باز بگذار از برای نفس من از نفس من آنچه با صلاح بخشد

فَإِنَّ نَفْسِي هِيَ الْكَفَّةُ أَوْ تَعْصِمُهَا

پس مراستی که نفس من است موازنه یا اگر آن را نگاه دارد

اللَّهُمَّ أَنْتَ عَدَدْتَنِي إِنْ خَرَنْتُ وَأَنْتَ

خدایا تو عدده منی اگر گناه و گمراهی شوم و تو

مَنْجِي إِنْ حُرِمْتُ وَبِكَ اسْتِغَاثَتِي

نجات دهنده منی اگر محروم شوم و به تو استغاثه می کنم

إِنْ كَرِهْتُ وَعِنْدَكَ مِمَّا فَاتَ خَلْفَ

اگر گناه بخت شود بر من و نزد تو از آن چیزهایی که در پشت من است

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في القرآن
كل شيء حكمة وعبرة
وآية لمن يعقل

وَبِكَ



الاعمال لإزكاها وإدناؤها

کردارها اندر برای آنچه پاکیزه تر است و هرگاه به متعین نگذرد

المِلَّةُ لِأَرْضَاهَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

از برای آنچه که می دانند و نه از برای آنچه که می خواهند

وَالِهُ وَتَوَجَّيْ بِالْكَفَايَةِ وَسُمِّي

آگاد و پشیرا تاج کفایت و دوا

حَسَنَ الْوَلَايَةِ وَهَبَ لِصِدْقِهَا

میگوئی دلات و بخش را صدق دات

وَلَا تَقْنِيَنَّ بِالسَّعَةِ وَأَمْنٌ خَيْرٌ

در صف اول کجی مرا متواکبری و عطا کن مرا شک و ابرام

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِ كَمَا كَانَتْ

و جعل عيسى

و کرم ان زنہ کا بی بی مراد

لا ترد دعائي على ردائي في الجسر

و در کوردها آن دعا را بر من برادر زهدی پس بر سر کسی که می خواهد

لَكَ ضِدَا وَلَا أَدْعُوْا مَعَكَ يٰلَا إِلٰهَ إِلَّا

از برای تو ضدی و سمی است با تو مانند می خورم

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْنَعْنِي مِنَ الشَّرِّ

درخت زیت بر محمد و آل او و بزرگواران او و اهل بیت او

وَوَقَدْ مَاتَ كَتَّةٌ بِمَالِ كَتَّةٍ فِي وَادٍ

دستارک مال برا برکت در آستان بوند دریا

لَسِيَّ الْهَدَاةَ لِلدَّفْءِ أَنْفَعُ مِنْهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

را راه یافتن برای یکدیگر در این حرفه مستقیم است

18

الله



10

طالوت

نوسه کماکانه

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنِي

خداوند ما را در غفلت بر محمد و آل او در کفایت کن مرا

مَوْنَةَ الْإِسْتِسَابِ وَارْزُقْنِي

نعمت استسباب را و روزی ده مرا

مِنْ غَيْرِ احْتِسَابٍ فَلَا أَشْتَغِلْ عَنْ

چیزی که حساب نباشد پس من را مشغول مکن از

عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ وَلَا اخْتِمِلْ أَصْرَ

عبادت تو را با طلب کردن و بر من نهد بار

مَاتِ الْمَكْسَبِ اللَّهُمَّ فَاطْلِبَتِي

مرا که طلب می کنم خداوند من را طلب کن

بِهَدْرَتِكَ مَا أَطْلُبُ وَأَجِرْنِي بِعِزَّتِكَ

در غفلت تو آنچه می طلبم و پناه ده مرا به عزت خود

مِمَّا أَزْهَبَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

از آنچه میبرد خداوند ما را در غفلت بر محمد و آل او

وَصُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ وَلَا تَبْتَدِلْ جَاهِي

و نگاه دار صورت مرا در آسانی و مبادل مکن جای مرا

بِالْإِقْتَارِ فَاسْتَزِرْ أَهْلَ رِزْقِكَ

بدرستی پس بطلب از اهل روزی تو

وَأَسْتَغْطِ شِرَارَ خَلْقِكَ فَاقْتِنِ

و خواهش من را از بد خلق تو و بپوش

بِحُجَّتِكَ مِنْ غَطَائِي وَأَبْشِرْ يَدِي مِنْ مَنَعَتِي

بدرستی مرا که می پوشانم مرا و دست مرا را از منع تو

بدرستی مرا که می پوشانم مرا و دست مرا را از منع تو

بدرستی مرا که می پوشانم مرا و دست مرا را از منع تو

وَأَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيٌّ الْإِعْطَاءُ

و حال کند زنی نه ایست ن ستولی عط کردن

وَالْمُنْعُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي

در منع کردن خداوند از هر کس که داند و آری او رزق کنی

صِحَّةً فِي عِبَادَةٍ وَفِرَاعًا فِي زُهَادَةٍ وَعِلْمًا

صحتی که در عبادت کند و فراغی که در ترک دنیا باشد و علمی

فِي سِتِّ حِمَالٍ وَوَرَعًا فِي إِجْمَالٍ اللَّهُمَّ اخْتِمْ

که با علم است و در هر کس که می کند خداوند ختم کن

بِعَفْوِكَ أَجَلِي وَحَقِّقْ فِي رَجَائِي

بمعفو خود است مدت مرا و محقق گردان در آرزوست

رَحْمَتِكَ أَمْلِي وَسَهِّلْ لِي بُلُوغَ رِضَايَ

رحمت تو آرزوی مرا آسان کن کردن من بوسی رسیدن بکمال

سُبُلِي وَحَسِّنْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي عَلَى

راههای من را و حسن گردان در هر حال منی علی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَنَبِيِّهِ

خداوند از هر کس که داند و آری او صلوات بر محمد و آل او

لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ وَاسْتَعِظْ

از یاد منی یاد کردن تو در اوقات غفلت و بکار بردار

بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُتَهَلَّةِ وَأَنْتَ خَالِي

طاعت خود در روزگار نیست در هر کس که داند از برای من

إِلَى حُبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً أَكْمِلْ

بوسی محبت خود راه آسان و تمام کن



از برای من لب این چیز دهن و آخرت را خداوند را در حق است

بر محمد و آل او نانہ بہترین رحمتی کہ دستاورد

هر کسی اندک نوبت از این یثی را بداند و در آنکه حرامی را بخورد

کسی لب ازاد و علی کن مارا ورونی عطش خلود ورو

کرامت عظیمه خونی و یکنه در امر اعلی خود از غدازش

...

1947

شماره ۱ ای که در گذار کسی که تمایل باشد و صنف

و گناه دارند. خبر می گویند که از او باشد تنها کرده است مرا حفظ

پس میت مصاصی با من و صف شہادت از

عضد نقیست لغوت لکنده مرا و شرف شده ام

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

فصل اول در بیان احوال و حال
و در بیان احوال و حال

عَلَى خَوْفٍ لِقَائِكَ فَلَا مُسْكِنَ

برترس علاقہ ترقی پسٹ سکن کو ہندہ

لِرَوْعَتِي وَمَنْ يُؤْمِنْ مِنِّي مِنْكَ وَأَنْتَ

از سرتا رگمی که امین تواند کرد پند مرا از تو و حال آنکه تر

اَخَفْتَنِي وَمَنْ يُسَاعِدْ نِي وَاَنْتَ اَفْرِدْنِي

سایند مرا. گویت آنگه یار می تواند گرد مرا دو تن ک

وَمَنْ يُقَوِّبْنِي وَأَنْتَ أَصْغَفْنِي لَا يَحِيرُ

گیت که قوت ترانه را در حال که تضعیف صفتی را بنماید

يَا اِلٰهِيْ اَلرَّبُّ عَلٰى مَرْيُوْبٍ وَلَا يُؤْمِنُ

ای من این کن مکر پروردگار
پرورش یافته را در این است

الْأَغَالِبُ عَلَى مَغْلُوبٍ وَلَا يُعِيرُ

بکر غنچه کشنده غنچه کرده شده در دیر می استوار اندازد

الْطَّالِبُ عَلَى مَطْلُوبٍ وَبَيْدِكَ

طریق نشاند. طریقه گردیده و در قرائت

يَا اَللهُ جَمِيعُ ذَلِكَ السَّبَبِ وَالْيَكْ

ایضا من بر این سبب

المفرّ والمهزّب فصل على محمد وآله

درار و گزین

وَاجِرْهُ رَبِّي وَأُخْرِجْهُ مَطْلَبِي اللَّهُمَّ إِنَّكَ

در باب ده خرا درواک مطبعا خداوند ابدی

إِنْ صَرَفْتُ عَنِّْي وَجْهَكَ الْكَرِيمَ

تو بگردانی اوزس روی میگرد

أَوْ مَنَعْنِي فَضْلَكَ الْجَسِيمَ أَوْ حَظَّرْتَ

یا پادشاه داری مرا بمنزل عظیم خود را نه منع کنی

عَلَيَّ رِزْقَكَ أَوْ قَطَعْتَ عَنِّي سَبِيلَكَ

۱۱۵

مرا از رزق تو یا بسببی از من و سبب را بر من

لَمْ أَجِدِ السَّبِيلَ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمَلِي

من نیافتم راهی به چیزی از آرزوی خود

غَيْرَكَ وَلَمْ أَقْدِرْ عَلَى مَاعِنْدَكَ بِمَعُونَةٍ

بنیز تو و قادر نیستم بر آنچه نزد تو است بهاری

بِسِوَاكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ

بدای تو پس من کسی کس نده توام و در قبضه تو ام

نَاصِيَتِي بِيَدِكَ لَا أَمْرَ لِي مَعَ أَمْرِكَ مَا ضَلَّ

نصیحت من در دست تو امری را با امر تو نه گم

فِي حُكْمِكَ عَدْلٌ فِي قَضَائِكَ

در من حکم تو عدل است در من قضای تو

وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْخُرُوجِ مِنْ سُلْطَانِكَ

و نه قوت را بر من در خروج از سلطنت تو

وَلَا أَسْتَطِيعُ مَجَاوِزَةَ قُدْرَتِكَ وَلَا

نه از من می توانم بگذر از قدرت تو و نه

أَسْتَمِيلُ هَوَاكَ وَلَا أَبْلُغُ رِضَاكَ

بسیار تر از من می توانم به خواست تو و به راضی تو

وَلَا أَنَالُ مَاعِنْدَكَ إِلَّا بِطَاعَتِكَ

و نه به من می توانم به آنچه نزد تو است مگر بطاعت تو

مستحق
است
که
در
خدمت
تو
باشد
و
در
خدمت
تو
باشد
و
در
خدمت
تو
باشد

و
در
خدمت
تو
باشد
و
در
خدمت
تو
باشد
و
در
خدمت
تو
باشد



وَبِفَضْلِ رَحْمَتِكَ إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَ

وَبِفَضْلِ رَحْمَتِكَ إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَ

أَمْسَيْتُ عَبْدًا ذَا خِرٍّ إِلَّا أَمْلِكُ

وَبِفَضْلِ رَحْمَتِكَ إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَ

لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا بِكَ أَشْهَدُ

وَبِفَضْلِ رَحْمَتِكَ إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَ

بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِي يَضْعَفُ قُوَّتِي وَقَلَّةُ

وَبِفَضْلِ رَحْمَتِكَ إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَ

حِيلَتِي فَأَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَتَمِّمْ

وَبِفَضْلِ رَحْمَتِكَ إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَ

لِي مَا ابْتَلَيْتَنِي فَإِنَّ عَبْدَكَ الْمُسْتَكَيْنُ

وَبِفَضْلِ رَحْمَتِكَ إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَ

الْمُسْتَكَيْنُ الضَّعِيفُ الضَّرِيرُ

وَبِفَضْلِ رَحْمَتِكَ إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَ

الْحَقِيرُ الْخَائِفُ الْمُسْتَجِيرُ اللَّهُمَّ

وَبِفَضْلِ رَحْمَتِكَ إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَجْعَلْنِي نَاسِيًا

وَبِفَضْلِ رَحْمَتِكَ إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَ

لِذِكْرِكَ فِيمَا أَوْلَيْتَنِي وَلَا غَافِلًا

وَبِفَضْلِ رَحْمَتِكَ إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَ

لِإِحْسَانِكَ فِيمَا ابْتَلَيْتَنِي وَلَا أَيْسَا

وَبِفَضْلِ رَحْمَتِكَ إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَ

وَأَعْرِفُ

وَأَعْرِفُ

الدَّلِيلُ

ابْتَلَيْتَنِي

لَا أَحَبَّ شَيْئًا مِنْ سُخْطِكَ وَلَا أَنْفَكَ

دوست نداشتیم با تو جز آنکه از چشم تو و دهان تو

شَيْئًا مِنْ رِضَاكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

جز آنکه از رضای تو و بر خدای تو دعا فرست

وَالهِ وَفَرَّغَ قَلْبِي لِحُبِّكَ وَاشْغَلَهُ

خداوند و دلی من را پر از محبت تو کرد و مشغول تو ساخت

بِذِكْرِكَ وَانْعَشَهُ بِخَوْفِكَ وَبِأَوَّلِ

یاد تو و دلش را تازه کرد با ترس تو و با اول

مِنْكَ وَقَوَّيْ بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَأَمَلَهُ

از تو و تقویت تو را با رغبت به سوی تو و امید تو را

إِلَى طَاعَتِكَ وَاجْزَيْهِ فِي أَحَبِّ السَّبِيلِ

به سوی طاعت تو و پاداش ده به او در دوست داشتنی راه

إِلَيْكَ وَذَلِّلْهُ بِالرَّغْبَةِ فِيمَا عِنْدَكَ

به سوی تو و رام گردان او را با رغبت به آنچه نزد تو است

أَيَّامَ حَبْوَتِي كُلَّهَا وَاجْعَلْ يَقْوَاكَ

روزگار زندگانی من تمام و گردان را بر تو

مِنْ الدُّنْيَا زَادِي وَآلِي دَحْمَتِكَ

از دنیا و من را بر دوست داشتنی تو

رَحْلَتِي وَفِي مَرْضَانِكَ مَدْخُلِي وَاجْعَلْ

رفتار مرا و در مرض تو را داخل مرا و گردان مرا

فِي جَنَّتِكَ مَثْوَايَ وَهَبْ لِي قُوَّةَ

در بهشت تو و عطا کن مرا و قوت مرا

احمَدُ

اَحْتَمِلْ بِهَا جَمِيعَ مَرْضَاتِكَ وَاجْعَلْ فِرَارِي

مکرده ارم آن همه آنچه مرضی تو در دست و مکرده ان گزرا

إِلَيْكَ وَرَغْبَتِي فَمَا عِنْدَكَ وَالْأَيْسَ قَلْبِي

بسوی خود در غمت را در آنچه نزدت در پیش دل را

الْوَحْشَةَ مِنْ شَرِّ اِرْخْلِقْ وَهَبْ

از وحش از جان من تر در بخش

إِلَى الْأَشْشَبِكِ وَيَا وَلِيَّائِكَ وَأَهْلَ

ایز اشکرام تو و دوستان تو و اهل

طَاعَتِكَ وَلَا تَجْعَلْ الْفَاجِرَ وَلَا كَافِرَ

طاعت تو مکرده ان از برای مکرده ای و نه کافری

عَلَى مِثْلِهِ وَلَا لَهُ عِنْدِي بَدَأُ وَلَا بِي الْيَمِيمِ

بر من نیستی و نه او را نزد من نیستی و نه مرا بی سرپرستی

حَاجَةً بَلْ اجْعَلْ سَكُونٌ قَلْبِي وَالْأَنْسَ

چیزی بجز مکرده ان سکون دل را و آرام

نَفْسِي وَاسْتَعْنَائِي وَكَفَايَتِي بِكَ

جان مرا و بسپار زاری مرا و کارم کنایه من

وَبِحَيَا رَحْلِقْكَ اللَّهُمَّ صَلِّ مُحَمَّدٍ وَإِلِهِ

و بر محمد آن صلوات و در آنجا که او است

وَاجْعَلْنِي لَهُمْ قَرِينًا وَاجْعَلْنِي لَهُمْ نَصِيرًا

مکرده ان مرا از برای ایشان و مکرده ان را از برای من

وَأَمِّنْ عَلَى بِشَوْفِ إِلَيْكَ وَبِالْعَمَلِ لَكَ

و ایستادم بر من بشوق بسوی تو و بر عمل کردن برای تو

بِمَا حَبَّبُ وَتَرْضَى إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

بیکچه دوست داشته باشی و پسندنی درستی کوه بر همه چیز

قَدِيرٌ وَذَلِكَ عَلَيْكَ لَيْسِيرٌ

نهایت توانایی و آن بر تو آسان است

وَكَأَنَّ مِنْ غَائِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

و بود از دوری آنحضرت علیه السلام

عِنْدَ الْمَشِيقَةِ وَالْجَهْدِ وَتَعْسِيرِ الْأَقْوَامِ

نزد سحری و زحمت و دشواری گاه

اللَّهُمَّ إِنَّكَ كَلَفْتَنِي مِنْ نَفْسِي مَا

ایستاده اندازا درستی کوه خواسته از نفس من هرگز

أَنْتَ أَمَلَكَ بِهِ مِنِّي وَقَدَرْتَكَ عَلَيْهِ

کوتاهتر از آنکه توانی من را ازین و قدرت تو بر آن

وَعَلَى أَغْلَبُ مِنْ قَدَرْتِي فَأَعْظِنِي مِنْ

و درین غلبه تو است از قدرت من پس بطن من را از

نَفْسِي مَا يَرْضِيكَ عَنِّي وَخَذَ لِنَفْسِكَ

نفس من آنچه را پسندد و گرفت از من آنچه را پسند

رِضَاهَا مِنْ نَفْسِي غَافِيَةً اللَّهُمَّ

رضای آنرا از نفس من در غایت است ای خدا

لَا طَاقَةَ لِي بِالْجَهْدِ وَلَا صَبْرًا لِي عَلَى

نیست طاقت مرا به زحمت و نیست صبر مرا بر

الْبَلَاءِ وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْفَقْرِ فَلَا تُخْطِرْ

بلاء و نیست قوت مرا بر فقر پس مرا نترسان

عَلَى رِزْقِي وَلَا تَكِلْنِي إِلَى خَلْقِكَ

از من رزق می خرد و مرا به خلق خود

بَلْ تَقَرَّ دُجْحَاجَتِي وَتَوَلَّ كِفَايَتِي

بگرد خود نهنگانی را که حاجت مرا و متولی کار کننده ای من را

وَانْظُرْ إِلَيَّ وَانْظُرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي

و نگاه کن به من و نگاه کن از برای من در همه کارهای من

وَإِنْ وَكَّلْتَنِي إِلَى نَفْسِي عَجَزْتُ عَنْهَا

و اگر تو مرا به نفس من عجز من عاجز می ماند

وَلَمْ أَقْمَعْ مَا فِيهِ مَضْلَحُهَا وَإِنْ وَكَّلْتَنِي

و به من نمی توانم در آن آنچه در آن مضبوط است و اگر مرا به من

إِلَى خَلْقِكَ يَجْهَمُونِي وَإِنْ أَلْجَأْتَنِي

به خلق خود تهنیت روی کنند من را و اگر مرا

إِلَى قَرَابَتِي حَرَمُونِي وَإِنْ أَعْطُوا أَعْطُوا

به پیوند من محروم سازند مرا و اگر بدهند بدهند

قَلِيلًا نَكِلًا وَمَتَوَاعَلَى طَوِيلًا

اندک اندک و دست گذاردن من است و دراز

وَذَمُّوا كَثِيرًا فَيُضِلُّكَ اللَّهُمَّ فَأَعِزَّنِي

و تهنیت کنند بسیار پس گمراه کنی خداوند من را پس عزیز کن مرا

وَيُعْظِمَكَ فَأَنْعَشَنِي وَيَسْعَتِكَ فَأَسْطِ

و بزرگوار کنی خود من را و بسزای کنی مرا و بسزای کنی مرا

يَدِي وَبِمَا عِنْدَكَ فَأَكْفِنِي اللَّهُمَّ

دست مرا و با آنچه نزد است کافی کن مرا خداوند من را

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخَلِّصْنِي مِنَ الْحَسَدِ

در حالت بر محمد و آل او در خلاصی ده مرا از حسد

وَاحْصُرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ وَوَرِّعْنِي

در باز دار مرا از گناهان و در پرهیز بفرما مرا

عَنِ الْمَحَارِمِ وَلَا تَجِرْ نِي عَلَى الْمَعَاصِي

از حرامها و در پرهیز ده مرا بر معصیتها

وَاجْعَلْ هَوَايَ عِنْدَكَ وَرِضَايَ

در بزمه این سبیل را نزد خود در رضای مرا

فِيمَا بَرَدُ عَلَى مِثْلِكَ وَبَارِكْ لِي فِي أَرْزَقَتِي

در آنچه دارم و شود در من از حدیقت در برکت ده مرا در آنچه بداری مرا

وَفِيمَا خَوَّلْتَنِي وَفِيمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ

در آنچه بمن بخشیده در آنچه بمن انعام کرده باشی بر من

وَاجْعَلْنِي فِي خَالَتِي مُحْفُوظًا مَكْلُوءًا

در بزمه این مرا در خال من نگاه داشته باشیده از بیمت

مَسْتَوْرًا مَسْنُوعًا مُعَاذَ أَجْجَارِ الْهَمِّ

در پناه باشیده باز داشته باشیده پناه ده مرا از آزارهای غم

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَقْضِ عَنِّي كُلَّ

در حالت بر محمد و آل او در بیکار آرد از من همه

مَا الرَّمْتَنِيهِ وَفَرَضَتْهُ عَلَى لَكَ فِي

آنچه را بر من فرموده باشی و فرض کرده باشی بر من برای خود

وَجْهِ مِنْ وَجْهِ طَاعَتِكَ أَوْ خَلْقِ

چونتی از جهت طاعت تو یا در آفرینش

من



مِنْ خَلْقِكَ وَإِنْ ضَعُفَ عَنْ ذَلِكَ يَدِي

از نقصان خود و اگر چه ضعیف بشود از کار و انجام دادن

وَوَهَنْتَ عَنْهُ قُوَّتِي وَلَمْ تَنْلَهُ مَقْدَرِي

و دستم بشود از آن قوت من و دستم قدرتم

وَلَمْ يَسْعَهُ مَالِي وَلَا ذَاتُ يَدِي

و نیامد بکوشش مال من و نه دست من

ذِكْرُهُ أَوْ نَسِيَتْهُ هُوَ يَا رَبِّ مِمَّنَّا

یا یاد کنستی یا فراموش کردی ما را ای پروردگار من از ما

فَلَا أَحْصِيَتْهُ عَلَيَّ وَأَعْقَلْتُهُ أَنَا مِنْ

حقق تو بشمارده ام بر من و درویشتر کرده ام از من

نَفْسِي فَأَذِهِ عَنِّي مِنْ جَزِيلٍ عَطِيَّتِكَ

نفس خود را بجزای تو از دورا از من و عطا عظیم خود

وَكَثِيرٍ مَا عِنْدَكَ فَإِنَّكَ وَاسِعٌ

و آنچه نزد توست نزد تو پس بگشایی و فراوانی

كَرِيمٌ حَتَّى لَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنْهُ تُرِيدُ

گرمی تا آنکه چیزی از آن نماند پس چیزی از آن که خواهی

أَنْ تُقَاصَّ نِي بِهِ مِنْ حَسَنَاتِي أَوْ

که تقاضا کنی مرا به نی از حسنات من

تَضَاعَفَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِي يَوْمَ الْقَاكِ

زیاده گشت به من از سیئات من روزی که قیامت

يَا رَبِّ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

ای پروردگار من صلوات بفرست بر محمد و آل او

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين



وَارْزُقْنِي الرِّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِآخِرَتِي

در روزی که او را بر او رغبت در عمل اندازی که برای آخرت

حَتَّى اعْرِفَ صِدْقَ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِي

تا آنکه بشناسم راستی این سخن را از دل خود

وَحَتَّى يَكُونَ الْغَالِبُ عَلَى الرَّهْءِ

و تا آنکه برده باشد غالب بر من ترس

فِي دُنْيَايَ وَحَتَّى اعْمَلَ الْحَسَنَاتِ

در دنیای من و تا آنکه تمام کنم حسنات را

شَوْقًا وَأَمِنْ مِنَ السَّيِّئَاتِ فِرًا وَخَوْفًا

از روی شوق تا من بترسم از گناهات از ترس و خوف

وَهَبْ لِي نُورًا امْشِي بِهِ فِي النَّاسِ

بخش مرا روشنی که راه بروم با آن در میان مردم

وَاهْتَدِي بِهِ فِي الظُّلُمَاتِ وَأَسْتَعِثُّ

در راه با آن سر آن در تاریکی و رو کنم به تو

بِهِ مِنَ الشَّكِّ وَالشُّبُهَاتِ اللَّهُمَّ

سپار از شک و شبهه خداوند

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي خَوْفَ عَمَلِي

درود بفرست بر محمد و آل او و روزی کن مرا ترس از عمل خود

الْوَعِيدِ وَشَوْقِ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ حَتَّى

به وعید و شوق پاداش وعده داده شده تا

أَجِدَ لَكَ مَا ادْعُوكَ لَهُ وَكَتَابَةً

آنچه بخواهم از تو بخواهم ترا اندر برای آن و اندوه

و این دعا را در هر روز بخواند و در روز قضا
در روزی که او را بر او رغبت در عمل اندازی که برای آخرت
تا آنکه بشناسم راستی این سخن را از دل خود
و تا آنکه برده باشد غالب بر من ترس
در دنیای من و تا آنکه تمام کنم حسنات را
از روی شوق تا من بترسم از گناهات از ترس و خوف
بخش مرا روشنی که راه بروم با آن در میان مردم
که راه بروم با آن سر آن در تاریکی و رو کنم به تو
سپار از شک و شبهه خداوند
درود بفرست بر محمد و آل او و روزی کن مرا ترس از عمل خود
به وعید و شوق پاداش وعده داده شده تا
آنچه بخواهم از تو بخواهم ترا اندر برای آن و اندوه

مَا اسْخِرُ بِكَ مِنْهُ اللَّهُمَّ قَدْ نَعْلَمُ مَا

اگرچه بنده میگویم که تو از آن خداوندی هستی که

يُضِلُّنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي قُلْنَ

صلواتی بر تو از امر دنیای من و آخرت من پس ای

جُؤَالِي حَفِيَّا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِي

محمد و در روزی که مرا از حق من است زود تقصیر کردن من

فِي الشُّكْرِ لَكَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ

در شکرت از برای تو بس که انعام کرده بر من

فِي الْيُسْرِ وَالْعُسْرِ وَالصَّحَّةِ وَالسَّقَمِ

در آسودگی و دشواری و در سلامت و بیماری

حَتَّى أَتَعْرِفَ مِنْ نَفْسِي رُوحَ الرِّضَا

تا آنکه بشناسم از نفس خود روح رضایت

وَأُطْمَئِنَّةَ النَّفْسِ مِمَّنِي مَا يَجِبُ لَكَ

و آرامش نفس خود را که در حق من است که برای تو

فِيمَا يَخْدُتُ فِي حَالِ الْخَوْفِ وَالْأَمْنِ

در آنچه خدایت می‌کند در حال ترس و اطمینان

وَالرِّضَا وَالسَّخَطِ وَالضَّرِّ وَالنَّفْعِ اللَّهُمَّ

و در رضایت و خشم و در ضرر و نفع خداوند

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي سَلَامَةً

صلوات بر محمد و آل او و روزی که مرا سلامت

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم الصالحين
الجميعين

مِنْهُمْ بِمَنْزِلَةٍ سَوَاءٍ عَامِلًا بِطَاعَتِكَ

از این مرد و زن که برابر در عبادتی که عمل کنند به هم رسیده اند

مُؤْتَرِ الرِّضَاكَ عَلَى مَا سَوَّاهُمَا فِي الْأَوْلِيَاءِ

همه را که تو در رضایت ترا برابر کرده ای در دوستی و دوستی

وَالْأَعْدَاءِ حَتَّى يَأْمَنَ عَدُوِّي مِنْ ظِلِّكَ

و دشمنان تا آنکه از من بشود دشمن من از سایه تو

وَجُورِي وَيَأْسِرَ وَلِيِّي مِنْ حَبْلِي

و برستم من و زنجیر نمود و دشمن من از سیمین من

وَالْخَطَايَا هَوَايَ وَاجْعَلْنِي مَتَزِيدُ عَمَلِكَ

و دین آلودن خواهش من و بگردان مرا از دین من و بگردان

مُخْلِئًا مَنَافِيَ الرِّخَاءِ دُعَاءِ الْمَخْلُصِينَ

از دین من و دین من در دعا است دعا می خوانم و مخلصان

الْمُضْطَرِّينَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ

در دعا در حال دعا من دعا می خوانم و دعا می خوانم

وَمَكَانٍ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا

در دعا در دعا می خوانم و دعا می خوانم

سَأَلَ اللَّهُ تَعَالَى وَالْعَافِيَةُ شَكَرُهَا

سوال کرد از خدا می توانی عافیت را و شکر کرد

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَالْبَسْنِي

خدایا بر محمد و آل او در دعا می خوانم و دعا می خوانم

عَافِيَتَكَ وَجَلِّلْنِي عَافِيَتَكَ وَحَصِّنِي

عافیت خود را در دعا می خوانم و دعا می خوانم

در دعا می خوانم و دعا می خوانم

بِعَافِيَتِكَ وَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَافِيَتِكَ
 وَهَبْ لِي عَافِيَتَكَ وَأَقْرِ شَنِي عَافِيَتِكَ
 وَأَصْلِحْ لِي عَافِيَتَكَ وَلَا تَفْرِقْ بَيْنِي وَبَيْنَ
 عَافِيَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَافِنِي عَافِيَةً
 كَافِيَةً شَافِيَةً عَالِيَةً نَامِيَةً عَافِيَةً
 تُوَلِّدُنِي بِدَنِي الْعَافِيَةَ عَافِيَةَ الدُّنْيَا
 وَالْآخِرَةِ وَأَمِّنْ عَلَيَّ بِالصِّحَّةِ وَالْأَمْنِ
 وَالسَّلَامَةِ فِي دِينِي وَبَدَنِي وَبَصِيرَةٍ
 فِي قَلْبِي وَالتَّفَازِ فِي أُمُورِي وَخَشْيَةٍ
 لَكَ وَخَوْفٍ مِنْكَ وَالْقَوَّةَ عَلَيَّ مَا أَمَرْتَنِي

وَكَتَبْتُ بِعَافِيَتِكَ وَاعْتَنِي بِعَافِيَتِكَ

ان شاء الله تعالى
 بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله الذي هدانا لهذا
 الذي كنا لنهتدي لولا
 أن هدانا الله

بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ وَالْاجْتِنَابِ لِمَا

باق از طاعت تو و دوری از آن که از برای او

نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ اللَّهُمَّ

نهیشتی من را از آنکه از معصیت تو من را دور

وَأَمَّنْ عَلَى بَاحِجٍ وَالْعُمَرَى وَزِيَاةٍ قَبْرِ

و ایمنم کن بر باریز و عمره و زیارت قبر

رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ وَرَحْمَتُكَ

رسول تو و صلاحت و رحمت تو

وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِهِ وَآلِ

برکات تو بر تو بر او باد و بر آل او و بر آل

رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي

رسول تو بر ایشان باد و درود همیشه تا دهم که بختی

فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَاجْعَلْ

در این سال و در هر سال و بگردانی

ذَلِكَ مَقْبُولًا مَشْكُورًا مَذْكُورًا

آن را پذیرفته سپاسیده یادآورده

لَدَيْكَ مَذْخُورًا عِنْدَكَ وَانْظُرْ

پیش تو ذخیره کنشیده نزد تو و بنگر

بِحَمْدِكَ وَشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ

بسجده تو و شکر تو و یاد تو

وَحَسَنِ الشَّأْنِ عَلَيْكَ لِسَانِي وَشَفِي

و زبانی بسجده بر تو زبان مرا شفا

لِمَا سَدَّ دَيْنَكَ قَلْبِي وَأَعَذَّنِي وَقُورِي

ای بر ای خاوند دین تو دل مرا در گناه دارا و اطوارا

مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَمِنَ شَرِّ السَّامَةِ

از شیطان رانده شده و از شر سامه

وَالْهَامَةِ وَالْعَامَةِ وَاللَّامَةِ وَمِنَ

داز شر کرام داز شر عوام داز شر لامه داز

شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ عَرِيدٍ وَمِنَ شَرِّ

شر همه شیطان سرکش داز شر

كُلِّ سُلْطَانٍ غَنِيْدٍ وَمِنَ شَرِّ كُلِّ

هر پادشاه غنیست داز شر هر

مُتَرَفٍّ خَفِيْدٍ وَمِنَ شَرِّ كُلِّ ضَعِيْفٍ

متر رف خفیدی داز شر هر سستی

وَسَدِيْدٍ وَمِنَ شَرِّ كُلِّ شَرِيْفٍ وَوَقِيْعٍ

و سختی داز شر هر بلند پای و بستی

وَمِنَ شَرِّ كُلِّ صَغِيْرٍ وَكَبِيْرٍ وَمِنَ

داز شر هر کوچکی و بزرگی داز

شَرِّ كُلِّ قَرِيْبٍ وَبَعِيْدٍ وَمِنَ شَرِّ

شر همه نزکی و دوری داز شر

كُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرِسْوَلِكَ وَلَا هَلْ

هر که بر پا کرده است از رای رسول تو داز شر

يَتِيهِ حَرًّا مِنَ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ وَمِنَ شَرِّ

هر که او را از جن و انس داز شر

كُلِّ دَابَّةً أَنْتَ أَخِذْنَا صِيَّتَهَا

هر چندی که تو گوئی ما صیحه او را

إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اللَّهُمَّ صَلِّ

بر کسی که تو بر راه راستی و او را از غلطی

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَمَنْ أَرَادَنِي لِسُوءٍ

بر محمد و آل او و کسی که قصد کند مرا بدی

فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَادْخُرْ عَنِّي مَكْرَهُ

ببین بگردان او را از من بد و من را از بدی

وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّهُ وَرَدِّكَ كَيْدَهُ فِي

دور کن از من شر او و بازگردان کید او را

خُجْرِهِ وَاجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سَدًّا حَتَّىٰ تَعْمَىٰ

کردن او بد بگردان پیش او سد تا گریزی

عَنِّي بَصَرُهُ وَتَضَمَّنْ عَنْ ذِكْرِي سَمْعُهُ

از من چشم او را از ذکر من حرفش را

وَتَقِفْ دُونَ إِخْطَارِي قَلْبَهُ وَخَرَسْ

و ایستای نزد خطای من دل او را و بیگانه سازی

عَنِّي لِسَانَهُ وَتَقْمَعْ رَأْسَهُ وَتَذِلَّ عِزَّهُ

از من زبان او را و کمونی سر او را و ذلیل کنی

وَنَكْسِرْ جَبْرُوتَهُ وَتَذِلَّ رُقْبَتَهُ

و در شکستی جبروتش را و ذلیل کنی گردن او را

وَتَقْطَعْ كَيْدَهُ وَتُؤْمِنَنِي مِنْ جَمِيعِ

و بکنی کید او را و مرا از همه بدی

تغییراتی در این نسخه
در کلمات و عبارات
وجود دارد که در
نسخه اصلی نیست



ضَرِّهِ وَسَرِّهِ وَعَمِّهِ وَهَمِّهِ وَلَمِّهِ وَ

مهرزاد و شيراز و غمزه و ديسمزه و مهرزاد و

حَسْبِهِ وَعَدَاوَتِهِ وَحِبَائِلُهُ وَمَصَائِدُهُ

رنگ او در شبنمی او و در ماهی او و مصاید او

وَرَجُلُهُ وَخَيْلُهُ إِنَّكَ عَزِيزٌ قَدِيرٌ

و بیا که ن او و سواران او بدوشی که در غاب

وَكُلِّمُوا عَلَيْهِمُ الْكَلَامَ

و برود از دوازده خجرت علیه السلام از برای این است و علیه السلام

اللَّهُ صَاحِبُ عَرْشِ الْعَالَمِينَ

اللهم صل على محمد عبدك ورسولك

حسنه اوله اوردو و حضرت محمد بنده تو و رسول تو

وَأَمَّا بِنَدِّهِ الظَّالِمِينَ وَالْخَصَصَةَ

وَمِنْ بَيْنِهِمُ الظَّاهِرِينَ وَالْمُخْتَصِمِينَ

و از دل بیت او که با کمال است در مخصوص سازش با

ما فضا صله ايلك و راجه ايلك و راجه ايلك

بِالْحَقِّ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ رَحِيمًا

بهترین صلوات می خورم در محبت خود و در محبت می

وَسَلَامُكَ وَأَخْصِرْ اللَّهُمَّ وَالَّذِي

و من بعد از این که در این کتاب

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لَكَ بِشَاكِرِيْنَ

بالكرامة لديك والصلوة منك

کرامی بدن نزد تو در محبت اوقات

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَكُونَنَّ مِنَ الْغَافِلِينَ

يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد

ای کھن پیرہ ترن کشت بندگاں خداوند از قیامت است پر محمد

فَالْمُؤَلَّمَةُ عَلَى الْمَوْلَى

وَاللّٰهُ وَهِمِّيْ عِلْمٌ مَا يَجِبُ هُمَا عَلَى

آل او و پسند از درویشان هم با کج و درجست از برای پادشاه برین

...



انسان و موز و باد

مجلس

مؤرخہ کا خانہ

الماء



اَلْهَامًا وَاجْمَعْ لِي عِلْمَ ذَلِكَ كُلِّهِ تَمَامًا

درود امد و مستغنی را بهر چه که از برای برکتش کند از برای تمام

ثُمَّ اسْتَعِزَّنِي بِمَا تَلْهَمُنِي مِنْهُ وَوَقِّفْنِي

پس بکار بند مرا به آنچه منم میانی مرا از آن بجز او تو میت ده

لِلنَّفُوزِ فِيمَا بَصَّرْتَنِي مِنْ عِلْمِهِ حَتَّى لَا

از برای فرو رفتن در آنچه بینما می بینی مرا از کس است او تا اینکه

يَفُوتَنِي اسْتِعْمَالُ شَيْءٍ عِلْمْتِهِ وَلَا

فوت نشود از من کردن چیزی که مرا باقی علم داده

ثَقُلَ ارْكَانِي عَنِ الْخُفُوفِ فِيمَا تَلْهَمْتَنِي

و گردان بماند اعضای روز خدمت کردن در آنچه منم میانی مرا

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا شَرَفْتَنَا

خدایا در حرمت محمد و آل او چنانکه شرف داده

بِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا أَوْجَبْتَ

بوست در حرمت محمد و آل او چنانکه واجب است

لَنَا الْحَقُّ عَلَى الْخَلْقِ بِسَيِّدِهِ اَللّهُمَّ اجْعَلْنِي

از برای حق من را بر خلق به سیدت بهر چه که خداوند بگردان مرا

اَهَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعَسُوفِ

چنانکه ترسم از مرد و از مرد ترسیده از پادشاه استغفار

وَابْرَهْمَا بَرًّا لَامَ التَّوْفِيفِ وَاجْعَلْ طَاعَتِي

و مهر آنی که بهشتان را برای گردان با تو قهرمان و گردان خدمت مرا

بِوَالِدِي وَبِرِّي بِمَا أَقْرَعَ عَيْنِي مِنْ

از برای پدر و مادر و برادران و دیگران با این که گشاده تر چشم مرا از

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
والآل الطيبين الطاهرين
الطهارين



رَقَّةَ الْوَسْنَانِ وَأَتْلَجَ لِيَصْدِرَ مِنْ

غلاب و سنان دوازدهم و نود و سه

شَرِبَةِ الظَّنْمَانِ حَتَّى أَوْثَرَ عَلَى هَوَايَ

از آب شدن تشنه تا آبیکم بر زخم بر آرزوی خود

هَوَاهُمَا وَأَقْدَمَ عَلَى رِضَايَ رِضَاهُمَا

آرزوی ایشان و مقدم شدم بر رضای خود رضای ایشان

وَأَسْتَكْثِرُ بَرَّهَمَا بِي وَأَنْقَلُ وَأَسْتَقِلَّ

و بسیار خوارم بیکدیگر بی و ناخوارم و اگر چه اندکی بید و کمدم

بِرِّي يَهْمَا وَأَنْ كَثُرَ اللَّهُمَّ خَفِضَ

بیکدیگر و همتا ایشان و اگر چه بسیار خداوند را بستانم

لَهُمَا صَوْتِي وَلِلْبَلْبِ لَهُمَا كَلَامِي

از برای ایشان آواز مرا و خوش کردن از برای ایشان کلام مرا

وَالْبَلْبُ لَهُمَا عَرَبِيٌّ كَثِي وَأَعْطِفَ عَلَيْهِمَا

دو زبان کرد از برای ایشان فوی مرا و دهرمان کن بر ایشان

قَلْبِي وَصَبْرِي يَهْمَا زَفِيقًا وَعَلَيْهِمَا

دل مرا و بیکدیگر از برای ایشان غایت کشنده در ایشان

شَفِيقًا اللَّهُمَّ أَشْكُرُهُمَا تَرْيَلِي

بسیار بخشنده خداوند را بستانم از برای ایشان زار و زاری کن

وَأَنْتَهُمَا عَلَى تَكْرِمَتِي وَأَحْفَظْ لَهُمَا

و تو را بده ایشان را بر کرامتی و نگاه دار ایشان را

مَا أَحْفَظَاهُ مِنِّي فِي صَغَرِي اللَّهُمَّ وَمَا

آنچه نگاه داشته ام از آن در خردی کن خداوند را و آنچه

از آب شدن تشنه تا آبیکم بر زخم بر آرزوی خود

از آب شدن تشنه تا آبیکم بر زخم بر آرزوی خود

از آب شدن تشنه تا آبیکم بر زخم بر آرزوی خود

مَشْهُوَا



مَسْهُمَا مَتَى مِنْ أَدْنَىٰ أَوْ خَلَصَ إِلَيْهَا

مسحیده است این را بر من از آرزوی برسد به تنگنوی

عَنِّي مِنْ مَّكَرٍ وَأَوْضَاعٍ قَبْلِي لَهَا

از من از مکر و بی یا ضایع شده است نزد من

مِنْ حَقٍّ فَأَجْعَلْهُ حِطَّةً لِّذُنُوبِهِمَا

از حق پس گردان آن اسب بخاطر گناهان ایشان

وَعَلَّوْا فِي ذَرْجَاتِهِمَا وَزِيَادَةٍ فِي

و غلظت می در درجات ایشان و زیادت در

حَسَنَاتِهِمَا يَا مُبْدِلَ السَّيِّئَاتِ

حسنات ایشان ای مبدل کننده بدیه

يَا ضَعُفَاهُمَا مِنَ الْحَسَنَاتِ اللَّهُمَّ

ای کمزور این را از حسنات خداوند

وَمَا تَعْدُ يَا عَلِيُّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ أَوْ شَرْفٍ

و آنچه تعدی کرده اند بر من در سخن یا از حد و کبر

عَلَىٰ فِيهِ مِنْ فِعْلٍ أَوْ ضِعْغَاهُ لِي مِنْ

بر من در آن از کرداری یا ضایع کرده اند از ایامی بر من

حَقٍّ أَوْ قَصْرًا بِي عَنْهُ مِنْ وَاجِبٍ فَقَدْ

حق یا کمزاری کرده اند بر من از آنچه بر من واجب است

وَهَبْتَهُ لَهَا وَجَدْتُ بِهِ عَلَيْهَا

که بخشیده ام بر آنرا یافتن بر جهان کردم بر آنرا

وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فِي وَضْعٍ تَبْعَتُهُ

در رغبت کردم به سوی تو در آن وضعی که مرا پیوسته

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين



عَنْهُمَا فَإِنِّي لَا أَتَمُحُّمَا عَلَى نَفْسِي وَلَا

در این باب پس بر حق گویند ستمی ما را بر نفس خود

أَسْتَبِطُّهُمَا فِي بَيْتِي وَلَا أَكُنُّ

دور که نیستند و نیندازم ایشان را در خانه من و نه خوش میدارم

مَا تَوَلَّيَاهُ مِنْ أَمْرٍ يَا رَبِّ فَهُمَا أَوْحِبُّ

آنچه را متولی آن شده اند از امر من ای پروردگار من پس ایشان را دوست دارم

حَقًّا عَلَى وَأَقْدَمُ إِحْسَانًا إِلَى وَأَعْظَمُ

حق را بر من و قدیم تر است چنان که بر من و بزرگوارتر است

مِثَّةً لَدَيَّ مِنْ أَنْ أَقَاصَهُمَا يَعْدِلُ

سنگین را نزد من از آنکه کرده گریه کنم ایشان را عدل

أَوْ أَجَازِيَهُمَا عَلَى مِثْلِ أَنْ إِذَا يَا إِلَهِي

یا شکاف است هم ایشان را بر مانند آنچه کرده گشت من تمام ام میاید

طَوَّلُ شُغْلِهِمَا يَتَرَبَّيْتُ وَأَيْنَ شِدَّةُ

دراز می شغل ایشان در تربیت من و کجاست سختی

تَعْبِهِمَا فِي جِرَاسَتِي وَأَيْنَ اقْتَارُهُمَا

تعب ایشان در جراسه درخت من و کجاست تنگ گریه ایشان

عَلَى أَنْفُسِهِمَا لِلتَّوَسُّعَةِ عَلَى هَيْهَاتَ

بر تنهایی خود از برای توسع من دور است

مَا يَسْتَوْفِيَانِ مِنِّي حَقَّهُمَا وَلَا أَدْرِكُ

میتوانند از استیفا کردن از من حق خود را و نمیتوانم درایت

مَلِيحُ عَلَى لَهْمَا وَلَا أَنَا بِقَاضٍ

آنچه و بر ایشان است بر من از برای ایشان و من به قضا

در این باب پس بر حق گویند ستمی ما را بر نفس خود دور که نیستند و نیندازم ایشان را در خانه من و نه خوش میدارم آنچه را متولی آن شده اند از امر من ای پروردگار من پس ایشان را دوست دارم حق را بر من و قدیم تر است چنان که بر من و بزرگوارتر است سنگین را نزد من از آنکه کرده گریه کنم ایشان را عدل یا شکاف است هم ایشان را بر مانند آنچه کرده گشت من تمام ام میاید طول شغل ایشان در تربیت من و کجاست سختی تعب ایشان در جراسه درخت من و کجاست تنگ گریه ایشان بر تنهایی خود از برای توسع من دور است میتوانند از استیفا کردن از من حق خود را و نمیتوانم درایت آنچه و بر ایشان است بر من از برای ایشان و من به قضا

در این باب پس بر حق گویند ستمی ما را بر نفس خود دور که نیستند و نیندازم ایشان را در خانه من و نه خوش میدارم آنچه را متولی آن شده اند از امر من ای پروردگار من پس ایشان را دوست دارم حق را بر من و قدیم تر است چنان که بر من و بزرگوارتر است سنگین را نزد من از آنکه کرده گریه کنم ایشان را عدل یا شکاف است هم ایشان را بر مانند آنچه کرده گشت من تمام ام میاید طول شغل ایشان در تربیت من و کجاست سختی تعب ایشان در جراسه درخت من و کجاست تنگ گریه ایشان بر تنهایی خود از برای توسع من دور است میتوانند از استیفا کردن از من حق خود را و نمیتوانم درایت آنچه و بر ایشان است بر من از برای ایشان و من به قضا

وَضِيفَةٌ



وَضِيفَ خِدْمَتُهُمَا فَضَّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

شماره شصت و نه بیت از این مثنوی است بر محمد و آل

وَاعِنِّي يَا خَيْرَ مَنْ اسْتَعِينَ بِهِ وَوَقَفَنِي

و یاری ده ای بستر از هر که یاری بسته شود و تو حق داری

يَا اهْدِي مَنْ رَغِبَ إِلَيْهِ وَلَا تَجْعَلْنِي

ای راه نموده در از هر که رغبت کرده شود و یاری ده

فِي أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ

در جمله آنها که پیوسته با پدران و مادران

يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ

روزی که هر کس پاداش میسر و رنجش با آنچه کرده است

وَهُمْ لَا يَظْلُمُونَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و علی و آل او ایستم کرده میسر و خداوند از هر کس

وَالِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأَخْصُصْ أَبَوَيَّ يَا فَضْلُ

و آل او و ذرریه او و در محض من از پدر و مادر مرا

مَا خَصَصْتَ بِهِ آبَاءَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ

آنچه اختصاص داده ای با پدران بنده ایمان داران

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي

ای بخشنده ترین کن به کار من ای خداوند فراموش نگردان

ذِكْرَهَا فِي أَذْيَارِ صَلَوَاتِي وَفِي

یادداشت من در صفتها می نماز من و در

إِنِّي مِنْ أَنَاءِ لَيْلِي وَفِي سَاعَةٍ مِنْ

و منی از اوقات شب من و در یک ساعت

نسخه
از عبادت
بسم الله الرحمن الرحيم

و اقصا نعمته

سَاعَاتِ نَهَارِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

ساعتی روز من صلوات بر محمد

وَالِهِ وَاعْفِرْ لِي بِدُعَائِي لَهْمَا وَاعْفِرْ

والتو و عفو مرا بابت دعا من از برای هر دو و عفو

لَهْمَا بِرَهْمَا فِي مَغْفِرَةٍ خَمًا وَارِضْ

هر دو را به هر دو در مغفرتی خفتگی و راضی

عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِي لَهْمَا رِضًا عَزَمًا

از آنها بابت شفاعت من از برای هر دو رضای استوار

وَيَلِغْهُمَا بِالْكَرَامَةِ مَوَاطِنَ

و ببرد آنها را با کرامت مواضع

السَّلَامَةِ اللَّهُمَّ وَارِثُكَ مَغْفِرَتِكَ

سلامت تو از خداوند و وارث تو از عفو تو

لَهْمَا فَشَقِّعْهُمَا فِي وَانٍ سَكَبَفْ

هر دو را پس شقعه در وانی سبب

مَغْفِرَتِكَ لِي فَشَقِّعْنِي فِيهِمَا حَتَّى يَجْتَمِعَ

عفو تو برای من پس شقعه در آنها تا جمع

يُرَافَتِكَ فِي ذَارِ كَرَامَتِكَ وَحُلْ

بروایت تو در دار کرامت تو و حل

مَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ اِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ

عفو تو و رحمت تو ایست که تو صاحب فضل

الْعَظِيمِ وَالْمُرْتَقِدِمْ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

عظیم و برتر و ایست که تو مهربانترین

وَكُنْ مِنْ غَائِبَةٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ اُولَئِكَ عَلَيْهِمُ

درود از دعای حضرت علی علیه السلام از برای اولاد و غیره

اللَّهُمَّ وَمَنْ عَلَى بَيْقَاءٍ وَلَدِي وَ

است اولاد او و تمام کن بر من بخت اولاد من

يَا صِلَاحَهُمْ وَيَا مُتَاعِي بِهِمُ الْهَامِلَةُ

بصلاح آرد و من متاع من به ایشان خداوند اولاد

لِي فِي أَعْمَارِهِمْ وَزِدْ لِي فِي أَجَلِي لَهُمْ

از برای من در عمرهای ایشان و بزد و من در روزهای من و در عمرهای من

وَزِدْ لِي صَغِيرَهُمْ وَقُوْلِي ضَعِيفَهُمْ

و بزد من از برای من خرد و من را بگوئی ضعیف ایشان

وَاصْحَ لِي أَبْدَانَهُمْ وَأَدْيَانَهُمْ وَأَخْلَاقَهُمْ

و صحیح کن بدنها و دینهای ایشان و اخلاقهای ایشان

وَعَافِيَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ وَفِي جَوَارِحِهِمْ

و عافیت و سلامت ایشان در نفس و در اعضاء ایشان

وَفِي كُلِّ مَا عَنِيتُ بِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ

و در هر آنکه من قصد دارم از آنکه در حال است

وَادِرْ زِلْدِي وَعَلَى يَدِي انْزَاقَهُمْ

و بزد و من را و بر دست من بزد و من را

وَاجْعَلْهُمْ أَبْرَارًا اتَّقِيَاءَ بَصْرَاءَ

و بگردان ایشان را بپرهیزگاران و بپرهیزگاران

سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ وَلَا وَلِيَاءَكَ

شنونده گان و اطاعت کننده گان از برای تو و دوست نداشته گان

مُحِبِّينَ مُنَاصِحِينَ كُلِّ جَمِيعٍ اَعْلَانُكَ

دوستداران نصیحت کنندگان . هر چه دشمنان را

مُعَايِدِينَ وَمُبْغِضِينَ اٰمِينَ اَللّٰهُمَّ

عنا و داورندگان . و دشمنان درندگان . امانت دهی خداوند

اَشْدِّدْ بِهِمْ عَضْدِيْ وَاَقْمِ بِهِمْ اَوْدِيْ

تو شدت کن با دشمنان من و برپا کن بدشمنان من

وَكَثِّرْ بِهِمْ عَدْدِيْ وَزِدْ بِهِمْ مُحْضِيْ

و بسیار کن دشمنان من و شمار را و زیادت ده دشمنان من

وَاحْجِ بِهِمْ ذِكْرِيْ وَاكْفِنِيْ بِهِمْ

دشمنان من و یاد مرا و کفایت کن مرا از دشمنان

فِيْ غَيْبَتِيْ وَاَعِزِّيْ بِهِمْ عَلٰی حَاجَتِيْ وَ

در غیبت من و عزیز کن مرا با دشمنان من بر حاجت من و

اجْعَلْهُمْ لِيْ مُحِبِّينَ وَعَلٰی خَلْقِيْ

دشمنان من را دوستداران من و بر خلق من

مُقْبِلِينَ مُسْتَقِيمِينَ لِيْ مُطِيعِينَ غَيْرِ

رو می آورندگان . مستقیمان . از برای من در برابر من فرمانبرداران

عَاصِينَ وَلَا عَاقِبِينَ وَلَا خَالِفِينَ وَلَا

عصیانگران . دشمنان . و نه مخالفان . و نه

خَاطِبِينَ وَاَعِزِّيْ عَلٰی تَرْكِهِمْ وَتَادِيهِمْ

دشمنان من را بر ترک من و تادیب من

وَيَرْهَقْهُمْ وَهَبْ لِيْ مِنْ لَّدُنْكَ مَعَهُمْ

و بپوشان من و بده مرا از نزد خود با دشمنان



أُولَادًا ذُكُورًا وَاجْعَلْ ذَلِكَ لِي

اولاد و ذریه از مردان را

لِي وَاجْعَلْهُمْ لِي عَلَى مَا سَأَلْتُكَ

از برای من و بگردان آن را از برای من بر آن که می خواهم

وَاعِظْنِي وَذَرِّبْنِي مِنَ الشَّيْطَانِ

توبه مرا و از شیطان

الرَّجِيمِ فَإِنَّكَ خَلَقْتَنَا وَامْرَتَنَا وَهَيْبَتَنَا

و از تو شد پس بگو که تو آفریدی ما را و از برای ما زنی را و بزرگواری ما را

وَرَعَبَتَنَا فِي ثَوَابِ مَا امْرَتَنَا وَرَهَبَتَنَا

و ترس از تو را در ثواب آن که ما را زنی را و ترس از تو را

عِقَابِهِ وَجَعَلْتَ لَنَا عَذَابًا كَثِيرًا

عقاب آن و گردانی برای ما از عذاب که بسیار است

سُلْطَانَهُ مِنَّا عَلَى مَا لَمْ نَسْلُطْنَا عَلَيْهِ

سلطنت او را بر ما از آنکه ما بر آن تسلط نداشتیم

مِنْهُ وَإِسْكَنْتَهُ صُدُورَنَا وَاجْرُسْنَا

از او و در دل های ما را و در شکم های ما را

خَجَارِي دِمَائِنَا لَا يَغْفُلُ زَغَفَلْنَا

در غفلت از خون های ما و غافل شد از غفلت ما را

وَلَا يَنْسِي إِنْ نَسِينَا يَوْمَ مَسْأَلِ عِقَابِكَ

و فراموش نمی کند اگر ما را از روز پرسش عذاب تو فراموش کردیم

وَيُخَوِّفُنَا بِغَيْرِكَ إِنْ هَمَّ مَنَّا بِفَاحِشَةٍ

و ترساند ما را بغير تو اگر ما را بگناه بزرگ ترساند

عذاب
و از برای من و بگردان آن را از برای من بر آن که می خواهم
و ترس از تو را در ثواب آن که ما را زنی را و ترس از تو را
عقاب آن و گردانی برای ما از عذاب که بسیار است
سلطنت او را بر ما از آنکه ما بر آن تسلط نداشتیم
از او و در دل های ما را و در شکم های ما را
در غفلت از خون های ما و غافل شد از غفلت ما را
و فراموش نمی کند اگر ما را از روز پرسش عذاب تو فراموش کردیم
و ترساند ما را بغير تو اگر ما را بگناه بزرگ ترساند



شَجَّعْنَا عَلَيْهِمْ وَأَنَّ هُمْ مَنَا يَعْمَلُ صَالِحٍ

دلیہ سزا دلا ہوا ہے اگر مقدمہ کہیں بھل مشیت

تَبْطِنَاعِنَهُ يَتَعَرَّضُ لَنَا بِالشَّهَوَاتِ

باز میدانم که از آن مستغرق می شود اما بگو اینها

وَيَنْصِبُ لَنَا بِالشُّبُهَاتِ اِنْ وَعَدْنَا

در بر می کند از برای شهرها اگر در عدد مئة ازارا

كَذَّبْنَا وَإِنْ مَتَّانَا أَخْلَفْنَا وَإِلَّا

در دوازدهم دی ماه در آن روز صفر باشد از این خلاف گفته اند و اگر

نَصْرَ عَنَّا كَيْدُ يُضِلُّنَا وَالْإِنْفِ

بہنو وانی، کتبہ احمدی، گمراہ من زوہرا، داکر نگار

خَبَالَهُ لِيَسْتَرْزُقَنَا اللَّهُمَّ فَاقْهَرِ سُلْطَانَهُ

ازین داد می لایزال دارا شد اندا پس مقهور از سلطنت

عَنَّا بِسُطَانِكَ حَتَّى تَجْبِسَهُ عَنَّا

بسطت خود تا ایکہ منہ منی اور

بِكثْرَةِ الدُّعَاءِ لَكَ فَتَصِحَّ مَرِيدُكَ

بسیاری از اینها

فِي الْمُعْصُومِينَ بِكَ اللَّهُمَّ اعْطِنِي كَرَمًا

روزمره کفاه دانشگاه کابل تو خداوند! بخش ما

سُؤْلِي وَأَقْضِ لِي حَوَائِجِي وَلَا تَمْنَعْنِي

مطبوعت دربار از برای من حاجتمای را و باز دارد

الإجابة وقد ضمنتها إلى ولائحي

من اجابت دعا را در حال که محقق فیض شد از ارباب میس و مسیح

دعای



دُعَايُ عَنْكَ وَقَدْ اُخِرْتَنِي بِهِ وَامْنُ عَلَى

دعا می را از خود در حال آنکه فرموده مرا بدی و ایمنی من بر

بِكُلِّ مَا يَصْلِحُنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي

بر هر آنچه که صلاح آورده مرا در دنیا و آخرت

مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَمَا نَسِيتُ أَوْ

چیزی را که یاد آوردم - از آن را که فراموش کرده ام یا

اَظْهَرْتُ أَوْ اخْفَيْتُ أَوْ اَعْلَنْتُ أَوْ

آشکار کرده ام یا پنهان کرده ام یا آشکار کرده ام یا

اَسْرَيْتُ وَاجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ

برای من کرده ام - و بگردان بران در همه این احوال از

الْمُصْلِحِينَ بِسُؤَالِي إِيَّاكَ الْمُنْجِحِينَ بِالظَّلَمِ

از من می گردانی نه بر حسب سؤالی که از تو می خواهم و نه بر حسب ظلم

إِلَيْكَ غَيْرِ الْمُتَوَعِّينَ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ

بر سوی تو نیستند متوکل بر تو - از تو که توکل بر تو

الْمَعُودِينَ بِالتَّعَوُّدِ بِكَ الرَّاجِحِينَ فِي

عادت کرده اند به توبه به تو - سود پرده اند در

الْجَنَّةِ عَلَيْكَ الْحَاجَّارِينَ بِعِزِّكَ الْمَوْسِعِ

کنار است کردن بر تو - نیاز دارند به عزت تو فراوان

عَلَيْهِمُ الرِّزْقُ اخْذَلْ مِنْ فَضْلِكَ

برای آن روزی که کمالات تو از فضل تو

الْوَاسِعِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ الْمَعْرَيْنِ

در این ترسیدند به تو در کمالات تو عزت یافته اند

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في كل شيء
دلالة على قدرته وكرمه
والمؤمنون هم الذين آمنوا
بما جاءهم من ربهم
وكانوا على الهدى
والمؤمنات هم الذين آمنوا
بما جاءهم من ربهم
وكانوا على الهدى
والمؤمنون هم الذين آمنوا
بما جاءهم من ربهم
وكانوا على الهدى

مِنَ الذَّلِيلِ بِكَ وَالْمَجَارِبِ مِنَ الظُّلَمِ

خوار می بسند در خانه برده اند از ظلم

بِعَذْلِكَ وَالْمُعَافِينَ مِنَ الْبَلَاءِ بِرَحْمَتِكَ

بعدل تو و عافیت داده شده اند از بلا بر رحمت

وَالْمُغْنِينَ مِنَ الْفَقْرِ بِعِزِّكَ وَالْمَحْضُومِينَ

در فقر است داده اند از فقر بزرگواری تو و محرومان

مِنَ الذُّنُوبِ وَالزَّلِيلِ وَالْخَطَاءِ بِتَقْوَاكَ

از گناهان و زلزل و خطی و گناه و است

وَالْمُوفِقِينَ لِلْخَيْرِ وَالرُّشْدِ وَالصُّوَابِ

در توفیق یافته شده اند ای سرور راه راستی و صواب

بِطَاعَتِكَ وَالْمَحَالِ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الذُّنُوبِ

بیطاعت تو و مانع شده است میان ایشان و میان گناهان

بِقُدْرَتِكَ التَّارِكِينَ لِكُلِّ مَعْصِيَةٍ

بیکبریا تو ترک کنندگانند بر همه عبادت تو

السَّائِكِينَ فِي جَوَارِكَ اللَّهُمَّ اعْظِنَا

سایکین در جوار کبریا خدایا ما را حفظ کن

جَمِيعَ ذَلِكَ بِتَوْفِيقِكَ وَرَحْمَتِكَ

همه اینها را بتوفیق و رحمت تو

وَأَعِزَّنَا مِنْ غَلَابِ السَّعِيرِ وَأَعْظِ

در خانه ما را از غلبه آتش و عظیم کن

جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ

همه مسلمانان و مسلمات و مؤمنین

وَالْمُؤْمِنَاتِ



وَالْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتُكَ

در مؤمنات و مؤمنان که در این دنیا

لِنَفْسِي وَلِوَلَدِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا وَآخِلِ

از برای خود و از برای فرزند در عاجل و آخِر

الْآخِرَةِ إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ سَمِعَ عَلَيَّمُ

آفرینستند که تو زود بپاس دهی شنیده و دانای

عَفْوٌ غَفُورٌ رَوْفٌ رَحِيمٌ وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا

عفو کننده و بخشنده و در دنیا و آخرت

حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ

حسنه و در آخرت عفو کننده و نگاهدار ما از عذاب

وَكَانَ مِنْ عَائِدَةٍ عَلَى الْمُرْجِيِّينَ

و باز آمدن از عذاب برگشتن به سوی بازماندگان

وَإُولِيَاءِ إِذَا ذُكِرَ هَمٌّ

و اولیای خود که اگر غم و اندوه

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَوَلَّنِي فِي

خدایا درود بفرست بر محمد و آل او و توکل کن بر من

حَيْرَانِي وَمَوَالِيَ الْعَارِفِينَ بِحَقِّكَ

بهران کن مرا و یاران را که با حق تو آشنایند

وَالْمُسَائِدِينَ لِأَعْدَائِي يَا فَضْلَ وَلَا تَكْ

و یاری کننده مرا در برابر دشمنانم ای فضل و مهربانی

وَوَفِّهِمْ لِإِقَامَةِ سُنتِكَ وَالْآخِرَةِ

و وفا کن به آنان در ایستادگی سنت تو و آخرت

در این دنیا و آخرت
و توکل کن بر من
و یاران را که با حق تو آشنایند
و یاری کننده مرا در برابر دشمنانم
و وفا کن به آنان در ایستادگی سنت تو و آخرت

سنتت



بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي إِزْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ

خوبهائی طور تو در نموداری کردن ضعیف است

وَسَدِّ خَلَّتِهِمْ وَعِيَادَةِ مَرِيضِهِمْ وَهَذَائِهِ

دست درخت فقراتشان در زمین بیمارستان میرزا محمد

مُسْتَرَشِدِهِمْ وَمُنَاصِحَةِ مُسْتَشِيرِهِمْ

براه جوی ایشان و نصیحت کردن مشورت کنند.

وَتَعَاهِدُوا لَهُمْ وَأَكْتُمَانِ إِسْرَارِهِمْ

دو دین از سفر آمده اش و بنیان کردن رازهای

وَسَرَّعُوا إِلَيْهِمْ وَفُتِحَ مَظْلُومِهِمْ

در پوشانیدن عورتها می باید در پیری کردن مستمرا دیده آید

وَحُسْنُ مُوَاسَاةِهِمْ بِالْمَاعُونِ وَالْعَوْدِ

دخوت موبه اش به و کرون و نفع رحمت

عَلَيْهِمْ بِالْجَنَّةِ وَالْإِفْضَالِ وَإِعْطَاءِ

ایمان بعلیہ و احسان کردن و عطا کردن

مَلِجِبْ لَهُمْ قَبْلَ السُّؤَالِ وَأَجْعَلْنِي

اکنجہ واجب است از برای پیشانی رسوال کردن و بگردان مرا

اللَّهُمَّ اجْزِ بِإِحْسَانٍ وَسَيِّئُهُمْ

فدا و نذا چاکم باورش هم بشکرمی به کینه های

وَأَعْرِضْ بِالْحَجَّاءِ وَزِعْنِ ظَالِمِيهِمْ وَاسْتَعْمِلْ

دورگنڈرم بعنف از ستمکارش دیکارا

حُسْنَ الظَّنِّ فِي كَافَّةِهِمْ وَأَتَوَلَّى

مکتبہ کا خزانہ دربارہ جمعہ ایشیائی دربارہ جمعہ

[illegible]

وَكَانَ مِنْ غَايَةِ السَّلَامِ لِأَهْلِ التَّغْوِيرِ

و بود از دعای کثرت علیه السلام از برای اهل سرحد

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْصِنْ تَغْوِيرَ

سند اندام از غارت بر محمد و آل او و دستداران صلبی

المُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ وَآيِدِ خَائِفَتِكَ وَأَسْبِغْ

مسلمانان را بر عزت خود و تقویت کن ایشان را با حق و دکان

عَطَايَاهُمْ مِنْ جِدَّتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

عطای ایشان را از عطیه خود و دستداران صلبی

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكَثِّرْ عَدَدَهُمْ وَأَشْحَدْ

محمد و آل او و بسیار کن عدد ایشان را و شهادت

اسْلِحَتْهُمْ وَآخِرُ سُرُورَتِهِمْ وَأَمْنُ حَوَائِمِهِمْ

سلاحی ایشان را و نگاهدار آخران ایشان را و ایمنی برادران ایشان را

وَأَلْفِ جَمْعَهُمْ وَدَبِّرْ أَمْرَهُمْ وَوَاتِرَبِينَ

و جمع کن ایشان را و تدبیر کن کار ایشان را و اتریبین

مِيرَهُمْ وَتَوَخَّذْ بِكَ فَيَا مَوْئِدَهُمْ

آوردن قنای ایشان را و ده تنهایی خود که نگه داری کن ایشان را

وَأَعِزَّهُمْ بِالنَّصْرِ وَأَعِزَّهُمْ بِالنَّصْرِ

و عزیز کن ایشان را با نصرت و عزیز کن ایشان را با نصرت

وَالطُّفْ لَهُمْ فِي الْمَكْرِ اللَّهُمَّ صَلِّ

و لطیف کن ایشان را در مکر و دستداران صلبی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعِزَّهُمْ مَا يَجْهَلُونَ

بر محمد و آل او و عزیز کن ایشان را آنچه جاهلند

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في هذه الدعاء
كل ما يحتاج اليه المؤمن
من صلوات على محمد وآله
و ما يحتاج اليه المؤمن
من نصرة الله تعالى
و ما يحتاج اليه المؤمن
من عزة الله تعالى
و ما يحتاج اليه المؤمن
من نصرة الله تعالى

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في هذه الدعاء
كل ما يحتاج اليه المؤمن
من صلوات على محمد وآله
و ما يحتاج اليه المؤمن
من نصرة الله تعالى
و ما يحتاج اليه المؤمن
من عزة الله تعالى
و ما يحتاج اليه المؤمن
من نصرة الله تعالى

وَعَلَامَةُ

موسسه

وَعَلِمَهُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ وَبَصَّرَهُمْ مَا لَا

بَصَرُهُمْ لَيْسَ بِنَجْمٍ مُبِينٍ وَنَبِيٍّ نَذِيرٍ

يُبْصِرُونَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ

بَارِكْ وَسَلِّمْ وَارْحَمْهُمْ بِرَحْمَةِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الَّتِي هُمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَذْوُ ذَكَرَ

فَإِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مِنْهُمْ وَكَانُوا فِي شَكٍّ مِنْهُمْ

دُنْيَاهُمْ الْخِدَاعَةُ الْغُرُورُ وَاجْعَلْ قُلُوبَهُمْ

وَنُفُوسَهُمْ فِي سَبِيلِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفِتُونِ وَاجْعَلْ

لَهُمْ قُلُوبًا مَخْشَعَةً لِلَّهِ وَتُحْسِنُ الْعَمَلُ

الْجَنَّةَ نَصَبَ أَعْيُنِهِمْ وَلَوْحَ مِنْهَا

لَا بَصَارَ لَهُمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ

مَسَاكِينَ الْخُلْدِ وَمَنَازِلَ الْكَرَامَةِ

وَالْحُورِ الْحَسَنَاتِ وَالْأَنْهَارِ الْمَطْرُودَةِ

بِأَنْوَاعِ الْأَشْرَبَةِ وَالْأَشْجَارِ الْمُسْتَدَلِّيَةِ

يَصْنُوفُ التَّمَرِ حَتَّى لَا يَهُمَّ أَحَدُهُمْ

بِمَا يَكُونُ مِنْهُ يَوْمَئِذٍ

در این آیه
بصیرت

در این آیه
بصیرت

در این آیه
بصیرت

در این آیه
بصیرت



بِالْإِذْنِ بَارِئًا لِمُحَدِّثِ نَفْسِهِ عَرَقِيَّةً

برگشتن زلفش که گنجد با کاره زدن از کمرش

يَفِرُّا۟ ۖ اَللّٰهُمَّ اَقِلْ يَدَٰلِكَ عَدُوَّهُمۡ

از زمانه خود خداوند را بشکن باین دشمنان

وَأَقِمْ عَنْهُمْ أَظْفَارَهُمْ وَفَرِّقْ بَيْنَهُمْ

در بکیم از آب و ن، خنای و دشمنان و جدای می افکن میانه و نمان

وَبَيْنَ أَسْلِحَتِهِمْ وَاحْتَلَعُوا ثَأْنُكَ أَفْئِدَتِهِمْ

و ما نیز سلاخی شدن و شکنجه ای دلشاک

وَبَاعِدُ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَزْوَاجِهِمْ وَحَيْرُهُمْ

دور کی پناہ و شفا دینا آفتاب میاں کے دستِ باریک

فِي سُبُلِهِمْ وَصَلِّ لَهُمْ عَنْ وَجْهِهِمْ

دور از پیشانی و کمره گردان این از چشمان

وَاقْطَعْ عَنْهُمْ الْمَدَدَ وَانْقُصْ مِنْهُمْ

دربار از ایشان عذر را و کم نسی از ایشان

الْعَدَدُ وَامْلَأْ أَفْئِدَتَهُمُ الرِّغْبَ

عدد دریا و برقی دلهستان و از قریب

وَاقْبِضْ أَيْدِيَهُمْ عَنِ الْبَسْطِ وَأَحْرِمِ السِّنَنَ

و از این آیه در دستهای آن را از دست ده کرد و در آن دستهای آن را از دست ده کرد

عَنِ النَّطِيقِ وَشَرِّ ذِيئِمٍ مِّنْ خَلْفِهِمْ

از حرف د ن و پراکنده باز بستن آنرا که از بدست

وَنَكِيلِهِمْ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمْ وَاقْطَعِ

دبیرل ساز سببیاں ہر کہ داد عقیقہ

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

ان یزید بن ابی مرثد

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

يُخْرِجُهُمُ اطِّبَاعَ مَنْ بَعَدَهُمُ اللَّهُمَّ عَقِّم

ارْحَامْ لِنَسَائِهِمْ وَيَتَسَّ اَصْلَابِ رِجَالِهِمْ

وَأَقِطْعُ نَسْلَهُمْ وَأَنْعَمِ لَهُمْ

لَا تَأْذَنَ لِسَمَائِهِمْ فِي قُطْرِهِ وَلَا لَارْضِهِمْ

دستوری در کتب و اوراق این روزگار

فِي نَبَاتِ اللَّهِ وَقَوْفِي بِذَلِكَ حَالٌ

در رویه آن **حَسْبُكَ اللَّهُ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ** **اَهْلَ الْاِسْلَامِ وَحَصِّنْ بِهِ دِيَارَهُمْ وَتَمَرَّ**

بِهِ أَمْوَالُهُمْ وَفَرَّغَهُمْ عَنْ مُحَارِبَتِهِمْ

بَارِئٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَيُّومُ لَا يَأْخُذُهُ سِنٌ وَلَا نَوْمٌ لَیْسَ لَهٗ كُفُوًا شَیْءٌ سَیِّدُ السَّمَوَاتِ وَ السَّالَمَاتِ یَعْلَمُ غُیُوبُ السُّجُودِ وَ السَّرَائِرِ یَعْلَمُ مَا بَیْنَ أَيْدِیهِمْ وَ مَا خَلْفَ أَسْفَلَ بَیْنِ يَدَیْهِ وَ خَلْفَ ظَهْرِهِمْ وَ لَا یُحِيطُ بِشَیْءٍ سِوَا ذَٰلِكَ عِلْمُهُ بِمَا یَحْضَرُ وَ مَا یُغِیْبُ وَ لَا یُحِيطُ بِشَیْءٍ سِوَا ذَٰلِكَ عِلْمُهُ بِمَا یَحْضَرُ وَ مَا یُغِیْبُ وَ لَا یُحِيطُ بِشَیْءٍ سِوَا ذَٰلِكَ

حَتَّى لَا يُعْبَدَ فِي بُقَاعِ الْأَرْضِ غَيْرُكَ

وَلَا تَعْفُرْ لِأَحَدٍ مِنْهُمْ جَهَّةَ دُونِكَ

اللَّهُمَّ اغْزِيْ كُلَّ نَاحِيَةٍ مِنْ

ایک روز غیبی ہوا

بسم الله الرحمن الرحيم

مدرسه فیضیه

مکتبہ المومنین و المومنینہ
خوشہ محاکاتہ

المُسْلِمِينَ عَلَى مَنْ يَازِأَتُهُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

از مسلمانان با آنکه در برابر ایشان از کافران

وَأَمَدُهُمْ بِمَلَأَتْ كُهُ مِنْ عِنْدِكَ

و مدت ایشان را پر از کلاه از نزد تو

مُرْدِفِينَ حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ إِلَى مَقْطَعِ

بی هم در انداخته تا اینکه برکنند ایشان را تا انتهای

الْتَرَابِ قَتَلًا فِي أَرْضِكَ وَأَشْرًا وَيَقْرُوا

نیک گشته شده در زمین تو و آشوب و آزار کنند

بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

با اینکه تو هستی که نیست خدائی مگر تو

وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ اللَّهُمَّ وَعِظْمُ

تو بی نیست شریکی بر تو خداوند بزرگوار

بِذَلِكَ أَعْدَاءُكَ فِي أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنْ

با این دشمنان خود را در اطراف شهرها

الْهِنْدِ وَالرُّومِ وَالتُّرْكِ وَالْحَزَرِ وَالْجَسَّ

هند و روم و ترک و خزر و جَسَس

وَالنُّوبَةِ وَالزُّنْجِ وَالسَّقَالِبَةِ وَالذَّبَالَةِ

و نو و زنج و سقالب و ذباله

وَسَائِرِ أُمَمِ الشِّرْكِ الَّذِينَ تَخْفَى أَسْمَاؤُهُمْ

و دیگر نامهای مشرکان که پنهان است نامهای آن

وَصِفَاتُهُمْ وَقَدْ اخْصَيْتَهُمْ بِمَعْرِفِكَ

و صفات آنها را و محقق گردانیده ایشان را با شناسایی تو

وَأَشْرَوْا

وَأَشْرَوْا
وَأَشْرَوْا
وَأَشْرَوْا

وَأَشْرَوْا
وَأَشْرَوْا
وَأَشْرَوْا

وَأَشْرَوْا
وَأَشْرَوْا
وَأَشْرَوْا



وَاشْرَفَتْ عَلَيْهِمْ بِقُلْدَتِكَ اللَّهُمَّ اشْغَلْ

در جمع شده بر ایشان بحدت خود خداوند اشراف را

الْمُشْرِكِينَ بِالْمُشْرِكِينَ عَنْ

کاشمیران را کاشمیران را

تَنَاوُلِ اطْرَافِ الْمُسْلِمِينَ وَخُدْهُمْ

کرفتن اطراف مسلمانان و درگیر ایشان را

بِالنَّقْصِ عَنْ تَقْصِيرِهِمْ وَتَبْطِئْهُمْ بِالْفِرْقَةِ

بکم کردن از کم کردن مسلمانان و باز ایشان را بکندگی

عَنِ الْإِخْتِشَادِ عَلَيْهِمْ اللَّهُمَّ اخْلُقْ قُلُوبَهُمْ

از گرد آمدن بر ایشان شد از اخلاقی بر ایشان را

مِنْ الْأَمْنَةِ وَابْنَانَهُمْ مِنَ الْفَوْقِ وَادْهِلْ

از امنیت در ایشان را از فوق و دهم ایشان را

قُلُوبَهُمْ عَنِ الْإِخْتِيَالِ وَأَوْهِنْ زَكَاتَهُمْ

دلی ایشان را از جود کردن و سستی ایشان را

عَنْ مَنَازِلَةِ الرِّجَالِ وَجَنِّتْهُمْ عَنْ مُقَارَعَةِ

از جایگاه جنگ کردن با بندگان و دشمنان ایشان را از روبرو شدن

الْأَبْطَالِ وَابْعَثْ عَلَيْهِمْ جُنْدًا مِنْ

دشمنان در ایشان بر ایشان لشکری را

مَلَكَ كَيْتِكَ بِبَاسٍ مِنْ بَاسِكَ

ز لشکرتان خود با عذافتی از عذابهاست

كَفِعْ لِكَ يَوْمَ بَدْرٍ تَقْطَعُ بِهِ ذَائِرَهُمْ

چنانکه کردی در روز بدر بسمه ای باو بقطع ایشان را

و این دعا را در روز بدر بخواند
و در هر روز بخواند
و در هر روز بخواند
و در هر روز بخواند
و در هر روز بخواند
و در هر روز بخواند
و در هر روز بخواند
و در هر روز بخواند
و در هر روز بخواند
و در هر روز بخواند

وَنَحْضُدْ بِهِ شَوْكَتَهُمْ وَتَقَرَّقُ بِهِ
عَدَدَهُمُ اللَّهُمَّ وَامْرِجْ مِيَاهَهُمْ
بِالْوَبَاءِ وَأَطْعِمْنَهُمْ بِالْأَدْوَاءِ وَارْمِ
بِلَادَهُمْ بِالْخُسُوفِ وَأَلْجِ عَلَيْهَا الْقُدُوفَ
وَأَفْرِغْهَا بِالْحَوْلِ وَأَجْعَلْ مِيرَهُمْ فِي
أَحْصَرِ أَرْضِكَ وَابْعِدْهَا عَنْهُمْ وَأَمْنَعِ
حُصُونَهَا مِنْهُمْ أَصْنَمُ بِالْجُوعِ الْمُقِيمِ
وَالسَّقَمِ الْأَلِيمِ اللَّهُمَّ وَأَيِّمًا عَزْغَهُمْ
مِنْ أَهْلِ مِلَّتِكَ أَوْحَاهِدْ جَاهِدَهُمْ
مِنْ اتِّبَاعِ سُنَّتِكَ لِيَكُوْرَ دُنْيَاكَ
الْأَعْلَى وَحَرْبُكَ الْآفَوَى وَحِظُّكَ الْآوَى

فَلْيَقِهْ

وَنَحْضُدْ بِهِ شَوْكَتَهُمْ وَتَقَرَّقُ بِهِ
عَدَدَهُمُ اللَّهُمَّ وَامْرِجْ مِيَاهَهُمْ
بِالْوَبَاءِ وَأَطْعِمْنَهُمْ بِالْأَدْوَاءِ وَارْمِ
بِلَادَهُمْ بِالْخُسُوفِ وَأَلْجِ عَلَيْهَا الْقُدُوفَ
وَأَفْرِغْهَا بِالْحَوْلِ وَأَجْعَلْ مِيرَهُمْ فِي
أَحْصَرِ أَرْضِكَ وَابْعِدْهَا عَنْهُمْ وَأَمْنَعِ
حُصُونَهَا مِنْهُمْ أَصْنَمُ بِالْجُوعِ الْمُقِيمِ
وَالسَّقَمِ الْأَلِيمِ اللَّهُمَّ وَأَيِّمًا عَزْغَهُمْ
مِنْ أَهْلِ مِلَّتِكَ أَوْحَاهِدْ جَاهِدَهُمْ
مِنْ اتِّبَاعِ سُنَّتِكَ لِيَكُوْرَ دُنْيَاكَ
الْأَعْلَى وَحَرْبُكَ الْآفَوَى وَحِظُّكَ الْآوَى



فَلَقَهُ الْيُسْرُوهِيَ لَهُ الْأَمْرُ وَتَوَلَّاهُ

بِالْحَيِّ وَخَيْرِهِ الْأَصْحَابِ وَاسْتَقْوِلْهُ

الظُّهْرَ وَاسْبِغْ عَلَيْهِ فِي النِّفْقَةِ وَمِثْلَهُ

بِشْتِ رَا دِقَمَمِش بِرَادِ دَر نَفِضِ دِلِش خُشَا
بِالنَّشَاطِ وَأَطْفِ عَنْهُ حَرَانُ الشَّوْقِ

بجز می دفع و ن ازاد کرمی نون

وَاجِرُهُمْ مِنْ عَمِّ الْوَحْشَةِ وَالنَّسَبِ ذَكَرَ

دورانِ احوال از انجمن تحفے دفرایش کرد و ایام و

دستبره اس و دستیار کن از خدای ادوخی بیت را

وَقَوْلُهُ بِالْعَاقِبَةِ وَالْحُجَّةُ السَّلَامَةُ
وَمَنْ لِي أَوْ ثَوْبِي فَيَت

وَأَعْفُوهُ مِنَ الْجَبِينِ وَالْهَيْمَةِ الْجَزَاءُ
دیکھو! داد اور ان ترسناکی اور دلی غم اور دلیر

وَأَرْزُقْهُ الشَّيْءَ وَآيِدْهُ بِالنَّصْرَةِ وَعَلَيْهِ
روز می گزید او را سختی و نفیقت گزید او را نصرت می یابد از ارباب

السَّيْرُ وَالسَّنُّ وَسَدِّدُهُ فِي الْحُكْمِ

وَأَغْرِزْ عَنْهُ الرِّيَاءَ وَخَاصَّهُ مِنَ السَّمْعِ

تذکرہ شہداء و شہیدان
 فی سبیل اللہ
 جلد اول
 تصانیف و تالیفات
 تصانیف و تالیفات

وَأَطْفِئْهُ

۱۲
الحمد لله
الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا
هدى الله لنا

از باب اول در بیان
که در این کتاب
از باب اول در بیان
که در این کتاب

وَاجْعَلْ فِڪْرُكَ وَذِكْرُكَ وَطَعْنَهُ

و بگردان فکر او را و ذکر او را و درفش او را

وَاقَامَتُهُ فِیْكَ وَلَکَ فَاِذَا صَافَ

و ایستاد او را در راه تو و برای تو پس هر گاه برابر شود

عَدُوْکَ وَعَدُوْهُ فَقُلْ لَهُمْ فِی عَیْنِهِ وَصَعْرَ

دشمن تو را و دشمن خود را پس هر گاه دشمن آن را در پیش او و در کمر او

سَآئِمٌ فِی قَلْبِهِ وَاِدْلُ لَهُ مِنْهُمْ وَلَا

شأنی است از ادول او و طعنه ده او را بر پشت آن و

تَدْلُهُمْ مِنْهُ فَاِزْحَمْتَ لَهُ بِالسَّعَادَةِ

نبه ده ای آن را بر او پس اگر دستگیری کار او را سعادت

وَقَضَيْتَ لَهُ بِالشَّهَادَةِ فَبَعْدَ اَنْ

دستگیری از برای او به نجات پس بعد از آن

يَحْتَاجَ عَدُوْکَ بِالْقَتْلِ وَبَعْدَ اَنْ يُّوَلَّى

که از هیچ براند دشمن تو را بسبب قتل و بعد از آن بوی

عَلَيْهِمْ هَدْيُهُمْ اَلْاَسْرَ وَبَعْدَ اَنْ تَأْمَنَ

که نجات یابد از اسیری و بعد از آن باشد که امن شود

اَطْرَافَ الْمُسْلِمِيْنَ وَبَعْدَ اَنْ يُّوَلَّى

اطراف مسلمانان و بعد از آن بوی که برگردد

عَدُوْکَ مُدْبِرِيْنَ اَللّٰهُمَّ وَاَيُّهَا مُسْلِمِ

دشمنان تو پشت گرفته و بنده خداوند او هر مسلمانی

خَلْفَ غَارِبًا اَوْ مُرَابِطًا فِی دَارِهِ اَوْ تَعَقَّدَ

که جانشین شده غریبانه در یا مرابطی در در خانه او یا بازرسید

خَالِفِيْهِ



و ایستاد او را در راه تو و برای تو پس هر گاه برابر شود دشمن تو را و دشمن خود را پس هر گاه دشمن آن را در پیش او و در کمر او شأنی است از ادول او و طعنه ده او را بر پشت آن و نبه ده ای آن را بر او پس اگر دستگیری کار او را سعادت و قضایت له بالشهادة فبعد ان محتاج عدو ک بالقتل و بعد ان یولی علیه هدیه هم الاسر و بعد ان تأمن اطراف المسلمین و بعد ان یولی عدو ک مدبرین اللهم و ایها مسلم خلف غاربا او مرابطا فی داریه او تعقد

خَالِفِيهِ فِي غَيْبَتِهِ أَوْ أَعَانَهُ بِطَائِفَةٍ مِنْ

یا زانده کسان او در غیبت او یا یاری کرد او را بر باره از

مَالِهِ أَوْ أَمَلَهُ يُعْتَادُ أَوْ شَحَنَهُ عَلَى جِهَادٍ

مال او یا امید نمود او را ب از راه یا سپرد او را بر جهاد

أَوْ اتَّبَعَهُ فِي وَجْهِهِ دَعْوَى أَوْ رَعَى لَهُ

یا پیروی کرد او را در راهی که دعوت است یا رعایت کرد او را

مِنْ دَوْلَتِهِ حُرْمَةً فَأَجْرُ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ وَزَنَّا

از محبت او حرمتی پس اجرمه است مانند اجرمه او و سنجید

بِوزْنٍ وَمِثْلًا يُمِثِّلُ وَعَوَضَهُ مِنْ فِعْلِهِ

هم سنجید و مانند با نهد و عوض ده او را از کرد او را

عَوَضًا حَاضِرًا يَتَجَمَّلُ بِهِ نَفْعٌ مَا قَدَّمَ

عوضی آنچه حاضر است که نزد وی بیاید بآن نفعی که پیش کرد

وَسَرُّوْهُ مَا اتَى إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ بِهِ الْوَقْتُ

دش دوامی آنچه آید تا آنکه ختم شود به آن وقت او

إِلَى مَا أَجْرِيَتْ لَهُ مِنْ فَضْلِكَ وَاعْدَدْتُ

برای آنچه جاری شده از برای او از فضل خود و آماده کردم

لَهُ مِنْ كَرَامَتِكَ اللَّهُمَّ وَأَيُّهَا مُسْلِمُ

از برای او از کرامت خود خدایا و ای مسلمان

أَهْمُهُ أَمْرًا لِإِسْلَامٍ وَأَخْرَجَهُ مِنْ حَرْبٍ

که از او مهمی است از اسلام و رخصت کرد او را از جنگ

أَهْلَ الشَّرِّ عَلَيْهِمْ فَنَوَى غَزَاؤَهُمْ

اهل شرک بر من مال پس مقصد که غزوا را یا آمیخت

نیز از جنگ است که در

نیز از جنگ است که در
نیز از جنگ است که در
نیز از جنگ است که در
نیز از جنگ است که در
نیز از جنگ است که در

نیز از جنگ است که در

مجلس



بِحَبَاهٍ فَقَعْدَ بِهِ ضَعْفٌ وَابْطَأَتْ

بجاءه در این شانه دورا سستی یا در کمین بود

بِهِ فَاَقَّةٌ أَوْ آخِرُ عَنْهُ حَادِثٌ أَوْ عَرَضٌ لَهُ

دورا فخری یا پس از آن وقت دورا از او حادث یا عارض شد دورا

دُونَ إِرَادَتِهِ مَانِعٌ فَكَتَبَ اسْمُهُ

نزد اراده او مانعی پس بنویس نام دورا

فِي الْعَايِدِينَ وَأَوْجِبَ لَهُ تَوَابُ الْمُجَاهِدِ

در ایام عایدین و واجب گردان ایامی او ثواب مجاهدان

وَلَجَعَلَهُ فِي نِظَامِ الشَّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ

و گردان دورا در سلسله شهدا و صالحان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ

خدایا در حق محمد بن عبد تو و رسول تو

وَالْمُحَمَّدِ صَلَوَاتُ عَلَالِيَةِ عَلَى الصَّلَوَاتِ

و علی محمد رحمتی که مستند به رحمتها

مُشْرِفَةٌ فَوْقَ الْحَيَاتِ صَلَوَاتُ لَا يَنْتَهِي

شرف شد بالای حیات رحمتی که منتها ندارد

أَمَدُهَا وَلَا يَنْقُطُ عَدَدُهَا كَأَنَّمَا

است آن و منقطع ندارد شمار آن همچو نامتناهی

مَامَضَى مِنْ صَلَوَاتِكَ عَلَى أَحَدٍ

آنچه که گذشته است از رحمتها می تو بر یکی

مِنْ أَوْلِيَائِكَ إِنَّكَ الْمَثَانُ الْحَمِيدُ

از دوستان تو پرستی که دو عهده کننده بسیار بوده

المبدي



الْمُبْدِي الْمُعِيدُ الْفَعَالُ لِمَا يُرِيدُ

اینها آشنده اعاده فرماینده کننده هر چه بخواهد

وَكَانَ مِنْ عَائِدٍ عَلَيْكَ السَّلَامُ

و بود از و عا که عودت میاید ای سلام

مُتَقِنًا إِلَى اللَّهِ عَنَّا وَجَلَّ

در حالتی که بنا میروند بسوی خداوندی عزوجل

اللَّهُمَّ إِنِّي أَخْلَصْتُ بِإِنْقِطَاعِي إِلَيْكَ

خداوند ابروی کن من خالص باشم خود را بسوی تو

وَاقْبَلْتُ بِكُلِّ عَلَيْكَ وَصَرَفْتُ

در روی گردانم همه خود بر تو و گرداندم

وَجْهِي عَمَّنْ يَحْتَاجُ إِلَى رِفْدِكَ

روی خود را از کسی که محتاج است بسوی من عی تو

وَقَلْبِي مَسْئَلَتِي عَمَّنْ لَمْ تَسْتَغْنِ

و گرداندم سوال خود را از کسی که بسنیارت

عَنْ فَضْلِكَ وَرَأَيْتَ أَنْ تَطْلُبَ الْحْتَاجَ

از من تر و دیدم که من بگردانم

إِلَى الْحْتَاجِ سَفَهُ مِنْ زَايَةٍ وَضَلَّةً

بسوی محتاج استیگت از راهی او و گردانم

مِنْ عَقْلِهِ فَكَمْ قَدْ رَأَيْتَ يَا إِلَهِي

از عقل او بسیار که عی تو دیدم ای خدای من

مِنْ أَنَا سَاطِبُوا الْعِزَّ بَعْدَكَ قَدْ لَوْ

از مردی که جب عزت گردان پس از من

صُنْتُ

من بودم
از من
از من

وَرَامُوا الثَّرَقَ مِنْ سِوَاكَ فَافْتَقَرُوا

وغمه و فقری کردند از سواى تو پس فقر شدند

وَحَاوُلُوا الِارْتِفَاعَ فَانْضَعُوا فَصَحَّ

وآرنگ کردند بپسندیدن پس استنداد پس درست

بِمُعَايِنَةِ امْتَا لِهِمْ حَازِمٌ وَفَقَهُ اَعْتِبَارُهُ

بب دین مانند ای پادشاه در آینه ای که در پیشگاه او است

وَارْشَدَهُ إِلَى طَرِيقِ نَوَائِهِ اِخْتِيَانٌ فَانْت

در راه خود را به سوی راه خزان او خست و راه او پس

يَا مَوْلَايَ دُونَ كُلِّ مَسْئُولٍ مَوْضِعُ

ای مولای من نه هر سوال کننده محل

مَسْئَلَتِي وَدُونَ كُلِّ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ

سوال کردن من و نه هر خواهنده بپسندیدن

وَلِيَّ حَاجَتِي أَنْتَ الْمُخْصُوصُ قَبْلَ كُلِّ

یار رسیده بپسندیدن تو می مخصوص پس از هر

مَدْعُوٍّ يَدْعُوْنِي لَا يَشْرُكَكَ أَحَدٌ

خوانده شده بخواندن من میزد و شکم که با کسی

فِي رَجَائِي وَلَا يَفُوقُ أَحَدٌ مَعَكَ فِي

در آسپد من ویت یافت کسی با تو در

دُعَائِي لَا يَنْظُمُهُ وَإِيَّاكَ يَدْنِي لَكَ

خواندن من چه بگفته ادعا و تو را من مرزبان

يَا إِلَهِي وَخِدَائِيَّةَ الْعَدَدِ وَمَلَكَةَ

ای اله ای من بگناه شمار و صف

وَرَامُوا الثَّرَقَ مِنْ سِوَاكَ فَافْتَقَرُوا
وَحَاوُلُوا الِارْتِفَاعَ فَانْضَعُوا فَصَحَّ
بِمُعَايِنَةِ امْتَا لِهِمْ حَازِمٌ وَفَقَهُ اَعْتِبَارُهُ
وَارْشَدَهُ إِلَى طَرِيقِ نَوَائِهِ اِخْتِيَانٌ فَانْت
يَا مَوْلَايَ دُونَ كُلِّ مَسْئُولٍ مَوْضِعُ
مَسْئَلَتِي وَدُونَ كُلِّ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ
وَلِيَّ حَاجَتِي أَنْتَ الْمُخْصُوصُ قَبْلَ كُلِّ
مَدْعُوٍّ يَدْعُوْنِي لَا يَشْرُكَكَ أَحَدٌ
فِي رَجَائِي وَلَا يَفُوقُ أَحَدٌ مَعَكَ فِي
دُعَائِي لَا يَنْظُمُهُ وَإِيَّاكَ يَدْنِي لَكَ
يَا إِلَهِي وَخِدَائِيَّةَ الْعَدَدِ وَمَلَكَةَ

بِقِيَمَتِهِ

وَرَامُوا الثَّرَقَ مِنْ سِوَاكَ فَافْتَقَرُوا
وَحَاوُلُوا الِارْتِفَاعَ فَانْضَعُوا فَصَحَّ
بِمُعَايِنَةِ امْتَا لِهِمْ حَازِمٌ وَفَقَهُ اَعْتِبَارُهُ
وَارْشَدَهُ إِلَى طَرِيقِ نَوَائِهِ اِخْتِيَانٌ فَانْت
يَا مَوْلَايَ دُونَ كُلِّ مَسْئُولٍ مَوْضِعُ
مَسْئَلَتِي وَدُونَ كُلِّ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ
وَلِيَّ حَاجَتِي أَنْتَ الْمُخْصُوصُ قَبْلَ كُلِّ
مَدْعُوٍّ يَدْعُوْنِي لَا يَشْرُكَكَ أَحَدٌ
فِي رَجَائِي وَلَا يَفُوقُ أَحَدٌ مَعَكَ فِي
دُعَائِي لَا يَنْظُمُهُ وَإِيَّاكَ يَدْنِي لَكَ
يَا إِلَهِي وَخِدَائِيَّةَ الْعَدَدِ وَمَلَكَةَ

الْقُدْرَةُ



الْقُدْرَةِ الصَّمَدِ وَفَضِيلَةِ الْكَوْلِ وَالْقُوَّةِ

قدرت کریمین برات و صفات عالی کران قدرت و عزم

وَدَرَجَةِ الْعُلُوِّ وَالرَّفْعَةِ وَمَنْ سِوَاكَ

و یا چه بسندی در قدرت و عزم که سواست

مَرْحُومٌ فِي عَمْرِهِ مَغْلُوبٌ عَلَى أَمْرِ

مرحم گردیده است در زمانه کانی او برده شده است بر امر او

مَقْهُورٌ عَلَى شَأْنِهِ مُخْتَلِفُ الْحَالَاتِ

مهر گرفته شده است بر حال و مختلف حالاتی او

مُسْتَقِلٌّ فِي الصِّفَاتِ فَتَعَالَيْتَ عَنِ

گرفته است در صفات پس برتری از

الْأَشْيَاءِ وَالْأَضْدَادِ وَتَكَبَّرَتْ

و بلند و منفرد و عظمت تری

عَنِ الْأَمْثَالِ وَالْأَنْدَادِ فَسُبْحَانَكَ

از منتهی و نه با کسی

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَتَعَالَيْتَ عَنِ الْأَشْيَاءِ

نیست خدائی جز تو پس برتری از همه چیزها

وَكُنْ مِنْ عَائِدَةِ السَّلَامِ إِذَا قَرَأْتَ عَلَيْهِ السَّلَامَ

و بود از دعای اعتراف میسر است سلام برگاه تنگ شریف را

اللَّهُمَّ إِنَّكَ ابْتَلَيْتَنَا فِي رِزْقِنَا بِسُوءِ

خداوند ما را در امتحان تو در روزهای بدیه

الظَّنِّ وَفِي أَجَالِنَا بِطَوِيلِ الْأَمَلِ

گمانی و در عمرهای ما به درازی امید

خداوند را در روز قیامت
تا در روز قیامت
و در روز قیامت

خداوند را در روز قیامت
تا در روز قیامت
و در روز قیامت

این فرموده است
مستند است به حدیث
و در روز قیامت



حَتَّى التَّمَسُّنَا أَرَا زَأْفَكَ مِنْ عِنْدِ الْمَرْزُوقِ

تا اینکه حب کردم روزی می ترا از نزد روزی دادگار

وَطَمَعْنَا بِأَمَالِنَا فِي أَغْمَارِ الْمُعْتَرِزِ فَضِلْ

و من کردیم ب امیدهای خود در غمزه های معتران پس فضل

عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَهَبْ لَنَا يَقِينًا صَادِقًا

بر محمد و ایل او در بخشش ما را یقینی راستی

تَكْفِينًا بِهِ مَوْنَةُ الظَّلْبِ وَالْهَمْنَا

که بازمانی ما را با آن از سختی حب و در دل انداختن

ثِقَةً خَاصَةً تُعْفِينَا بِهَا مِنْ شِدَّةِ

امتنان خاص که عافیت می نماید از سختی

النَّصَبِ وَاجْعَلْ مَا صَرَحْتَ بِهِ مِنْ

نصب و بگردان آنچه تصریح کرده ای از

عِدَّتِكَ فِي وَحْيِكَ وَاتَّبِعْتَهُ مِنْ قَسَمِكَ

و عهد خود در وحی خود و از نبی آن کرده از قسم خود

فِي كِتَابِكَ قَاطِعًا لِإِهْتِمَامِنَا

در کتاب خود قطع کننده دغدغه های ما را

بِالرِّزْقِ الَّذِي كَفَّلْتَهُ وَحَسْمًا

به روزی که تضمین شده و از او قطع شده

لِلْإِسْتِغَالِ بِمَا ضَمِنْتَ الْكِفَايَةَ

بر استغناء با آنچه تضمین شده کارکننداری

لَهُ فَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ الْأَصْدَقُ

از او پس گفتی و گفتی حق است راست تر از هر گفته

و اضمین

این نوشته است
در عهد تسهیل
از کاتبان
در عهد تسهیل
از کاتبان

وَأَقْسَمْتُ وَقَسْمُكَ الْأَبَرُّ الْأَوْفَى

و قسم بکرداری و قسم تو راست و وفا رسیده است

وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ

و در آسمان است روزی شما آنچه وعده کرده ایم

ثُمَّ قُلْتُ فَأُورِثُ السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ أَنَا

پس گفتم پس من در کار آسمان و زمین که

لَحَقَّ مِثْلُ مَا أَنْتُمْ تَطْهُقُونَ

برآید مثل آن است که شما حرف می خورید

وَكَانَ مِنْ عَائِدَةٍ عَلَيَّ إِلَى الْمَعُونَةِ عَلَى قَضَائِهِ

و بود از وعای که حضرت علیه السلام در سوره برآوردی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَهَبْ لِي

خدایا رحمت بر محمد و آل او و عطا کن مرا

الْعَاقِبَةَ مِنْ دِينٍ تَخْلُقُ بِهِ وَجْهِي

پس بختداری از دینی که بخلق کنی با آن روی مرا

وَيُخَارِفِيهِ زَهْنِي وَيَتَشَعَّبُ لَهُ

و خواران شود در آن زیر پای من و پراکنده شود از پای من

فِكْرِي وَيَطُولُ بِمِمَّا رَسَيْتِهِ

فکر من دراز شود بچیزهایی که رسیده است

شَغْلِي وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ هَمِّ

کار من و پناه بگیرم بنوی ای پروردگار از آلوده

الدِّينِ وَفِي كَرَمٍ وَشَغْلِ الدِّينِ

خردن و در بزرگواری و در شغل دین



وَسَهَرَهُ فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْلَمَنِي

در جزای آن پس حضرت بر محمد و آل او در نماز دعا

مِنْهُ وَاسْتَجِيرُكَ يَا رَبِّ مِنْ ذَلِكِ

از آن در پناه بگیرم سوای تو در کار من از عذاب حق

فِي الْخَبْوَةِ وَمَنْ تَبِعْتَهُ بَعْدَ الْوَفَاةِ

در خفا کسی که او را بعد از آن که بمیرد از تو

فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآخِرِي مِنْهُ

پس نماز کن بر محمد و آل او و در آخری دیگر از آنها

يُوسَعُ فَاضِلٌ وَكَفَّافٌ وَاصِلٌ

یوسع فاضل و کفاف و اصل

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآخِرِي

ای خداوند از محمد و آل او و در آخری دیگر از آنها

عَنِ السَّرَفِ وَالْإِزْدِيَادِ وَقَوْمِي

از اسراف و از زیادتی و قوم من

بِالْبَذْلِ وَالْإِقْتَادِ وَعَلِمَنِي حَسَنَ

با بخشش و با اندازه دومی و مرا خوب

التَّقْدِيرِ وَأَقْبِضْنِي بِلَطْفِكَ عَنِ التَّكْذِيبِ

اندازه در قیاس و مرا از کذب با لطافت خود از بزدلی

وَآخِرِي مِنْ سَبَابِ الْحَلَالِ أَرْزَاقِي

در آخری کردن از سببهای حلال روزی مرا

وَوَجِّهْ فِي أَبْوَابِ الْبِرِّ انْفَاقِي وَارْزُقْ

و در گشودن در ابواب بر نفقه کردن مرا و روزی

عَنِّي مِنَ الْمَالِ مَا يُحْدِثُ لِي مَخِيلَةً

از من از مال آنچه به من آید و درو برای من بجز کردن

أَوْ تَأْذِيًا إِلَىٰ بَعْضٍ أَوْ مَا اتَّعَقَّبُ

یا رسیدن به بندی یا آنچه پیوسته در عاقبت

عَلَيْهِ مِنْهُ طُغْيَانًا اللَّهُمَّ حَبِّبْ لِي

سرگشتی من را از او دوست گردان بگو

صُحْبَةَ الْفُقَرَاءِ وَاعِنِّي عَلَىٰ صُحْبَتِهِمْ

همنشینی دروستان و مرا در دواری ده را بر صحبت ایشان

يُحَسِّنُ الصَّبْرَ وَمَا زَوَّيْتُ عَنِّي مِنْ

بر من که صبر را باز نشنیده از منی از

مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَانِيَةِ فَادْخُلْ لِي

متاع دنیای فانی من را در آن و درو تو

فِي خَزَائِنِكَ الْبَاقِيَةِ وَاجْعَلْ لِّمَنَّا

در من و اندکی باقی خود را و بگردان آنچه را

خَوَّلْتَنِي مِنْ حُطَايِهَا وَعَجَّلْتَ لِي

از آن چه پیش از من از حطایم دنیا را پیش از من و عجل کردی

مِنْ مَتَاعِهَا بَلْغَةً إِلَىٰ جَوَارِكَ

از متاع آن رسیدن به بلوغ به منی به تو

وَوَصَّلَهُ إِلَىٰ قُرْبِكَ وَذَرِّعَةً إِلَىٰ

و بر من به تو و وسیله به منی به تو

جَنَّتِكَ إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

به تو تو درستی که ذو فضل عظیمی بزرگی

این دعا را در هر روز بخواند
و در هر روز صد مرتبه بخواند
و در هر روز صد مرتبه بخواند

و در هر روز صد مرتبه بخواند
و در هر روز صد مرتبه بخواند
و در هر روز صد مرتبه بخواند

وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ

وكان من عايد عليه السلام في كل التوبه

اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَصِفُهُ نَعْتُ

من ائمة اهل البيت عني تراجم وصف کرد اورا وصف

وصف گشت مکان دایمی گفته دردی گفته در اندیشه

اجْرُ الْمُحْسِنِينَ وَيَا مَنْ هُوَ مِنْهُ

خَوْفِ الْعَابِدِينَ وَيَأْمَنُ هُوَ غَايَةُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
خَشْيَةُ الْمُتَّقِينَ هَذَا مَقَامُ مَنْ

تَتَأَوَّلَتْهُ أَيْدِي الذُّنُوبِ وَقَادَتْهُ

أَرْمَةٌ لِحَطَايَا وَاسْتَحْوَذَ عَلَيْهِ

الشَّيْطَانُ فَقَصَّرَ عَمَّا أَمَرَ بِهِ تَقْرِيطًا

این چهار روز است که در روزهای این چهار روز



وَتَعَاظِي مَا نَهَيْتَ عَنْهُ تَغْرِيرًا

و فراموش است آنچه را می کرده اند از این برای فریفتن خود

كَلَّا جَاهِلٍ يُقَدِّرُ رَبَّكَ عَلَيْهِ وَكَانَ مِنْكَ

اشه نادان بخت است تو برادر یا بچو کسی نه مگر کند

فَضَّلَ إِحْسَانِكَ إِلَيْهِ حَتَّى إِذَا انْفَجَحَ

نیدونی احسان ترا برمی آید تا چون سوده

لَهُ بَصَرُ الْهَدَى وَتَفْشَعُ عَنْهُ

۱۰۴ - ۱۱ - ۱۱ - ۱۱

سجائب العمى حصی مناظم به

فَفُفِّكَ بِاللَّيْلِ

بر خود و ازین کرد در آنچه مخالفت کرده است

رَبُّهُ فَإِنَّكَ مَعَ عَصَاكَ إِنَّكَ

باز در دعا خود را پس در هر بزرگ کنان خود را بزرگ

وَحَلَبًا مُخَالَفَتَهُ حَلَبًا فَاقًا

منی نقش در غطس پس روی آورد

حَوْكٌ مُؤْمِلًا لَكَ مُسْتَحْسِنًا مِنْكَ

بکاف ترمیم داده و ترزا ترسیم شده

رُوحَهُ رَعْبَتَهُ إِلَيْكَ رِفْعَهُ بِكَ وَام

والتوجهات ببيت المقدس في نوراني جلاله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۲
 طبع از قلم خود
 محمد حسن باقر
 بی بی خانم

إِخْلَاصًا قَدْ خَلَا طَمَعُهُ مِنْ كُلِّ

از روی اخلاص بیعیق خالی شده است طمع او از هر کس

مَطْمُوعٍ فِيهِ غَيْرُكَ وَأَفْرَحَ رَوْعُهُ

که طمع کرده بود در اد غیر از تو و زایل شده است ترس او

مِنْ كُلِّ مُحْدُوْرٍ مِنْهُ سِوَاكَ

از هر ترسیده ای غیر از تو که ترسیده بود از او سواي تو

فَمَثَلُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَضَرِّعًا وَغَمَضُ

پیش استاده و برابر آوردن از روی گشاده دانه است

بَصَرُهُ إِلَى الْأَرْضِ مُتَخَشِّعًا وَطَاطَا

پیش روی او به زمین گشاده و خوار

رَأْسُهُ لِعِزَّتِكَ مُتَدَلِّلًا وَابْتِئَانٌ

سستی از برای عزت تو بیستنی گشته و آنگاه را که هر دو

سِرِّجٌ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا

راز خود که تو دانستی از او از روی فروتنی

وَعَدَدٌ مِنْ ذُنُوبِهِ مَا أَنْتَ أَحْصَى

در شمردن از گناهان خود که تو شمرده را در شمار

لَهَا خُشُوعًا وَاسْتِغَاثٌ بِكَ مِنْ

از روی ترس و گاری در طلب فرار و پناهی از

عَظِيمٍ مَا وَقَعَ بِهِ فِي عِلْمِكَ وَقَبِيحٌ مَا

بزرگی آنچه واقع شده است بر او در علم تو و زشتی آنچه

فَضَحَهُ فِي حَكْمِكَ مِنْ ذُنُوبٍ

روا کرده است در حکمت تو از گناهان

اینیم علم است
که استوار است بر این
۱۲

ادَّبَرْتَ لَنَا ثَمَّاهُ فَذَهَبَتْ وَأَقَامَتْ
 تَبَعَاتُهَا فَلَزِمَتْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 عَذْلُكَ إِنْ عَاقَبْتَهُ وَلَا يَسْتَعْظِمُ
 عَفْوُكَ إِنْ عَفَوْتَ وَرَحْمَتُهُ لَا تَكُ
 الرَّبُّ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَتَغَاظُهُ
 غَفْرَانِ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ
 فَمَا أَنَا إِذَا قَدْ جِئْتُكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ
 فِيمَا أَمَرْتَ بِهِ مِنَ الدَّعَاءِ مُسْتَجِدًّا
 وَعَدْلِكَ فِيمَا وَعَدْتَنِي مِنَ الْجَابَةِ
 إِذْ تَقُولُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ
 اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَالْقَنِي

اینیم علم است
که استوار است بر این
۱۲



بِمَغْفِرَتِكَ كَمَا لَقِيتُكَ بِإِقْرَارِي

آرایش خود خاکه عاقبت کردم ترا قرار خود

وَأَرْفَعَنِي عَنْ مَصَارِعِ الذُّنُوبِ كَمَا

و مینبای از جای آتش کنان بیا که

وَضَعْتُ لَكَ نَفْسِي وَاسْتَرْتُ بِسِتْرِكَ

ت کردام از برای تو نفس خود را در پیش من بیاورد

كَمَا تَأْتِيَنِي عَنْ الْإِنْقَامِ مِنِّي

چنانکه در کتب کردی من از استاد شریف از من

اللَّهُمَّ وَثِّبْ فِي طَاعَتِكَ نِيَّتِي

نذاوخوا وناشکار در حق خود نیت را

وَأَحْكِمْ فِي عِبَادَتِكَ بِصَبْرِي

و استوارگی در پشتش خد بینامی مرا

وَوَفَّقَنِي مِنَ الْأَعْمَالِ لِمَا تَغْسِلُ بِهِ

و توفیق و هدایت از کارها برای آنچه بشود می باشد

دَلَسَ الْخَطَايَعِيَّ وَتَوَفَّى عَلَى امْلِكِ

هر کس که از من و میران مرا بر زمین ت

وَمِلَّةَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا

دین پشرفرد محمد برادر دود جوں

تَوَفِّتَنِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي

بیماری مرا خدا درستی که من بازگشت منیام سیدی تو در

مَقَامِي هَذَا مِنْ كِبَائِرْ ذُنُوبِي

مقام خود اس مقام از پزگشی کنان خود

وَضَائِقُهَا



وَصَغَارُهَا وَوِطَانِ سَيِّئَاتِي وَظَوَاهِرُهَا

در جزای آن در سینه ای که آن خود را نگاه داشت

وَسَوَالِفِ زَلَّاتِي وَحَوَادِثِهَا تَوْبَةً

دلگشته های لغزشهای خود و زوایای آن توبه

مَنْ لَا يَحِلُّ لَكَ نَفْسُهُ بِمَعْصِيَةٍ وَلَا

کسی که نتواند نفس خود را از آن معصیه و گناه

يُضْمِرُ أَنْ يَعُودَ فِي خَطِيئَةٍ وَقَدْ قُلْتَ

در دل اینکه عود کند در گناه ای و گفتی

يَا إِلَهِي فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ إِنَّكَ تَقْبَلُ

ای خدای من در کتاب محکم خود بپذیری

التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ وَتَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ

توبه را از بندگی خود و در میگذری از گناه

وَمُحِبُّ التَّوَّابِينَ فَأَقْبَلْ تَوْبَتِي كَمَا

و دوست مداری توبه کنندگان پس بپذیر توبه مرا چنانکه

وَعَدْتَ وَاعْفُ عَنِ سَيِّئَاتِي كَمَا

و وعده فرموده و در گذر از گناه من چنانکه

ضَمِنْتَ وَأَوْجِبْ لِي مُحِبَّتَكَ كَمَا

ضامن شده و واجب گردان از برای من محبت خود چنانکه

شَرَطْتَ وَلَكَ يَا رَبِّ شَرَطِي أَنْ

شرط کرده در نزد اوست ای پروردگار من شرط من

لَا أَعُودَ فِي مَذَكْرِهِكَ وَضَمَانِي

که برنگردم در یاد تو و ضمان من

توبه را از بندگی خود و در میگذری از گناه

توبه را از بندگی خود و در میگذری از گناه

اِنْ لَا اَرْجِعَ فِي مَدْمُومِكَ وَعَمَّهْدِي
 که بر جمع کنم در گنوازش کرده تو و عیب من که
 اِنْ اَهْجُرْ جَمِيعَ مَعَاصِيكَ اَللّٰهُمَّ
 که دوری نایم از جیسیم ناسخ نهایی تو خداوند
 اِنَّكَ اَعْلَمُ بِمَا عَمِلْتُ فَاغْفِرْ لِي مَا عَمِلْتُ
 بدستی که تو دانستی آنچه من کرده ام پس ما زار از رای من آنچه من کردم
 وَاصْرِفْنِي بِقُدْرَتِكَ اِلَى مَا احْبَبْتَ
 و بر گردان را بقدرت خود بر می آنچه دوست داشته
 اَللّٰهُمَّ وَعَلَى تَبِعَاتٍ قَدْ حَفِظْتَهُنَّ
 خداوند او بر منست و با لی چند که حفظ کرده ام یاد دارم آنها را
 وَتَبِعَاتٍ قَدْ نَسِيتُهُنَّ وَكَأَهْنٍ
 و حق تو با لی چند که محقق فراموش کرده ام آنها را و بیهوده
 بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَعِلْمِكَ الَّذِي
 پیش چشم داشت که نمی خوابد و علم تو که هرگز فراموش و در علمت که می ماند
 لَا يَنْسِي فَعَوِّضْ مِنْهَا اَهْلَهَا وَاَهْلًا
 که تو فراموش نمی کنی پس عووض ده از آن محقق اهل آنها را و بسندار
 عَنِّي وَزَرَهَا وَخَفَّفْ عَنِّي ثِقَلَهَا
 از من سگرا می آنها را و سبب سگرا از من سبب سگرا
 وَاعْصِمْنِي مِنْ اَنْ اَقَارِفَ مِثْلَهَا اَللّٰهُمَّ
 و نگاه دار مرا از اینکه نزدیک شوم مثل آن خداوند
 وَانَّهُ لَا وِفَاءَ لِي بِالتَّوْبَةِ اِلَّا بِعِصْمَتِكَ
 و در حق من که توبت مراد ندارد من بجز تو

وَلَا



وَلَا اسْتِمْسَاكَ بِعَنِ الْخَطَايَا

دیت چک دزدن مجزی را از کس آن

إِلَّا عَنْ قُوَّتِكَ فَقُوْنِي بِقُوَّتِكَ كَافِيَةً

مگر از قوت تو پس قوی گردان مرا بقی قوی تو

وَتَوَلَّنِي بِعِصْمَةِ مَا نَعَى اللَّهُمَّ آمِنًا

و باز تو مرا بکفایتی که از داند و ما خداوند ام

عَبْدٌ تَابَ إِلَيْكَ وَهُوَ كَأَنَّمَا فِي عِلْمِ الْغَيْبِ

بسته که باز توست کرد سوی تو و حال آنکه تو در علم غیب

عِنْدَكَ فَاسْخُ لَتَوْبَتِهِ وَعَائِدُ فِي تَوْبِهِ

گردد توست بگشاید است هر چه خود را دعوت کند به توبه

وَحُطْبَتُهُ فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ إِنْ أَلَوْنِ

و خطای من ای خود پس مراستی که من بنده بیرحم تو از آید و دهم

كَذَلِكَ فَاجْعَلْ تَوْبَتِي هَذِهِ تَوْبَةً

چنین پس گردان توبه مرا این چنان توبه

مُوجِبَةً لِّمَحُومَاتِ سَلَفٍ وَالسَّلَامَةُ

که موجب است از هر گاهی مکرران آنچه گذشته است و برای سلامتی

فِيمَا بَقِيَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُكَ إِلَيْكَ

در آنچه باقیست خداوند بخواستی که عذر بخوانم بپوی تو

مِنْ جَهْلِي وَأَسْتَوْهِبُكَ سُوءَ

از نادانی من و در پیخواهم از تو بخشش بدی

فِعْلِي فَاصْصِرْنِي إِلَى كَيْفِ تَحْتِكِ

کردار خود پس صبر کن مرا به نیاید رحمت خود

نیز است از کس
که این را از کس
نیز از کس
نیز از کس

لا اُخْتِاجُ بَعْدَهَا
إِلَى تَوْبَةٍ تَوْبَةٍ
نیز از کس
نیز از کس
نیز از کس
نیز از کس



تَطَوَّلُوا وَاسْتُرْنِي بِسِتْرٍ غَافِيَةٍ تَقْضِي

از روی چنان در پوشش آن را بپوشیده عاقبت خود از روی قضا

اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ

خدایا من هر گناهی که بکشتی ازین بدارش توبه میگویم بوی تو از هر

مَا خَالَفَ إِرَادَتَكَ أَوْ زَالَ عَنْ حُبِّكَ

چیزی که لغت کرده ام یا خواسته تو را بشکسته است یا از محبت تو

مِنْ خَطَرَاتِ قَلْبِي وَخَطَايَا عَيْنِي

از زنده شدن دل من و از گناهان چشم من

وَحِكَايَا لِسَانِي تَوْبَةً تَسْلِمُ

و از گفتمان من و از زبانی که تسلیم

بِهَاجِلٍ جَارِحَةٍ عَلَى حَيَاتِهَا مِنْ عَيْنِكَ

سپاس بر غنچه ای از من که بر خود از عفوتهای تو

وَتَأْمَنُ بِمَا يَخَافُ الْمُعْتَدُونَ مِنْ أَلِيمِ

و از من بپوشد آنچه ترسند بپیداگران از قدرتی

سَطْوَانِكَ اللَّهُمَّ فَارْحَمْ وَحْدَتِي

و از تنهایی من و از تنهایی من

بَيْنَ يَدَيْكَ وَوَجِيبَ قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ

در برابر تو و در پیشگاه دل من از ترس تو

وَاضْطِرَابِ أَرْكَانِي مِنْ هَيْبَتِكَ فَقَدْ

و از لرزه اعضای من از هیبت تو

أَقَامَتْنِي يَا رَبِّ ذُنُوبِي فَمَا الْخَيْرُ

که با گناهان من ای خداوند کارکن کن ای من در مقام رستگاری

يَفْنِيكَ



يُفْنِئُكَ فَإِنْ سَكَتُ لَمْ يَنْطِقْ

در وقت گریه تو پس اگر خاموش شوم سخن می گوید

عَنِّي أَحَدٌ وَإِنْ شَفَعْتَ فَلَسْتُ

از جانب کسی در ایستادن تو و منم پس بگو

يَا هَئِلَ الشَّفَاعَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

ای هایل شفاعت است خداوند از رحمت بر محمد

وَالِهِ وَشَفِّعْ فِي خَطَايَا كَرَمَكَ

و اهل او و شفاعت کن در گناهان من کرم خود را

وَعُدَّ عَلَيَّ سَيِّئَاتِي بِعَفْوِكَ وَلَا تَجْزِنِي

و در محاسبه من گناهانم را با بخشش خود و مرا

جَزَائِي مِنْ عُقُوبَتِكَ وَابْسُطْ عَلَيَّ

پاداش مرا از عقوبت تو و بگستران

طَوْلَكَ وَجَلِّلْنِي بِسَيِّئِكَ وَافْعَلْ لِي

احسان خود را و بزرگواری مرا با گناهانم و مرا

فِعْلٌ عَزِيزٌ نَضَّرَعُ إِلَيْهِ عَبْدٌ ذَلِيلٌ

کردار عزیز را بنده فروزانم را

فَرَحَهُ أَوْعِنِي بَعْرَضَ لَهُ عَبْدٌ فَقِيرٌ

پس در شادمانی او مرا بفرح خود را بنده فقیری

فَنَعْسُهُ اللَّهُمَّ لَا خَفِيرَ لِي مِنْكَ

پس خندیدن تو ای خداوند منم نه دهنده مرا از تو

فَلْيَخْفَرْنِي عَزُّكَ وَلَا شَفِيعَ لِي إِلَيْكَ

پس بپوشد مرا عظمت تو و نیست واسطه برای من به سوی تو

فَلْيَسْتَفْعَلْ فِي فَضْلِكَ وَقَدْ أَوْجَلْتَنِي خُطَابًا

این بایه که ساقی کند از برای من فصلی بر معنی که ترسانید و بپوشید

فَلْيُؤَمِّمْ عَفْوَكَ فَمَا كُلُّ مَا نَطَفَتْ بِهِ

این بایه که این کرد از مرا عفو تو پس است هر آنچه که گشت و شد

عَنْ جَهْلٍ مِمِّي لِسُوءِ أَثَرِي لَا لِسَيِّئَاتِي

از نادانی من بسبب کرداری من و نه از بدی من

لَمَّا سَبَقُوا مِنْ ذَمِيمٍ فَعَلِي لَكَ لِسَمْعٍ

هر آنچه را که پیش از من از گناهید که از من بگذرد از برای من

سَمَاوًا وَمَنْ فِيهَا وَأَرْضًا وَمَنْ

آسمان تو و آنچه در آن است زمین تو و آنچه

عَلَيْهَا مَا أَظْهَرْتَ لَكَ مِنَ الْمَدَمِ

بر آنست آنچه من آشکارا دادم از برای تو از پستیهای

وَجَاءَتْ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ التَّوْبَةِ فَعَلْ

و پناه آوردند به سوی تو و آنچه از توبه پسندید

بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَرْحَمُنِي لِسُوءِ مَوْفِي

که با تو است رحمت تو رحمت کن مرا به سبب آنکه

أَوْ تَذَرِكُهُ الرِّقَّةُ عَلَى سُوءِ حَالِي

یا در پناه ورا رقت بر من از برای منی حال من

فَيُنَالَنِي مِنْهُ بِدَعْوَةٍ هِيَ أَسْمَعُ لَدَيْكَ

این برسد مرا از او دعا می که شنیده می شود نزد تو

مِنْ دُعَائِي أَوْ شَفَاعَةِ أَوْ كَدِّ

از دعا می من یا شفاعتی من که استوارتر باشد

این بایه که ساقی کند از برای من فصلی بر معنی که ترسانید و بپوشید
این بایه که این کرد از مرا عفو تو پس است هر آنچه که گشت و شد
از نادانی من بسبب کرداری من و نه از بدی من
هر آنچه را که پیش از من از گناهید که از من بگذرد از برای من
آسمان تو و آنچه در آن است زمین تو و آنچه
بر آنست آنچه من آشکارا دادم از برای تو از پستیهای
و پناه آوردند به سوی تو و آنچه از توبه پسندید
که با تو است رحمت تو رحمت کن مرا به سبب آنکه
یا در پناه ورا رقت بر من از برای منی حال من
این برسد مرا از او دعا می که شنیده می شود نزد تو
از دعا می من یا شفاعتی من که استوارتر باشد

عندك



وَقُورِي

عِنْدَكَ مِنْ شَفَاعَتِي فَتَكُونُ بِهَا

توبه تو از خطای من بوده باشد پس آن

نَجَاتِي مِنْ غَضَبِكَ وَفُوزِي رِضَاكَ

رستگاری من از غضب تو و پیروزی من از رضایت تو

اللَّهُمَّ إِنْ يَكُنِ الْمَتَدُّ تَوْبَةً إِلَيْكَ

خدایا اگر اندک توبه باشد ایستادگی تو به سوی تو

فَأَنَا أُنَدُّمُ التَّائِدِينَ وَإِنْ يَكُنِ

پس من اول پشیمانان را می‌انجامم و اگر بود باشد

التَّرْكُ لِمَعْصِيَتِكَ إِنَابَةً فَأَنَا أَوَّلُ

ترک سمعیت تو به توبه بازگشت پس من اول

الْمُنِيبِينَ وَإِنْ يَكُنِ الْإِسْتِغْفَارُ

بازگشتن من و اگر بوده باشد عیب آمرزش

حِطَّةً لِلذَّنِّ فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ

سبب عفو کن ای من استغفرینان از خطای من و از خطای من استغفرینان

اللَّهُمَّ فَكَمَا أَمَرْتَ يَا تَوْبَةً

خدایا و چون فرمودی ای توبه

وَضَمِيتَ الْقَبُولَ وَحَثَّيْتُ عَلَى الدُّعَاءِ

و رضایت شد پذیرش آن را و تحریک نمودی بر دعا

وَوَعَدْتَ الْإِجْلِيَّةَ فَضَّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ

و وعده نمودی ای اجله را پس بر محمد

وَالِإِلَهِ وَقَبِلْ تَوْبَتِي وَلَا تَرْجِعْنِي مَرَّجِعٍ

و ای اله و بپذیر توبه مرا و بازگردان مرا به بازگشت

الْحَيَّةُ مِنْ رَحْمَتِكَ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ

فرمودی از رحمت تو برستی گرفتاری تو پذیرد

عَلَى الْمَذْنُونِ وَالرَّجِيمِ الْخَاطِئِينَ

برستندگان و گناهکاران و بسیار گناه کننده از برای خطا کاران

الْمُنِيِّينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا

با ذکر و نیت است و او را رحمت عظمی بر محمد و آل او بفرست

هَدَيْتَنَاهُ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا

راهد نمودی و او را صلوات بر محمد و آل او بفرست

اسْتَقْدَّتَنَاهُ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

راهد نمودی و او را صلوات بر محمد و آل او بفرست

صَلِّ تَشْفَعُ لَنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَيَوْمَ

فرمودی که شفاعت کن از برای ما در روز قیامت و روز

الْفِاقَةِ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و هستی در هر چیزی برتر و توانی بر هر چیزی که خواهی

وَكَانَ مِنْ دَعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

و بود از دعاها بر او السلام

بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنْ صَلَوةِ اللَّيْلِ فِي الرَّابِعَةِ بِاللَّيْلِ

بعد از فراغ از نماز شب در رابعه در آخر شب

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَلِكِ الْمُتَانِدِ بِالْخُلُودِ وَ

ای خداوند که با خلدی متانید با ملک و

وَالسُّلْطَانِ الْمُمْتَنِعِ بِغَيْرِ جُنُودٍ وَلَا

و سلطان است که منع می کنی بی سرباز و

لنفسه
روز برای خود

اعوان



أَوْلَيْتِكَ وَعَلَىٰ ذَٰلِكَ أَنْتَ دَائِمٌ لَا

اولیت خود و بر این گوی تر همیشه

تَزُولُ وَأَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ عَمَلًا

زایل می شوی و منم سنده ضعیف در عمل

الْجَسِيمُ أَمَّا خَرَجْتَ مِنْ يَدِي

بزرگ در اسیر بیرون شدم از دست من

أَسْبَابُ الْوُصْلَاتِ إِلَّا مَا وَصَلَهُ

اسباب پیوندها مگر آنچه پیوند داده

رَحْمَتِكَ وَتَقَطَّعَتْ عَنِّي عِصْمُ الْأَمَالِ

رحمت تو و بریده شد استقامت من رستگاریها

إِلَّا مَا أَنَا مُعْتَصِمٌ بِهِ مِنْ عَفْوِكَ قُلْ

مگر آنچه من دستم را دارم از عفو تو گفتم است

عِنْدِي مَا أَعْتَدُ بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ

نزد من آنچه بشمارم از طاعت تو

وَكَثُرَ عَلَيَّ مِلًّا ابْوُ بِهِ مِنْ مَعْصِيَتِكَ

و بسیار است بر من گناه از نافرمانی تو

وَلَنْ يَضِيقَ عَلَيْكَ عَفْوُ مَنْ عَبْدُكَ

و درنگار نیست بر تو عفو کردن از سنده من

وَأَنَا سَاءٌ فَأَعْفُ عَنِّي اللَّهُمَّ وَقَدْ

و منم بد کرده باش پس عفو کن از من خدایا

أَشْرَفَ عَلَى خَفَايَا الْأَعْمَالِ عَلَيْكَ

سجده شده است بر پنهانها اعمال من در غایت

وَالنَّكَفَ



وَأَن تَكْشِفَ كُلَّ مَسْئُورٍ دُونَ

وَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَ كَمَا تَشَاءُونَ
خَيْرُكُمْ وَلَا تَنْظُورُ عَنْكَ دِقَائِقُ

الأمور وتغربُ عنك غيبات السرائر

وَقَدْ اسْتَحْوَذَ عَلَيَّ عَدُوُّكَ الَّذِي

استنظرک لغو ای تی فانظر تم واستمهلک

مستقیم است از برای کرامی بن لیس و اولاد او مستقیم
إلى يوم الدين ولا ضلالي فامهله

فَاَوْقَعَنِي وَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ مِنْ

صَغَائِرُ ذُنُوبٍ مُؤَيَّةٌ وَكِبَائِرُ

عَمَّا لِمُرْدِيَةٍ حَتَّىٰ إِذَا قَارَفَ

عَصِيَّتِكَ وَاسْتَوْجِبْتُ لِسُوءِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَسَنُادِرُ دَمِ لَبِيبِ

سعی خود عصب فرا جمیع از من عنان

عَنْبِيَات

بسم الله الرحمن الرحيم

امداد از علی بن ابی طالب

الحمد لله الذي جعل في كتابه

البرکات

و اما

مخطات

عَذْرِي وَتَلَقَانِي بِكَلِمَةٍ كُفْرِهِ

بند آوردن در پیش آبرو بجمله کفر من

وَتَوَلَّى الْبَرَاءَةَ مِنِّي وَادَّبَ رُؤُوسِي

دو بیزاری است از من در پشت بخت کشید

عَنِّي فَاصْحَرَنِي لِعُصْبِكَ فِرْدًا وَآخِرَتِي

با من بدمرغی نمودی عصمت و است و پیران کردی

إِلَى فَنَاءِ نَفْسِكَ طَرِيدًا أَلْشَفِيعُ

بوی ناست و رفت من تو دانه شد و نه نصیب کردی

لِشَفْعٍ لِي إِلَيْكَ وَلَا خَفِيرٌ يُؤْمِنِي

نقش منده اندر ایمن بوی تو دانه شد و یست که این کردی

عَلَيْكَ وَلَا حِصْنٌ يُحْبِسُنِي عَنْكَ وَلَا

باز تو دانه جای محبست است تو را ام که دانه دانه

مَبْلَدًا لِحَا إِلَيْهِ مِنْكَ فَهَذَا مَقَامُ

نای است که ناهرم بوی او دانه پس اینجا مقام

الْعَائِدِيكَ وَمَحَلُّ الْمَعْتَرِفِ لَكَ

بناه آورنده است تو را جای اعتراف کشنده است

فَلَا يَضِيقُنَّ عَنِّي فَضْلُكَ وَلَا يَقْصُرُكَ

پس بای که کم نمی کند از من فضل تو و کم نمی نماید

دُونِي عَفْوُكَ وَلَا أَكْثَرُ خَيْبِ

نزد من عفو تو دنیا شوم من بجزیره تران

عِبَادِكَ الثَّائِبِينَ وَلَا أَقْطَعُ وَقُودُكَ

بنده کان تو کشنده کان دانه تران بوی کشنده کان

الْمَلِكِينَ



حُدُوكَ إِلَى حُرْمَاتِ اسْتَهْكَرَهَا

برودن تو به سرزمینهای که با لغو کردن نام و درین

وَكَبَائِرُ ذُنُوبِ اجْتَرَحَتْهَا كَانَتْ

دست از آن بزرگی که کرده ام آنها را برد

عَافِيَتِكَ لِي مِنْ فَضَائِلِهَا سِرًّا

عافیت تو از برای من از نواقص آنجا پنهان

وَهَذَا مَقَامٌ مِنْ اسْتَحْيِ النَّفْسَ

و این مقام کسی است که شسته شده است برای نفس

مِنْكَ وَسَخَطَ عَلَيْهَا وَرَضِيَ عَنْكَ

از تو و دشمنم کرد بر نفس خود و راضی شد از تو

فَتَلَقَّاكَ بِنَفْسٍ خَاشِعَةٍ وَرَقَبَةٍ

پس پیش آمدن با نفس مستضعفانه و گردنی

خَاضِعَةٍ وَظَهَرَ مُثْقَلٌ مِنَ الْخَطَايَا

بستی نموده و پستی گران بار از گناه

وَاقْفَايَيْنِ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالرَّهْبَةَ

استاد و مانند رحمت بر تو و ترس

مِنْكَ وَأَنْتَ أَوْلَى مِنْ رَجَاءٍ وَأَحَقُّ

از تو و تو بیشتر کسی که امید دارد و بیشتر مستحق تر

مَنْ خَشِيَهُ وَاتَّقَاهُ فَأَعْطِنِي يَا رَبِّ

کسی که ترسید از او و بیزاری از او پس عطا کن ای خداوند

مَا رَجَوْتُ وَأَمْنِي مَا حَذَرْتُ

آنکه امید دارم آنرا و آنکه می ترسم آنرا

وَعُدَّ عَلَيَّ بِعَائِلَتِكَ رَحْمَتِكَ إِنَّكَ أَكْرَمُ

دشمن من بخت رحمت خود بدستی در کف من

الْمَسْئُولِينَ اللَّهُمَّ وَادْسِرْ تَنِي بِعَفْوِكَ

سزاوار کرده شدانی بدادند و چون پوش پندگی بفرمود

وَتَعَمَّدَنِي بِفَضْلِكَ فِي دَارِ الْفَنَاءِ

و بهشت را بر روی مرا به فضل خود در سرای فنا

بِحَضْرَةِ الْأَكْفَاءِ فَأَجْرَنِي مِنْ

بجسود است ل پس برانی دهر را از

فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ

بروای پس ای سرای بقا نزد ایستگاههای

الْأَشْهَادِ مِنْ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ

ناظران از فرشتگان مستقرین

وَالرُّسُلِ الْمَكْرَمِينَ وَالشَّهَدَاءِ

و رسولان گرامی و شهادت داده و شهادت

وَالصَّالِحِينَ مِنْ جَارِكُنْتُ

و صالحان از پسای که بودم من

أَكَاثِمُهُ سَيِّئَاتِي وَمِنْ ذِي رَحِمٍ

می پوشش دهم از گناهان خود را و از خدای بخشنده

كُنْتُ اخْتَشِمُ مِنْهُ فِي سِرِّي رَاتِي

که من بودم که کشیدم به تنم از آن در کارهای پنهانی خود

لَمْ أَتَقِ بِهِمْ رَبِّي فِي السِّرِّ عَلَى وَثِيقَتِ

ا من و نه ایستادم بایشان ای پروردگار من در پنهانی و به وثیقه و گواهی

بِكَ رَبِّ فِي الْمَغْضَةِ وَأَنْتَ أَوَّلِي

بنا ای بود و کار من آرزوین مرا و تو بهترین

مَنْ وَثِقَ بِهِ وَأَعْطَى مَنْ رَغِبَ إِلَيْهِ

کسی که اعتقاد بر او باشد و بکشند و پس کسی که رغبت باشد به باد بسوزی

وَارْءُ مَنْ اسْرَجَمَ فَارْحَمْنِي اللَّهُمَّ

و هر بستر کسی که طهر می آرد نود و یک مرتبه مرا بخواند

وَأَنْتَ حَدِّثْنِي مَا مَهِينًا مُرْصَلًا

دو باین آورده را آبمی خور و حقیر از بستی

مُتَضَائِقُ الْعِظَامِ حَرْجُ الْمَسَالِكِ

تنگ در رسم رفته است خواهش کند در هدیه اش

إِلَى رَحْمَةِ ضَيْقَةٍ سَرَّتْهَا بِالْحُجَّةِ تَصَرَّفَ

سوی رومی تنگ کو چن کر دہانے چروا میگروانی

حَالًا عَنْ خَالٍ حَتَّى انْتَهَيْتَ بِي

از عالی بجایے تا اینکہ رساندی مرا

إلى تمام الصورة وأثبت في الجوارح

پنجم شد ان صورت ذنابت گردانده در من اعضا را

كَمَا نَعَتْ فِي كِتَابِكَ نُفَّةً

در کتب خود داخل شده

ثُمَّ عُلِقَتْ ثُمَّ مُضِغَةٌ ثُمَّ عِظَابٌ ثُمَّ

ہیں ان پادریہ خولی ہیں ان پادریہ لوسی ہیں ان پادریہ لوسی

كَسَوْتَ الْعِظَامَ الْحَمَامَ النَّسَائِي

پادشاه نیدی استخوانها را گزستی پس آفریدی مرا

ظفر

آخره

خَلَقَا كَمَا شِئْتَ حَتَّى إِذَا انْحَرَجْتَ

ممنون بندگان تو هستی تا چون محتاج شوم

إِلَى رِزْقِكَ وَلَمْ أَسْتَغْنِ عَنْ غِيَاثِ

بارداری تو و مستغنی نبودم از زاری تو

فَضْلِكَ جَعَلْتَ لِي قُوَّةً مِنْ فَضْلِ

فضل تو کردی برای من قوتی از فضل تو

طَعَامٍ وَشَرَابٍ أَجْرَتُهُ لَأَمَتِكَ

خوراکی و آشامیدنی که پادشاهی است بخدمت بندگان تو

الَّتِي أَسْكَنْتَنِي جَوْفَهَا وَأَوْدَعْتَنِي

آنکه مرا آسود و مرا در شکم او نهادی

قَرَارَ رَحِمِهَا وَلَوْتَ كِلْنِي يَا رَبِّ

در قرار رحم او و اگر داری مرا بگردان

فِي بَعْضِ الْحَالَاتِ إِلَى حَوْلِي أَوْ

در یکی از حالات به بزم من

تَضَطَّرُّنِي إِلَى قُوَّتِي لَكَ أَلْكَوْلُ

مضطرب می گردانم به بزم من بخدمت تو است خوردن

مُعْتَرِلاً وَلَكَ كَانَتْ الْقُوَّةُ مِنِّي

معارضه کننده و بخدمت تو است قوت از من

بِعَيْدِكَ فَغَدَوْتَنِي بِفَضْلِكَ غَدَاءَ

دور بخدمت تو بخدمت تو بخدمت تو

الْبَرِّ اللَّطِيفِ تَفَعَّلْ ذَلِكَ لِي تَطَوُّلاً

برای تو لطیف بکن این را برای من از روی میل

عَلَى الْغَايَةِ هَذَا لَا أَعْدَمُ بَرَكَ

بر من تا این ثابت برسد ام لم یکنم پس ای را

وَلَا يَنْطِئُ لِي حَسَنُ صَنِيعِكَ وَلَا

در کف من نشسته ای بخت من بیکدی آسان تو و

تَنَازَلْتُ مَعَ ذَلِكَ ثِقَتِي فَأَتَقَرَّغَ

مکرمیت من و چون این اعتماد من تا بسط دارم

لِمَا هُوَ أَخْطَى لِي عِنْدَكَ قَدْ مَلَكَ

چون آن بس بر من است از برای من نزد تو همین که ملک است

الشَّيْطَانُ عِنَانِي فِي سُوءِ الظَّنِّ

شیطان من را در سوء الظن من

وَضَعُفِ الْيَقِينِ فَأَنَا أَشْكُو

دست من یقین من پس من شک دارم

سُوءَ مَخْجَاوَرِيهِ لِي وَطَاعَةِ نَفْسِي لَهُ

از برای من بس او مرا و طاعت من نفس من را

وَأَسْتَعِصِمُكَ فِي مَلَكَتِهِ وَ

و دست من بر تو و دست من در ملک او و

أَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ أَنْ تُسَهِّلَ لِي رِزْقِي

نارنجی من بس تو از اینکه بس آسانی بسوی رزق من

سَمِيلًا فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ابْتِدَائِكَ بِالْعَمَلِ

راهی من نزد تو بس بر ابتداء کردن تو بکار

الْجَسَامِ وَالْهَامِكِ الشُّكْرِ

بدن من و در دل من شکرت

عَلَى الْإِحْسَانِ وَالْإِنْعَامِ فَصَلِّ

پرفان داینام را پس از آن

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَهْلٌ عَلَى رِزْقِي

محمد واک او دو سال کردن بر من روز می مرا

وَأَنْ تُقِنِّي بِتَقْدِيرِكَ وَأَنْ تُرْضِيَنِي

ایک قلعہ کو دیا مہرا کہ باندہ ازہ کہ سیکرہ برای من دیکھ کہ خود دیکھ را

يُحْصِي فَمَا قَسَمْتُ لِي وَانْ تَجْعَلْ

دعا که منت کرد و بای من را یک گردانی

مَا ذَهَبَ مِنْ جِثْمِي وَعُمْرِي فِي

نه رفته است از بدن من و جسم من در

سَبِيل طَاعَتِكَ إِنَّكَ خَيْرُ الرَّاظِقِينَ

۱۰۱. ملک است تو میرزا که تو بهترین روزی و دنیا

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُكَ مِنْ نَارِ تَغْلُظُ

فراوانی است که سواد یکم مرثی از آن است که غنای

بِهَاءِ اَعْصَاكَ وَتَوَعَّدَتْ بِهَا

آنچه که در کتاب مذکور است

مَنْ صَدَقَ عَمَّ رِضًا وَمَنْ بَارَ

سید ابی بن عبد الله

فُهِمَ ظِلُّهُ وَهَبَتْهُ اَلَهُ وَلَعَلَّهَا

رَأْفًا عَلَيْهِمْ وَفَقِيهًا لِيَمِيزَ بَيْنَهُمُ

قَدْ وَصَّيْنَاكَ بِأَعْضَائِهِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در این کتاب

بسم الله الرحمن الرحيم

این کتاب در علم طب است

مقام شریف
بزرگ

بسم الله الرحمن الرحيم

بَعْضٌ وَيَصُولُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ

بعضی در بعضی می رسد بعضی از آن بر بعضی

وَمِنْ نَارٍ تَلِدُ الْعِظَامَ رَمِيمًا وَسَقَى

و از آتشی که میسوزد و میبخشد استخوانهای پوسیده و آتش می دهد

أَهْلَهَا حَمِيمًا وَمِنْ نَارٍ لَا تَبْقَى عَلَى

آتشهای گرم و از آتشی که باقی نمی ماند بر

مَنْ تَضَرَّعَ إِلَيْهَا وَلَا تَرْحَمُ مَنْ اسْتَغْطَفَهَا

کسی که از او تضرع کند و کسی که از او استغاثه کند

وَلَا تَقْدِرُ عَلَى التَّخْفِيفِ عَنْ مَنْ خَشَعَ

و قادر نیست بر تسکین کردن از کسی که گشای

لَهَا وَاسْتَغْلَمَ إِلَيْهَا تَقَى سُكَّانَهَا

بر او را و پنهان گردانید آن را پیش رخ درگاهش را

يَا حَرَمًا لَدَيْهَا مِنْ أَلِيمٍ النَّكَالِ

که در آن از آتش است از عقاب دردناک

وَشَدِيدٍ الْوَيْالِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ

و خفایت و سخت و پناه می گیرم به تو از

عَقَارِبُهَا الْفَاعِرَةِ أَفْوَاهُهَا وَحَنَاتُهَا

عقربهای آن که دگر کرده اند و دهانها را و زبانه های آن

الصَّالِقَةِ بَانِيَابِهَا وَشُرَاهِبِهَا إِلَى

که میزنند و میخیزند و دانه های آن را

يَقْطَعُ أَمْعَاءَ وَافِدَةٍ سُكَّانِهَا

بریده می کند روده ها را و در دهانی که ساکن است آن را

وَيَنْزِعُ قُلُوبَهُمْ وَاسْتَهْدِيكَ لِمَا
بَعْدَ مِنْهَا وَآخِرُ عَنْهَا اللَّهُمَّ صَلِّ^{در کینه و دوستی آن را در راه پیغمبر است سوی آنکه}
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجِرْنِي مِنْهَا بِفَضْلِ^{در گردانیدن از این ایست و در غرض از آن است خداوند از هر کس}
رَحْمَتِكَ وَأَقِلْنِي عَثْرَاتِي بِحُسْنِ إِقَالَتِكَ^{بر محمد و آل او در پناه و همراهی از این ایست بفضلی}
وَلَا تَخْذِلْنِي بِأَخِيرِ الْمَجِيرِينَ إِنَّكَ^{در حقیقت خود دور کننده را از این است غرض از این است که بگوید در کمال}
تَقَى الْكَرْبَةَ وَتَعْطَى الْحَسَنَةَ^{در جاده صوابی نه خوشی را در عطا میکنی خوشی را}
وَتَفْعَلُ مَا تُرِيدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ^{در میکنی آنچه میزای و در همه چیز}
قَدِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ إِذَا^{انت تمامتی خداوند از هر کس است بر محمد و آل او هرگاه}
ذَكَرَ الْأَبْرَارُ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ^{بیا کرده نموده بگو گمان در هر کس است بر محمد و آل او}
مَّا اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ صَلِّ^{اوام که تدریست شب و روز}
لَا يَنْقُطُ مَدَدُهَا وَلَا يَحْصِي عِلْدُهَا^{که بر می نشاند مدد آن دستبرد نمیرود عدد آن}

صَلَوْهُ تَشْحِنُ الْهَوَاءِ وَمَمْلَأُ الْأَرْضَ

درستی که بکشد همواره در ملک خود زمین

وَالسَّمَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى

و آن سعاد را در محبت کند و نه ای قاطع را و آن را

يَرْضَىٰ وَصَلَّىٰ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعْدَ

اینکه خوشنودند در حرم کعبه فدا می نمایند برای او و آنکه او بعد

الرِّضَا صَلَاقٌ لِأَحَدِهَا وَامْتِهَانٌ

از شنیدن صحبتی که مدعی نباشد احوال و نه نهایی

يَا اَرْحَمَ وَكَانَ دُعَاءُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الرَّاحِمِينَ

ای رستمند تر از در بزرگو دعا کی گهرت از انعام در طلب گیر

اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ فَصَلِّ

در این کتاب است که هر چه ضرر کند از آن سبب علم تو این است

عَلَّمَ مُحَمَّدًا وَآلَهُ وَاقْضَ لِي بِالْخَيْرَةِ

محمّد و آلہ و رسلہ کہ راء من بحسنہ

وَالْهَذَا مَعْقِلُ الْاِخْتِيارِ وَاجْعَلْ

وَأَهْلُهَا مَعْرُوفَةٌ

دور اول افتادند و دانش اموزان را

دلیل در بیعتی است که در بیعت است

این دشت را اسمیله سومی فرستادمی که گفته اند سومی فرستادمی

لنا ولسليم

عَنْ اَبِيهِ الْاَسْتَارِ وَالَّذِي يَقِينُ

عنا ريب لا ريب

المجلد الحادي عشر

کتابخانه عمومی
کتابخانه عمومی
کتابخانه عمومی

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the previous page, mentioning names and dates.

در این کتاب

المخلصين ولا تشمتنا عجز المعرفة

فقد من من ان دور و سزا بر ما عاشه بشه در ابروت

عما تحيرت فتعظم قدرك ونكر

اكنه آنت بار كره بس كيك تارم قدره دنا و ش دارم

موضع رضاك وحتي الى التي هي

جی نرشت نردي اول ش بری اكنه ان

ابعد من حسن العاقبة واقرب

دور تر بخت از سكری اكنه دورتر است

الى ضد العاقبة وحبب الينا

بضد عايت دور گردان بسوی ما

مان كرم من فضائلك وسهل

اكنه دنا و ش دارم از تقاضای تو آسان گردان

علينا ما نستصعب من حلك

بر ما اكنه دنا و ش دارم از صعب تر

والهمنا الانفيا دليلا اوردت

دور دلیله از ما را گردان ناون از برای اكنه دور و سخته

علينا من مشيتك حتى لا تحب

بر ما از فرست دور تا اكنه دوست نه دارم

تأخير ما عجلت ولا تعجل ما

بس افقون اكنه بهنگام رسیده دور و دنا و ش دارم

أخرت ولان كره ما الحبت

تا بفرست دور دنا و ش دارم اكنه را دوست نه دارم

بدرستی که در این کتاب
در بیان این کلمات
در بیان این کلمات
در بیان این کلمات
در بیان این کلمات

وَلَا تُخَيِّرْ مَا كَرِهْتَ وَاجْتَمِعْ

در است با هم جمع آنچه را که دوست داشتی و منتهی کن

لَنَا يَا لَنِي هِيَ اخْلَعْ عَاقِبَةَ وَاسْكَرْ

از برای ما ای یار من آن بسند و پند از روی غایت و گرامی تر

مَصِيرًا إِنَّكَ تَفِيدُ الْكَرِيمَةَ

از روی غایت ای یار من ایستگاری کن از میوه جزای گرامی را

وَتُعْطِي الْجَسِيمَةَ وَتَفْعَلُ مَا

و عطا می کنی و نیت می دهی و می کنی آنچه را که

تُرِيدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

می خواهی و تو بر هر چیزی قهار و توانا هستی

وَكَانَ مِنْ عَائِدَةٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ابْتَلَى

و بود از دعای حضرت علیه السلام هرگاه گرفتار شد

أَوْ دَايَ مُبْتَلَى بِفَضِيحَةٍ يَذُنُّ

یا سپید کند گوشتی سنگین بر سرافرازی

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى سَبْتِكَ بَعْدَ

خدایا تو را ستایش پس از سبوت تو ای یار من

عَلَيْكَ وَمُعَافَاتِكَ بَعْدَ خَيْرِكَ

از دوستی تو و در عافیت تو ای یار من از آگاهی تو

فَكُلُّنَا قَدْ اقْتَرَفَ الْعَاقِبَةَ

پس هر که از ما است محقق که آفتاب کرده عیب را

فَلَمْ تَشْهَرْهُ وَأَنْتَ كَبَّ الْفَاقِحَ

پس نخواستی آشکارا کنی و در کجاست کرد کار بد را

و این دعا را هرگاه گرفتار شدی بخوان

فَلَمْ



فَلَمْ تَقْضِهِ وَتَسْتَرِ بِالسَّوِي قَلَمُ

پس در آن صحنه ادرا در پست از عیبها را پس

تَدَلُّ عَلَيْهِ كَمْ هِيَ لَكَ قَدَّ تَيْنَاهُ

راه نود می برادر ب نهی مرزا که محقق ایشان کلام

وَأَمْرٌ قَدْ وَقَفْنَا عَلَيْهِ فَتَعَدَّيْنَاهُ

دب امری که متعین که منع شده ایم بر آن پس نهی کرد بر آن

وَسَيِّئَةٌ أَكْثَرْنَا هَا وَخَطِيئَةٌ

دب گناهی که اکثر کردیم آن را دب خطی

ارْتَكَبْنَا هَا كُنْتَ الْمَطْلَعُ

که در کتاب کرد بر آن را تو می آگاه

عَلَيْهَا دُونَ الشَّاطِرِينَ وَالْقَادِرِينَ عَلَى

بر ایشان از کینه ها پسند کار و توان بر

أَعْلَانِهَا فَوْقَ الْقَادِرِينَ كَانَتْ

از کار کردن آنها بالاتر از توانایان بود

عَافِيَتِكَ لَنَا حِجَابًا دُونَ أَبْصَارِهِمْ

عافیت در آن برای ما پرده پیش چشمهای ایشان

وَرَدَمًا دُونَ أَسْمَاعِهِمْ فَاجْعَلْ

رسد می نزد گوشهای ایشان پس گردان

مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرِ وَاخْفَيْتَ

آنچه پست اند از پست نهی و پنهان کرده

مِنَ الذَّخِيلَةِ وَأَعْظَا لَنَا وَزَاجِرًا

از عیبها پند دهنده از برای در رخ گشوده

عَنْ سُوءِ الْخُلُقِ وَاعْتِرَافِ الْخَطِيئَةِ

وَسَعْيًا إِلَى التَّوْبَةِ الْمَاجِيَةِ وَالطَّرِيقِ

الْمَحْمُودَةِ وَقَرَبِ الْوَقْتِ فِيهِ وَلَا

تَسْمِنَا الْغَفْلَةَ عَنْكَ إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ

وَمِنَ الذُّنُوبِ نَأْسُونَ وَصَلِّ عَلَى

خَيْرَتِكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٌ وَ

عَترته الصَّفْوَةُ مِنْ بَرَّتِكَ الطَّاهِرِينَ

وَلَجَعَلْنَا اللَّهُمَّ سَائِغِي عَيْنٍ كَمَا أَمَرْتَ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرِّضَا

بِالْفَضَاءِ إِذَا نَظَرَ أَصْحَابَ الدُّنْيَا

الْحَمْدُ لِلَّهِ رِضَائِي كَمَا اللَّهُ شَهِدُ

در این دعا که در روز قیامت بخواند
بسیار سودمند است و در روز قیامت
او را در بهشت وارد کند

در این دعا که در روز قیامت بخواند
بسیار سودمند است و در روز قیامت
او را در بهشت وارد کند

کہ خدایتعالیٰ قہر کر دے، سب سے پہلے ہی بندہ کاں خود را از روی عقل

دو گفته است بر همه خلق خود

محمد و آراء و دوست و ضلع اعدا

سخنه داود شاه در درخت مندان از نوا که خسته

پس ہدیہم برا فرمے گا کہ تیرے دوزخ میں جاؤ گے

فداؤہ از حضرت محمد و آلہ و خولہ

بصائبك عسى ووسع بواقي

شَكَرَكَ صَدْرِي وَهَبْ لِي

سک و فز سینه مرا و عیش مرا

اعتقادی که اقرار کنند بان اعتقاد بیکه حکم

جاری می شود کمره بخنیر و کمره اس

نهایای تو به آنکه باز داشته از من تا من از شکر من

18

[illegible]

إِيَّاكَ عَلَى مَا حَوَّلْتَنِي وَاعْصِمْنِي مِنْ

تر آنکه بر آنچه داد مرا و نگاهدار مرا از

أَنْ أَظُنَّ بِذِي عِلْمٍ خَسَاسَةً أَوْ

آنکه گمان کنم بعلت حقیری بستی

أَظُنُّ بِصَاحِبِ شَرَفٍ فَضْلًا فَإِنَّ

گمان کنم بصاحب شرف از خودی پس درستی

الشَّرِيفُ مِنْ شَرَفِهِ طَاعَتِكَ وَالْغَرِيبُ

که بزرگوار کسی است که بزرگوار شد از اطاعتت و غریب

مَنْ أَعَزَّهُ عِبَادَتُكَ فَضْلٌ عَلَى مُحَمَّدٍ

کسی است که عزیز کردت از عبادتت پس است بر محمد

وَالِهِ وَمَتَّعْنَا بِشَرَفٍ لَا يُفْقَدُ وَإِيدُنَا

و اوست و در خود را بزرگواری که نمی شود در دست داده

يَعِزُّ لَا يُفْقَدُ وَأَسْرَحْنَا فِي مُلْكٍ

بزرگوار نمی شود و اسوده را در بادشاهی

الْأَبَدِ إِنَّكَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي

بادوامی هستی که زمان پستی که مکان نیستی

لَمْ تَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

زاده نماندی و زاده کسی هستی و نیست بر تو کسی

وَكَانَ مِنْ عَائِدَةٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نَظَرَ إِلَى

و بود از دعای حضرت صدیق اسلام هرگاه نظر میکرد بر کسی

السَّحَابِ وَالْبَرْقِ وَبَرَقَ صَوْتُ الْعِلَادِ

ابر و برق و برق می شنیدند آواز برده

لَكَ

اللَّهُ

منه اندا برستی کو این هر دو دوست را نه دوست نه همی

و این مرد یاری دهنده است از یاری زندگان می‌شاید

بجز با خبر داری تو بر جمستی نفع دهنده یا عقوبتی ضرر رساننده

ہیں مہاراجن ہمارا باپن چروہو باران ہے

پروستان بابا بن عمرو بن عباس

رحمت علی محمد دال او دشت اور برما سفیت

این ابرو و درخت انجیر را و گردن

۱۰۱ از آن خوارانها و مندرانها در میان ما را

در این زمانه، وقتی که فرزند خود را می‌بینی، همیشه می‌مانی

بمیه خنده او را در هر هستی که بر آفتابان

در برای مغربت و فرستاده آنها را از برای چشم پس منی که از نهان پدید

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في كل شيء
دلالة على قدرته وجلاله
وآياته وبرهانه
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
الذي بعثه بالهدى والرحمة
المبين

مِنْ غَضَبِكَ وَتَبْتَهِلَ إِلَيْكَ فِي سُؤَالٍ

از غضب تو و درازای کشیدن بر روی تو در خط

عَفْوِكَ فَعَمِلَ بِالْغَضَبِ إِلَى الْمُشْرِكِينَ

عفو تو پس عمل با غضب خدا بر سر مشرکان

وَأَدْرَجَ حِيَّيْكَ عَلَى الْمُحْدِثِينَ

و در بر داری آسبای عفت خود را بر مبدعان

اللَّهُمَّ أَذْهِبْ حُلَّ بِلَادِنَا يُسْقِيَاكَ

ای خدا ببرد حلقه ای شهرهای ما را که آب تو در آن

وَأَخْرِجْ وَحَرَ صُدُورِنَا بِرِزْقِكَ وَلَا تَسْغَلْنَا

و ببرد دل های ما را بر روزی تو و در غفلت ما

عَنْكَ بِغَيْرِكَ وَلَا تَقْطَعْ عَنَّا قَتْنَا

از خود بجز خود و ببرد از ما

مَادَّةَ بَرَكَ فَإِنَّ الْغَنَى مِنَ اغْنَيْتِ

ماده بختی خود را پس رستی که ترا که کسی است که تو را که کرده

وَأَنَّ السَّالِمَ مَنْ وَقَيْتَ مَا عِنْدَ أَحَدٍ

و این است که کسی است که تو نگه داشته اند از این است که تو را که

دُونَكَ دِفَاعٌ وَلَا يَأْخُذُ عَنْ سَطَوَاتِكَ

غیر تو و در آن دفاعی نیست که تو را که از خود تو

إِمْتِنَاعٌ مَحْكَمٌ مِمَّا شِئْتَ وَتَقْضَى

محکم از تو می باشد که تو را که و حکم می

بِمَا أَرَدْتَ فِيمَنْ أَرَدْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ

بر هر چه اراده کرده در هر چه که اراده کرده پس از تو است تسبیح

عَلَى مَا وَقَيْتَنَا مِنَ الْبَلَاءِ وَلَكَ الشُّكْرُ

بر آنچه ما را از آفت نجات دادی و از تو سپاس

عَلَى مَا خَوَّلْتَنَا مِنَ السَّمَاءِ حَتَّى لَا يَخْلِفُ

بر آنچه ما را از آسمان دادی تا آنکه نپسندد

حَدَّ الْحَامِدِينَ وَرَاءَهُ حَتَّى لَا يَمْلَأَ أَرْضَهُ

سپاس ستایشگران را پس از او تا آنکه زمین را نپوشد

وَسَمَاءَهُ أَنْتَ الْمَنَّانُ بِحَسَبِ الْمَنْ

تو بخشنده ای بر حسب حاجت هر کس

الْوَهَّابُ الْعَظِيمُ الْبَعْمُ الْقَابِلُ لِسِيرِ

بخششنده بزرگوار و بزرگوار و بزرگوار

الْحَمْدُ الشَّاكِرُ قَلِيلُ الشُّكْرِ

سپاس را جز اندک سپاس

الْمُحْسِنُ الْمُجْمِلُ ذُو الطُّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا

بزرگوار کننده و بزرگوار کننده و بزرگوار کننده

أَنْتَ إِلَهِي وَكَانَ مِنْ عَائِلَةِ الْمُصِيرِ

تو خدای من و از خانواده بزرگوار کننده

عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اعْتَرَفَ بِالْقَصْرِ عَرَفَ الشُّكْرَ

بر او سلام اگر اعتراف بکمبود کردی از تو سپاس

اللَّهُمَّ إِنْ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ

خدایا اگر کسی از تو سپاس نرساند

غَايَةَ الْإِحْصَالِ عَلَيْهِ مِنْ إِحْسَانِكَ

بسیاری که حاصل از تو نیاید

مَا يَلْزَمُهُ شُكْرٌ وَلَا يُبْلَغُ مَبْلَغًا

و آنچه لازم ندارد از شکر و چیزی را به حدی که رسد نرساند

مِنْ طَاعَتِكَ وَإِنْ اجْتَهَدَ إِلَّا

از تو طاعت و اگر چه کوشش کند مگر این که

كَانَ مُقْصِرًا دُونَ اسْتِحْقَاقِكَ

باشد مقصر باشد از آنچه مستحق است

بِفَضْلِكَ فَاشْكُرْ عِبَادَكَ عَاجِرٌ

بفضل خود پس شکر کن بنده خود را عاجز

عَنْ شُكْرِكَ وَاعْبُدْهُمْ مُقْصِرٌ

از شکر تو و پرستند و این را مقصر

عَنْ طَاعَتِكَ لَا يَجِبُ لِأَحَدٍ أَنْ

از طاعت تو و این را واجب نیست برای کسی که

تَغْفِرَ لَهُ بِاسْتِحْقَاقِهِ وَلَا أَنْ تَرْضَى

بیاوردی او را با شکر او و آنکه بپسندد او را

عَنْهُ بِاسْتِحْجَاجِهِ فَمَنْ عَفَرَتْ لَهُ

از او پس با استیجاب او پس هر که آفریند او را

فِي طَوْلِكَ وَمَنْ رَضِيَ عَنْهُ فَبِفَضْلِكَ

پس بپسندد او را و هر که خوشش آمده از او پس بفضل

لشْكْرِ لَيْسَ بِمَا شَكَرْتَهُ وَ

شکر بهیچ وجهی آنکه شکر کرد او را و

شَيْبٌ عَلَى قَلِيلٍ مَا نَطَاعٌ فِيهِ حَتَّى كَانَ

نقصی بهیچ وجهی بر اندک آنکه فرمان برده شده در آن تا آنکه گویا

و آنچه لازم ندارد از شکر و چیزی را به حدی که رسد نرساند

از شکر تو و پرستند و این را مقصر از طاعت تو و این را واجب نیست برای کسی که بیاوردی او را با شکر او و آنکه بپسندد او را

شکر



شَكَرَ عِبَادِكَ الَّذِي وَجَبَتْ

شکر بندگان تو که واجب کرده

عَلَيْهِ ثَوَابُهُمْ وَأَعْظَمَتْ عَنْهُ جَزَاءُهُمْ

بر ایشان ثواب ایشان را و بزرگساخته از ایشان جزای ایشان را

أَمْرُ مَلَكَوَا اسْتَطَاعَةَ الْإِمْتِنَاعِ

امریست که مملکت شده اند توانا فی

مِنْهُ دُونَكَ فَكَافَيْتَهُمْ أَوْ لَمْ يَكُنْ

از ایشان بدون تو پس مملکت دادی ایشان یا نمودی

سَبِيَّهُ بِيَدِكَ فَجَازَيْتَهُمْ بِمَلَكَكَ

سبب ایشان مرستی پس جزا دادی ایشان را مملکتی که مملکت

يَا إِلَهِي أَمْرُهُمْ قَبْلَ أَنْ يَمْلِكُوا عِبَادًا

ای خدای من امر ایشان را پیش از آنکه مملکت شوند بندگان تو

وَأَعَدَدْتَ ثَوَابَهُمْ قَبْلَ أَنْ يُفِيضُوا

و تو آماده ساختی ثواب ایشان را پیش از آنکه شکر تو بکنند

فِي طَاعَتِكَ وَذَلِكَ أَنَّ سُسْتُكَ

در فرمانبرداری تو و این است که سوستگی تو

الْإِفْضَالُ وَعَادَتُكَ الْإِحْسَانُ

و ایضا لطف تو و عادت تو احسان است

وَسَبِيلُكَ الْعَفْوَ كُلُّ الْبَرِيَّةِ

و سبب تو عفو است پس همه آفریده ها

مُعْتَرِفَةٌ بِأَنَّكَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِمَنْ عَاقَبْتَ

مستغفرتند باینکه مستحق عتاب نیستی هر کسی که عتابت کرده

اینکه شکر بندگان تو واجب کرده
بر ایشان ثواب ایشان را و بزرگساخته
از ایشان جزای ایشان را
امریست که مملکت شده اند توانا
فی
از ایشان بدون تو پس مملکت دادی
ایشان یا نمودی
سبب ایشان مرستی پس جزا دادی
ایشان را مملکتی که مملکت
ای خدای من امر ایشان را پیش از آنکه
مملکت شوند بندگان تو
و تو آماده ساختی ثواب ایشان را
پیش از آنکه شکر تو بکنند
در فرمانبرداری تو و این است که
سوستگی تو
و ایضا لطف تو و عادت تو احسان
است
و سبب تو عفو است پس همه آفریده
ها
مستغفرتند باینکه مستحق عتاب
نیستی هر کسی که عتابت کرده

وَشَاهِدْ بِأَنَّكَ مُتَفَضِّلٌ عَلَى مَنْ

درگاه پند باینکه تو فضل گشته بر کسی

عَافَيْتَ وَكُلٌّ مُقَرَّرٌ عَلَى نَفْسِهِ

که عافیت داده و هر کس از آن گشته حاضر بر نفس خود

بِالتَّقْصِيرِ عَمَّا اسْتَوْجِبْتَ فَلَوْلَا أَنَّ

بفقر از آنچه تو مستوجب گشته ای پس اگر بود آنگاه

الشَّيْطَانُ يَخْتَدِعُهُمْ عَنْ طَاعِنِكَ

شیطان بفریبده ایشان را از طاعت تو

مَاعَصَاكَ عَاصٍ وَلَوْلَا أَنَّهُ صَوَّرَ

عصیان کننده را عاصی گشته و اگر نه این ای تصویر کرد

لَهُمُ الْبَاطِلُ فِي مِثَالِ الْحَقِّ مَا ظَلَّ

از برای ایشان باطل را در صورت حق گمراهی کند

عَنْ طَرِيقِكَ ضَالٌّ فَسُبْحَانَكَ مَا

از راه تو گمراه کننده پس پاک است تو چه

أَبَيَّنَ كَرَمَكَ فِي مُعَامَلَةٍ مِنْ

روشن تر کردیم تو در معامله تو با کس

أَطَاعَكَ أَوْ عَصَاكَ تَشْكُرُ

از طاعت کرده یا عصیان نموده جز شکر میوه ای

لِلْمُطِيعِ مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَهُ وَتَمْلِي

ای مطیع گشته را بآنکه تو مقرر می کنی و او را می دهی

لِلْعَاصِي فِيمَا أَمَّلَكَ مُعَاجِلَتَهُ فِيهِ

عصیان کننده را در آنچه تو آموختی که او را می دهی

اعطيت



اعطيت كل منهما ما لم يحجب

هم که از این را آنچه از این است

له وتفضلت على كل منهما

از برای آن و تفضل کردی بر این و آن

بما يقصر عنه ولو كافات

آنچه قاصر است از او و اگر کافات میدادی

المطيع على ما انت توليته لا وشك

اطاعت کننده را بر آنچه تو متولی شده ای و آنرا هرگز شک نیست

ان يفقد ثوابك وان تزول عنه

که اگر هرگز ثواب ترا از او ببرد و اگر از او دور شود

نعمتك ولكنك بكرمك جازيته

نعمت تو را و این تو را بکرم خود پادشاه دادی

على المدة القصيرة الفانية بالملك

بر مدت کوتاهی فانیه با ملک

الطويلة الخالدة وعلى الغاية القريبة

دراز و جاود و بر نهایت نزدیک

الزائلة بالغاية المديدة الباقية

ازوالی بهرگز نماندنی بهر نهایت ماندنی

ثم لم تسمه القصاص فيما اكل من

پس نام نهادی قصاص بر او در آنچه خورد از

رزقك الذي تقوى به على طاعتك

رزق تو را که تو را بر طاعت تو قوی داشت

وَلَمْ تَحْمِلْهُ عَلَى الْمُنَاقَشَاتِ فِي الْأَلَاتِ

در حمل منی او را بر سنگ نبردی

الَّتِي تَسْتَبَّ بِاسْتِعْمَالِهَا إِلَى مَعْفَرَتِكَ

که در سید شده است بکار و پیش آن را بر روی آرد و شستن

وَلَوْ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِ لَذَهَبَ كُلُّ شَيْءٍ

در او سبک روی این کار را و او را سبک نموده بود

مَا كَدَحَ لَهُ وَجُمْلَةُ مَا سَعَى فِيهِ

آنچه در کوشش او از برای او در تمام آنچه کوشش کرده و در آن

جَزَاءٌ لِلصُّغْرَى مِنْ أَيْدِيكَ وَمِنْكَ

از برای باری که کوچکترین از دستهای تو و دهن تو

وَلَبَقِيَ رَهْمًا بَيْنَ يَدَيْكَ لِسَائِرِ عَمَلِكَ

در میان باقی مهربانی بر کرد و نزد تو

فَمَتَى كَانَ لِيَسْجُوشَ شَيْئًا مِنْ ثَوَائِكَ لَا

پس کی بودی که سبزه را در نزد من می از برای تو

مَتَى هَذَا يَا إِلَهِي خَالٍ مِنْ طَاعَتِكَ

کی این ای خدا ای من خالی از برای تو

وَسَبِيلٍ مِنْ تَعَبَدَ لَكَ فَأَمَّا الْعَاصِي

و در عین کسی که پرستیده شده است از برای تو از برای تو

أَمَرَكَ وَالْمَوَاقِعَ لَهْفِكَ فَلَمْ تَعَاجِلْهُ

او را و در مواقع زنده نهی تو پس سبزه را

يَنْقِمُكَ لِي كَيْ لَا يَسْتَبْدِلَ بِجَا لِه

سبزه خود را تا آنکه به حال خود را

فِي مَعْصِيَتِكَ خَالِ الْإِنَابَةِ إِلَى

طَاعَتِكَ وَلَقَدْ كَانَ يَسْتَحِقُّ فِي أَوَّلِ

ما هَمَّ بَعْضِيَا نِيكَ كُلِّ مَا اَعْدَدْتُ

لجميع خلقك من عقوقك فجميع

ما أَخْرَجَتْ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ وَأَنظَا

بِهِ عَلَيْهِ مِنْ سَطَوَاتِ النِّقْمَةِ وَالْعِقَابِ

تَرْكُ مِنْ حَقِّكَ وَرِضًا بِدُونِ وَاجِبِكَ

فَمِنْ أَكْرَمِ بِلَهِمَّنْكَ وَمَنْ

اشقى ممن هلك لا من قبارك

اَنْ تَوْصَفَ الْاِبَا اِحْسَانٍ وَكُرْمَتٍ

ان يخاف منك إلا العذل لا يخشى

[illegible]

جَوْرِكَ عَلَى مَنْ عَصَاكَ وَلَا يَخَافُ

ستم کردن تو بر کسی که عصیان تو کرده و خوف و استیصال

إِغْفَاكَ ثَوَابَ مَنْ أَرْضَاكَ فَصَلِّ

خدا که بخش تو ثواب کسی که خوشنود و دوست داشته باشی

عَلَى تَحْمِيْدِهِ وَآلِهِ وَهَبْ لِي أَمَلِي وَزِدْنِي

بر محمد و آل او در بخشش مرا آرزوی من و بزرگوار

مِنْ هَذَا مَا أَصِلُ بِهِ إِلَى التَّوْفِيقِ

از این استغاثه من خود آنچه برسم بآن بسوی تو من

فِي عَمَلِي إِنَّكَ مَثَانُ كَرِيمٍ

در کردار من پرستی که تو هستی پندار گریبی

وَكُنْ مِنْ عَائِدَةٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْأَعْتِدَانِ

و بود از دعای که حضرت علیه السلام در عیدهای است

مِنْ تَجَارِ الْعِبَادَةِ وَمِنْ التَّقْصِيرِ فِي حَقِّهِمْ

از حقوق مردم و از نقصان در حق ایشان

وَفِي فَكَارِكَ رَقَبَتِهِ مِنَ النَّارِ

و در چوب را می کردن کردن او از آتش و نجات

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ

خدایا من استغاثه می کنم به تو از ستم رسیدن

ظَلَمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَقْضَ وَمِنْ مَعْرُوفٍ

که ستم رسید به من و من ندادم به او و از امری که

أَسْدَى إِلَيَّ فَلَمْ أَشْكُرْهُ وَمِنْ

که کرده به من بسوی من که شکر نکردم به او و از

مُسِيٍّ اعْتَدِرْ اِلَيَّ فَلَمْ اَعْدِرْهُ وَ

در مستند - که عذر کوشه باشد - موسی من پس من معذور نه هشتم لود

مِنْ ذِي فَاقَةٍ سَأَلَنِي فَلَمْ أُوسِّمْ وَ

از وردیشی که سائل کرده باشد از من پس در گمراهیام

مِنْ حَقِّ ذِي حَقٍّ لِرِزْمِي لِمُؤْمِنٍ فَلَمْ أَوْفِرْهُ

از حق صاحب حق که لازم شده باشد برین برای کسی نیامد از حق

وَمِنْ عِيْبٍ مُّؤْمِنٍ ظَهَرَ لِي فَلَمْ أَسْتَهْ

عیب مو معنی که ظاهر باشد برین پس نه نشیند

وَمِنْ كُلِّ أَثْمٍ عَرَضٌ لِي فَلَمْ أَهْجُرْهُ

دوازدهمین ای که عارض شده است بر این بیماری که

اعْتَذِرُ إِلَيْكَ يَا إِلَهِي مِنْهُمْ وَمِنْ

عذر معذور هم سوی تو ای ضایع من از آهیب دار

نَظَائِرُهُنَّ اَعْتِدَارًا نَدَامَةً يَكُونُ

باشند اینست عذر و استغاثی از روی بی‌سازگاری که باشد

وَاعْظَايَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنْ أَشْبَاهِهِمْ

بند دهند برای آنکه بنده از ما نبندند

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ نَدَامَتِي

پس رحمت حضرت بر محمد و آل او بر گردان شد

عَلَيْهَا وَقَعَتْ فِيهِ مِنَ الزَّلَٰلَاتِ

در آینه افت و اقام در آن

وَعَزَمِي عَلَى تَرْكِ مَا يَعْزُضُ لِي

و مقدس برتو ایچو عارض می شود مرا

عَمَّا أَدْبَرَ بِهِ عَيْنِي وَلَا تَقْقُهُ عَلَيَّ مَا ارْتَبَكْ

از آنچه بر دامن من در پس سازد و از آنچه بر من از پشت پنهان کند

فِي وَلَا تَكْشِفْهُ عَمَّا اكْتَسَبَ لِي

از آنچه بر من در پهلوی آید و از آنچه بر من از پشت پنهان کند

وَأَجْعَلْ مَا سَمَّيْتُ بِهِ مِنَ الْعَفْوِ عَنْهُمْ

و آنچه بر من نام نهادم از عفو کردن از ایشان

وَيَبْرَعْ شَيْءٌ مِنَ الصَّدَقَةِ عَلَيْهِمْ

و ببرد از من از صدقه کردن بر ایشان

أَزْكَى صَدَقَاتِ الْمُتَصَدِّقِينَ

پاکیزه ترین صدقاتی صدقه دهندگان

وَأَعْلَى صَلَاتِ الْمُتَقَرِّبِينَ وَعَوَظِي

و بلندترین عطا ای نزدیکی نزدیکان و وعظ من

مِنْ عَفْوِي عَنْهُمْ عَفْوُكَ وَمِنْ دَعَائِي

از عفو کردن من از ایشان عفو تو و از دعا من

لَهُمْ رَحْمَتُكَ حَتَّى لَيْسَ لَكَ وَلَدٌ

بر ایشان رحمت تو تا آنکه نیفتد تو پسری

مِنْ أَيْمَانِكَ بِفَضْلِكَ وَيَخُورُ كُلُّ مَيْمَنٍ

از ایمان تو بفضل تو و سرنگ شود هر یک از

بِمَنْكَ اللَّهُمَّ وَإِيْمَا عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِكَ

بجست تو خدایا و ایمان بنده از بندگان تو

أَذْرَكَهُ مِنْ دُرِّكَ أَوْ مَسَّهُ مِنْ

که در آن نه پدید آید از من صدفی یا برسد به او از

نَاجِيْنِي اِذْ يُؤْتِي الْحَقُّ بِيْ اَوْ لَيْسَ بِيْ

جانب من آزادی یا رہنمائی اور اس یا اس میں

ظَلَمَ فَتَهُ بِحَقِّهِ اَوْ سَبَقَتْهُ بِمِظْمَتِهِ

ستمی پس از آن که در پنجم حق ادا کرده پنجم

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْضِهِ عَنِّي

بن عمرت بر محمد و آباء و اجداد

مِنْ وُجْدِكَ وَأَوْفِهِ حَقَّهُ مِنْ عِندِكَ

از تیرا کنز می خود و برسان حق اورا از جانب خود

ثُمَّ قَبِي مَا يُوجِبُ حُكْمَهُ

پس گنبد را بکعبه واجب میکردند حکم ترا و تراقی ده مرا

مِمَّا يَحْيِي كُفْرَهُ عَدْلُكَ فَإِنَّ قُوَّتِي

از آنکه حکم میکند با آن عدل از پس مدتی که قوت من

لَا تَسْتَقِلْ بِمِقْمَرِكَ وَإِنَّ طَاقِي لَا

برای تداوم داشت عضویت ترا در پرستی کرطت من

تَنْهَضُ بِمُحِيطِكَ فَإِنَّكَ إِنْ تُكَافِئَنِي

برابری میسر اند کرد معنی ہے اس پرستی کہ اگر ملکات کئی مرا

بِالْحَقِّ نَهَلْتُكَ نِي وَإِنْ لَا تَعْمَلْ لِي

بکھن ہلاکب زمی ما داکر پوشت فی ما

بِرَحْمَتِكَ تُوْبِقْنِي اللَّهُمَّ إِلَى اسْتَوْهَبُكَ

به دست خود جلاک سنگی مرا خدا دادا بر گشتی که من میطلبم از تو

بِالْهِمَّا لَا يَنْقُصُكَ بَدَلُهُ وَاسْتَخْلِكَ

انگیزای من آنچه کم نیست

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

مَا لَا يَفْضُكَ حَمْلُهُ اسْتَوْهَبُكَ

انچه كه پيش مني سازده از درستي او در مندرجه اول

يَا اِلٰهِيْ نَفْسِيْ الَّتِي لَمْ تَخْلُقْهَا لِمَنْعِهَا

اسی خدا ہی میں لعنہ فودا کہ حق مکرورہ اورا ابراہیمی علیہ السلام شدی

مِنْ سُوءٍ أَوْ لِيَطْرُقَ بِهَا إِلَى نَفْعٍ

از بهی یازدجانی انکه راجه بری بسبب لبردی سردی

وَلَكِنْ نَسَّاهَا إِتْبَانًا لِقُدْرَتِكَ

وین آفریدی اور انڈیائی تگور قدرت

عَلَى مِثْلِهَا وَاجْتِنَابِهَا عَلَى شَكْلِهَا

برای این جهت که این بر حسب این

وَاسْتَحْبَبَكَ مِنْ دُنُوِي مَا قَدْ بَهْطَنِي

ازین احوال آیه یعنی سیدین است

خمله واستعین بک علی ما قلد حنی

ثُمَّ أَوْفَىٰ أَهْلَ الْحَاكِمَةِ وَالْمَوَدَّةَ لِنَفْسِهِ

بقوله فصل على محمد وآله وهب نفسي

عَاظِلْ وَأَنْفِ وَوَكَلْ بَيْنَ يَدَيْ

علی طالبها نفسی و دلی رحمت
پرستم کردی آن رفویش و کار رحمت خود را

بِأَخِي الْأَخِي فَكَيْفَ قَالَهُ

بأحمال أصري فاسم مدح

اَحْبَبْتُكَ بِالْمُسْتَهْدِ وَكَمَ قَدْ شَمَا

رحمت تو به گهراں دب که نقش در گهراں است

دستگاه کمالی در علم الکیمیا
الکیمیای حقیقه و حقایق
فصل اول در بیان کلیات
و احوالات این علم

عَفْوُكَ الظَّالِمِينَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

منو تو ستمکاران پس صلات بر محمد و آل او

وَجْعَلْنِي اسْتَوْعَمَ مَنْ قَدْ انْقَضَتْهُ

برگردان مرا بشوای هر که بقی بر خیزانده او را

يَجَاوِزُكَ عَنْ مَصَارِعِ الْخَاطِئِينَ

بگذر تو از قاصد های خط کاران

وَحَلَّصَتْهُ بِتَوْفِيقِكَ مِنْ وَرَطَاتِ

در آبی و او را در توفیق تو از در غمی

الْمُجْرِمِينَ فَأَصْبَحَ طَلِيقَ عَفْوِكَ مِنْ

ستمکاران پس بودی است بر گزیده عفو تو از

إِسَارَةِ عَهْوِ سَخَطِكَ وَعَتِيقَ صَنِيعِكَ

سنة عفو تو و آزاد گردیدن از

مِنْ وَثَاقِ عَذَابِكَ إِنَّكَ إِذَا تَفَعَّلَ ذَلِكَ

از بند عذاب تو بدستی کردی اگر میکنی این را

يَا إِلَهِي تَفَعَّلْ بِمَنْ لَا يُحَدُّ اسْتِحْقَاقُ

ای خدای من بخوانی را که نیست حدی که بخاری کند سزاوار بودن

عَفْوَبِكَ وَلَا يَبْرِي نَفْسَهُ مِنْ اسْتِجَابِ

عفو تو را در بری پیوند نفس خود را از استجابتی

نَفْسِكَ تَفَعَّلْ ذَلِكَ يَا إِلَهِي عَمَّنْ

خواب تو میکنی این را ای خدای من بی

خَوْفُهُ مِنْكَ أَكْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ

کراس او از تو بیشتر است از طمع او

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

فَقَدْ

فِيكَ وَبِمَنْ يَأْسُهُ مِنَ الْجَاهِ أَوْلَدُ مَنْ

در تو و کسی که تو پیدای او از بهر استوار شد

رَجَائِهِ لِلْخَلَاصِ لَا أَنْ يَكُونَ

در پیدای او از برای رهایی نه این که بخواهد

يَأْسُهُ قَنُوطًا أَوْ أَنْ يَكُونَ طَمَعُهُ

تو پیدای او از برای سستی یا این که است

اعْتَرَا رَأْبَلٌ لِقَلَّةِ حَسَنَاتِهِ بِنِسْبَتِهِ

از غایت فقر و تنگدستی که اندر او می آید بپای او

وَضَعُفٌ حُجَّةٍ فِي جَمِيعِ تَبَعَاتِهِ فَأَمَّا

و از برای سستی حجتی او در همه دنبال او پس

أَنْتَ يَا إِلَهِي فَهَلْ أَنْ لَا يَعْتَرِبَكَ

تو ای خدای من پس چرا در تو که می شود

الْصَّادِقُونَ وَلَا يَأْسُ مِنْكَ الْمُجْرِمُونَ

درست راستان و تو پیدایشان از تو که کارکن

لَأَنَّكَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا يَمْنَعُ

چون آنکه تو ای پروردگار بزرگ کسی را

أَحَدًا فَضْلَهُ وَلَا يَسْتَقْصِي مِنْ أَحَدٍ

کسی فضل خود را و کسی تقصیری را از کسی

حَقُّهُ تَعَالَى ذِكْرُهُ عَنِ الْمَذْكُورِينَ

حق خود را برتر است از تو یاد او که یاد شده

وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ عَنِ الْمُنْسَوِينَ

در غزه است نامهای تو از نسبت داده شدن

و اینست که در این آیه مذکور است که هر که از تو پیدای تو باشد از برای رهایی یا از برای سستی حجتی او در همه دنبال او پس چرا در تو که می شود درست راستان و تو پیدایشان از تو که کارکن چون آنکه تو ای پروردگار بزرگ کسی را فضل خود را و کسی تقصیری را از کسی حق خود را برتر است از تو یاد او که یاد شده و تقدس است اسمهای تو از نسبت داده شدن



وَقَسَتْ نِعْمَتَكَ فِي جَمِيعِ الْخَلُوقِينَ

در اینه نهد است نعمت تو در جمیع آفرینگان

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

بس بزرگسپاس بر این ای پروردگار عالمیان

وَكَأَنَّمِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نَعِيَ

بود از دعا که حضرت علیه السلام هرگاه می

الْيَمِينِثُ أَقْبَىٰ ذِكْرُ الْمَوْتِ

مرا در رسد یا یاد مرگ بیش بود

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآكِفْنَا

خداوند از محنت بر محمد و آل او و کفایت کن ما را

طُولَ الْأَمَلِ وَقَصِّرْهُ عَنَّا بِصِدْقِ

درازای امید و کوتاه کن برای ما بر راستی

الْعَمَلِ حَتَّى لَا تُؤَمِّلَ اسْتِمَامَ سَاعَةٍ بَعْدَ

کردار تا آنکه بهشت بهش تمام کردن ساعتی را بعد

سَاعَةٍ وَلَا اسْتِيفَاءَ يَوْمٍ بَعْدَ يَوْمٍ

استیمنی روز استیفا کردن روزی به روزی

وَلَا اتِّصَالَ نَفْسٍ بِنَفْسٍ وَلَا حَقِّقِ

و نه بر سرگیری نفسی به نفسی و نه رسیدن

قَدَمٍ بِقَدَمٍ وَسَلِّمْنَا مِنْ غُرُورٍ وَأَمِثْنَا

کدامی بکدامی و سلامت ما را از فریبان و امیث ما را

مِنْ شُرُورٍ وَأَنْصِبِ الْمَوْتَ بَيْنَ أَيْدِينَا

از شر و ای حق در میان مرگ و پیش ما

ضبطاً

بر بکراتی در کرواتن یادگوشن مارا روزی

وہ کہتا ہے کہ میں نے اس کو دیکھا ہے۔

أَلَمْ يَكُنْ لَهُ الْإِلَٰهُ مَا سِوَاهُ

وَاللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ ۚ لَهُ أَسْمَاءُ الْغَيْبِ لَا يَخْفَى عَلَى شَيْءٍ مِنَ الْعَالَمِينَ

رب عمل آرام ما کہ آرام لیرم

[illegible]

التي حجب الله نورها فادأورد

عَلَيْتُمْ وَأَنْتُمْ لَتَهُ بِمَا فَا سَعَدْنَا بِهِ زَائِرًا

قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

وَأَمَّا الْفُلُ فَأَنزَلْنَاهُ ذِي الْحِجَّةِ إِذْ أَنَا مِنَ الْمُنْزِلِينَ

در سوا کردان از این جهت که در آن آب و گداخته آب آلودگی از دریا

چونکہ یہ ایک نیا ہیرو ہے

10

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the previous page, written in a cursive style.

اَمِنَّا مُهْتَدِينَ غَيْرَ ضَالِّينَ طَائِعِينَ

میران مارا در جانی کرده با مکان هشتم زکرا ان فرعون و اداس

عِزُّمُسْتَكْرِهِيْنَ تَائِبِيْنَ غَيْرُ

کرامت دارندگان خودمشنده کائنات

عَاصِيْنَ وَلَا مُصْطَرِّينَ يَاصْنَامِ

نہ زمانہ رہے استہاد کی نیکوئی ایضاً

جَزَاءِ الْمُحْسِنِينَ وَمُسْتَضْلِعِ عَمَلِ الْمُفْسِدِينَ

جزء ۱۰۰
کتابت کمالی

وكان في غائره عليه السلام في طلب السيرة والوق

و بره از راه انحضرت علیه السلام در طلب سر و کفایت دارم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْرِشْنِي

فداوندان و محفلت بر محمد و آل او

مہادگر امتک واور دنی مشارع

فرمان کرامت خود دوازده ساله را به پنجاه و هجری

رَحْمَتِكَ وَأَحْلَلْ لِي مَجُوحَةَ جَنَّتِكَ وَلَا

رحمت و ذرا دل برد آورده ایمان بهت و در

لَسْمًا بِاللَّذَعْنِكَ وَلَا تَحْمِزْنِي بِالْحَبِيبَةِ

سهمی یا هر یک عسکری
در مجموع و یا هر یک از خود و محدود و نامزدی

مِنْكَ وَلَا تَقَاصِنِي بِمَا أَجْتَرَحْتُ وَلَا

میتاوه شدی

تُناقِشُهُمَا اِكْتَسَبْتُ وَلَا تُبَرِّزْ مَكْنُ

مناقصی علیٰ سبب

سنة ثمان مائة واربعمائة

وَلَا تَكْشِفْ مَسْتُورِي وَلَا

در آشکارا کنی پنهان مرا

تَحُلْ عَلَى الْمِيزَانِ الْأَضَافِ عَمَلِي

کنندار بر ترازوی عدالت عمل مرا

وَلَا تَعْلِنْ عَلَى عِبُودِ الْمَلَأْ خَبْرِي

در آشکارا کنی بر جنبه های کرده آفریدگان علان مرا

اخْفِ عَنْهُمْ مَا بِي كَوْنُ نَشْرِ عَلَى

پنهان کن از ایشان آنچه بوده باشد بر آکنده کردن ایشان

عَارًا وَأَطْوَعْنَهُمْ مَا يُلْحِقُنِي عِنْدَكَ

عذر در دردم و زود از ایشان بر سر من نزد تو

شَنَارًا شَرَفْ دَرَجَتِي بِرِضْوَانِكَ

بروانی بمرتبت من در دردم مرا بکرامت تو

وَأَكْمِلْ كِرَامَتِي بِعَفْوَانِكَ

وتمام کن کرامت مرا با عفو تو

وَابْظُمْنِي فِي أَصْحَابِ الْيَمِينِ وَوَجْهِي

در بخش مرا در مشتاقان راست و منتهی ساز مرا

فِي مَسَالِكِ الْأَمِينِينَ وَاجْعَلْنِي فِي

در راه های ایمن شدگان و بگردان مرا در

فَوْجِ الْفَائِزِينَ وَاعْمُرْ بِي مَجَالِسَ

کرده بکنندگان و آباد ساز بجنبه های

الصَّالِحِينَ أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ

صلحیان را ایستادگار دنیای ای بودگار عالمیان

وَكَاَنَ مِنْ غَائِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ خَتْمِ الْقُرْآنِ

و بعد از دعا که حضرت علیه السلام نزد ختم قرآن

اللَّهُمَّ إِنَّكَ اعْتَنَيْتَ عَلَى خَتْمِ كِتَابِكَ الَّذِي

سند خداوند است که تو باری دادی بر ختم کردن کتابت

أَنْزَلْتَهُ نُورًا وَجَعَلْتَهُ مُهِمًّا عَلَى كُلِّ

نور است و او را در هر امری که در است در آید آن را نگاه

كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ وَفَضَّلْتَهُ عَلَى كُلِّ

کتابی که در است و آن را اولی و دینی داده است و هر

حَدِيثٍ فَضَّلْتَهُ وَفَرَّقَانَا فَرَقْتَ بِهِ

سخنی که فرموده آن را که در بین آن را جدا نموده که جدا افتد

بَيْنَ حَلَالِكَ وَحَرَامِكَ وَقَرَأْنَا بِكَ

پس حلال خود و حرام خود و تسلیم کرده اند که در حق

بِهِ عَنْ شَرَائِعِ أَحِبِّ كُنَامِكَ وَكِتَابِكَ

است از شریعتی که احکم خود را و کتابی

فَضَّلْتَهُ لِعِبَادِكَ تَقْصِيلًا وَوَحْيًا

که فضل داده است را از برای بندگان خود تفصیل و وحی

أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ

که آن را بر پیغمبر خود محمد رحمتی تو بر او

وَالِهِ تَنْزِيلًا وَجَعَلْتَهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ

در آن راه خود است و او را به نور هدایت می دهی

مِنْ ظُلُمِ الضَّلَالَةِ وَالْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ

از تاریکی گمراهی و نادانی به پیروی از او

و بعد از دعا که حضرت علیه السلام نزد ختم قرآن

وَسَفَاءٌ



وَشَفَاءٍ لِمَنْ أَنْصَتَ بِقَهْمِ التَّصَدِيقِ

و شفاى از برای هر که گوش دارد و بپندارد از روی تصدیق

إِلَى اسْتِمَاعِهِ وَمِيزَانِ قِسْطٍ لَا يَخْفُ

بهرى شنيدن آن و ترازوى عدلى كه مى گزرد

عَنِ الْحَوَائِصِ وَنُورِ هُدًى لَا يَطْفَأُ

از حوائص و نور هدايتى كه فرو نيزد

عَنِ الشَّاهِدِينَ بِرَهَانِهِ وَعِلْمِ نَجَاةٍ

از حاضران و بين دوشين آن و علم نجاتى

لَا يَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ سُنَّتِهِ وَلَا

كه گمراهى نهد هر كه قصد كرد بهمان طبع و اقتدار

تَنَالِ أَيْدِيَّ اهْلِكَ كَاتِمٌ تَعْلَقُ

بهر دستهاى تو كه كسى كه بگردد

يَعْرِقُ عِصْمَتِهِ اللَّهُمَّ فَإِذَا فَدَتْكَ

بهرستند بگناهكارى او حقه او را پس چون دادى بارى

الْمُعَوْنَةُ عَلَى تِلَاوَتِهِ وَسَهَّلْتَ جَوَاسِيَّ

بهرى بر تو و آسان كردى در بخوارگوى در پيش پندارى

الْسِّنِّيَّ بِالْحُسْنِ عِبَارَتِهِ فَاجْعَلْنَا

زبانهاى ما را به حسن گوى عبادت او پس بگردان ما را

مِمَّنْ يَرْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ وَيَدِينُ لَكَ

از آنكه رعایت کند آن حق رعایت آن و دستگى کند ترا

بِاعْتِقَادِ التَّسْلِيمِ لِحُكْمِ أَمَانَةٍ وَيَفْرَغُ

باعتقاد كردن به تو و بگذاشتن حكم آن را و بماند برد

باعتقاد كردن به تو و بگذاشتن حكم آن را و بماند برد



إِلَى الْإِقْرَانِ مِلْسًا بِهِ وَمَوْضِحَاتٍ

بومی از او است یعنی در این دو ای که می باشد

بَيِّنَاتٍ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَى

پیشانی او یا خداوند ما را بر سرستی که تو در دست داری این را

نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَمَلًا

منزه خود محمد رحمت کند خدا می بخشد بر او و آل او و عترت علی

وَالْهَمَّةُ عِلْمٌ عَجَائِبُهُ مُكْمَلًا

دانش حق در او و کمال این عجایب او این که کامل است

وَوَرِّثْنَا عِلْمَهُ مَفْسَرًا وَفَضَّلْنَا

و میراث دادی ما علم این را و تفسیر کردی و ما را

عَلَى مَنْ جَهِلَ عَلَيْهِ وَقَوَّيْنَا عَلَيْهِ

بر او که نه است علم او را و دوست داری او را

لِنَرْفَعَنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ يَطْفُؤْ حِمْلَهُ اللَّهُمَّ

تا اینکه بر داری ما را بالای آنکه نتواند بر سر چنگد خداوند

فَكَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حِمْلًا

بسیار چنانکه کردی دلهای ما را از برای او در انداز

وَعَرَفْنَا بِرَحْمَتِكَ شَرْفَهُ وَفَضَّلَهُ

و شناختیم با رحمت تو عزت او را و فضل او را

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ وَعَلَى آلِهِ

ای محمد خطیب است او را و صلوات بر او و آل او

الْحُزْنَ لَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْ يَعْزُرُ

که غمنا کند او را و ما را از آن که عزت کند

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في القرآن
مناجاة لكل محتاج
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
اللهم صل على محمد
وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم المرسلون
والأوصياء
والخلفاء
والإمامين
والعزما
والأئمة
والسادة
والأعلام
والأركان
والأساطين
والأركان
والأساطين
والأركان
والأساطين

بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ حَتَّى لَا يُعَارِضَنَا

باید که او از نزد تو است تا آنکه معارضه کند ما را

الشَّكُّ فِي تَصَدِّيقِهِ وَلَا يَخْتَلِفُنَا

شک در تصدیق او و در بعضی این امور با هم نمی افتد

الرَّيْبُ عَنْ قَصْدِ طَرِيقِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ

بر این که از قصد کردن راه او باشد و از انحراف او

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ بَعِثِهِمْ

بر محمد و آل او و بگردان ما از آنکه در میان او

يُحْبِلُهُ وَيَأْوِي مِنَ الْمُنْشَأِ بِهَاتِ

در میان او و پناه میبرد از چیزی که می آید

إِلَى حَرْزِ مَعْقِلِهِ وَلَيْسَ كُنْ فِي ظِلِّ

بر این که در محمّد و آل او و در سایه ای نباشد در سایه

جَنَاحِهِ وَيَهْتَدِي بِضَوْءِ صَبَاحِهِ

بر این که در راه صبح و در روشنی صبح او

وَلَا يَلْتَمِسُ الْهُدَى فِي غَيْرِ اللَّهِ هُمْ وَكَمَا

در جستجوی هدایت در غیر خداوند او و همانند

نَضَبَتْ بِهِ مُحَمَّدًا عُلَمَاءُ لِلدَّلَالَةِ عَلَيْكَ

بر او و بر محمد است و علمای او برای هدایت او

وَأَنْهَجَتْ بِآلِهِ سَبِيلَ الرِّضَا إِلَيْكَ

و از ایشان که با آل او راه رضا را به سوی تو

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ

بر این که بر محمد و آل او و بگردان آن مستعد را

و یقین داری بشمار اسفار و استیضای مضامین
و یقین داری بشمار اسفار و استیضای مضامین

وَسَبِيلَهُ لَنَا إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ

رسیده از برای من سوی بهترین منزلهای

الْكَرَامَةِ وَسَلَّمًا نَعْرُجُ فِيهِ إِلَى حَجَلِ

کرامت و زود باقی که بالا روم در آن سوی عالمگاه

السَّلَامَةِ وَسَبَبًا نَجْزِي بِهِ الْحَاجَةَ فِي

سبب رسید که قدم ندیم با آن سببکاری را دور

عَرَصَةِ الْقِيَمَةِ وَذَرِيعَةً نَقْدِمُ بِهَا

عرصه قیامت و وسیله که قدم ندیم با آن

عَلَى نَعِيمِ دَارِ الْمَقَامَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

بر نعمت رسالت ای اقامت خداوند از رحمتش

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقَلُ

محمد و آل او و بسجده از بسجده آن از ما سنگینی

الْأَوْزَارِ وَهَبْ لَنَا حُسْنَ شَمَائِلِ

کنان را و بخشش بارها سنگینی صفتی

الْأَبْزَارِ وَاقِفُ بِنَا أَثَارَ الَّذِينَ قَامُوا

سنگین کاران و در بر روی عظمایان است نهایی آن همه استنداد

لَكَ بِهِ أَنَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ

از برای من آن زمان قیامت و آن را ای دور

حَتَّى يُطَهَّرَنَا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ يَبْطِينُهُ

تا آنکه پاک کند از هر دغس که پنهانی با آن

وَتَقْفُو بِنَا أَثَارَ الَّذِينَ اسْتَضَاءُوا بِنُورِهِ

در بر روی من با آن استنداد نهایی آن همه روشنی استنداد

الَّتِي ضَعُفَتْ الْجِبَالُ الزَّوْاسِي عَلَيَّ
که سست شد کوههای من
صَلَايْنَهَا عَنْ اِحْتِمَالِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
و درود کنی بر او از برداشتن آن خداوندگار بزرگوار
عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَاَدِمْ بِالْقُرْآنِ صَلَاحَ
یا محمد و آل او و دایم دار قرآن را صلاح
ظَاهِرِنَا وَاخْبِثْ بِهِ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِ
ظاهر ما را و آشفته کن خطرات بنی و وسوسه
عَنْ صِحَّةِ ضَمَائِرِنَا وَاغْسِلْ بِهِ دَرَنَ
از درستی اندیشه های ما و بشوی با آن مسک
قُلُوبِنَا وِعَلَّائِقَ اَوْزَارِنَا وَاَجْمَعْ بِهِ
دل های ما را و علایق کف آن را و درهم آور آن
مُنْتَشِرَ اُمُورِنَا وَاَرْوِبْهُ فِي مَوْفِقِ الْعَرْشِ
پراکنده گی کارهای ما را و بپوش آن در موقف عرش
عَلَيْكَ ظِمًا هُوَ اَجْرُنَا وَاَكْسِنَا
بر تو شش گرم که پادای ما را و بپوش آن ما را
بِهِ حُلَّ الْاَمَانِ يَوْمَ الْفَرَقِ الْاَكْبَرِ فِي
با آن صب می امن روزی که در روز بزرگ در
نُشُورِنَا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَاخْبِرْ
بر بختن ما خداوند ارجمند بزرگوار بر محمد و آل او و خبر کن
بِالْقُرْآنِ خَلَسْنَا مِنْ عَدَمِ الْاِمْلَاقِ
بقرآن در دوشی ما را از عدم اجتناب

وَسُوْ



این دعا را هر روز بخواند که از هر گناهی که بخواهد بر او آید محفوظ بماند و در روز قیامت از هر گناهی که بخواهد بر او آید عفو شود

وَسُقِّ الْيَنَابِهَ رَغْدًا الْعَيْشِ وَخَصْبِ

درود کن بر سر یابی از اجای عیش در نای

سَعَةِ الْأَرْزَاقِ وَجَنِّبْنَاهِ الضَّرَائِبِ

از اجای روز نیب و دور دار ما را از ضرایب

الْمَذْمُومَةِ وَمَدَانِي الْأَخْلَاقِ وَ

مذمومه و مدانی اخلاق و

اغْصِنَانَاهُ مِنْ هَوَى الْكُفْرِ وَ

نگاه دار ما را از کفر و

ذَوَاعِي الْبِقَاقِ حَتَّى يَكُونَ لَنَا

دوای بقاق تا شود برای ما

فِي الْقِيَمَةِ إِلَى رِضْوَانِكَ وَجَنَانِكَ

در روز قیامت بر سر رضوانت و جنانت تو

قَائِدًا وَلَنَا فِي الدُّنْيَا عَنْ سُخْطِكَ

کننده و از برای ما در دنیا از خشم تو

وَتَعْدِي حُدُوكَ ذَائِدًا وَلَمَّا عِنْدَكَ

و در گذشت از حدود تو بخشنده و از برای آنکه در کنار تو

يُخْلِلُ خَلَالَهُ وَتَحْرِيمِ حَرَامِهِ شَاهِدًا

مخلل کردن خدایت را و حریم کردن حرام آن گواهی دهنده

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَهَوِّنْ بِالْقُرْآنِ

خدایا بر محمد و آل او در آسایش کن با قرآن

عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا كَرًّا

نزد مرگ بر نفسهای ما آسوده

این دعا را هر روز بخواند که از هر گناهی که بخواهد بر او آید محفوظ بماند و در روز قیامت از هر گناهی که بخواهد بر او آید عفو شود



السِّيَاقَ وَجَهْدَ الْإِنِّينِ وَتَرَادُفَ

دقت زینت نادر کردن دلی در پی بندن

الْحَشَارِجِ إِذَا بَلَغَتِ النَّفُوسُ التَّرَاقِي

عزیزان چون برسد جان بکیندی کردن

وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ وَتَجَلَّى مُلْكُ الْمَوْتِ

و گفته شود کجاست حاکم و ظاهر شود ملک الموت

لِقَبْضِهَا مِنْ حُجُبِ الْغُيُوبِ وَرَفَاهَا

از برای تن آید از پردای عیبها و انداختن آنرا

عَنْ قُوسِ الْمَنَائِيَا بِأَسْهُمٍ وَخَشَّةِ الْفَرَا

از کمان بر لب نیزای دشت صدای

وَدَنَا مَنَا إِلَى الْآخِرَةِ وَحِيلَ وَإِطْلَاقُ

و نزد آمدن ما سوی آخرت گنج کردن و در آید

وَصَارَتِ الْأَعْمَالُ قَلَالَةً فِي الْأَعْنَافِ

و بگرد کردارها قلایا در گردن

وَكَانَتِ الْقُبُورُ هِيَ الْمَأْوَى

و باشد قبرها آسایشگاه

إِلَى مِيقَاتِ يَوْمِ التَّلَاقِ اللَّهُمَّ صَلِّ

تا وقت ایستگاه رسیدن خدایا صلوات

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَارِكْ لَنَا فِي حُلُولِ

بر محمد و آل او و ببارک ده ما در ورود آمدن

ذَارِ الْبَلَى وَطُولِ الْمَقَامَةِ بَيْنَ أَطْبَاقِ

درازای آفت و درازای ایستگاهت کسریا بلغندی

و داف لها من غنا و الفاظ صمد و المذاق

الزَّيْ



النَّارِ وَاجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ فِرَاقِ

فکر در بگردان قبردار بعد از فراق

الدُّنْيَا خَيْرَ مَنَازِلِنَا وَافْسَحْ لَنَا

دین بهترن منزلگه ای ما رویت دایم برامی

بِرَحْمَتِكَ فِي ضِيَوَةِ أَحَدِنَا وَلَا تَقْضَحْنَا

بدرمت خود در شعله ای که دای ما رویت دایم برامی

فِي حَاضِرِ الْقِيَامَةِ بِمُوبِقَاتِ آثَامِنَا

در میان حاضران قیامت به کارکننده ای گناهان

وَارْحَمْ بِالْقُرْآنِ فِي مَوْقِفِ الْعَرْضِ

در محبت خود در موقف عرض

عَلَيْكَ ذَلِكَ مَقَامِنَا وَثَبِّتْ بِهِ عِزَّنَا

بر تو خودی مقام دارا و ثابت ساز باقی عزت

اضْطِرَّابِ جَسَدِهِمْ يَوْمَ الْحِجَازِ

در زمین بدن بر زمین روز که شتر

عَلَيْهَا زَلَّ أَقْدَامُنَا وَتَجَنَّبَ مِنْ كُلِّ

بر آن لغزیدن نه بمانی مارا دوران درازان از هر

كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَشَدَّ أَيْدَاهُ

از هر کس روز رستخیز دانه سختیهای بر دای

يَوْمَ الظَّامَةِ وَبَيَضَ وَجُوهُنَا يَوْمَ

روز عطش کننده رویت دای روزی

تَسْوَدُّ وَجُوهُ الظَّالِمَةِ فِي يَوْمِ الْحَسْرِ

کوسه یارود رویه ای ستمکاران در روز حسرت

در روز قیامت

در روز قیامت

وَنُفُورِهِ قَبْلَ الْقَبْرِ
مُسْتَقْفُ قُبُورِنَا وَاللَّيْسَانِ
يُرْجَلُ لَأَمَانِ يَوْمِ الْقُرْعِ
لَا تَكْأَبُ فِي شَوْشِ

در روز قیامت



وَالْتَدَامَةَ وَاجْعَلْ لَنَا فِي صُدُورِ

المُؤْمِنِينَ وَذَوَاوَلَا تَجْعَلِ الْحَقَّ عَلَيْنَا
نَكِدًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ

وَرَسُولِكَ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتَكَ وَصَدِّعْ

بِأَمْرِكَ وَنُصِّحْ لِعِبَادِكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ

بَيْنَنَا صَلَواتَكَ عَلَيْهِ وَعَلَى الْيَوْمِ

الْقِيَمَةِ أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مِنْكَ مَجْلِسًا

وَأَمَّا كَنَّهُمْ مِنْكَ شَفَاعَةً وَاجْلِسْ

عِنْدَكَ قَدْ دَاوَاوَجْهَهُمْ عِنْدَكَ

جَاهًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَشَرِّفْ بَنِيانَهُ وَعَظِّمْ رُفْهَانَهُ وَثَقِّلْ

مِيزَانُهُ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَقَرِّبْ سُبُلَهُ

ترانه ای او را بر پیشانی حق است او را درون گواهی سبیل او

وَيَبِّضْ وَجْهَهُ وَأَيِّمُ نُورَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ

و جمع کند چهره ای او را و تمام کند نور او را و بلند کند درجه او را

وَاحْشِنَا عَلَى سُنَّتِهِ وَتَوْفِقْنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَخُذْ

دشمنی ما را بر سنت او و دلبران ما را بر دین او و بگیر

بِنَامِنِهَا جَهْ وَأَسْأَلُكَ بِنَاسِئِلِهِ وَبِحُجَّتِهِ

ما را بر او و در پیشگاه او و در حق او و در کرم او

مِنْ أَهْلِ طَاعَتِهِ وَآخِشِنَا فِي ذِمَّتِهِ

از اهل طاعت او در امانت او در کرم او

وَأُورِدْ نَاحِوْضَهُ وَاسْقِنَا بِكَاسِهِ

و در آورده نزد او و در آید به ما

وَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوةً تَبْلُغُهُ

در حق او و در حق او و در حق او

بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ وَفَضْلِكَ

با آن بهترین آنچه آید از خیر تو و فضل تو

وَكِرَامَتِكَ إِنَّكَ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ

و کرامت تو و در حق تو و در حق تو

وَفَضْلِكَ كَرِيمٍ اللَّهُمَّ أَخْرِجْ بِمَا بَلَغَ

و فضل تو بزرگی خداوند از او و در حق او

مِنْ رِسَالِ لَانِكَ وَأَدِّي مِنْ يَانِكَ

از رسالت تو و در حق تو و در حق تو

ترانه ای او را بر پیشانی حق است او را درون گواهی سبیل او

وَنُصِّحَ عِبَادَكَ وَجَاهِدَ فِي سَبِيلِكَ

در عهد وادوات مذکور تا و کارزار در عهد وادوات

افضل ما جزيت احدا من مملكتك

مهرن اکبر جسر افاده کسی از فرشتگان

المُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ الْمُصْطَفِينَ

مقرب خود و بفرمان رسول بر لازم

وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ الطَّيِّبِينَ

در حدود ۱۰۰۰ الی ۱۵۰۰ که با کمان

الظاهرين ورحمة الله وبركاته

در کتب کلاسیک و در کتب معتبره

وكان من غائبه عليه السلام اذا نظر الى الهلاك

و بعد از دعا، حضرت قلیه السلام فرمود که : شما پاکیزه را

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ الذَّائِبُ السَّارِعُ

ای آفریده شده زمان پرگار

الْمُرْتَدِّ فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ الْمُتَصِفِ

تروندنده در منزل می نقد

فِي مَسَارِئِ فَلَكَ التَّدْبِيرِ اٰمَنْتُ بِمَنْ

در ملک تقییر کردید و ام با

تَوَرَّيْكَ الظُّلْمَ وَأَوْضَحَيْكَ الْبُهْمَ

در این وقت تو تاریم را در دهن خود نهادی

وَجَعَلْنَا آيَةً مِنْ آيَاتِ مُلْكِهِ

دکتر دانیال تراشند از کتبی پادشاهی

وَعَلَامَ

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or a note, located at the bottom of the page.

Handwritten text in Arabic script, likely a title or heading, possibly reading "كتاب..." (Book of...).

وَعَلَامَةٌ مِنْ عَلَامَاتِ سُلْطَانِهِ

وعدستی از علامت های سلطنت او

وَأَمْتَهَنَكَ بِالزِّيَادَةِ وَالنَّقْصَانِ

و فرمود که ترا بزیادتی و کم شدن

وَالظُّلُوعِ وَالْأَفْوَلِ وَالْإِلَاقِ وَالْكَسُوفِ

در آمدن و نبرد و رفتن و زلزله شدن و سیاحت

فِي كُلِّ ذَلِكَ أَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ وَالْإِلَاقِ

در همه این تو بودا هستی آن عاری دهی

إِرَادَتِهِ سَرِيعٌ سُبْحَانَهُ مَا أَحَبَّ مَا

خواست او را چنانچه بگویند که چه عجب است که

دَبَّرَ فِي أَمْرِكَ وَالطَّفَ مَا صَنَعَ فِي

تو کرد در امر تو و چه لطیف است که کرد است در

شَأْنِكَ جَعَلَكَ مِفْتَاحَ شَهْرِ حَادِثِ

که تو کردی که تو را کلید شهر حادث

لَا مَرَّ حَادِثٍ فَاسْأَلِ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكَ

از برای کسی که تا نیست میبایست از خدای پدر و کار من بگو

وَحَالَفِي وَخَالَفَكَ وَمُقَدِّرِي

و از من بکن و از من بکن و از من بکن

وَمُقَدِّرِكَ وَمُصَوِّرِي وَمُصَوِّرَكَ

و از من بکن و از من بکن و از من بکن

أَنْ يَصِلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِهِ وَأَنْ يَجْعَلَكَ

اینکه بر من برسد محمد و آل او و اینکه بفرماید ترا

نیز که بفرماید ترا
و از من بکن و از من بکن
و از من بکن و از من بکن

هِلَالٌ بَرَكَهٌ لَا تَحْقُقُهَا الْإِنَامُ

چال برکتی که نیت کردانه آن را روزی

وَطَهَانَةٌ لَا تَدْنِسُهَا الْإِنَامُ هِلَالٌ

و پاکیزگی که کثرت از آن آلودان چال

أَمِنَ مِنَ الْآفَاتِ وَسَلَامَةٌ مِنَ

آسیبی از آفات و سلامتی

السَّيِّئَاتِ هِلَالٌ سَعْدٌ لَا يُخْسِرُ فِيهِ

شریبات هلال سعادتی که گم نمی باشد در آن

وَيَمُنُ لَأَنْ كِدَمَعَهُ وَلَيْسَ لَا

و یمنی که در شک نیست و آن درستی

يُمَارِجُهُ عُسْرٌ وَخَيْرٌ لَا يَشْوِيهِ شَرٌّ

که نازد آن را دشواری و بهتری که آلوده نشود بدی

هِلَالٌ أَمِنَ وَإِيمَانٌ وَبَعْدُ وَاحْسَانٌ

چال آسیتی و ایمان و بعد و احسان

وَسَلَامَةٌ وَسَلَامٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

و سلامتی و سلامی خداوند ما را رحمت کن

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي

محمد و آل او و بگردان ما را از براضی ترین

مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ وَارْكَى مَنْ نَظَرَ

کسی که بر او بگردد و از کسی که نظر کرد

إِلَيْهِ وَأَسْعِدْ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ

به سوی او و بخت ترین کسی را بخت کن که است به او را بخشد

وَقِفْنَا

وَوَفَّقْنَا فِيهِ لِلتَّوْبَةِ وَأَعَصَمْنَا فِيهِ

در توفیق ده ما را در این راه از پستی و بلندی و از بار بار لغو شدن

مِنَ الْحَوْبَةِ وَأَحْفَظْنَا مِنْ مُبَاشَرَةٍ

از گزند و حفظ کن ما را از مباشرت

مَعْصِيَتِكَ وَأَوْزَعْنَا فِيهِ شُكْرَ

تو را از سرافراز شدن و در وادار از تو را در این شکر

بِعَمَلِكَ وَالْبَسْنَا فِيهِ جُنَّ الْعَافِيَةِ

بیت تو و پوشان ما را در این جنت عافیه

وَأَتَمَّمْ عَلَيْنَا بِأَسْتِكَامِ الطَّامِعِ

و تمام کن بر ما سبک دلی را از طامع

فِيهِ الْمِنَّةُ إِنَّكَ الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ وَصَلَّى

در این منته است ای مونس من و ستوده و ستوده و ستوده

اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ

جسده پاک و آل پاک که پاکیزگان پاکیزگان

وَكَاثِرِينَ غَايَةَ التَّلَامُذِ إِذَا خَلَّ شَهْرُ

و کثیر از دی که محضر من سلام بر کاه و در ماه شریف

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَدِّهِ وَجَعَلَنَا

سبک بر خدا که راه موزن را بسجده و در گردن ما

مِنْ أَهْلِهِ لِنَكُونَ لِإِحْسَانِهِ

از اهل این راه تا شایسته بر احسان او را

مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلِنَجْزِيَنَّاهُ عَلَى

از شاکرین و تا بپردازیم او را بر

و کثیر از دی که محضر من سلام بر کاه و در ماه شریف

و کثیر از دی که محضر من سلام بر کاه و در ماه شریف

ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

برای آن داد پس بگو که زبان و سپاس خدا را که

حَبَانَا بِلَيْتِهِ وَاخْتَصَّنَا بِمِلَّتِهِ وَ

حق گردان را بکرم خود و مخصوص ساختن را با رحمت خود و

سَبَّلَنَا فِي سُبُلِ إِحْسَانِهِ لِنَسْلُكَهَا

در آید و ما را در راه های احسان خود تا برویم و بمانیم

بِمِلَّتِهِ إِلَى رِضْوَانِهِ حَمْدًا يَتَقَبَّلُهُ مِنَّا

بسی رحمت او به سوی خوشنودی او سپاس که بپذیرد از ما را

وَيَرْضَاهُ عَنَّا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ

در امانی خود را از ما و سپاس خدا را که کرد این

مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرٌ شَهْرٌ شَهْرٌ رَمَضَانُ

از این راه ها ماهی ماهی ماهی ماه رمضان

شَهْرُ الصِّيَامِ وَشَهْرُ الْإِسْلَامِ وَ

ماه روزه و ماه اسلام

وَشَهْرُ الظُّهُورِ وَشَهْرُ التَّحِيصِ وَ

ماه ظهور و ماه تکمیل

شَهْرُ الْقِيَامِ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ

ماه ایستادن و در آن نازل شد قرآن

هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى

چراغ هدایت برای مردم را و دلایل روشن از هدایت

وَالْفُرْقَانِ قَابَانِ فَضِيلَتَهُ عَلَى سَائِرِ

و جدا کردن پس روشن کرد فضیلت آن را بر دیگر

الشهور

این ماه است که در آن نازل شد قرآن و در آن تکمیل شد اسلام و در آن ظهور یافت و در آن ایستاد و در آن هدایت یافت و در آن جدا شد از بقیه

موسسه

الشُّهُورَ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرْمَاتِ

المُوقُوتِ وَالْفَضَائِلِ الْمَشْهُورِ

فَحَرَّمَ فِيهِ مَا أَحَلَّ فِي غَيْرِهِ إِعْظَامًا

وَحَجَرَفِيهِ الْمَطَاعِمَ وَالْمَشَارِبَ

أَكْثَرًا مِمَّا وَجَعَلَ لَهُ وَقَفَاتٍ بَيْنَ الْأَ

يَحِيزُ جُلُوعًا وَأَنْ يَقْدَمَ قَبْلَهُ وَلَا

يَقْبَلُ أَنْ يُؤَخَّرَ عَنْهُ ثُمَّ فَضَّلَ لَيْلَةَ

وَاحِدَةً مِنْ لَيَالِيهِ عَلَى لَيَالِي الْفِ

شْهُرٍ وَسَمَّا هَٰذِلَيْلَةَ الْقَدْرِ تَنْزِيلُ

الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا يَأْتِي

رَبُّهُمْ مِنْ كُلِّ أَمْرِ سَلَامٌ دَائِمٌ

در شبهای چهارشنبه
در روزهای چهارشنبه
در روزهای چهارشنبه

الْبَرَكَهَ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ عَلَى مَرْتَبَاتٍ

بَرَكَتِ أَنْ هَلْ هُوَ مَسِيحٌ بِرَأْسِهِ كَمَسْجِدٍ

مِنْ عِبَادِهِ بِمَا أَحْكَمَ مِرْقَاضَهُ

از پند کانی که میگویند از نضای خود

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآلِهِنَا

خداوند رحمت بر محمد و آل او در دال و آل او

مَعْرِفَةِ فَضْلِهِ وَاجْلَالِ حُرْمَتِهِ وَ

شأن فضل آن در بزرگداشت حرمت آن

التَّحْقِظِ مِمَّا حَظَرَتْ فِيهِ وَاعْتِنَا عَلَى

نگاه داشتن خداوند از آنچه نامرده در آن و پارسایی در بار

صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ

روزه داشتن آن بازداشتن همه اعضا از

مَعَاصِيكَ وَاسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا

کنایان تو و کار در روز آن در آن که

يَرْضِيكَ حَتَّى لَا نَضْغِيَ بِأَسْمَاعِنَا إِلَى

درست نماند تا آنکه نماندیم کوشش یقینا بر روی

لَعْوٍ وَلَا نَسْرِعَ بِأَبْصَارِنَا إِلَى لَهْوٍ

از روی درشتنیم و بیای خود بر روی بازی

وَحَتَّى لَا نَبْسُطَ أَيْدِينَآ إِلَى مَخْطُورٍ

و تا آنکه نمانیم دستهای خود را بر روی بازی

وَلَا نَخْطُو بِأَقْلَامِنَا إِلَى مَخْجُورٍ وَحَتَّى

و تا که نمانیم قدمهای خود را بر روی ممانده و تا

لَا تَعْبَى بَطُونَنَا إِلَّا مَا أَخْلَلَتْ وَلَا
 تَنْطِقَ السِّنْتَنَا إِلَّا بِمَا مَثَلَتْ وَ
 لَا تَكْلِفْ إِلَّا مَا يُدْنِي مِنْ تَوَالِكَ
 وَلَا تَشْغَطْ إِلَّا الَّذِي بَقِيَ مِنْ
 عِقَابِكَ ثُمَّ خَلِّصْ ذَلِكَ كُلَّهُ
 مِنْ رِيَاءِ الْمُرَائِينَ وَسَمْعَةِ الْمُسْمِعِينَ
 لَا تَشْرِكْ فِيهِ أَحَدًا دُونَكَ وَلَا تَبْتَغِ
 بِهِ مُرَادًا سِوَاكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ وَفَقِّنَا فِيهِ عَلَى مَوَاقِفِ
 الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِي
 حَدَّثَتْ وَفَرُوضِهَا الَّتِي فَرَضَتْ

نگاه ندارد که بپایان آن که آنکه سال را در آن

که بگوید از آن بپایان آن که آنکه بگوید از آن

زحمت کنیم در کاری که آنکه نزدیک کرده باشد

دست اندازیم که آنکه نگاه دارد از

عقابت تو پس خالص گردان آن را

از رویان رویان که آن در سمع و بوی

در شریک تو در آن کسی را غرض تو

در آن مرادی سواي تو مسند او در هر دو

در آن دو دو وقت نماز در آن بر وقت

نمازهای پنجگانه که ای آن که

بپوش کرده دو اوجهای آن که در صاف

این است که در این
 در این است که در این
 در این است که در این
 در این است که در این

در این است که در این
 در این است که در این
 در این است که در این
 در این است که در این

وَوَظَّائِفُهَا الَّتِي وَظَّفَتْ وَأَوْقَاتُهَا

در شرطی آن که شرط کرده اند و وقتها می آن

الَّتِي وَقَّتْ وَأَنْزَلْنَا فِيهَا مَنَازِلَهُ

که تعیین فرمود و نزده آری را در آن در مسکن بر

الْمُصِيبِينَ لِنُأْزِلَ لَهَا الْخَافِظِينَ

که می گرسیده اند بنازل این نگه دارنده اند

لَا رُكَاةَ لَهَا الْمُؤْتِمِنِينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا

در که رکنها را بر که می آورند بر آن در وقتها می آن

عَلَى مَا سَنَّ عِبْدُكَ وَرَسُولُكَ

بر آن که گرسنه کرده اند و رسول خود را

صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَإِلَيْهِ رُكُوعُهَا

در حقیقتی تو بر او و الی او در رکوع اینها

وَسُجُودُهَا وَجَمِيعُ قَوَائِلِهَا عَلَى

در سجود اینها در همه فصلهای اینها

أَتَمِّ الظُّهُورِ وَأَسْبَغِهِ وَأَيْتِ الْخُشُوعِ

تا اتم تر پس بر پشت و که مگر بر آن در پیش بر روی

وَأَبْلَغِهِ وَوَقَّفْنَا فِيهِ لَأَنْ نُّضِلَّ

در بیش تر بر آن در وقتها و در آن برای اطمینان پس

أَرْحَامَنَا بِالْيَمِّ وَالصَّلَاةِ وَأَنْشَأَهُدَّ

نوشته اند در یمن و در نماز و آنرا بنیاد

جِبْرَانًا بِالْأَفْضَالِ وَالْعَطِيَّةِ

برای بندگان و در افاضل و عطا

وَأَنَّ

اینها در نماز است
در وقتها و در آن
در سجود و در رکوع
در پیش و در پشت
در یمن و در افاضل
در عطا و در بندگان



وَأَنْ تَخْلَصَ مَوَالِنَا مِنَ السَّعَاتِ

وایکده خالص کردیم با نای خود را از حقوق مردم

وَأَنْ نُطَهِّرَ هَا بِأَخْرَاجِ الزَّكَّاتِ

وایکده پاک کردیم با اخراج زکات از کثرت

وَأَنْ نُرَاجِعَ مَنْ هَاجَرَنَا وَأَنْ تُصَفِّ

وایکده بازگردیم به کسی که دوری از ما کرده و ای یکده

مَنْ ظَلَمْنَا وَأَنْ تُسَالِمَ مَنْ عَادَ إِذَا حَاشَا

با کسی که ستم کرده را و ای یکده سستی کن با کسی که دشمنی کرده با ما

مَنْ عَوْدِي فِيكَ وَلَكَ فَاتَهُ الْعَدُو

ای یکده دشمنی کرده با من در راه تو و ای یکده دشمنی کرده با من

الَّذِي لَا تَوَالِيهِ وَالْحَرْبُ الَّذِي

که دولت من را در راه تو و ای یکده که در راه تو

لَا تُضَافِيهِ وَأَنْ تُتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ

صاف من را در راه تو و ای یکده نزدیک شو به من در راه تو

مِنْ الْأَعْمَالِ الزَّائِكِيَةِ بِمَا تُطَهِّرُنَا

از کارهای بی پاینده با آنچه پاک می کند ما را

بِهِ مِنَ الذَّنُوبِ وَتَعْصِمُنَا فِيهِ

با حق از گناهان و ای یکده نگاه دار ما را در راه تو

لَسْنَا نَفُ مِنْ الْعُيُوبِ حَتَّى لَا يُوْرِدَ

از ستمگری ما تا آنکه نیاید

عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِكَتِكَ

بر تو یکی از فرشتگان تو

وای یکده که در راه تو
وای یکده که در راه تو
وای یکده که در راه تو

وای یکده که در راه تو
وای یکده که در راه تو
وای یکده که در راه تو

الَادُونِ مَا نُورِدُ مِنْ أَبْوَابِ الطَّاعَةِ

ترجمه این دعا که در او سه بار از باب می فرموده اند

لَكَ وَأَنْوَاعِ الْقُرْبَى إِلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي

ترجمه این دعا که در او سه بار از باب می فرموده اند

أَسْئَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ وَبِحَقِّ مَنْ

ترجمه این دعا که در او سه بار از باب می فرموده اند

تَعَبَدَ لَكَ فِيهِ مِنْ ابْتِدَائِهِ إِلَى وَقْتِ

ترجمه این دعا که در او سه بار از باب می فرموده اند

فَنَائِهِ مِنْ مَلِكِ قُرْبَتِهِ أَوْ بَنِي أَرْسَلْتَهُ

ترجمه این دعا که در او سه بار از باب می فرموده اند

أَوْ عَبْدِي صَالِحٍ اخْتَصَصْتَهُ أَنْ تَصَلِّيَ

ترجمه این دعا که در او سه بار از باب می فرموده اند

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاهْلُنَا فِيهِ لِمَا وَعَدْتَ

ترجمه این دعا که در او سه بار از باب می فرموده اند

أَوْلِيَانِكَ مِنْ كَرَامَتِكَ وَأَوْجِبْ

ترجمه این دعا که در او سه بار از باب می فرموده اند

لَنَا فِيهِ مَا أَوْجِبْتَ لِأَهْلِ الْمُبَالَاةِ

ترجمه این دعا که در او سه بار از باب می فرموده اند

فِي طَاعَتِكَ وَاجْعَلْنَا فِي نَظْمٍ مِنْ

ترجمه این دعا که در او سه بار از باب می فرموده اند

أَسْتَحِقُّ الرَّفِيعَ الْأَعْلَى بِرَحْمَتِكَ

ترجمه این دعا که در او سه بار از باب می فرموده اند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَجَبِّتْنَا

خداوند ارادت بفرست بر محمد و آل او و دور گردان ما را

إِلَّا الْحَادِثِي تَوْحِيدِكَ وَالتَّقْصِيرِي

از گردیدن حق در یکجائی تو و تقصیر در

تَحْيِيدِكَ وَالشَّكَّ فِي دِينِكَ وَالْعَمَلِي

بزرگداشتن تو و شک در دین تو و کاری

عِزِّ سَبِيلِكَ وَالْإِعْثَالَ لِحُرْمَتِكَ

از راه تو و دعت و دور کردن از حرمت تو را

وَالْإِخْتِغَاءَ لِعَدْوِكَ الشَّيْطَانِ

در پند خود از دشمن شیطان

الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ

راهنده شده خداوند ارادت بفرست بر محمد و آل او و

إِذَا كَانَ لَكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِزْلًا إِلَى

هرگاه است مژده در هر شب در شبهای

شَهْرِنَا هَذَا رِقَابٌ يَعْتَقُهَا عَقُوكَ

ما را در این ماه گردن که آزاد میکند از آفت ما را عفو تو

أَوْ يَهْبُهَا صَفْحُكَ فَاجْعَلْ رِقَابَنَا

یا می بخشد از آفت گردن ما پس گردان گردنهای ما را

مِنْ بَلَدِكَ الرِّقَابِ وَاجْعَلْنَا الشَّهْرَ نَا

از آن گردن گردن ما را از برای این ماه

مِنْ خَيْرِ أَهْلِ وَأَصْحَابِ اللَّهُمَّ صَلِّ

از بهترین اهل و اصحاب خداوند ارادت بفرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاتَّخَذُ ذُنُوبَنَا مَعَ إِتْحَاقٍ
بر محمد و آل او و گناست که با آن دارد با گناست
هَلَالِهِ وَاسْلُخَ عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ إِسْلَاحٍ
در آن روزی آن را بکشد سقن شود از ما و حال کند با گناست که گناست
آيَامِهِ حَتَّى يَنْقُضِيَ عَنَّا وَقَدْ صَفَيْتُنَا
در آن روزی آن تا بکشد سقن شود از ما و حال کند با گناست که گناست
فِيهِ مِنَ الْخَطِيئَاتِ وَاخْلَصْتُنَا
در آن روزی آن را بکشد از گناست و خالص شد از گناست
فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
در آن روزی آن را بکشد از گناست خداوند در آن روزی آن را بکشد
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَإِنْ مَلْنَا فِيهِ فَعَدَلْنَا
محمد و آل او و اگر میل کنیم در آن روزی آن را بکشد
وَإِنْ زَعْنَا فِيهِ فَقَوَّمْنَا وَإِنْ شَمَلْنَا
در آن روزی آن را بکشد از گناست و اگر شمل کنیم در آن روزی آن را بکشد
عَلَيْنَا عَدُوَّكَ الشَّيْطَانَ فَاسْتَنْقِذْنَا
بر ما و دشمن تو شیطان پس در آن روزی آن را بکشد
مِنْهُ اللَّهُمَّ اشْحَبْهُ يِعْبَادَتِنَا أَيَّاكَ
از او خداوند بر ما بیاورد بر گناست که گناست
وَزَيِّنْ أَوْقَاتَهُ بِطَاعَتِنَا لَكَ وَاعِنَّا
و زیور کند وقت های او را بطاعت ما به تو و در آن روزی آن را بکشد
فِي تَهَارِهِ عَلَى صِيَامِهِ وَفِي لَيْلِهِ
در روزی آن در روزی آن در روزی آن



عَلَى



عَلَى الصَّلَاةِ وَالتَّضَرُّعِ إِلَيْكَ

نماز روزی کردن بکوی تو

وَالْخُشُوعِ لَكَ وَالذَّلَّةَ بَيْنَ يَدَيْكَ

سپردگی از برای تو و خوارگی پیش تو

حَتَّى لَا يَشْهَدَ ثَمَانٌ عَلَيْنَا بِغَفْلَةٍ

تا گواهی ندهد هفتاد و نه روز آن بر ما بخلی

وَلَا لَيْلَةٍ بِتَقْرِيطِ اللّٰهِمَّ وَاجْعَلْنَا

و نه آن به سحر و سحره ایضا و بگردان ما

فِي سَائِرِ الشُّهُورِ وَالْأَيَّامِ كَذَلِكَ

در همه ماهها و روزها همچنان

مَاعَمْرَتَنَا وَاجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ

وامر که زنده داریم ایسا و بگردان ما از همه کجا

الصَّالِحِينَ الَّذِينَ يَرْثُونَ الْفِرْدَوْسَ

شایسته کجا که میراث دهند بهشت را

هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ

و حال آنکه آن در آن عاقبت دهند و آن که صد دهند

مَّا اتُّوا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى

آنکه دهند و دلهای آن است از آنکه بگری

رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ وَمِنَ الَّذِينَ لَيْسَ أَعْمَلُهُمْ

برود و کار خود باز گردانند و از آنکه میشتانند

فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ هَاهُنَا يَقُولُونَ

در خیرات و حال آنکه این را بخیر از این میگویند

نعمت الهی است
که این دعا را بخواند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي كُلِّ

خداوند رحمت رحمت محمد و آل او در هر

وَقْتُ وَكُلِّ أَوَانٍ وَعَلَى كُلِّ

در هر یک گامی در هر

حَالِ عَدَدِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى مَنْ

شماره پنجم در علم ریاضیه

صَلَّيْتُ عَلَيْهِ وَأَضْعَافُ ذَلِكَ كَلِمَةٍ

در استوار و در او در اصناف است

بِالِاضْعَافِ الَّتِي لَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ

و ضعیفان را که نتوان کشید و از آن عذر فر

إِنَّكَ وَكَانَ مِنْ عَمَلِهِمَا فِي شَهْرِ رَجَبٍ فَعَالَ الْمَارِئِيلَ

سید مرتضیٰ موسوی خراسانی

اللَّهُمَّ نَامِرًا لَا يَرْغَبُ فِي الْخِزَاءِ وَلَا

مکمل یا اس کے زیرِ تکمیل ہوا

سَنَدُ عَلِيٍّ الْعَطَاءِ وَيَأْمُرُ لَا يَكْفِي

در تمام این کتاب

عَنْهُ عَلَى السَّوَاءِ مِنْكَ ابْتِدَاءٌ وَ

مبدأ فی سوره بقره

عَقُولُ تَقْضَىٰ وَعُقُوبَتُكَ عَدَلٌ

تفوت بعض من سويك

وَقَضَاؤُكَ خَيْرٌ وَأَزَاعُ طَيْمُ لَشَدِّ

وَصَاوِلَ الْجَنَّةِ فِي ذَوِي الْقُرْبَىٰ

نقصان تو حیرات داکرعی کرد یا منی

عظائمك

عَطَاكَ بِمَنْ وَإِنْ مَنَعْتَ لَمْ يَكُنْ
عطای خود را بکسی ندهی و اگر منع کرده بپسندیده است
مَنَعَكَ نَعْدًا بِالشُّكْرِ مَرَّ شُكْرًا
منع تو را بپسندیده است و اگر منع کرده بپسندیده است
وَإِنَّ أَهْمَتَهُ شُكْرًا وَتَكَاثُرًا
و حال آنکه تو را با هر که داده است شکر خود و تکاثر خود
مَنْ حَمْدَكَ وَإِنَّ عِلْمَتَهُ حَمْدَكَ
هر که را پسندیده است و حال آنکه تو را با هر که داده است پسندیده است
تَسْتَرْعَى عَلَى مَنْ لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ وَ
پسندیده است بر آنکه اگر خواستی راز خود را بپسندیده است
تَجُودُ عَلَى مَنْ لَوْ شِئْتَ مَنَعْتَهُ وَكَلَّا
کشف میکنی بر آنکه اگر خواستی منع کردی او را و مکرر
أَهْلُ مِنْكَ لِلْفَضِيحَةِ وَالْمَنْعِ غَيْرُكَ
پسندیده است از تو راز را و منع را بیکدیگر نیستند
بَنَيْتَ أَفْعَالَكَ عَلَى الْبَفْضِ وَالْجَرِّ
بنیاد گذاشتی کارهای خود را بر فضل و جاری است
قَدَرْتُكَ عَلَى الْجَاوِزِ وَتَلَقَّيْتُ مَنْ
قدرت خود را بر در گذشتی و در پیش آید آنکه
عَصَاكَ بِالْحِلْمِ وَأَمَهَلْتَ مَنْ قَصَدَ
عصا را بپسندیدگی و مصلحت داده هر که را قصد کرده است
لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ تَسْتَظِرُّهُمْ بِأَنَانِكَ
بر نفس خود را بپسندیدگی و مصلحت میدی آنرا با بپسندیدگی خود

ش. که بروردگار شما چو ش. از شما

کنان شماره ۱ و در آرد شماره ۱ با غنای

که میرود اندر این شهر د روزی که بر این شهر میرود

نخستین نماز که اهل آفریده اند نماز است

[illegible]

سَنَاءُكُمْ لَنَا أَوْ غَفْلَةُ الْإِلَاءِ

می رود و کارها تا حدی که در این امر اجماعی ما کنیز ما را و سبب از ما را در دست می گیرند

لِي كَلِشَيْءٍ قَدِيرٌ فَمَا عَذِرَ مَنْ

چند جنس نبات توانا می پس صفت عذری کسی

فصل دخول ذلك المنزل بعد ذلك

وَأَقْبَلَ الْوَلَدَ الْكَبِيرَ الْفَارُوقَ بْنَ عَاصِمٍ

در دبر یا می کردن در پستان و قز می اکلمه

دَدْتُ بِي السُّوْمَ عَلَى نَفْسِيكَ لِعِبَادِي

بِذِكْرِهِ فَمِنْ حَقِّهِ الْوَقْفُ

نیز از سودايش ۱۰ در سقارت گردانيدن تا بر وضو نري هيس

10

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

بِالْوَفَادَةِ عَلَيْكَ وَالزِّيَادَةِ مِنْكَ

بگویند که تو را وفای تو و زیاده‌ای که از تو است

فَقُلْتُ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَيْتَ

پس گفتمت که بزرگوار است نام تو و بلند شدی تو

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ امْتَاثِهَا

هر کس که بیاورد حسن را ده برابر است و ده برابر آن

وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يَجْزِيهِ لَامِثُهَا

و هر کس که بیاورد بد را هیچ سودی ندارد و گناهش

وَقُلْتُ مَثَلُ الَّذِينَ يُتَفَقَّوْنَ أَمْوَالَهُمْ

و گفتمت که مثل آنانی که همت می‌کنند اموال خود را

فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ انْتَبَتِ

در راه خداوند است همچو دانه‌ای که در خاک

سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ

هفت خوشه در هر خوشه صد

حَبَّةٌ وَاللَّهُ يَضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَقُلْتُ

دانه‌ای که خداوند مضاعف می‌کند برای هر کس که خواهد و گفتمت

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا

کدام است آنکه از خداوند قرض حسن می‌گیرد

فَيَضَاعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً

پس زیاده‌ای که او را می‌دهد و مضاعف می‌کند بسیار

وَمَا أُنْزِلَتْ مِنْ نَظَائِرِهِمْ فِي الْقُرْآنِ

و آنچه در قرآن از نظایر ایشان نازل شده است



مِنْ تَضَاعِيفِ الْحَسَنَاتِ وَأَنْتَ

از زیاده است بهای سگوییها و توئی

الَّذِي دَلَّلْتَهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ

و که دلالت کرده ایشان را بگفته تو از غیب تو

وَتَرَعَيْتُكَ الَّذِي فِيهِ حَظُّهُمْ عَلَى

و در غایت تو که در آن است بهایشان

مَا لَوْ سَرَّتْهُ عَنْهُمْ لَمْ تَذَرِكْهُ ابْصَارًا

و اگر پنهان نموده بودی از ایشان او را در ادراک ایشان

وَلَمْ تَعِهْ اسْمَاعُهُمْ وَلَمْ تَلْحَقْهُ أَوهَامُهُمْ

و نگذاشتی اسم ایشان و نگذاشتی آوهام ایشان

فَقُلْتُ أَذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ

پس گفتی یا و شنید مرا یا و شنید شما را

وَأَشْكُرُوا لِي وَلِأَنْ كَفَرُونَ

و شکر کنید مرا و شکر کنید مرا و کفر میکنند مرا

وَقُلْتُ لَنْ أَشْكُرَكُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ

و گفتم نمی شکر کنم از شما زیرا که زیادتر خواهم کرد از شما

وَلَنْ أَكْفُرَكُمْ إِنَّ عِلَّابِي لَشَدِيدٌ

و اگر شکر کنم از شما بر سرستی که خداست هر چه هست

وَقُلْتُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ

و گفتم بخوانند مرا اجابت میکنم بر شما را

إِنَّ الَّذِينَ يَشْكُرُونَ عَنْ

بر کسانی که شکر میکنند از

و توئی از زیاده است بهای سگوییها
و که دلالت کرده ایشان را بگفته تو از غیب تو
و در غایت تو که در آن است بهایشان
و اگر پنهان نموده بودی از ایشان او را در ادراک ایشان
و نگذاشتی اسم ایشان و نگذاشتی آوهام ایشان
پس گفتی یا و شنید مرا یا و شنید شما را
و شکر کنید مرا و شکر کنید مرا و کفر میکنند مرا
و گفتم نمی شکر کنم از شما زیرا که زیادتر خواهم کرد از شما
و اگر شکر کنم از شما بر سرستی که خداست هر چه هست
و گفتم بخوانند مرا اجابت میکنم بر شما را
بر کسانی که شکر میکنند از

عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ

از عبادت من بزودی درمیان دوزخ

دَاخِرِينَ فَسَمِيَتْ دُعَاكَ عِبَادَةٌ

حزارشدگان پس نام نهاد می خواندن خود را عبادت

وَتَرَكَهُ اسْنِيْكَبَارًا وَتَوَعَّدَتْ

دوڑک اس را کتبہ درزیہ بن محمد سائدی

عَلَى تَرْكِهِ دُخُولَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ

ترک آن داخل شدن دور حصار، خوار شدن کمان

فَذَكِّرْهُ بِيَمِّكَ وَشَكِّرْهُ

ن یاد کردند ترا بنست تو دست کردند ترا

بِفَضْلِكَ وَدَعَاكَ بِأَمْرِكَ وَتَصَدَّقُوا

بعضی تو و خواهم ترا با سرتو و استبداد کرد

لَكَ طَلَبًا لِمَزِيدِكَ وَفِيهَا كَانَتْ نَجَاتُهُمْ

ای تو کجاست که در زمان آدمی تو دور از این بوده است

من غَضَبِكَ وَفَوْزُهُمْ بِرِضَاكَ

فیروززی، فخری، کجک نوری

روز عید و فیروزه ای! من این کوشش روزی

دَلِّمُخْلَوٍ مَحْلُوفًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَى

و اگر دلاست بگوید آنست که از خود را از خود

لِلَّذِي دَلَّلْتُ عَلَيْهِ عِبَادَكَ

مِثْلَ الَّذِي دَلَّتْ عَلَيْهِ عِبَادُكَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مِنْكَ كَانَ مُحَمَّدٌ أَفْلَاكٌ اَلْحَدُّ اَوَّلُ جَدِّ

فردیست که در این شهر است و در این شهر است

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

فِي حَمْدِكَ مَدَّ هَبْ وَمَا بَقِيَ لِلْحَمْدِ

در سپاس تو در مدح تو و آنچه بماند از مدح تو

لَفْظُ تَحْمِيدِهِ وَمَعْنَى يَنْصَرِفُ إِلَيْهِ

لفظ تحمید او و معنی که منصرف شود به سوی او

يَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ

ای آنکه به عباد خود با احسان

وَالْفَضْلِ وَعَمَّرَهُمْ بِالْمِنَّ وَالظُّوْلِ

و فضل و فرموده ایشان را است و در غایت

مَا أَقْشَى فِينَا نِعْمَتِكَ وَأَسْبَغَ عَلَيْنَا

آنچه غایب است از ما از نعمت تو و در تمام کردی بر ما

مِثْلَكَ وَأَخَصَّنَا بِرِكَ هَدَيْتَنَا

مثل خود را و خاص کردی ما را به لطف تو راه را و هدایت کردی ما را

لِلدِينِ الَّذِي اضْطَفَيْتَ وَمِلَّتِكَ

برین خود را که بر گزیدیم برای دین تو و ملت خود را

الَّتِي ارْتَضَيْتَ وَسَيِّطَكَ الَّذِي

که پسندید و آن را که در راه خود را که

سَهَّلْتَ وَبَصَّرْتَنَا الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ

آسان کردی آن را و روشن کردی ما را نزد تو را

وَالْوُصُولَ إِلَى كَرَامَتِكَ اللَّهُمَّ

و رسیدن را به کرامت تو ای خداوند

وَأَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ صَفَائِي نِظَالَ

و تو کردی از صفای من نظای

در این ماه
در این روز
در این شب

وَالْأَيَّامُ

در این روز
در این شب
در این ماه

الْوُضَائِفِ وَخَصَائِرُ تِلْكَ الْفُرُوضِ

در این ماه در این روز در این شب

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي اخْتَصَصَتْهُ

در این ماه در این روز در این شب

مِنْ سَائِرِ الشُّهُورِ وَخَيْرَتُهُ مِنْ

در این ماه در این روز در این شب

جَمِيعِ الْأَزْمِنَةِ وَالذُّهُورِ وَآثَرَتُهُ

در این ماه در این روز در این شب

عَلَى كُلِّ أَوْقَاتِ السَّنَةِ بِمَا أَنْزَلَتْ

در این ماه در این روز در این شب

فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَالتَّوْرِ وَضَاعَفَتْ

در این ماه در این روز در این شب

فِيهِ مِنَ الْإِيمَانِ وَفَرَضَتْ فِيهِ

در این ماه در این روز در این شب

مِنَ الصِّيَامِ وَرَعِبَتْ فِيهِ مِنْ

در این ماه در این روز در این شب

الْقِيَامِ وَاجْلَلَتْ فِيهِ مِنْ لَيْلَةِ

در این ماه در این روز در این شب

الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنَ أَلْفِ شَهْرِ

در این ماه در این روز در این شب

تَمَّ اثْرَتَانِيهِ عَلَى سَائِرِ الْأَيَّامِ وَاضْطَفَيْنَا

در این ماه در این روز در این شب

بِقَضَائِهِ



بِفَضْلِهِ دُونَ أَهْلِ الْمَلِكِ فَصْنًا

تعظیم است آن

بِأَمْرِكَ نَهَارُهُ وَقَمْنَا بِعَوْنِكَ لَيْلُهُ

بامروز روز آن را در دوستی بجاری و شب آن را

مُنْعَرِضِينَ بِصِيَامِهِ وَقِيَامِهِ لَنَا

بیش از آنکه گمان بدوزه آن در خور است آن بر کبریا

عَزَّيْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ وَتَسْتَبْنَا

فرمانش بر ما از دای آن از رحمت تو در سباحت

إِلَيْهِ مِنْ مَثُوبَتِكَ وَأَنْتَ الْمَلِكُ

بروی آن از ثواب تو و تو پادشاه

بِمَا رَغِبَ فِيهِ إِلَيْكَ الْجَوَادِمَا

بر آنکه رفت کرده اند به تو آن سوی تو گشتند و آنکه

سُئِلَتْ مِنْ فَضْلِكَ الْقَرِيبُ إِلَى

در خواست کننده از فضل تو نزدیک بروی

مَنْ حَاوَلَ قُرْبَكَ وَقَدْ أَقَامَ فِينَا

آنکه قصد کرده است نزدیکی ترا در همین که مقام کرد و میان ما

هَذَا الشَّهْرُ مَقَامَ حَمْدٍ وَصَحْبِنَا

این ماه مقام ستوده در صحبت کز ما

صُحْبَةُ مَبْرُورٍ وَارْتَجْنَا أَفْضَلَ

صحبت بستانده بود و دانما بهترین

أَرْبَاحِ الْعَالَمِينَ تَمْ قَدْ فَارَقْنَا عِنْدَ

کردای عالمیان پس بحق که خدایت کردار از ما

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والحمد لله رب العالمين

تَمَامُ وَقْتِهِ وَانْقِطَاعُ مُلْكِهِ وَوَفَاءُ
 تَم شدن وقت آن و منتهی شدن زمان او و تمام شدن
 عَهْدِهِ فَتَحْنُ مَوَدِّعُوهُ وَدَاعُ مَنْ عَزَّ
 شمار آن پسند و دوای بختند و مودع او را و دواعی که او را بختند
 فِرَاقَهُ عَلَيْنَا وَغَمْنَا وَوَحْشْنَا ابْنُ
 فراق او بر ما و اندوهگین گفتم و وحشت ما را کرد و
 عَنَّا وَلِزَمْنَا لَهُ الدِّمَامُ الْمَحْفُوظُ وَ
 از ما و دامن شد ما را از برای او دمانی که نگاه داشته شده
 الْحُرْمَةُ الْمَرْعِيَّةُ وَالْحَقُّ الْمَقْضَى فَتَحْنُ
 و حرمت رعایت کرده شده و حق گذارده شده پس
 قَائِلُونَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ
 گویند و می گویند سلام بر تو ای ماه
 الْأَكْبَرُ وَيَا عِيدَ أَوْلِيَاءِهِ الْأَعْظَمُ
 بزرگترین عید و ای عید دوستان بزرگ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَكْرَمَ مَصْحُوبٍ
 سلام بر تو ای گرامی ترین محسوب شده
 مِنْ الْأَوْقَاتِ وَيَا خَيْرَ شَهْرٍ مِنْ
 از وقتها و ای بهترین ماه از
 الْأَيَّامِ وَالسَّاعَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 روزها و ساعات سلام بر تو
 مِنْ شَهْرٍ قَرُبَتْ فِيهِ الْأَمْالُ وَتَشَرَّتْ
 از ماهی که نزدیک شد در آن آرزوها و پراکنده شدند

این دعا را در روز
 جمعه بخواند
 هر که بخواند
 از او بیاید
 فقر و غنا
 و از او بیاید
 فقر و غنا



فِيهِ الْأَعْمَالُ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ قَرِينِ

در آن کردار است سلام بر تو باد از منی

جَلَّ قَدْرُكَ مَوْجُودًا وَاجْتَمَعَ قَفْصُكَ

که ز کبریا قدر او در قفسی که پر بود

مَقْقُودًا أَوْ مَرْجُومًا فِرَاقُهُ السَّلَامُ

دوختی که یا دوست را میبرد یا میزند و کلامی که ناز و سلام

مِنْ أَلِيفِ النَّاسِ مُقْبِلًا فَسَرَّ وَأَوْحَشَ

از دستش می آید که آید در میان مردم و در میان دشمنان و دوستان

مُنْقَضِيَا فَمَضَى السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ

در میان دو کس که قطع شد و کلامی که سلام بر تو باد

حُجَاوِرَ رَقَّتْ فِيهِ الْقُلُوبُ وَقَلَّتْ

در میان دو کس که در آن دلها رفته و کم شده

فِيهِ الذُّنُوبُ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ نَاصِي

در آن کس که در آن سلام بر تو باد از ناصیه

أَغَانِ عَلَى الشَّيْطَانِ وَصَاحِبِ سَقَل

که با او ای داد بر شیطان و صاحب سقلا

سُبُلِ الْإِحْسَانِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

سازجای راهی را سلام بر تو باد

مَا أَكْثَرَ عُنُقَاءَ اللَّهِ وَمَا أَشْعَدَّ

چه بسیار است آزار دهنده ای خدا و چه بدتر است

مَنْ رَعَى حُرْمَتَكَ بِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ

کسی که رعایت کرد حرمت تو را بخود سلام بر تو

در آن کس که در آن سلام بر تو باد از ناصیه
در آن کس که در آن سلام بر تو باد از ناصیه
در آن کس که در آن سلام بر تو باد از ناصیه
در آن کس که در آن سلام بر تو باد از ناصیه
در آن کس که در آن سلام بر تو باد از ناصیه
در آن کس که در آن سلام بر تو باد از ناصیه
در آن کس که در آن سلام بر تو باد از ناصیه
در آن کس که در آن سلام بر تو باد از ناصیه
در آن کس که در آن سلام بر تو باد از ناصیه
در آن کس که در آن سلام بر تو باد از ناصیه



مَا كَانَ أَحْمَاكَ لِلذُّنُوبِ وَاسْتَرْكَ

نموده بگفتن آن را بوجهی باشد

لِأَنْوَاعِ الْعُيُوبِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

از نوع عیبها سلام بر تو

مَا كَانَ أَطْوَلَكَ عَلَى الْمُحْرِمِينَ وَاهْبِئَكَ

چه بوده بدراز برکنندگان کاران و چه بکنندگان

فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ

در سینه‌های مؤمنان سلام بر تو

مِنْ شَهْرِ لَا تَنَافِسُهُ الْأَيَّامُ السَّلَامُ

از ماهی که هیچی کند از او روزها سلام

عَلَيْكَ مِنْ شَهْرِ هُوَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ

بر تو از ماهی که او از هر امری سالی است

السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرَ كَرِيمِ الْمُصْطَفَى

سلام بر تو ای کریم و شایسته مصطفی

وَلَا ذَمِيمِ الْمَلَأَسَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

و نه کمزور و پست آسمانی سلام بر تو

كَمَا وَقَدْتَ عَلَيْنَا يَا بَرَكَاةَ وَغَسَلْتَ

چونکه داری بر ما برکت و شست

عَنَادَ لَسِ الْخَطِيئَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

از لیس گناهان سلام بر تو

غَيْرَ مُوَدَّعٍ بَرْمًا وَلَا مَتْرُوكٍ صِيَامُهُ

نه دوازدگانه از روی دوستی و نه روزه از روی دشمنی

که خطه
مسلم

از آن که در شهر

سَلَامًا



سَأْمًا السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ مَطْلُوبٍ

از روی طاعت سلام بر تو باد از آن طلب که بخواهد

قَبْلَ وَقْتِهِ وَحُزُونٍ عَلَيْهِ قَبْلَ فَوْقِهِ

پیش از وقت آن و اندوه پیش از او و پیش از او

السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمِنْ سُوءٍ صُرِفَ

سلام بر تو بجز از بدی که گردیده باشد

بِكَ عَنَّا وَكَمِنْ خَيْرٍ أَفِضَ بِكَ

بجز از ما و بجز از خوبی که بر تو انعام شده است

عَلَيْنَا السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ

سلام بر تو و در شب قدری

الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ السَّلَامُ

که است بهتر از هزار ماه سلام

عَلَيْكَ مَا كَانَ أَحْرَضَنَا بِالْأَمْسِرِ

بر تو چه بود که ما را از آسایش دور کرد

عَلَيْكَ وَأَشَدَّ شَوْقَنَا عِلَّا إِلَيْكَ

بر تو و چه بیشتر اشتیاق ما به سوی تو

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى فَضْلِكَ الَّذِي

سلام بر تو و بر فضل تو که

حُرْمَتُهُ وَعَلَى مَاضٍ مِنْ بَرَكَاتِكَ

محرمانه او و بر گذشته از بركات او

سَلِّبْنَاهُ اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ

که در این شهریم ای خداوند ما را از این شهر

بعد از

از روی طاعت

سلام بر تو

بجز از بدی که گردیده باشد

بجز از ما و بجز از خوبی که بر تو انعام شده است

که است بهتر از هزار ماه سلام

بر تو چه بود که ما را از آسایش دور کرد

بر تو و چه بیشتر اشتیاق ما به سوی تو

سلام بر تو و بر فضل تو که

محرمانه او و بر گذشته از بركات او

که در این شهریم ای خداوند ما را از این شهر

که در این شهریم ای خداوند ما را از این شهر

الَّذِي شَرَفْتَنَاهُ وَوَقَعْتَ أَمَّتِكَ لَهُ

وَلَمْ يَكُنْ يَشْكُرْكَ إِلَّا فِي الْهَيْكَلِ وَفِي الْمَقَامِ وَفِي الْمَقَامِ

حِينَ جَهَلَ الْأَشْقِيَاءُ وَقْتَهُ وَحَرُمُوا

وَقَتَهُ كَمَا كُنْتَ تَحْتَ الْعَرْشِ وَفِي الْمَقَامِ وَفِي الْمَقَامِ

لِشَقَائِهِمْ فَضْلَهُ أَنْتَ وَلِيُّ مَا أَثَرْنَا

بِكُنْ يَكُونُ لَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَفِي الْمَقَامِ وَفِي الْمَقَامِ

بِهِ مِنْ مَعْرِفَتِهِ وَهَدَيْنَا لَهُ مِنْ سِتْرِهِ

بِأَنْتَ رَأْسُ شَيْءٍ أَنْتَ رَأْسُ شَيْءٍ أَنْتَ رَأْسُ شَيْءٍ

وَقَدْ لَوَّيْنَا بِتَوْفِيقِكَ صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ

وَقَدْ لَوَّيْنَا بِتَوْفِيقِكَ صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ

عَلَى تَقْصِيرٍ وَأَدْنَى فِيهِ قَلِيلًا مِنْ

بِأَنْتَ رَأْسُ شَيْءٍ أَنْتَ رَأْسُ شَيْءٍ أَنْتَ رَأْسُ شَيْءٍ

كَثِيرٍ اللَّهُمَّ فَلَا تَحْكُ أَقْرَابًا إِلَّا سَاءَةً

بِأَنْتَ رَأْسُ شَيْءٍ أَنْتَ رَأْسُ شَيْءٍ أَنْتَ رَأْسُ شَيْءٍ

وَاعْتَرِافًا بِالْإِضَاعَةِ وَلَكَ مِنْ قُلُوبِنَا

وَأَعْتَرِافًا بِالْإِضَاعَةِ وَلَكَ مِنْ قُلُوبِنَا

عَقْدُ النَّدَمِ وَمِنْ السَّيِّئَاتِ صِدْقُ

بِأَنْتَ رَأْسُ شَيْءٍ أَنْتَ رَأْسُ شَيْءٍ أَنْتَ رَأْسُ شَيْءٍ

الْإِعْتِدَارِ فَاجْزِنَا عَلَى مَا أَصَابَنَا فِيهِ

بِأَنْتَ رَأْسُ شَيْءٍ أَنْتَ رَأْسُ شَيْءٍ أَنْتَ رَأْسُ شَيْءٍ

مِنْ التَّقْرِيطِ أَجْرُ السُّدْرِ رُكْبَةُ الْفَضْلِ

بِأَنْتَ رَأْسُ شَيْءٍ أَنْتَ رَأْسُ شَيْءٍ أَنْتَ رَأْسُ شَيْءٍ

الْمَرْغُورِ



المرغوب فيه ونعتاض به من انواع

الدخر المحروص عليه واوجب لنا

عذرک علی ما قصرنا فيه من حَقِّک

وابلغ باعمارنا ما بين ايدينا من شهر

رمضان المقبل فاذا بلغتنا فاعنا

على تناول ما انت اهله من العبادة

واذننا الى القيام بما يستحقه من

الطاعة واجزلنا من صالح العمل

ما يكون ذرکا لحقک في الشهرين

من شهور الدهر اللهم وما المنة

به في شهرنا ههنا من لعم او اثم او و

فِيهِ مِنْ ذَنْبٍ وَكَتَبْنَا فِيهِ

در آن از گنای در آن گناه ام در آن

مِنْ خَطِيئَةٍ عَلَىٰ عَمَلٍ مِّثْلٍ أَوْ عَلَىٰ شَيْءٍ

از خطیاتی بر عملی مانند از یا بر چیزی

ظَلَمْنَا فِيهِ أَنْفُسَنَا أَوْ أَتَتْهُ كُنَا

گناهیم در آن بر نفسهای خود یا در نزد او

بِهِ حُرْمَةٌ مِنْ غَيْرِنَا فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

با آن سستی از غیر تو بر محمد و آل او

وَاسْتَرْزَأَ بِسِرِّكَ وَأَعْفُ عَنَّا بِعَفْوِكَ

درخواست از راز تو و بخشش از عفو تو

وَلَا تَتَّصِبْنَا فِيهِ لِأَعْيُنِ الشَّامِتِينَ

و در آن به چشمهای مشاهدهکننده

وَلَا تَبْسُطْ عَلَيْنَا فِيهِ أَلْسُنَ الطَّاغِيْنَ

و در آن نه زبانههای طغیانکننده

وَاسْتَعْمِلْنَا بِمَا يَكُونُ حِطَّةً وَكَفَّارَةً

و کارهای ما را آنچه مسکن و دفع کننده

لِمَا أَنْ كُثِرَتْ مِثْلُ فِيهِ بِرَأْفَتِكَ الَّتِي

بر آنچه گوناگون شد در آن با مهربانی تو که

لَا تَقْدِرُ وَفَضْلِكَ الَّذِي لَا يَنْقُصُ

تا نمی توانی و فضل تو که کم نمی شود

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْزِ

خدایا در محمد و آل او و بخش

مُصِيبَتِنَا شَهْرِنَا وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِ

مُصِيبَتِ رَا ۱۰۵۰ و در کتب معتبره در روز عید

عِيدِنَا وَفِطْرِنَا وَاجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ

عید ما در روز فطر و در کتب معتبره در روز عید

يَوْمٍ مَرَعَلَيْنَا أَجْلِبْهُ لِعَقْوِ وَأَحْمَاهُ

روزی که مرعله است از آن که در روز عید و در کتب معتبره در روز عید

لِذَنْبٍ وَاعْفِرْ لَنَا مَا خَفِيَ مِنْ ذُنُوبِنَا

از گناه و از آن که پنهان است از ما و در کتب معتبره در روز عید

وَمَا عَلَنَ اللَّهُمَّ اسْلُخْنَا يَا تَسْلِيحَ

و آنچه آشکار است از ما و در کتب معتبره در روز عید

هَذَا الشَّهْرِ مِنْ خَطَايَانَا وَآخِرِجْنَا

این ماه را از گناهان ما و در کتب معتبره در روز عید

بِخُرُوجِهِ مِنْ سَيِّئَاتِنَا وَاجْعَلْنَا

از خروج ما از گناهان ما و در کتب معتبره در روز عید

مِنْ أَسْعَدِ أَهْلِهِ وَاجْزَلِهِ قِسْمًا

از بهترین و از بدترین گروه و در کتب معتبره در روز عید

فِيهِ وَآوِرْهُمْ حَظَامَتَهُ اللَّهُمَّ وَمَنْ

در آن و بپوشان آنها و در کتب معتبره در روز عید

رَعَى حَقَّ هَذَا الشَّهْرِ رِعَايَتَهُ وَتَحَقَّقَ

در حق این ماه و در کتب معتبره در روز عید

حُرْمَتِهِ حَقَّ حِفْظِهَا وَقَامَ بِحُدُودِهِ

حرم آن را و در کتب معتبره در روز عید

در کتب معتبره در روز عید
در کتب معتبره در روز عید
در کتب معتبره در روز عید

حَقِّ قِيَامِهَا وَاتَّقِ ذُنُوبَهُ حَتَّى تَقَاتِلَهَا

یعنی قیامت را بجای خود بیاورد و از آن بترسد و از آن بگریزد

أَوْ تَقْرُبَ إِلَيْكَ بِقُرْبَةٍ أَوْ حَبَّتِ رِضًا

یا نزدیکی که است یا دوستی که است یا دوستی که است

لَهُ وَعَظَفَتْ رَحْمَتَكَ عَلَيْهِ فَهَبْ

از برای او و بفرست بر او رحمت تو را بر او پس عطا کن

لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وَجْدِكَ وَأَعْطِنَا اصْغَارًا

و ما را مانند او از تو ایزداری و عطا کن ما را ریزش

مِنْ فَضْلِكَ فَإِنَّ فَضْلَكَ لَا يَغِيضُ

از فضل تو پس دوستی که فضل تو را دشمنی نمی سازد

وَأَنَّ خَزَائِنَكَ لَا تَنْقُصُ بِلِ تَفِيضٍ

و درستی که خزانه ای تو کم نمی شود بکم دادن تو

وَأَنَّ مَعَادِينَ إِحْسَانِكَ لَا تَقْنِي وَأَنَّ

و درستی که کارهای تو احسان تو را نمی تواند و آن

عَطَاءُكَ لِلْعَطَاءِ الْمُهْنِي اللَّهُمَّ صَلِّ

که عطا می تو بر عطا نیست که عطا کند خداوند ما را صلوات

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاسْكُتْ لَنَا مِثْلَ

بر محمد و آل او و سکوت کن ما را مانند

أَجُورٍ مِنْ صَامَةٍ أَوْ تَعْبَدَكَ فِيهِ

از برای او از صامت یا بپرستش در آن

إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ اللَّهُمَّ إِنَّا نَسُوبُ إِلَيْكَ

تا روز قیامت ما را از تو می گردانیم سوی تو

فِي يَوْمٍ فِطْرِنَا الَّذِي جَعَلْنَاهُ الْمُؤْنِيَّةَ

در روز فطرت ما که کردیم سبب بقا و نجات برای ما

عَيْدًا وَسُرُورًا وَلِأَهْلِ مِلَّتِكَ مَجْمَعًا

عید و شادی و برای اهل این مذهب مجمع

وَمُحْتَشِدًا مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَذِنْتَنَاهُ

و گرد آورده ای از همه گناه که کردیم آن را

أَوْسُوهُ اسْتَلْقْنَاهُ أَوْ خَاطِرُ شَرِّ أَضْمَرْنَاهُ

یا بدی که از پیش گردانیم آن را یا از نیت بدی که در دل آید

تَوْبَةً مَنْ لَا يَنْطَوِي عَلَى جُوعٍ إِلَى

توبه کسی که در خوردن نشسته است باز نماند بوی

ذَنْبٍ وَلَا يَعُودُ بَعْدَهَا فِي خَطِيئَةٍ

گناهی و باز ننگردد پس از آن در خطیائی

تَوْبَةً نَضُوحًا خَلَصَتْ مِنَ الشَّكِّ

توبه صدق و بی شک از شک

وَالْإِثْيَابِ فَقَبَّلْهُمَا مِثْلًا وَارِضَ

در پیس و پند از ما در ارضی خود

عَنَا وَتَيْسَّرْ عَلَيْهَا اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ

از ما و آسان گردان بر ما خدایا و روزی ما را

عِقَابِ الْوَعِيدِ وَشَوْقِ ثَوَابِ الْوَعْدِ

عقاب وعده و شوق ثواب وعده

حَتَّى تَجِدَ لَكَ مَا نَدَّعُوكَ بِهِ وَكَابَةِ

تا آنکه بیایم ذات آنکه میخوانیم برای ما و دانه

عید و شادی و برای اهل این مذهب مجمع
و گرد آورده ای از همه گناه که کردیم آن را
یا بدی که از پیش گردانیم آن را یا از نیت بدی که در دل آید
توبه کسی که در خوردن نشسته است باز نماند بوی
گناهی و باز ننگردد پس از آن در خطیائی
توبه صدق و بی شک از شک
در پیس و پند از ما در ارضی خود
از ما و آسان گردان بر ما خدایا و روزی ما را
عقاب وعده و شوق ثواب وعده
تا آنکه بیایم ذات آنکه میخوانیم برای ما و دانه

مَا سَتَجِيرُكَ مِنْهُ وَاجْعَلْنَا عِنْدَكَ

از کسی که هیچ پناهی جز از او نیست و گردان ما را نزد خود

مِنَ التَّوَّابِينَ الَّذِينَ أَوْجِبَتْ لَهُمْ

از توبه کنندگان که واجب کرده از برای ایشان

مَحَبَّتَكَ وَقَبِلَتْ مِنْهُمْ مُرَاجِعَةَ طَائِفَةٍ

محبت خود را و پذیرفته از ایشان بازگشت بعضی

يَا عَدْلُ الْعَادِلِينَ اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَنَّا

ای عادل ترین خداوند استغنان خداوند را در گذر از ما

أَبَانًا وَأَمَّهَاتِنَا وَاهْلَ دِينِنَا جَمِيعًا

پدران ما، مادران ما و اهل دین ما، همگی

مَنْ سَلَفَ مِنْهُمْ وَمَنْ غَبَرَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ

همه که پیش از ما بوده اند و همه که آید تا روز قیامت

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا

ای خداوند در حق محمد و آل او صلوات بفرست همانگونه که

صَلَّيْتَ عَلَى مُلْكِكَ كَثِيرَتِ الْمَقَرِّينَ

رحمت استغفار بر فراوانی پادشاهان و مقربان

وَصَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى

و در حق او و آل او همانگونه که رحمت استغفار بر

أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَصَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ

پیامبران خود که مرسل شده اند و در حق او و آل او

كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

همانگونه که رحمت استغفار بر بندگانش که صالحند

در حق او و آل او
صلوات بفرست
همانگونه که در حق
پیامبران خود که مرسل
شده اند و در حق او و آل او
همانگونه که رحمت
استغفار بر بندگانش که
صالحند

صلوات بفرست
همانگونه که در حق
پیامبران خود که مرسل
شده اند و در حق او و آل او
همانگونه که رحمت
استغفار بر بندگانش که
صالحند

وَأَفْضَلُ



وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ

از بهترین از آن ای پروردگار عالمیان

صَلَوْتُ تَبْلُغُنَا بِرُكْنَتِهَا وَبَيْنَاهَا

از صلاتی که رسید به برکتش آن و در میان او

نَفَعُهَا وَلِسْتَجَابَ لَهَا دُعَاؤُنَا إِنَّكَ

سخن آن و مستجاب گردیدت آن دعای ما پس ای

اَكْرَمُ مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ وَاكْفَى

گرامیترین آن که رغبت کرده اند به سوی او و کارکننده او

مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ وَاعْطَى مَنْ سَأَلَ

از هر که توکل کرده است بر او و داده استندگی از هر که سؤال

مِنْ فَضْلِهِ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

از فضلش و تو بر هر چیزی توانا

وَكَانَ مِنْ عَائِدَةٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ مِرَافِقَةِ

در روز از دعای حضرت علیه السلام در روز عید رمضان

إِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَوتِهِ قَامَ قَائِمًا

و هر گاه فارغ می شد از نماز عید برپا می نشست

ثُمَّ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَقَالَ

پس روی مبارک به قبله می گرداند و در روز جمعه می فرمود

يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ

ای آنکه رحمت میکند کسی را که رحمت نمیکند او را بنده ها

وَيَا مَنْ يَقْبَلُ مَنْ لَا تَقْبَلُهُ الْبِلَادُ

و ای آنکه می پذیرد که می پذیرد او را شهر

در روز عید رمضان
از دعای حضرت علیه السلام

وَمَنْ لَا يَخْشَى أَهْلَ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ

دای آنکه خشمی بسیار از اهل استعجاب بر وی اورا

وَيَأْمَنْ لَا يَخْشَى الْمُخَيَّنَ عَلَيْهِ وَيَأْمَنْ

دای آنکه ترس نکند از آن که خیانت بر او ایمی آنکه

لَا يَخْشَى بِالرِّدِّ أَهْلَ الدَّالَةِ عَلَيْهِ

بر پشت می نهد اورا پرده کردن اهل تار

وَيَأْمَنْ يَخْشَى صَغِيرًا يَخْشَى بِهِ

دای آنکه بر میگزیند کوچک آنکه کند داده شود و پیش

وَلَيْسَ كَرِيسِيرٍ مَا يُعْلَلُ لَهُ وَيَأْمَنْ

درست نمیکنند بزرگ آنکه کرده شود از برای او دای آنکه

لَيْسَ كَرِ عَلَى الْقَلِيلِ وَيُجَازِي

درست نمیکنند بر اندک و پادشاهش بزرگ

بِالْجَلِيلِ وَيَأْمَنْ يَدْعُو إِلَى مَنْ دَنَا مِنْهُ

بزرگ دای آنکه نزدیک میشود بر وی کسی که نزدیک شود

وَيَأْمَنْ يَدْعُو إِلَى بَقْسِهِ مَنْ أَذْبَرَ

دای آنکه میخواند بر وی نفس خود را کسی که دوری کرد

عَنْهُ وَيَأْمَنْ لَا يَغَيِّرُ النِّعْمَةَ وَلَا

از او دای آنکه نمیبرد نعمت را و میبرد

يُبَادِرُ بِالنِّقْمَةِ وَيَأْمَنْ يُثْمِرُ الْحَسَنَةَ

پیشانی بزدان کردن دای آنکه بار میآورد بزرگوار

حَتَّى يَنْمِيهَا وَيُجَاوِزَ عَنِ السَّيِّئَةِ

تا بزرگوار او را و در میگذرد از بدی

حَتَّى يُعْقِبَهَا انْصَرَفَتِ الْأَمْثَالُ دُونَ

تا اینکه ناپدید شود و در آنجا برگردد آنرا

مَدَى كَرَمِكَ بِالْحَاجَاتِ وَ

تا این که کرم تو را به حاجات

إِمْتِلَآتُ بِفَيْضِ جُودِكَ أَوْ عَيْتُهُ رَمَى

پر شد به بزمش و دور از عینش

وَتَقَسَّيْتُ دُونَ بُلُوغِ نَعْتِكَ الصِّفَاتِ

و در کمین منتهی رسیدن صفات

فَلَكَ الْعُلُوُّ الْأَعْلَى فَوْقَ كُلِّ غَالٍ وَالْجَلَالُ

پس برتو است بلندی بالای هر بلند

الْأَمَجْدُ فَوْقَ كُلِّ جَلَالٍ كُلِّ جَلِيلٍ

بزرگتر از هر جلالت و بزرگتر از هر بزرگ

عِنْدَكَ صَغِيرٌ وَكُلُّ شَرِيفٍ فِي

تو نزدیکی است و هر بزرگواری در

جَنِبِ شَرَفِكَ حَقِيرٌ خَابَ الْوَاقِدُونَ

در جنب بزرگواری تو خوار است و در آتش

عَلَى غَيْرِكَ وَخَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ

بر غیر تو و زیان بردند پیش از آنکه

وَضَاعَ الْمَلْمُونُ إِلَّا بِكَ وَاجْتَدَبَ

و ضایع شدند ملامت شده بجز تو و در طلب

الْمُسْتَجْعُونَ الْأَمِنْ انْتَجَعَ فَضْلَكَ يَا بَكَّ

طلب فرمودن ای بزرگوار فضل تو را

تا این که ناپدید شود و در آنجا برگردد آنرا

تا این که کرم تو را به حاجات

مَفْضُوحٌ لِلزَّاعِبِينَ وَحُودُكَ مُبَاحٌ

مفروضه است از برای زبانه‌ها و در حود تو محال کرده شد

لِلسَّائِلِينَ وَاعْثُتْكَ قَرِيبَةٌ مِنْ

از برای طالابان و در بار تو نزدیکی است

الْمُسْتَغِيثِينَ لَا يَخِيبُ مِنْكَ الْأَمِلُونَ

بفرایندگان و از امیدواران تو ناامید ندارند

وَلَا يَيْبَسُ مِنْ عَطَائِكَ الْمُتَعَرِّضُونَ

و ناامید نمی‌شوند از عطای تو و پیش‌آهنگان

وَلَا يَشْقَى بِنِقْمَتِكَ الْمُسْتَغْفِرُونَ

و بی‌گناه نیستند به نیکبختی تو و طلب‌کنندگان

رِزْقِكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ وَحَلَّكَ

روزی تو فراوان است برای کسی که عصای تو را ببرد و حلالت

مُتَعَرِّضٌ لِمَنْ نَاوَاكَ غَادَتِكَ الْإِخْصَاءُ

پیش‌آهنگ است برای کسی که ناوای تو را ببرد و غایت تو را ببرد

إِلَى الْمُسَيِّئِينَ وَسُنَّتُكَ الْإِبْقَاءُ

به سگواران و سنت تو ایستادگی است

عَلَى الْمُعْتَدِينَ حَتَّى لَقَدْ غَرَبَتْهُمْ

بر روی معتمدان تا آنکه غروب کرد برایشان

أَنَانُكَ عَنِ الْجُوعِ وَصَدَّ هُمُ امْتِهَالُكَ

عزت تو از گرسنگی و بازداشت تو از پستی و ادول

عَنِ التَّرْوَعِ وَإِنَّمَا نَأْتِيَتْ بِهِمْ لَيْفِيؤُا

از ترس و تنها آمدند به سوی تو و از برای تو

إِلَى أَمْرِكَ وَأَمَهَلْتَهُمْ ثِقَةً بِدَوَامِ

بهری زمان تو دست ندادی آن را که بکند و بکشد

مُلْكِكَ فَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ السَّعَاءِ

باوست بری تو پس سرگشت از اهل سعادت

خَسِمَتْ لَهُ بِهَا وَمَنْ كَانَ مِنْ

خست گردی او را و سعادت دگر که است از

أَهْلِ الشَّقَاءِ خَذَلَتْهُ لَهَا كُلُّهُمْ

اهل شقاوت تو از گردی او را از برای اوقات

صَائِرُونَ إِلَى حُكْمِكَ وَأُمُورُهُمْ

گردانگان بری حکم تو و کارهای

أَيُّلَةُ إِلَى أَمْرِكَ لَمْ يَهْنِ عَلَى طَوْلِ

باز گردنده بری امر تو است می نهد بر درازی

مُدَّتِهِمْ سُلْطَانُكَ وَلَمْ يَدْخُضْ لِيَرْكَبْ

دست ایشان را دست تو و داخل نشود چرخ

مُعَاجِلَتِهِمْ بَرْهَانُكَ مُحِجَّتُكَ قَائِمَةٌ

شتاب کردن ایشان دلیل روشن تو ایستاده است

وَلَا تَدْخُضْ وَسُلْطَانُكَ ثَابِتٌ

که داخل می نهد و سلطان تو ثابت است

لَا يَزُولُ فَالْوَيْلُ لِلدَّائِمِ لِمَنْ جَحَّ عَنْكَ

که زایل می نهد پس وای باد برای کسی که از تو دور شود

وَالْخَبِيَّةُ الْخَاذِلَةُ لِمَنْ خَابَ مِنْكَ

و در پیدای سرافرازنده کسی که از تو دور شود

نسخه خانه کائنات است
نسخه عالم و دهر است

نسخه عالم و دهر است
نسخه خانه کائنات است

وَالشَّقَاءُ الْأَشْقَى لِمَنِ اعْتَرَبَكَ مَا

و در سختی و در سختی را که در سختی شد تو چه

أَكْثَرَ نَصْرَفَهُ فِي عِلَائِكَ وَمَا

بسیار است که درین او در عذاب است تو و چه

أَطْوَلَ تَرَدُّدَهُ فِي عِقَابِكَ وَمَا بَعْدَ

در ازات که درین او در عذاب است تو و چه در وقت

غَايَتِهِ مِنَ الْفَرَجِ وَمَا أَقْطَعَهُ مِنْ

نهایت او از آن است و چه نوبت است از

سَهْوَةِ الْمَخْرَجِ عَدْلًا مِنْ قَضَائِكَ

آسان است که درین او در عذاب است تو و چه

لَا يَجُورُ فِيهِ وَإِنْصَافًا مِنْ حُكْمِكَ

که درین او در آن و از روی انصاف است از حکم تو

لَا يَحْجِيفُ عَلَيْهِ فَقَدْ ظَاهَرَتْ الْحُجُجُ

که درین او در آن بر او پس حق است که درین او در آن

وَأَبْلَيْتِ الْأَعْدَاءَ وَقَدْ تَقَدَّمَتْ

و درین او در آن و درین او در آن که درین او در آن

بِالْوَعِيدِ وَتَلَطَّفْتَ فِي التَّرْعِيبِ

و درین او در آن و درین او در آن که درین او در آن

وَضَرَبْتَ الْأَمْثَالَ وَأَطَلْتَ الْأَمْثَالَ

و درین او در آن و درین او در آن که درین او در آن

وَأَخَّرْتَ وَأَنْتَ مُسْتَطِيعٌ لِلْعَاجِلَةِ

و درین او در آن و درین او در آن که درین او در آن

وَأَنْتَ



وَنَانَيْتَ وَأَنْتَ مَلِكٌ بِالْمُبَادَةِ لَمْ

داده باشی کرده و حال آنکه تو قادر می باشی پیش منستی کردن

تَكُنْ أَنَا نَكَ عَجْرًا وَلَا إِمَهًا لَكَ

بنوده است در ادبی تو از روی عجز و نه بهت و او تو

وَهَبْنَا وَلَا إِمْسَاكَ غَفْلَةً

از روی مستی و نه باز داشتی تو از بهتری

وَلَا أَنْظَارَكَ مُدَارَاةً بَلْ لَيْتَ كُونَ

و نه انظار و او تو مدارا کردن بکنه تا باشد

حُجَّتَكَ أَتْلُغَ وَكَرَمَكَ أَكْمَلُ وَإِحْسَانُكَ

حق تو را پرسانده تو را کرم تو کامل تر و همان تو

أَوْفَى وَنِعْمَتُكَ إِنَّمَا كُلُّ ذَلِكَ كَانَ

بسیارتر و نیت تو بهتر همه این بود

وَلَمْ تَزَلْ هُوَ كَأَنَّ وَلَا تَزَالُ حُجَّتَكَ

و همیشه بود او است و همیشه بیانشد حق تو

أَجَلٌ مِنْ أَنْ تُوصَفَ بِكُلِّهَا وَ

بزرگتر است از آن که توصیف کرده شود بکنه آن و

مَجْدُكَ أَرْفَعُ مِنْ أَنْ يُجَدَّبَ كُنْهَهُ

بزرگی تو است از آنکه نزدیک شود کنه آن

وَنِعْمَتُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَى بِأَشْرَافِهَا

و نیت تو بیشتر است از آنکه بشمارد شود با شرفها

وَإِحْسَانُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُشْرَكَ كَرَمُكَ

و احسان تو زیاده است از آنکه بر او شریکی

بیشتر از احسان تو

بیشتر از احسان تو

بیشتر از احسان تو

عَلَى أَقْلِهِ وَقَدْ قَضَىٰ رَبِّي السُّكُونُ

بر کسرت آن در حق که عاقبت خفته مرا خاموشی

عَنْ تَحْمِيدِكَ وَفَقَهْنِي الْأَمْسَاكُ

از سپاس کردن تو در اندام که در مرا باز استوار

عَنْ تَحْمِيدِكَ وَقَضَايَ الْأَقْرَارُ

از درک داشت تو در نهایت کار من و قرار است

بِالْحُسُورِ لَا رَغْبَةَ يَا إِلَهِي بَلْ عَجَزَ أَهْوَ

بر اندام من نه از روی شست ای خدای من بلکه از روی عجز

أَنَا ذَا أَوْمُكَ بِالْوَفَادَةِ وَأَسْأَلُكَ

من این وقت بکنم ترا به عهد و وفاداری و سوال کنم ترا

حُسْنَ الْوَفَادَةِ فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

به خوبی وفاداری و دعا را بر محمد و آل او

وَأَسْمَعْ مَجْوَایَ وَاسْتَجِبْ دُعَائِي

و بشنود و از مرا و اجابت کن دعای مرا

وَلَا تَحْتِمِ يَوْمِي فِخْئِي وَلَا تَجْهَنْفِي

و مضمتم من روز مرا بنهیم من و در پیش من سر

بِالرَّدِّ فِي مَسْأَلَتِي وَأَكْرِمْ مِنْ عِنْدِكَ

در رد من در سوال من و گرامی کن از نزد تو

مَنْصَرَفِي وَإِلَيْكَ مُنْقَلِبِي إِنَّكَ غَيْرُ

بازگردیدن مرا و بسوی تو بازگشت مرا و بگویی که

ضَائِقٌ بِمَا تُرِيدُ وَلَا عَاجِزٌ عَمَّا سَأَلُ

تنگ شدم به آنچه خواهی و نه عاجز می دانم آنچه از تو خواهم

و کثر



وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

وَكَانَ مِنْ عَائِدَةٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمٍ عَرَفَتْهُ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ

بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ذَا الْجَلَالِ

وَالْإِكْرَامِ رَبِّ الْأَرْبَابِ وَاللَّهُ

كُلُّ مَا لَوْهُ وَخَالِقُ كُلِّ مَخْلُوقٍ

وَوَارِثُ كُلِّ شَيْءٍ لَيْسَ كَمِثْلِهِ

شَيْءٌ وَلَا يَغْرُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَيْءٍ وَهُوَ

بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

رَقِيبٌ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

قَدِيرٌ



الْأَحَدُ الْمُتَوَحِّدُ الْفَرْدُ الْمُنْفَرِدُ وَأَنْتَ

تو یکی می باشی یکتا می باشی یکتا می باشی و تو یکی

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَرِيمُ

ایستاد خدای بزرگوار

الْمُتَكَبِّرُ الْعَظِيمُ الْمُتَعَزِّزُ الْكَبِيرُ

بزرگوار بزرگوار بزرگوار بزرگوار

الْمُتَكَبِّرُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

بزرگوار و تو ایستاد خدای بزرگوار

أَنْتَ الْعَلِيُّ الْمُتَعَالُ الشَّدِيدُ الْحَمَلُ

تو بلند و تو برتر و تو سخت و تو قوی

وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الرَّحْمَنُ

و تو ایستاد خدای بزرگوار و تو بخشنده

الرَّحِيمُ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ وَأَنْتَ اللَّهُ

مهربان و دانای و دانای و تو ایستاد خدای بزرگوار

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

تو ایستاد خدای بزرگوار و تو شنوای و تو بینای

الْقَدِيمُ الْخَبِيرُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ

ایستاد و دانای و تو ایستاد خدای بزرگوار

إِلَّا أَنْتَ الْكَرِيمُ الْأَكْرَمُ

بزرگوار بزرگوار بزرگوار بزرگوار

الدَّائِمُ الْأَدْوَمُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

ایستاد و دایمی و تو ایستاد خدای بزرگوار

تَسِيرًا وَدَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا

این کردنی و تدبیر کرده آنچه را از دلت تدبیر کردنی

أَنْتَ الَّذِي لَمْ يُعَيْنِكَ عَلَى خَلْقِكَ

تو ای که کسی بر تو در خلق تو یاری نکرده است

شَرِيكَ وَلَمْ يُوَاظِرْكَ فِي أَمْرِكَ وَزِيرٌ

این تدبیر و تدبیر کردنی تو را در امر تو تدبیر کردنی

وَلَمْ يَكُنْ لَكَ مَشَاهِدٌ وَلَا نَظِيرٌ

و ندیده است از تو و شبیه و نداننده ای

أَنْتَ الَّذِي ارْتَدَّتْ فَكَانَ حَتْمًا

تو ای که خواستی پس بر تو حتم بود

مَا ارْتَدَّتْ وَقَضَيْتَ فَكَانَ عَدْلًا

اینکه خواستی و قضی کردی پس عدل بود

مَا قَضَيْتَ وَحَكَمْتَ فَكَانَ

اینکه حکم کردی و دادی پس داد بود

بِضْفًا مَا حَكَمْتَ أَنْتَ الَّذِي

انصاف ای که دادی تو ای که

لَا يَحْتَوِيكَ مَكَانٌ وَلَمْ يَقُمْ بِسُلْطَانِكَ

نمیگردد تو را مکانی و بر تو تسلط ندارد

سُلْطَانٌ وَلَمْ يُعَيْنِكَ بِرُهَانٍ وَلَا

یاری ای و نداده است به تو دلیل و دلیلی

أَنْتَ الَّذِي أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا

تو ای که همه را شمرده است هر چه را بشماردنی

مُشَاهِدٌ

وَجَعَلَكَ



وَجَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمْدًا وَقَدَّرْتَ

و کردار شده از برای هر چیز مدتی و اندازه کرده

كُلِّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا أَنْتَ الَّذِي

هر چیز را اندازه کردنی توئی آنکه

قَضَرْتَ الْأَوْهَامَ عَنْ ذَاتِكَ

آرزوئی کرده اند و محض از نسبت ذات تو

وَعَجَزْتَ الْأَفْهَامَ عَنْ كَيْفِيَّتِكَ

در فهم نبوده اند محض از کیفیت تو

وَلَمْ تَدْرِكْ إِلَّا بَصَارَ مَوْضِعِ اثْنَيْتِكَ

و درنگ نرفته اند بجز عینی گمانی ترا

أَنْتَ الَّذِي لَا تُحَذِّفُ كَوْنَ مُحَمَّدٍ

توئی آنکه استغناء نیست پس باشی محمد کرده

وَلَمْ تُمَثِّلْ فَتَكُ كَوْنَ مَوْجُودًا وَلَمْ تَلِدْ

و نگاشته پس باشی در اوست و در اندوه

فَتَكُ كَوْنَ مَوْلُودًا أَنْتَ الَّذِي

تا باشی زاییده شده توئی آنکه

لَا ضِدَّ مَعَكَ فَيُعَانِدُكَ وَلَا عِدْلَ

هیچ بندی با تو نه عداوت کند ترا نه دوستی

لَكَ فَيَكَايُرُكَ وَلَا يَنْدُكَ فَيُعَاوِضُكَ

هیچ ترا نه صفت بر تو دوستی نه از این برای آن

أَنْتَ الَّذِي بَتَدَا وَاخْتَرَعَ وَاسْتَحْدَ

توئی آنکه آغاز کرد و از نو پدید آورد و ساخته کرد

باید که این را در
زبان عربی بخواند

نویسید



وَابْتَدَعَ وَاحْسَنَ صُنْعَ مَا صَنَعَ

دیده آورد و زیباترین کرد کردن آنچه کرد

سُبْحَانَكَ مَا أَجَلَ شَانِكَ وَأَسْنَى

بزرگوار تو چه بزرگوارت کار تو چه بزرگوارت

فِي الْأَمَاكِينِ مَكَانِكَ وَاصْدَعْ

در جاهای پنهانی تو در جاهای پنهانی تو

بِالْحَقِّ فِرْقَانِكَ سُبْحَانَكَ مِنْ لَطِيفِ

بدرستی تو را از تو چه بزرگوارت تو را از آن لطیف

مَا الْطِفْكَ وَرَوْفٍ مَا أَرْوَفَكَ

چه لطیف شد تو را از آن مهر تو چه مهر تو را

وَحِكِيمٍ مَا أَعْرَفَكَ سُبْحَانَكَ

و از آن حکیم چه شناس تو را بزرگوارت تو

مِنْ مَلِيكَ مَا أَمْنَعَكَ وَجَوَادٍ مَا

از آن پادشاهی تو را چه غایت تو را چه غایت تو را

أَوْسَعَكَ وَرَفِيعٍ مَا أَرْفَعَكَ ذَوَالْهِمَاءِ

و از آن بزرگوار چه بلند تو را چه بلند تو را

وَالْمُجْدِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْحَمْدُ سُبْحَانَكَ

و بزرگوار و بزرگواری تو را و بزرگواری تو را

لَسَطَتْ بِالْخَيْرَاتِ يَدُكَ وَعَرَفَتْ

بست زد به خیرات تو را و شناس تو را

الْهُدَايَةَ مِنْ عِنْدِكَ فَمَنْ التَّمَسَّكَ

راهنمایی را از نزد تو پس هر که چسبید

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

لِدِينٍ أَوْ دُنْيَا وَجَدَّكَ سُبْحَانَكَ

از برای دین یا دنیای بدست یافت ترا یا کی تو

خَضَعَ لَكَ مَنْ جَرَى فِي عِلْمِكَ وَخَشَعَ

سپردند به تو هر که در علم تو درستی بود

عِظْمَتِكَ مَا دُونَ عَرْشِكَ وَانْقَادَ

فرزگاری ترا بیکم دزد عرش تو است و گردن نهاد

لِلتَّسْلِيمِ لَكَ كُلُّ خَلْقِكَ سُبْحَانَكَ

از برای تسلیم ترا هر که آفریدت یا کی تو

لَا تَحْسَبُ وَلَا تَحْسَبُ وَلَا تَحْسَبُ وَلَا تَحْسَبُ

محاسب نشوی و محاسب نشوی و محاسب نشوی و محاسب نشوی

وَلَا تَمَاطُ وَلَا تَمَاطُ وَلَا تَمَاطُ وَلَا تَمَاطُ

و در گردن نشوی و در گردن نشوی و در گردن نشوی و در گردن نشوی

تَغَالِبُ وَلَا تَغَالِبُ وَلَا تَغَالِبُ وَلَا تَغَالِبُ

و در برنده نشوی و در برنده نشوی و در برنده نشوی و در برنده نشوی

تَمَّا كَرُّ سُبْحَانَكَ سَبِيلَكَ جَدُّكَ

که کرده نشوی یا کی تو راه تو راست است

وَأَمْرُكَ رُشْدٌ وَأَنْتَ حَيٌّ صَمَدٌ

و امر تو در راست و تو زنده بی نیاز

سُبْحَانَكَ قَوْلُكَ حَكْمٌ وَقَضَاؤُكَ

یا کی گفتار تو حکمت است و قضای تو

حَقٌّ وَإِذَا رَأَيْتَكَ غَزَمٌ سُبْحَانَكَ لَا رَادَّ

رازم است و اراده تو جزم است یا کی ترا نیست براند

لَمْ يَشَيْتِكَ وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ

مرد بسته ترا / و نه تبدیلی کننده / هر سخن ترا

سُبْحَانَكَ يَا هَرَّ الْأَيَاتِ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ

یا که ای خدایان شبانه روزی روشن / آفریننده آسمانها

بَارِئُ السَّمَاوَاتِ لَكَ الْحَمْدُ يَا دَوْمَ

آفریننده آسمان / مرتزات سبای سبای کریم

يَدَوَامِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ خَالِدًا

بر همیشه تو / در مرتزات سبای سبای کریم

لَدَا بِنِعْمَتِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ يَا وَازِي

بخت تو / در مرتزات سبای سبای کریم

صُنْعِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ يَا زِيدُ عَلَى

کردار تو را / در مرتزات سبای سبای کریم

رِضَاكَ وَلَكَ الْحَمْدُ يَا مَعَ حَمْدِكِ

خوشنودی تو در مرتزات سبای سبای کریم

حَامِدٍ وَشَاكِرٍ يَقْصِرُ عَنْهُ شُكْرُ

سبای سبای / و شاکری / که قصه کند از آن شکر

كُلِّ شَاكِرٍ حَمْدًا لَا يَبْغِي إِلَّا لَكَ

هر شاکر کننده سبای / که شکر او را نهد مگر برای تو

وَلَا يَتَقَرَّبُ بِهِ إِلَّا إِلَيْكَ حَمْدًا يَسْتَدَامُ

و نه در می آید به با تو / مگر بسوی تو سبای سبای کریم

بِهِ دَوَامُ الْآخِرِ حَمْدًا يَتَضَاعَفُ عَلَى

بسی / دوام آخر سبای / که مضاعف می شود بر

به اول و بیست و نهم
اول و بیست و نهم

كُرُورًا لَا زَمَنَةَ وَيَزِيدُ اضْغَاعًا

مُتَزَادَةً حَمَلًا يَعْرِضُ عَنْ اِخْطَائِهِ

وَيَزِيدُ عَلَيَّهَا اِخْصَانَهُ فِي كِتَابِكَ

الْكُتُبَةِ حَمَلًا يُوَازِنُ عَرْشَكَ

الْمُحَمَّدُ وَيُعَادِلُ كُرْسِيِّكَ الرَّقِيعُ

حَمَلًا يَكْمُلُ لَدَيْكَ تَوَابُهُ وَيَسْتَعْرِقُ

كُلَّ جَزَاءٍ خِزْفُ حَمَلًا ظَاهِرُهُ وَفَوْقُ

لِبَاطِنِهِ وَبِاطِنُهُ وَفَوْقُ اِصْدَقِ الشَّيَةِ

حَمَلًا اَلَمْ يُحْمَدْ خَلْقُ مِثْلِهِ وَلَا يَعْرِفُ

اَحَدٌ سِوَاكَ فَضْلَهُ حَمَلًا يُعَاتُ

مَنْ اَجْتَهَدَ فِي تَعْدِيكَ وَيُؤْتِي مَنْ

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل
القرآن الكريم
معلمًا للناس
وهدى لهم
الطريق المستقيم
والحمد لله الذي جعل
القرآن الكريم
معلمًا للناس
وهدى لهم
الطريق المستقيم

الحمد لله الذي جعل
القرآن الكريم
معلمًا للناس
وهدى لهم
الطريق المستقيم

مكتبة
موسسه
مطبعه

اعْرِفْ نَزْعًا فِي تَوْفِيْتِهِ حَمْدًا يَجْمَعُ مَا

که تمام کرشمه زیر تمام بجای آوردن آن بسیاری گنج نه اکبر را

خَلَفَتْ مِنْ الْحَمْدِ وَتَنْتِظُمُ مَا اسْتَ

آوردند از پس آن و در منتظرانه اکبر را

خَالِقُهُ مِنْ بَعْدِ حَمْدًا لَا أَحْمَدَ اقْبُرْ

آوردند و آن پس از آن بسیاری که نه پس بسیاری نزدیک

إِلَى قَوْلِكَ مِنْهُ وَلَا أَحْمَدُ بِمَنْ جَعَلَكَ

بجمله تو از آن و نه اند بسیاری منتظرانه از آن که بسیار

بِهِ حَمْدًا يُوجِبُ بِكَرَمِكَ الْمَزِيدَ

بسیاری که از آن که در مکرم تو نزدیکی

بُفُورٍ وَيَصِلُهُ بِمَزِيدٍ بَعْدَ مَزِيدٍ

بسیاری پس در پس آن را با در پس آن را و پس از آن

طَوَّلَا مِنْكَ حَمْدًا يَحِبُّ لِكَرَمِ

آوردند و پس از آن بسیاری که در پس آن را از برای تو

وَجْهِكَ وَيُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِكَ رَبِّ

و از آن تو و در برای تو عزت را از تو ای زده کلام

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ

صلوات بر محمد و آل محمد که برگزیده

المُصْطَفَى الْمُكْرَمِ الْمُقَرَّبِ

بسیار برگزیده و گرامی و پیش برده و نزدیک کرده شد

أَفْضَلُ صَلُّوا نَاثِكُ وَبَارِكْ عَلَيْهِ اَتَمَّ

درست تر و بهترین و برکت کن بر او تمام تر

بِرَّكَانِكَ وَتَرْحَمَ عَلَيْهِ امْتَعَ رَحْمَانِكَ

برکتی تو در رسم کی بر او است بر مندن رحمتی تو

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوَةٌ

ای پروردگار من بر محمد و آل او رحمتی

رَاضِيَةً لَا تَكُونُ صَلَوَةٌ اِنْ كُنِيَ مِنْهَا

از راضی کننده گوناخته رحمتی از راضی کننده تر از آن

وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَوَةٌ نَامِيَةً لَا تَكُونُ

در حقش رحمت بر او رحمتی از بیش تر نمانده گوناخته

صَلَوَةٌ اَتَمُّ مِنْهَا وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَوَةٌ

رحمتی از اطهر تر از آن در حقش رحمت بر او رحمتی

رَاضِيَةً لَا تَكُونُ صَلَوَةٌ فَوْقَهَا رَبِّ

راضی کننده گوناخته رحمتی بالای آن ای پروردگار

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوَةٌ تَرْضِيهِ

در حقش رحمت بر محمد و آل او رحمتی که راضی کننده دارد

وَتَزِيدُ عَلَى رِضَاهُ وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَوَةٌ

و زیاده ای بر راضی نمودن او در حقش رحمت بر او رحمتی

تَرْضِيكَ وَتَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ لَهُ وَصَلِّ

که راضی کنی از او و زیاده ای کن بر راضی نمودن او از او رحمتی

عَلَيْهِ صَلَوَةٌ لَا تَرْضِي لَهُ إِلَّا بِهَا وَلَا

بر او رحمتی که راضی کننده ای از برای او که آن مقدار بود

تَرْضَى غَيْرَ لَهَا أَهْلًا رَبِّ صَلِّ عَلَى

راضی نیستی غیر او را از برای آن رحمتی که راضی کننده ای از برای او در حقش

مُحَمَّدٌ وَإِلَيْهِ صَلَوةٌ تُجَاوِزُ رِضْوَانَكَ

محمد و آل او رحمتی که در کفایت او رضای ترا

وَيَصِلُ إِصْلَاهَا بِبِقَائِكَ وَلَا تَقْدَرُ

و بوسیله خود بر سستی آن ایستد که ترا و نمی تواند

كَلَّا لَا تَقْدَرُ كَلِمَاتِكَ رَبِّ صَلِّ عَلَى

چونکه نمی تواند کلمات تو ای درودگاری بر تو

مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ صَلَوةٌ تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ

محمد و آل او رحمتی که در کفایت او رحمتی

مَلِكِكَ كَيْتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ

پادشاهان تو و پیغمبران تو و رسلان تو

وَأَهْلِ طَاعَتِكَ وَتَشْمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ

و اهل طاعت ترا و شمول بر صلواتی

عِبَادِكَ مِنْ جَنَّتِكَ وَأَنْسِكَ وَأَهْلِ

بندگان تو از بهشت تو از آیدیان تو و اهل

إِجَابَتِكَ وَتَجْمَعُ عَلَى صَلَوةٍ كُلِّ مَنْ

اجابت تو و جمع شود بر هر که است

ذَرَأَتْ وَبَرَأَتْ مِنْ أَصْنَاوِ خَلْقِكَ

آفریده و بریده از آفرینش تو از آفریدگان

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَإِلَيْهِ صَلَوةٌ تُحِيطُ

پروردگاری بر تو و آل او رحمتی که احاطه کند

بِكُلِّ صَلَوةٍ سَالِفَةٍ وَمُسْتَأْتِفَةٍ

بر هر رحمتی که گذشته و آید

وَصَلِّ



وَصَلِّ عَلَيْهِ وَاللَّهُ صَلَواتُ مَرْضِيَّةٍ لَكَ

در وقت دعوت بر او و آید و رحمتی که پسندیده شد مرزا

وَمِنْ دُونِكَ وَتَنْشِئُ مَعَ ذَلِكَ صَلَواتٍ

در آنجا که غیر وقت و بی زمانی آید آن رحمت

تَضَاعِفُ مَعَهَا تِلْكَ الصَّلَواتُ عِنْدَهَا

کرد و پسند آن شود و آن رحمتی نزد آن میماند

وَيَزِيدُهَا عَلَى كُرُورِ الْأَيَّامِ وَزِيَادَةِ

روزها و گاهی آنرا بسبب گردش روزگار و زیادتی

فِي تَضَاعِيفِ لَا يَحْصِيهَا غَيْرُكَ رَبِّ

در زیادتی و آنست که نتواند بشمارد و آنرا غیر تو براندگان

صَلِّ عَلَى طَائِفِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ

در آنوقت بر آن گزینگان اهل بیت در آنجا

اخْتَرْتَهُمْ لِامْرَأِكَ وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ

برگزیده ایشان را از برای امر خود و گردانیده ایشان را خزانة داران علم

وَحِفْظَةَ دِينِكَ وَخُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ

در نگاهداران دین تو و در نشان خود و در زمین خود

وَحُجَّجَكَ عَلَى عِبَادِكَ وَطَهَّرْتَهُمْ

و در محنتی خود بر بندگان خود و پاک گردانیده ایشان را

مِنَ الرِّجْسِ وَاللَّئْسَ تَطْهِيرُ بَارِئَاتِكَ

از پستی و دیگر آنکه گردانیدی بار آورده

وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ وَالْمَسْلُوكَ

گردانیده ایشان را را در سبیل سوی خود و در راه

نخستین است

لها

در
لَا يُعَدُّهَا

این است از پیشین

إِلَىٰ جَنَّتِكَ رَبِّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

رحمتی که تو بر محمد و آل او را در روز قیامت بر محمد و آل او

صَلِّ عَلَىٰ نَجْرٍ لَهُمْ بِهِمَا مِنْ تَحْلِكَ وَكَرَامَتِكَ

رحمتی که تو بر نجر که در میان آن دو است از رحمت تو که بر محمد و آل او

تَكْمِيلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ

و تکمیل کنی از برای ایشان از عطا کردنی خود

وَتَوَافِكَ وَتَوْفِرَ عَلَيْهِمُ الْخَطَا مِنْ عَوَائِدِكَ

و تو را ملاقات کند و تو را عفو کند از خطایان از عطا کردنی خود

وَفَوَائِدِكَ رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ

و فواید خود ای پروردگار من بر محمد و آل او و بر ایشان

صَلِّ لَا أَمْدُ فِي أَوَّلِهَا وَلَا غَايَةَ

صلی که من در او نیافتم در ابتدا و در آخر

لَا مَدَّهَا وَلَا نِهَائَةَ لِأَخْرَافِ رَبِّ

برای مدد آن و نه پایانی از برای خرافات آن ای پروردگار

صَلِّ عَلَيْهِمْ زِينَةَ عَرْشِكَ وَمَادُونَهُ

صلی بر ایشان زینت عرش خود و مادی که در او است

وَمِلَاءَ سَمَوَاتِكَ وَمَا فَوْقَهُنَّ وَعِلَادَ

و ملأی آسمانهای تو و آنچه بالای آنهاست و عباد

أَرْضِيكَ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ

زمینهای تو و آنچه پایین آنهاست و آنچه میان آنهاست

صَلِّ تَقَرَّبَهُمْ مِنْكَ زُلْفَىٰ وَتَكُونُ

رحمتی که تو در نزدیکی خود از ایشان نزدیکی را صمیمی کنی

بِهَا

بِهَا

لَعَنَ

لَعَنَ



لَكَ وَلَهُمْ رِضًا وَمُتَّصِلَةً بِنَظَائِرِهِمْ

از برای تو و از برای ایشان خوشنودی و دوستی که پیوسته باشد با نظائر ایشان

أَبْلَا اللَّهُمَّ إِنَّكَ آيَدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ

پیشتر خداوند ما را در هر چیزی که تو دوست داری دین خود را در هر

أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِكَ

زمان به پیشوایی که بر پا کردی و او را نشانه ای برای بندگان

وَمَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَ انْوَصَلَتْ

و علامتی در سرزمین ای خود بعد از آنکه پیوسته بودی

حَبْلُهُ بِجَبَلِكَ وَجَعَلْتَهُ الدَّرِيعَةَ

بناش او را به کوه ای خود و گردانیده او را و سپری

إِلَى رِضْوَانِكَ وَافْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ

بر من خوشنودی خود و فرض کردی طاعت او را

وَحَدَرْتَ مَعْصِيَتَهُ وَأَمَرْتَ بِإِمْتِثَالِ

و ترسانندی از نافرمانی او و امر کردی بفرمان برداری

أَوَامِرِهِ وَالْإِنْتِهَاءَ عِنْدَ نَهْيِهِ وَ

از برای او امر و از برای استادن نزد نهی او و

أَنْ لَا يَتَقَدَّمَ مُتَقَدِّمٌ وَلَا يَتَأَخَّرُ

و آنکه تا آنکه پیشتر او پیشتر نیفتاده و دوا پس برود

عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ فَهُوَ عِصْمَةُ الَّذِينَ

از او پس روئیده پس بدست نگاه دارنده نهاده گردیده

وَكَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَعَرْقُ

و پناه و زمین و دست آوردن

و از برای تو و از برای ایشان خوشنودی و دوستی که پیوسته باشد با نظائر ایشان

و از برای تو و از برای ایشان خوشنودی و دوستی که پیوسته باشد با نظائر ایشان

الْمُتَسَكِّينَ وَبِهَاءِ الْعَالَمِينَ

هنگام درخت کاه و شکری عالمی

اللَّهُمَّ فَارِزِ لَوْلِيكَ شُكْرًا

من دادند پس لولی و علی از برای دوست خود شکر

الْعَمَّتْ بِهِ عَلَيْنَا وَأَوْزَعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ

انعام کرده بآن و در دل انداخته ما را مانند آن

وَاللَّهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا

و علی کن خدا از نزد خود یا دست یاری کننده و یار

لَهُ فَتَحْنَا لِسِيرًا وَاعِنَهُ بِرُكْنِكَ الْاَعَزَّ

ما در کنش آسایش می دهی و یاری کن او را ای کعبه نبوی و در کنش

وَأَشْدُّ أَرْزُهُ وَقَوِّ عَضْدَهُ وَرَاعِهِ

و محکم کن پشت او را و قوت ده بازوی او را و رعایت کن

بِعَيْنِكَ وَاحِجَهُ بِحِفْظِكَ وَأَنْصُرْ

میر من خود و حمایت کن او را بکفایت خود و نصرت ده او را

بِمَلَكِكَ وَامْدُدْهُ بِجُنْدِكَ

بفرستگان خود و ممدوده او را بشکر خود

الْأَغْلَبَ وَأَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ وَخُدُودَ

کتاب تو را و پای دار او را کن خود را و حدود خود را

وَشَرِّعَاكَ وَسُنَنِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ

و دستورات خود را و عهده های رسول خود را و رحمت های تو

اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَالْإِلَهُ وَالْأَخِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ

من دادند بخدا و الی او و دژنده کن او را آنچه سیرانده اند

الظَّالِمُونَ



الظالمون من معالِمِ دينِكَ واجلِهِ

صَدَّ الْجَوْرَ عَنْ طَرِيقَتِكَ وَأَبْنَيْهِ

الضَّرَاءُ عَنْ سَبِيلِكَ وَأَزِلْهُ النَّاكِبِينَ

عَنْ صِرَاطِكَ وَامْحُ بِهٖ بُغَاةَ قَصْدِكَ

عَوَجًا وَالْجَانِبَهُ لِأُولِيَانِكَ

وَالسُّطْنَةُ عَلَى الْعَدَائِكَ وَهَبْ لَنَا

رَافَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَتَعَطَّفَهُ وَتَحَنُّنَهُ

وَاجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ وَفِي

و بگردان را از برای اوست نوزگان

رَضَاهُ سَاعِينَ وَ إِلَى نَصْرَتِهِ وَالْمَلَأَ

عَنْهُ مُكْرِفِينَ وَإِلَيْكَ وَإِلَىٰ

ازاد یاری کنندگان و بسوی تو و بسوی

رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ

این کتاب در جمیع کتب و نسخ
 موجود است و در کتابخانه
 این وزارت معین است

بسم الله الرحمن الرحيم

التَّامِّاتِ الْعَادَّةِ
الرَّاحِيَاتِ

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطاهرين

بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ اللَّهُمَّ وَصَلْ عَلَى
این نزدیکی جویندگان خداوند را در حق تعالی بر
 أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمُ الْمُشْعِينَ
بر دوستان ایشان که گواهی از آنست که بزرگوارند برتر ایشان را در حق تعالی
 مِنْهُمْ الْمُتَّقِينَ أَثَارَهُمُ الْمُتَمَسِّكِينَ
راه و اشیای ایشان را ایستادند و در ایشان را در حق تعالی
 بِعُرْوَتِهِمُ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ
بکمندی ایشان را بستند که باشند و دوستی ایشان را
 الْمُؤْتَمِنِينَ بِإِمَامَتِهِمُ الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ
با اطمینان کنند با اوست که در حق تعالی کنند و در حق تعالی
 الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمُ الْمُشْطَرِّينَ
کوشش کنند که در فرمان داری ایشان را اطمینان در حق تعالی
 أَيَّامَهُمُ الْمَادِينَ إِلَيْهِمْ أَعْنِيَهُمُ الصَّلَاةَ
روزگار ایشان را از آنست که بزرگوارند برتر ایشان را در حق تعالی
 الْمُبَارَكَاتِ الرَّاحِيَّاتِ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ
بر بركات با نیت خود و در روزگار ایشان را
 وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَاجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى
و بر روح ایشان را و جمع بر برادران ایشان را
 أَمْرَهُمْ وَأَصْلِحْ لَهُمْ شُؤْنَهُمْ وَتَبَّ
که در حق تعالی و اصلاح در داری ایشان را و حال ایشان را و توبه کنند
 عَلَيْهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الثَّوَابُ الرَّحِيمِ
مستوجب ایشان را ای خداوندی که توفیق دهی به پندارنده بسیار ناهم را

و خیر



وَحَيْرُ الْغَافِرِينَ وَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ

و بهترین که مغفرت کنند و بگردان نادر باشد

فِي ذَا السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

در ایستادگی سلامت بر رحمت تو ای مهربان تر از رحمت

الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَةٍ يَوْمُ

مهربانان خداوند این روز عرفه روزی است

شَرَفَتْهُ وَكَثُرَتْهُ وَعَظُمَتْهُ نَشَرَتْ

که بزرگ گردانی او را و گرامی بخت او را و عظیم گردانی او را بر آنکه او را

فِيهِ رَحْمَتُكَ وَمَنْعَتْ فِيهِ بِعَفْوِكَ

در او رحمت خود را و مانع شد از او از عفو تو

وَاجْرَلَتْ فِيهِ عَطِيَّتُكَ وَتَقَصَّلَتْ

و بسیار گردانی او را و عطا کردی خود را و تقصیل گردانی

عَلَى عِبَادِكَ اللَّهُمَّ وَأَنَا عَبْدُكَ الَّذِي

بر بندگان خود هست او را و من هستم بنده تو

انْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَبَعْدَ

آنکه مگردانی بر او و پیش از آنکه او را خلق کنی و بعد

خَلْقِكَ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَمِنْ هَدْيِكَ

آفرین تو او را و بوسیله رحمت تو او را و از هدایت تو او را

لِلدِّينِ وَوَفَّقْتَهُ لِحَقِّكَ وَعَظَمْتَ

بر دین خود و توفیق دادی او را از حق تو و بزرگ گردانی

بِحَبْلِكَ وَأَدْخَلْتَهُ فِي جَنَّتِكَ وَأَرْسَلْتَ

ببند تو و در میان درختی او را و فرستادی

این روز عرفه است
روز عار

يٰۤاَيُّهَا اُولِيّٰئِكَ وَمُعَادَاةِ اَعْدَائِكَ

ای کسانی که دوستی و دوستی خود را دوستی دشمنان خود

تَمَّ امْرَتُهُ فَلَمْ يَأْتِمْ وَزَجْرَتُهُ فَلَمْ يَنْزِجْ

پس امر وی را دورا پس نزویان پس زجر وی را دورا پس نزویان

وَنَهَيْتُهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ فَنَحَا الْفُلَّامُكَ

پس نهی وی را از معصیت خود پس نهی وی را از معصیت خود

اِلَى نَهْيِكَ لَامْعَانَةً لِّكَ وَلَا امْتِنَا

پس نهی تو را به گونه ای که در آن است و نهی تو را به گونه ای که در آن است

عَلَيْكَ بِلِ دَعَاةٍ هَوَاةٍ اِلَى مَا زَيْلَتُهُ

پس نهی تو را به گونه ای که در آن است و نهی تو را به گونه ای که در آن است

وَالِى مَا خَدَّرْتَهُ وَاَعَانَهُ عَلَى ذَلَالٍ عَدُوٍّ

پس نهی تو را به گونه ای که در آن است و نهی تو را به گونه ای که در آن است

وَعَدُوٍّ فَاَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِوَعِيدِكَ

پس نهی تو را به گونه ای که در آن است و نهی تو را به گونه ای که در آن است

رَاجِحًا الْعَقُوقَ وَاثْقَابَتَا وَزَكَوْكَ وَكَانَ

پس نهی تو را به گونه ای که در آن است و نهی تو را به گونه ای که در آن است

اَحَقُّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَيْهِ

پس نهی تو را به گونه ای که در آن است و نهی تو را به گونه ای که در آن است

اَنْ لَا يُوْهَى اَنَّا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ ضَاغِرًا

پس نهی تو را به گونه ای که در آن است و نهی تو را به گونه ای که در آن است

ذَلِيلًا خَاضِعًا خَاشِعًا خَافِقًا مَغْرَمًا

پس نهی تو را به گونه ای که در آن است و نهی تو را به گونه ای که در آن است

بسم الله الرحمن الرحيم

اَفْعَلْ

بسم الله الرحمن الرحيم

بِعِظَمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

بِعَظِيمٍ مِنَ الذُّنُوبِ تَحْتَلَّتْهُ وَجَلِيلٍ

بسیاری از گناهان سنگین و بزرگی

مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتَهُ مُسْتَحِيرًا

از گناهانی که کرده ام آگاهانه و بی احتیاطانه

يُضْحِكُكَ لَا بُدَّ بِرَحْمَتِكَ مُوقِنًا أَنَّهُ

برگذاشتن تو را بخاطر رحمت تو یقین دارم که

لَا يُخِيرُ لِي مِنْكَ مُجِيرٌ وَلَا يَنْتَعِنِي مِنْكَ

نیست کسی که مرا از تو نجات دهد و نیست کسی که مرا از تو

مَانِعٌ فَعُدَّ عَلَيَّ بِمَا تَعَوَّدُ بِهِ عَلَيَّ مِنْ

پیشگیری پس بشمار آنچه پیش از این بر من

اِقْتَرَفَ مِنْ تَعْدِكَ وَجُدَّ عَلَيَّ بِالْجُودِ

گناهانی که از تو کرده ام و بخاطر بخشندهی تو

بِهِ عَلَيَّ مِنَ الْقِيَامِ إِلَيْكَ مِنْ عَفْوِكَ

و از من برای تو از ایستادن در پیشگاه تو بخاطر عفو تو

وَأَمِّنْ عَلَيَّ بِمَا لَا يَبْغَاظُكَ أَنْ تَمُنْ بِهِ

و اعتماد کن بر من آنچه را که تو را بدوست ندارد تا اعتماد کنی به آن

عَلَيَّ مِنْ أَمَلِكَ مِنْ غُفْرَانِكَ وَاجْعَلْ

بر من از امید تو از آمرزش تو و بگردان

لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ بَصِيْبًا أَنَا لِي بِحُطَا

برای من در این روز بهشتی را که من بخاطر گناهانم

مِنْ رِضْوَانِكَ وَلَا تَرُدَّنِي صَفْرًا مِمَّنَّا

از راضی نمودن تو را باز نگردان از غایتی

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
الطاهر الطيب
الطاهر الطيب
الطاهر الطيب

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
الطاهر الطيب
الطاهر الطيب
الطاهر الطيب



يَنْقَلِبُ بِهِ الْمُنْعَبِدُ وَلَكَ مِنْ عِبَادِكَ

وای که برگردد به پیش از کسی که برگردد بکنان هرگز از بندگان

وَإِنِّي وَإِنْ لَمْ أَقْلِمْ مَا قَدَّمُوهُ مِن

و من می گویم در آنچه پیش از شما آورده ام که پیش از شما آورده ام

الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكُمُ

ایمان شما است پس پیش از شما آورده ام توحید شما را

وَنَفَى الْأَصْنَادِ وَالْأَمْتَادِ وَالْأَصْنَادِ

در طرف کردن خداوند را و از میان برداشتن آن را و از میان برداشتن آن را

عَنْكَ وَاتَّبَعْتُكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي

از تو و آنچه از تو پیروی می کنم از درهای حق

أَمَرْتَ أَنْ تُوَلِّيَ مِنْهَا مَا لَا يَقْرُبُ

آنرا که فرموده ای که آنچه از آن دور باشد که نزدیک می شود

أَخْدَمُكَ إِلَّا بِالْقُرْبِ بِهِ تَمَّ اتِّبَعْتُ

من را خدمت کنی مگر به قرب به تو پیروی می کنم

ذَلِكَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ وَالشُّدْلُ وَالْإِسْتِ

آن را به بازگشتن به سوی تو و نزدیکی و استغاثه

الْإِسْتِ كُنَانَةَ لَكَ وَحُسْنَ الظَّنِّ

را در پیروی کردن تو و در برای تو و حسن ظن

بِكَ وَالثِّقَةِ بِمَا عِنْدَكَ وَشَفَعَتُهُ

به تو و اعتماد به آنچه نزد تو است و شفاعت او

بِرَجَائِكَ الَّذِي قَلَّ مَا يَخِيبُ عَلَيْهِ

با امید تو که کم است آنچه ناامید کننده بر او

و ای که برگردد به پیش از کسی که برگردد بکنان هرگز از بندگان
و من می گویم در آنچه پیش از شما آورده ام که پیش از شما آورده ام
ایمان شما است پس پیش از شما آورده ام توحید شما را
در طرف کردن خداوند را و از میان برداشتن آن را و از میان برداشتن آن را

و ای که برگردد به پیش از کسی که برگردد بکنان هرگز از بندگان
و من می گویم در آنچه پیش از شما آورده ام که پیش از شما آورده ام
ایمان شما است پس پیش از شما آورده ام توحید شما را
در طرف کردن خداوند را و از میان برداشتن آن را و از میان برداشتن آن را

و الحمد لله



رَاجِيكَ وَسَأَلْتُكَ مَسْئَلَةَ الْحَقِيرِ

دوست دارنده تو سوال کردم ترا سوال کردن محبت

الذَّلِيلِ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ

غدار عاجز ترسو و پناهنده

وَمَعَ ذَلِكَ خِيفَةٌ وَتَضَرُّعًا وَتَعَوُّذًا

و با این ترس و درازای دنیا کردن

وَتَلَوُّدًا أَمْسَتْ طِيلًا بِتَكْبَرِ

و دنیا پیش از بر کردن شده بکبر

الْمُتَكَبِّرِينَ وَلَا مُتَعَالِيًا بِدَالَةٍ

بهر شده کمال و نه مندی شده انداز

الْمُطِيعِينَ وَلَا مُسْتَطِيلًا بِشَفَاعَةِ

زبان رنکان و نه سر بلند شده بشفاعت

السَّافِعِينَ وَأَنَا بَعْدَ أَقْلٍ الْأَقْلِينَ

نفاق من شده کمال پس پس از کمترین کمترین

وَأَذِلُّ الْأَذِلَّيْنَ فَمِثْلُ الذِّقِّ أَوْ دُونََهَا

و خوارترین خوارتران و نه سوره یا کمتر از آن

فَيَأْمُرُنِي بِعَاجِلِ الْمُسِيئِينَ وَلَا يَنْتَدِي

ای ای که فرود است کتاب با هر کاران و نه بفرود

الْمُتَرَفِّفِينَ وَيَأْمُرُنِي بِالْإِقَالَةِ الْعَازِينَ

اگر نه شده کمال در کمین و ای ای که منم سینده هر که منم اولی از دنیا کمال

وَيَفْضُلُ بِنَظَرِ الْخَاطِئِينَ أَنَا الْمُسِيءُ

و تفصل بینه بسند دادن و نگاهایان منم بدکار

المُعْرِفُ الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ أَنَا الَّذِي

اعتراف کنند خطا کار و عیب و آلوده کنم

أَقْدَمُ عَلَيْكَ مَجْزَعًا أَنَا الَّذِي عَصَاكَ

آقدام کرده و مراست کنند منم آنکه ناسطغنی کورتا

مَتَعْمِلًا أَنَا الَّذِي اسْتَحَفِّي مِنْ عِبَادِكَ

از روی خود منم آنکه بختان کرد از دست کان تو

وَبَارَزَكَ بِالْعُصْبَةِ أَنَا الَّذِي هَابَ

و بارز کرد پیش تو بجزوه می منم آنکه ترسید

عِبَادُكَ وَأَمِنَكَ أَنَا الَّذِي لَمْ يَرْهَبْ

از نه کان تو و این شده از منم آنکه ترسید

سَطْوَتَكَ وَلَمْ يَخَفْ بِأَسْكَ أَنَا الَّذِي

از دست تو و ترسید بقت تو منم

الْجَانِي عَلَى نَفْسِهِ أَنَا الْمُرْتَهَنُ بِبَيْلِيَّتِهِ

گنجه کار بر نفس خود منم کرده شده بپای خود

أَنَا قَلِيلُ الْحِيلَاءِ أَنَا طَوِيلُ الْعَنَاءِ يَحْيَى

منم اندک حیل و دراز منم دراز

مِنْ أَتَجَبْتُ مِنْ خَلْقِكَ وَمِنْ رَاضِطِيَّتِهِ

آنکه برگزیده از منم خود و منم آنکه بسند خود

لِنَفْسِكَ يَحْيَى مِنْ بَرِّيَّتِكَ وَمِنْ أَجْتِيَّتِ

از برای خود منم از بریت و از آنکه برگزیده از

لِشَانِكَ وَيَحْقُوقُ وَصَلَتْ طَاعَتُهُ

از برای خود و بحق آنکه بدست طاعت او را

طَاعَتُهُ



بِطَاعَتِكَ وَمَنْ جَعَلَتْ مَعْصِيَتَهُ

بطاعت خود و آنکه کرد پیروی معصیت او را

كَمَعْصِيَتِكَ بِحَقِّ مَنْ قَرَّبَتْهُ إِلَى اللَّهِ

بجز معصیت خود و آنکه بجز معصیت دوستی او را

بِمَوَالِيكَ وَمَنْ نُطِئَتْ مَعَادَاتُهُ

ببرستی او را و آنکه بستند دشمنی او را

بِمَعَادَاتِكَ تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا

ببرستی من خود و پرستیدن مرا در روز من این روز را بآنچه

تَعَمَّدَنِي بِهِ مِنْ جَارِ إِلَيْكَ مُنْصِلِ الْوَعْدِ

پرستیدن من بآن که نزداری که بود سوی تو پیوسته از پیوند دنا

بِاسْتِغْفَارِكَ تَائِبًا وَتَوَلَّيْنِي بِمَا تَتَوَلَّى

بپرستیدن مرا توبه و برگشتن مرا و خود را بآنکه خود را توفیق

بِهِ أَهْلُ طَاعَتِكَ وَالزُّلْفَى لَدَيْكَ

بآن اهل طاعت خود را و اهل نزدیکی نزد تو

وَالْمَكَانَةَ مِنْكَ وَتَوَحَّدَنِي بِمَا

و اهل سرست از خود را و بیکانگی مرا بآنکه

تَوَحَّدَنِي بِهِ مِنْ وَفَى بِعَهْدِكَ وَاتَّعَبَ

بیکانگی مرا بآن که وفای کرد به عهد تو و در این کار

نَفْسَهُ فِي ذَاتِكَ وَاجْهَدَهَا فِي مَرْضَا

خود خود را در ذات تو و در سرشت خود را در مرضی خودی

وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِتَقَرُّبِي فِي جَنِّكَ

و نیکو نگذار مرا بآنکه بفریب من در جنب تو

وَتَعْدِي طُورِي فِي حَدِّكَ وَمَجَاوِزَةٍ

و از کوهش من از حد در حدای تو و گذشتن

أَحْكَامِكَ وَلَا تَسْتَدِرْ حُجَّتِي بِأَمْلِكَ

و از قوت تو و از استندادن حجت من با تو

لِي أَشْنِدَ رَاجٍ مِنْ مَنَعِي خَيْرَ مَا عِنْدَكَ

برای آنکه بخواهم از تو چیزی را بخواهم که بهتر از آنکه نزد تو است

وَلَمْ يُشْرِكْكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي

و نیکو نیت تو را در درود آمدن من به تو

وَيُبَيِّنُنِي مِنْ رَقَدَةِ الْغَافِلِينَ وَسِنَّةِ

و از خواب و از خواب و از خواب و از خواب

الْمُسْرِفِينَ وَنَعْسَةِ الْمَخْذُولِينَ وَخَدِّ

از اسراف کنندگان و از بیخوابی و از خواب و از خواب

بِقَلْبِي إِلَى مَا اسْتَعَلَّتْ بِهِ الْقَانِنِينَ

و از آنکه بپوشد بر دل من به آنکه بپوشد بر دل من

وَأَسْتَعْبِدَتْ بِهِ الْمُتَعَبِّدِينَ وَاسْتَنْقَذَ

و از آنکه بپوشد بر دل من به آنکه بپوشد بر دل من

بِهِ الْمُتَهَاوِنِينَ وَأَعْدَى مَتَابِعِي

و از آنکه بپوشد بر دل من به آنکه بپوشد بر دل من

عَنْكَ وَجَوْلَ بَنِي وَبَيْنَ حُطِيِّ مَنَّا

و از آنکه بپوشد بر دل من به آنکه بپوشد بر دل من

وَلِيَصُدَّنِي عَمَّا أَحَاوَلُ لَدَيْكَ وَسَهْلٌ

و از آنکه بپوشد بر دل من به آنکه بپوشد بر دل من

وَلِيَصُدَّنِي عَمَّا أَحَاوَلُ لَدَيْكَ وَسَهْلٌ

و از آنکه بپوشد بر دل من به آنکه بپوشد بر دل من

وَلِيَصُدَّنِي عَمَّا أَحَاوَلُ لَدَيْكَ وَسَهْلٌ

و از آنکه بپوشد بر دل من به آنکه بپوشد بر دل من

لِيَسْئَلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ وَالْمُسَابِقَةِ

برای من راه ^{سبدها} بسوی تو و پیشی گرفتن

إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتُ وَالْمُشَاحَّةَ

بسوی آنها از آنجا که فرموده ^{دست} دست

فِيهَا عَلَى مَا أَرَدْتُ وَلَا تَحْقُقْنِي فِيهِنَّ

در آنجا بر آن نحو که خواسته ^{دست} دست من در میان

تَحْقُقْ مِنَ الْمُتَحَقِّقِينَ بِمَا أَوْعَدْتَ

بیشتر ^{دست} دست من از کسانی که وعده داده ^{دست} دست

وَلَا تَهْلِكْنِي مَعَ مَنْ يَهْلِكُ مِنْ

و هلاک ^{دست} دست من را با آنکه هلاک ^{دست} دست

الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَقْتِكَ وَلَا تُبَيِّرْ بِي فِيهِنَّ

فرمایش ^{دست} دست من را از آنکه در معرض ^{دست} دست

تُبَيِّرْ مِنَ الْمُتَخَفِّينَ عَنْ سَبِيلِكَ وَتُجَنِّي

فاک ^{دست} دست من از گردیدن ^{دست} دست

مِنْ غَمَرَاتِ الْفِتْنَةِ وَخَلِّصْنِي مِنْ

از گرفت ^{دست} دست من از آشوب ^{دست} دست

لَهَوَاتِ الْبَلَوَى وَاجْرِنِي مِنْ اخْذِ

کام ^{دست} دست من از بلای ^{دست} دست

الْأَمْلَاءِ وَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ عَدُوِّ يَضْلِي

اعوان ^{دست} دست من بین من و میان ^{دست} دست

وَهَوَى يُوَفِّقُنِي وَمُنْقِصَةٍ تَرَهِّقُنِي

دست ^{دست} دست من که فاک ^{دست} دست

شست و شستن است و شستن است
در اینجا که شستن است
در اینجا که شستن است
در اینجا که شستن است
در اینجا که شستن است

در اینجا که شستن است
در اینجا که شستن است
در اینجا که شستن است
در اینجا که شستن است
در اینجا که شستن است



وَلَا تَعْرِضْ عَنِّي إِعْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَىٰ

درو کردان از من آنچه روگردان از کسی که خوشنودوستی

عَنهُ بَعْدَ غَضَبِكَ وَلَا تَوَيْسِنِي مَن

از آن پس از شتم خود و نه آسیدگی مرا از

الْأَمَلِ فِيكَ فَيَغْلِبَ عَلَى الْقَنُوطِ

کردن تو در تو پس غلب خود بر من ز امید

مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَمْنَحْنِي بِإِلَاطَاقَةٍ لِي

از رحمت تو و نه مرا آنچه طاققت مرا

بِهَ قَبْتِهِ ظَنِّي مِمَّا تَحْمِلْنِيهِ مِنْ فَضْلِ

پس بر من آنچه از آنچه بار میخیزد بر من از زاری و می

مَحَبَّتِكَ وَلَا تَرْسَلْنِي مِنْ يَدِكَ إِسْرَافًا

مست خود و نه مرا از دست خود سرافا

مَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ وَلَا حَاجَةَ بِكَ إِلَيْهِ

کسی که نیاست خیری در او و نه حاجتی باشد مرا به سوی او

وَلَا إِنَابَةً لَهُ وَلَا تَرْمِ بِرَدْمِي مَن سَقَطَ

و نه بازگشتی مرا و نه از سپند مرا انداختن کسی که افتاده

مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ وَمَنْ أَشْتَمَلُ عَلَيْهِ

از چشم رعایت تو و کسی که زاری کند بر او

الْحَزَنَىٰ مِنْ عَيْدِكَ بَلْ حُدَّ بِيْدِي

روای می از زاری تو بلکه بر دست مرا

مِنْ سَقَطَةٍ الْمُرْدِ مِنْ وَهْلَةٍ تَنْفَعُ

از زاری من افتادگان و از زاری من نفع

وَزَلَّةَ الْمَغْرُورِينَ وَوِزْطَةَ الْهَالِكِينَ

و از لغزشیدن فریب داده شدگان و از چاکستری و طغیان

و عَافِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عِبِيدِكَ

و عافیت و درماندگی که سبقت کردی بآن بهشتیان و عبادت

وَأَمَّا أَنْتَ وَبَلِّغْنِي مُبَالِغَ مَنْ عَنَيْتَ بِهِ

و آنکه این خود را درک من بپراورد بدگاه که عنایت داری از

و أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَرَضِيتَ عَنْهُ فَأَعَشَيْتَهُ

و انعام کردی بر او و دوستش خویش و از او پسندیدی و

حَمِيدًا وَتَوْفِيقَهُ سَعِيدًا وَطَوْفِي طَوْفٍ

ستوده و در پراورده او را سعادتمند و در گردان او را طوف

الْإِفْلَاحِ غَمًّا يَحِيطُ الْحَسَنَاتِ وَيَذْهَبُ

باز آید و آنکه در ظرفش باشد و نیکوکاران را و میرد

الْبَرَكَاتِ وَاشْعِرْ قَلْبِي لِأَزْدِ جَارِعٍ

برکات را و در برسان دل مرا باز آید تا در

قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ وَفَوَاضِلِ الْحَوَابِثِ وَ

رشتنهای بدیهای و در او ایستادنهای بدی و

لَا تَشْغَلْنِي إِلَّا أَدْرِيكَهُ الْآلِيكَ عَمَّا

ساز مشغول مرا با آنچه در می بینم و در او ایستادن مرا با آنچه

لَا يَرْضِيكَ عَمِّي عَيْنٌ وَأَنْزِعْ مِنْ قَلْبِي

نهی نشود که از من غیر او را پس از دل من

حُبِّ دُنْيَا دَنِيَّةٍ تَهْجِي غَمًّا عِنْدَكَ

دوستی دنیا بدین است که بپوشد غم را از آنکه نزد تو است

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
هذا كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والحمد لله رب العالمين

تذکره



وَصَلِّ عَنْ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ
وَتَذْهَلْ عَنْ التَّقَرُّبِ مِنْكَ وَزَيْتِنِ
لِي التَّفَرُّدِ بِمُنَاجَاتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
وَهَبْ لِي عِصْمَةً تَدِينُنِي عَنْ خَشْيَتِكَ
وَتَقْطَعُنِي عَنْ رُكُوبِ مَحَارِمِكَ
وَتَقْضِي كُنِي مِنْ أَسْرِ الْعِظَائِمِ وَهَبْ
لِي التَّطْهِيرَ مِنْ دَلَسِ الْعِصْيَانِ
وَأَذْهَبْ عَنِّي ذُرْنَ الْخَطَايَا وَسَرِّبْنِي
إِسْرَئِيلَ عَافِيَتِكَ وَرَدِّدْنِي رِذَاءَ
مُعَافَاةِكَ وَجَلِّلْنِي سَوَابِغِ نِعْمَاتِكَ
وَضَاهِرِ لَدَيَّ فَضْلِكَ وَطَوْلِكَ

وَأَيَّدَنِي بِتَوْفِيقِكَ وَمَلَّدَنِي لِتَسْدِيدِكَ

وایتداد مرا بر تو فیق خود و امداد مرا بر تسدید خود

وَأَعِنِّي عَلَى صَالِحِ النَّيَةِ وَمَرْضَى الْقَوْلِ

و یاری ده مرا بر فضیلت نیت و گفتار پسندیده

وَمُسْتَحْسِنِ الْعَمَلِ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى

دگر دار و نگذار مرا

حَوْلِي وَقُوَّتِي دُونَ حَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ

بقدرت من و قوت من نه قدرت تو و قوت تو

وَلَا تُخْرِجْنِي يَوْمَ تَبْعَثُنِي لِلِقَائِكَ وَلَا

و مخرج مرا روزی که برانگیزی مرا از برای ملاقات خود

تَقْضِي بَيْنَ يَدَيَّ أَوْلِيَائِكَ وَلَا

برآورده ای مرا پیش دوستان خود و

تُتَسَبِّحُنِي فِي كُرْكٍ وَلَا تَذْهَبْ عَنِّي

در پیش من ساز مرا یاد خود و نرسد از من

شُكْرَكَ بَلْ الزَّمْنِيهِ فِي أَحْوَالِ

شکر خود بگذرد از من گردان مرا آن شکر درون ایامی

السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ

سهو نزد غفلت های جاهلین

لَا لِأَيْتَابِكَ وَأَوْزَعْنِي إِنْ أَتَيْتَنِي بِمَا

نه بزمق می ترا و در دل آس مرا ایستد تا گویم ترا آنچه

أَوْلَيْتَنِيهِ وَاعْتَرَفَ بِمَا اسْتَدَيْتَهُ

حق کرده مرا آن و اعتراف کنم با آنچه است داده

إِلَىٰ وَاجْعَلْ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ

بوی من و بجز آن خواهش مرا بسوی تو بالای

رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ وَحَدِي إِيَّاكَ

خواهش خواستگاران و بسبب من مرزا

فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ وَلَا تَخْذَلْنِي

بالای سپاس سپاسکنندگان و نگردان خواهر

عِنْدَ فَاغَتِي إِلَيْكَ وَلَا تَهْلِكْنِي

نزد استیلاچ من بسوی تو و من هلاک مرا

بِمَا اسْتَدَيْتَهُ إِلَيْكَ وَلَا تَجَبِّهْنِي

با کمر استاده ام آن را بسوی تو برابر من بی من را

جَهْتَبَ بِهِ الْمُعَانِدِينَ لَكَ فَإِنِّي

بر پشت می زدوی اغیار من استیزه کنندگان مرزا پس منی اهل

لَكَ مُسْلِمٌ إِنَّ الْحُجَّةَ لَكَ وَأَنْتَ أَوْلَىٰ

مرزا اگر من مسلم میدانم که حجت مرزا است و اینکه تو مسلم

بِالْفَضْلِ وَأَعُوذُ بِكَ لِإِحْسَانٍ وَأَهْلٍ

بفضل و بفرمانه تری با من و اهل

الْتِقَايَ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ وَأَنْتَ بَانَ

و در رسیدن کاری و اهل آرزو منی و اینکه تو با من

تَعْفُوا أَوْلَىٰ مِنْكَ بِأَنْ تَعَاقِبَ وَأَنْتَ

مغفونی من را و از تو با من عتاب کنی و اینکه تو

بِأَنْ تَسْتَرْ أَقْرَبُ مِنْكَ إِلَيَّ لَسْتُ هَرَّ

با من پنهان منی نزد من تر از تو بسوی ایستاده نه تر

فَلْتَجَنِّ



يُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مَكَانِي وَلَا تُرْعِنِي

کردار من را به خاطر آن که من را در آنجا بگذرانم

رَوْعَةً أَبْلَسُ بِهَا وَلَا خِيفَةً أَوْحِيَسُ

ترس ندهد به من که نا امید شوم با آن و نه خوفی که در دل من بپرازد

دُونَهَا اجْعَلْ هَيْبَتِي فِي وَعِيدِكَ

ز دست آن بگردان ایست مرا در بیم دادن تو

عِنْدَ تِلَاوَةِ آيَاتِكَ وَأَعْمُرْ لِي يَاقَاضِي

تو خواندن آیات تو را و آباد کن مرا به دعا کردن تو

فِيهِ لِعِبَادَتِكَ وَتَقَرَّرْ دِي بِالْتَّجْدِ

در آنجا که برای پرستش تو و بهت کردن من بسازد پس

لَكَ وَتَجَرَّرْ دِي بِسُكُونِي إِلَيْكَ

برای تو و بگردان مرا به آرامی من نزد تو

وَأَنْزِلْ حَوَاجِي بِكَ وَمُنَازِلِي إِيَّاكَ

و در نزد آمدن حاجت من نزد تو و مکروهات مرا از تو بخواهم

فِي فَكَاكِ رَقَبَتِي مِنْ نَارِكَ وَأَجَارًا

در آسایش کردن من از آتش تو و از پناه گرفتن

مِنْهَا فِيهِ أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ وَلَا تَذَرْنِي

از آنجا که در آن است اهل آن از عذاب تو و رها نمان مرا

فِي طَغْيَانِي غَامِهَا وَلَا فِي غَمْرَتِي

در طغیان من در غمها و در غم من در غم

سَاهِيَا حَتَّى حِينٍ وَلَا تَجْعَلْنِي عِظَةً

بجانب دیگر تا روزگار منی و مگردان مرا بنده ای

وَحَذَرِي مِنْ غَلَاكَ
و از ترس تو را از غلای تو
و از ترس تو را از غلای تو

الحمد لله

از برای آنکه بداند و نه کمالی از برای آنکه عزت کند
 از برای آنکه بداند و نه کمالی از برای آنکه عزت کند
 از برای آنکه بداند و نه کمالی از برای آنکه عزت کند
 از برای آنکه بداند و نه کمالی از برای آنکه عزت کند
 از برای آنکه بداند و نه کمالی از برای آنکه عزت کند
 از برای آنکه بداند و نه کمالی از برای آنکه عزت کند
 از برای آنکه بداند و نه کمالی از برای آنکه عزت کند
 از برای آنکه بداند و نه کمالی از برای آنکه عزت کند
 از برای آنکه بداند و نه کمالی از برای آنکه عزت کند
 از برای آنکه بداند و نه کمالی از برای آنکه عزت کند

لِمَنِ تَعْظُ وَلَا تَكَا لِمَنِ عَتَبَ

از برای آنکه بداند و نه کمالی از برای آنکه عزت کند

وَلَا قِشَّةٌ لِمَنِ نَظَرُ وَلَا تَمْكُرُ لِي

و نه قشته از برای آنکه نظرت و من مکر با من

فِيمَنْ تَمْكُرُ بِهِ وَلَا تَسْتَبْدِلْ لِي

در آنکه مکر میکنی با او و بدل من را

غَيْرِي وَلَا تَغْيِرْ لِي إِسْمًا وَلَا تَبْدِلْ

بغیر من و مبدل از برای من اسم را و بدل

لِي جِسْمًا وَلَا تَخْذِنِي هُزُؤًا وَخَلْقَكَ

برای من جسم را و خدایت مرا هزوه از برای من و

وَلَا تُسَخِّرْ لَكَ وَلَا تُبْعَا إِلَّا بِرِضَائِكَ

و نه تسخیری از برای تو و نه بوسی بجز رضایت تو

وَلَا مُسْتَهِنًّا إِلَّا بِإِشْقَامِكَ وَ

و نه مستهین را بجز ایشقام تو و

أَوْجِدْنِي بِرَدِّ عَفْوِكَ وَرَوْحِكَ

یازد تو مرا بکمی عفو خود و روست خود

وَرِجَانِكَ وَجَنَّةِ نَعِيمِكَ وَازِقْنِي

در کیمان خود و دشت نعمت تو و در کیمان مرا

طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا حَبَّبَ لِسَعَةِ مِنْ

نزه فراغ دل از برای آنکه دوست داری تو را گری از

سَعَتِكَ وَاجْتِهَادِ قِيَامِي زِلْفُ

ترا گری خود و جسته کردن مرا آنکه نزدیکی کرد از

لَيْلًا



لَدَيْكَ وَعِنْدَكَ وَاتَّخِذْنِي خُفَّةً مِنْ

پیش تو در نزد تو و خفزدانت مرا خفزد از

خُفَاتِكَ وَاجْعَلْ تِجَارَتِي رَاحَةً

مکشی من فروز و بگردان تجارت مرا سودمند

وَكَزْرَتِي غَيْرَ خَاسِرَةٍ وَاحْفَظْنِي

و بزرگشت مرا زیان نرساند و بزرسان مرا

مَقَامَكَ وَشَوْقِي لِقَاءَكَ وَتُبَّ عَلَيَّ

از مقام خود و آرزو منگش را مقابله و بپزدرد مرا

تَوْبَةً نَصُوحًا لَا تَبْقَ مَعَهَا ذَنْبٌ

توبه نصیحت که باقی نماند از آن توبه که آن

صَغِيرٌ وَلَا كَبِيرٌ وَلَا تَذَرْ مَعَهَا

کوچک و بزرگ را و نگذار با آن

عِلَافِيَّةٌ وَلَا سَرِيَّةٌ وَأَنْزِعِ الْغُلَّ مِنْ

آسکاری و لایقانه را و بکنار بیاورد

صَدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ وَأَعْطِفْ بِقَلْبِي

سینه من بر مؤمنان را و مهربان کن دل مرا

عَلَى الْخَاشِعِينَ وَكُنْ لِي كَمَا تَكُونُ

بر فروزانان و باش از برای منی که هستی

لِلصَّالِحِينَ وَحَلِّزْنِي جَلِيَّةَ الْمُتَّقِينَ

از برای صالحان و بپزدرد مرا از بزرگواران

وَاجْعَلْ لِسَانِي صِدْقًا فِي الْغَايِبِينَ

و بگردان زبان راستی در غایبان

وَذِكْرًا مِمَّا فِي الْآخِرِينَ وَوَأَفِ

بِي عَرَضَةَ الْأَوَّلِينَ وَتَتِمَّ سَبُوعُ عَمَلِكِ

عَلَىٰ وَظَاهِرٌ كَرَامَتُهُ الَّذِي أَتَمَّ

مِنْ قَوَائِدِكَ يَدِي وَسُؤْكَ كَرَامَتِ

مَوَاهِيكَ إِلَيَّ وَجَاوِزِي الْأَطْيِينَ

مِنْ أَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَانِ الَّتِي يَنْتَهَا

لِأَصْفِيَائِكَ وَجَلَلَنِي شَرَائِفَ خَلْقِكَ

فِي الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّةِ لِأَحِبَّائِكَ

وَاجْعَلْهُ لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا أَوْيَ

إِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا وَمَثَابَةً اتَّبَوْهَا وَاقِرٌ

از این که در این

از این که در این



وَلَا تَهْلِكْنِي يَوْمَ يُبْلَى السَّرَائِرُ

و هلاکت من مرا روزی که آرزو شود پنهانیها

وَأَزِلْ عَنِّي كُلَّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ

و از این ساز من هر شکلی و شبهه

وَأَجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيقًا مِنْ كُلِّ

و بگردان از برای من در حق راهی از هر

رَحْمَةٍ وَأَجْزِلِي قِسْمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ

رحمت و بسیار کردن از برای من قسمت می بخشیدن از

نَوَالِكَ وَوَقِّرْ عَلَيَّ خُطُوطَ الْإِحْسَانِ

عفت می تو رواز گردان پس نصیبی از جان

مِنْ إِفْضَالِكَ وَاجْعَلْ قَلْبِي وَاثِقًا

از افضال خود در بگردان دل مرا اعتقاد دارنده

بِمَاعِينِكَ وَهَمَّتِي مُسْتَفْرَعًا لِمَا هُوَ

با کمک نزد تو از استراحت مرا که در فرود آمده برای کمک

لَكَ وَاسْتَعْمَلْنِي بِمَا اسْتَعْمَلْتَهُ خَاصُّكَ

مرا از استراحت در کار مرا با کمک کار می برای من خاص صاحب

وَأَشْرِبْ قَلْبِي عِنْدَ ذَهْوِلِ الْعُقُولِ

در آینه ساز دل من نزد چرخ می عقوبت

طَاعَتِكَ وَاجْمَعْ لِي الْغِنَى وَالْعِفَافَ

طاعت خود را و جمع کن از برای من تو را که می در کمالات

وَالدَّعَةَ وَالْمُعَافَاتِ وَالصِّحَّةَ وَالسَّعَةَ

در رحمت در می نیاز می از صحت و صحت و سعادتی

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين



از پیشانی من
و از پیشانی من
و از پیشانی من
و از پیشانی من

از پیشانی من
و از پیشانی من
و از پیشانی من
و از پیشانی من

وَالظَّامِنِينَ وَالْعَافِيَةَ وَلَا تَحْطِ

در آرمش دعا نیست در غل غم

حَسَنَاتِي بِمَا لَيْشُوْهَا مِنْ مَّعْصِيَتِكَ

بسی گدازم مرا بگناه آنکه آلوده شود مرا از معصیت تو

وَلَا خَلُّوْا نِيَّيَ بِمَا يَعْزِضُ لِي مِنْ نِّزَاجَاتِ

دزدانان مرا بآنکه عارض شود مرا از نوازی تو

فِتْنَتِكَ وَصُنْ وَجْهِي عَنِ الظَّلَمِ

از آفت تو و نگاه دار روی مرا از ظلم

إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ وَدِينِي عَنْ

بر کسی از عالمیان و دین مرا از

إِلْتِمَاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ وَلَا

طلب آنچه نزد فاسقان است و

تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيْرًا وَلَا لِهَمٍّ عَلَى

مگردان مرا بپشتکاران و نه بر من غم

مُحَوِّ كِتَابِكَ يَدًا وَنَصِيْرًا وَحُطْنِي

محو کن کتاب تو دست و نصیر و خط من

مِنْ حَيْثُ لَا أَعْلَمُ حِيَاطَةَ يَقِيْنِي بِهَا

از آنجا که نمیدانم گنجایی من که نگاه دارم مرا

وَأَفْخِ لِي أَبْوَابَ تَوْبَتِكَ وَرَحْمَتِكَ

بگشای مرا برای کن درهای توبه و رحمت خود را

وَرَأْفَتِكَ وَرِزْقِكَ الْوَاسِعِ إِلَى السَّكَنِ

و مهربانی تو و روزی خود را که فراخ است بر من که گدازم

مِنَ الرَّاعِبِينَ وَاتِّمَّ لِي إِعَامَلَتَاكَ

از رغبت کنندگان و تمام کردن از برای من ایام محمد و رسالت

خَيْرُ الْمُنْعَمِينَ وَاجْعَلْ بَاقِيَ عُمْرِي فِي

بهترین نعمت مستجابی و بگردان باقی عمر مرا در

الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ ابْتِغَاءً وَجْهَكَ يَا رَبَّ

حج و عمره برای طلب نزد است تو ای پروردگار

الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

عالمین و درود خداوند تعالی بر محمد و آل او

الظَّاهِرِينَ الظَّاهِرِينَ وَالسَّلَامُ

بر آشکاران و آشکاران و درود

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَبَدًا أَبَدِينَ

بر او و بر ایشان همیشه و همیشه

وَكَانَ مِنْ عَمَلِكُمْ يَوْمَ الْأُخْيِ وَلِيَوْمِ الْحُجَّةِ

و روز از عبادت شماست روز عید قربان و روز حجه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مُبَارَكٌ وَالْمُسْلِمُونَ

خداوند ما این روز است مبارک و مسلمانان

فِيهِ يَجْتَمِعُونَ فِي أَقْطَارِ أَرْضِكَ

در آن مستجمعند در اطراف زمین تو

لِيَشْهَدَ السَّائِلُ وَمِنْهُمْ وَالظَّالِمُ

تا حاضر شود خواستار کننده و از ایشان و ستمگر

وَالرَّاعِبُ وَالرَّاهِبُ وَأَنْتَ التَّائِبُ

و دروغ گفتار کننده و ترسناک کننده و توبه کننده

بِهِ خَيْرٌ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

اَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِأَنَّ لَكَ الْمُلْكُ وَالْحَمْدُ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَحَبِيبِكَ وَصَفْوِكَ

وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَعَلَى الْإِمَامِ مُحَمَّدٍ

الْأَبْرَارِ الظَّاهِرِينَ الْإِخْيَارِ صَلَوَاتُكَ

لَا يَقْوِي عَلَى اخْصَائِهَا إِلَّا أَنْتَ

وَأَنْ تَشْرِكََنَا فِي صَلَاحٍ مِنْ دَعَاكَ

فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَأَنْ تَغْفِرَ لَنَا وَلَهُمْ

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ

وَالْمُحَمَّدِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَعَمَّدْتُ بِحَاجَتِي وَبِكَ أَنْزَلْتُ الْيَوْمَ

نقد کردم یکی بت خود و بگو خدا آوردم در آخر

فَقَرِي وَفَاقِي وَمَسَّ كُنِّي وَإِيَّ

درودیش خود را مستیاج خود و یکیشنی خود را در مری می کشد

مَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ اَوْثَقُ مِنِّي بِعَمَلِي

در حقیقت تو اعظم و داری من بگردار خود

وَلِيُخَفِّرْكَ وَرَحْمَتِكَ أَوْسَعُ مِنْ نُورِي

و چرا بنده آفرین تو در محبت تو فلاح است نه در کینه

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَوَلَّ

پس حضرت بر محمد و آل محمد و بکون کبر

قضاء كل حاجة هي لي بقدرتك

روا کردن بر سر حاجتی که آن مرآت قدرت

عَلَيْهَا وَتَسِيرُ ذَلِكَ عَلَيْكَ وَبِفَقْرِي

برای دستان و پاها را در دستگیره های چوبی قرار دهید و در دستگیره های چوبی قرار دهید و در دستگیره های چوبی قرار دهید

إِلَيْكَ وَغِنَاكَ عَنِّي فَإِنِّي أَمْ أَصْبَحْتُ خَيْرًا

سیدی تو دیناری تو از من پس مرستی که من هر سیم حکم

قَطُّ أَحَدُ غَيْرِكَ وَلَا أَرْجُو لَمْرَ خَيْرٍ

در کمال کسی غرض از آنست
و امید نه دارم برای امر اخلاقی

وَدُنْيَايَ سِوَاكَ اللَّهُمَّ مِنْ تَهَيَّأْ

و دنیا می خوردن سوای نذر به رحمت ایا هر که اباد شد

وَتَعْبَىٰ وَاعِدَ وَاسْتَعْدَّ لَوْ فَادَةٍ

در حدیث آمده است که هر که دست زبانه از برای رخصت

الامینک ولم یصرف عینی سوءاً قط

إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءٍ رِفْدٍ وَتَوَافِلِهِ وَطَلَبِ

برای آسوده شدن باید صلوات دعا ای او و طلب

نَيْلِهِ وَجَائِزَتِهِ فَالْبِكَ يَا مَوْلَايَ

بخشش او دعا ای او پس بوی تو ای مولای من

كَأَنْتَ الْيَوْمَ تَهَيَّئْتِي وَتَعَيَّنْتِي

امروز تهنیت من و تعیین من

وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءٍ

و آمادگی من و آمادگی شدن من و آسوده

عَفْوِكَ وَرِفْدِكَ وَطَلَبِ نَيْلِكَ وَجَائِزَتِكَ

عفو تو و صلوات تو و طلب رسیدن تو و دعا ای تو

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَحْبِطْ

خداوند پس بر محمد و آل محمد و تو را سبقت نده

الْيَوْمَ ذَلِكَ مَنْ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يَحْفِيهِ

امروز آن را از آسودگی من ای آنکه مرا نترساند

سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ فَإِنِّي لَأَتِيكَ

سوال کننده و کم کننده از تو ای من که می آید به من و من به تو

ثِقَةً مِمَّنِي بِعَمَلِ صَالِحٍ قَدْ مَنَنْتَهُ وَلَا شَفَاعَةَ

بکشته اعتمادی از من بر کار نیک من که او را بخشیده ام و او را شفاعت

مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ إِلَّا شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ

آسوده کننده که او را بخشیده ام بجز شفاعت محمد

وَأَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ سَلَامُكَ

و اهل بیت و بر او و بر ایشان صلوات تو

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

صلواتك

اَتَيْتُكَ مُقِرًّا بِالْجُرْمِ وَالْإِسَاءَةِ إِلَى

آدم دارم ترا اقرار کننده بگناه و بد کرداری

نَفْسِي اَتَيْتُكَ اَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي

بخش خود آدم دارم ترا امید دارم بزرگ عفو ترا که

عَفْوَتَ بِلَا الْخَاطِئِينَ ثُمَّ لَمْ يَمْنَعْكَ

عفو کردی بآن از گناهکاران پس باز نگذاشتی

طَوْلُكَ وَفِيهِمْ عَلَى عَظِيمِ الْجُرْمِ

دست داری ایستادن ایشان بر گناه بزرگ

اِنْ عَدَّتْ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ

اینگونه نمران شود بر ایشان بد رحمت و عفو

فَيَا مَنْ رَحْمَتُهُ وَاسِعَةٌ وَعَفْوُهُ

پس ای کسی که رحمتش فراخ است و عفو او بزرگ

يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ

ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعُدْ عَلَى

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و عهد کن

بِرَحْمَتِكَ وَتَعَطَّفْ عَلَى بِفَضْلِكَ

رحمت خود و رستگاری کن بر من بفضلت خود

وَتَوَسَّعْ عَلَى مَغْفِرَتِكَ اللَّهُمَّ اِنَّ

و گشاده باشی بر من مغفرت خود منه آید ای خدای

هَذَا الْمَقَامُ لِحُلَفَائِكَ وَاصْفِيائِكَ

که این مقام است برای یاران و برگزیده گان

و در هر یکی از اینها در این باب مذکور
التي اختصتهم بها قد ابشروها

وَأَنْتَ الْمُقَدِّرُ لِذَلِكَ لَا يَخَالِبُ أَمْرُكَ

وَلَا تَجَاوَزْ الْحُتُومَ مِنْ تَذْيِيرِكَ كَيْفَ

شِئْتَ وَاقِي شِئْتَ وَلَئِنْ أَغْلَمَ

وَعَدَهُمْ عَلَىٰ خَلْقِكَ وَلَا إِرَادَتِكَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
هَٰذَا صَفْوَتُكَ وَخُلَفَاؤُكَ مَغْلُوبٌ

وَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَجَعَلْنَاهُمْ فِي الْجَنَّةِ مُقَرَّبِينَ وَمَنْ جَاءَ مِنْكُمْ بِالْحَسَنَاتِ فَاضْبَعْ لَهَا أُضْعَافًا عَشْرًا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَاتِ فَسَوَاءٌ لَّهُمْ شِصَّةُ حَصَىٰ وَالْجَنَّةُ هِيَ الْمَأْوَىٰ

مَنْ كَرِهَ لِمَنْ يَدْعُوهُ تَلَسَّ بَعْضُهُمْ أَمْرَبُهُمْ يَوْمَئِذٍ فَالْتَبَسُوا وَاذْكُرْ يَوْمَئِذٍ إِذْ يُنَادُوا لِلَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمِلُوا فَمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

مَحْفُوفَةٌ عَزَّ وَجَلَّ اِشْرَافَكَ وَسَمْعَكَ

غير داده از جهت
شیرینی نو دست

تبرکات و کرامات
ترک کرده شده ضامن

تبرکات و کرامات
ترک کرده شده ضامن

أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

دشمنان ایشان را از پیشینان و پسینان

وَمَنْ رَضِيَ بِفِعَالِهِمْ وَأَشْيَاعِهِمْ

در هر که خوشش گذشت بکارهای ایشان و در هر چه در ایشان

وَاتَّبَاعَهُمُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

وایشان را پسندان خداوند و در هر که از خاندان محمد و آل

مُحَمَّدٍ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ كَصَلَوَاتِكَ وَ

محمدی که بزرگوار و بزرگوارتر از تو و بزرگوارتر از هر که از تو

وَبَرَكَاتِكَ وَتَحِيَّاتِكَ عَلَى أَصْفِيَانِكَ

و بركاتی که از تو و درودهای تو بر برگزیده گان تو

إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ وَعِجْلَ الْفَرْجِ وَالرَّوْحِ

ابراهیم و آل ابراهیم و عجل و عجل فرج و روح

وَالنَّصْرِ وَالتَّمَكُّنِ وَالتَّائِيْدِ

و نصرت و توانمندی و تائید

لَهُمُ اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ

ایشان را خداوند و بگردان مرا از اهل توحید

وَالْإِيمَانِ بِكَ وَالتَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ

و ایمان با تو و تصدیق بر رسول تو

وَالْأَئِمَّةِ الَّذِينَ حَمَتِ طَاعَتَهُمْ مِنْ

و ائمه ای که در پی اطاعت ایشان از ایشان

يَجْرِي ذَلِكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ أَمِينٌ

جاری شود این امر و در دستهای او امانت و اعتماد

رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ لَيْسَ بِرُدِّ
 عِزِّكَ إِلَّا حِلْمُكَ وَلَا يَرُدُّ سَخَطَكَ
 إِلَّا عَفْوُكَ وَلَا يُخَيِّرُ مِنْ عِقَابِكَ
 إِلَّا رَحْمَتَكَ وَلَا يُنَجِّنِي مِنْكَ إِلَّا
 التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ وَيَبِينُ يَدُكَ فَصَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَهَبْ لَنَا يَا إِلَهِي
 مِنْ لَدُنْكَ فِرَاجًا الْقَدْرَ الَّذِي يَهَيِّئُ
 خَيْرِي أَمْوَاتِ الْعِبَادِ وَبِهَاتِ تَنْشُرُ
 مَيِّتَ الْبِلَادِ وَلَا تَهْلِكْ كُنِّي يَا إِلَهِي
 غَمًّا حَتَّى تَسْتَجِيبَ لِي وَتُعْرِفَنِي
 الْإِجَابَةَ فِي دُعَائِي وَادْفِنِي طَعْمَ

برود و کارهای دنیا را بر تو باز می گردانم

خشم تو را بر من و در حق تو در میگردانم عفو تو

بهر عفو تو و در حق تو در میگردانم از عفو تو

بهر رحمت تو و در حق تو در میگردانم از تو

در حق تو در میگردانم از تو

بر محمد و آل محمد و جمیع اهل بیت علیهم السلام

از تو در میگردانم از تو

از تو در میگردانم از تو

بر تو در میگردانم از تو

از تو در میگردانم از تو

اجابت کن مرا در دعای من و بکن مرا

بسم الله الرحمن الرحيم



الْعَافِيَةَ إِلَىٰ مُنْتَهَىٰ أَجَلِي وَلَا تَسْمِئْ

عافیت منتهای آیت منتهای آیت منتهای آیت

بِي عَذْوِي وَلَا تَمْكِنْهُ مِنْ عِقْبِي

بمن عذو من مرا و دست نه او را و دست نه او را

وَلَا تَسْلِطْهُ عَلَيَّ إِلَهِي إِنْ رَفَعْتَنِي

و تسلط من او را بر من ای خدای من اگر بلند کنی مرا

فَمَنْ ذَا الَّذِي يَضَعُنِي وَإِنْ وَضَعْتَنِي

پس کیست آنکه بگذارد مرا و اگر بگذارد مرا

فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي وَإِنْ كَرَّمْتَنِي

پس کیست آنکه بزرگوار کند مرا و اگر بزرگوار کنی مرا

فَمَنْ ذَا الَّذِي يُهِنُّنِي وَإِنْ أَهْنَيْتَنِي

پس کیست آنکه خوار کند مرا و اگر خوار کنی مرا

فَمَنْ ذَا الَّذِي يُكْرِمُنِي وَإِنْ عَذَّبْتَنِي

پس کیست آنکه بزرگوار کند مرا و اگر عذاب کنی مرا

فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْحَمُنِي وَإِنْ أَهْلَكْتَنِي

پس کیست آنکه رحم کند مرا و اگر ببرد مرا

فَمَنْ ذَا الَّذِي يَعْزِضُ لَكَ فِي عَبْدِكَ

پس کیست آنکه بر تو ایستد در بند تو

أَوَلَيْسَ لَكَ عَنِ امْرِئٍ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ

ایستد از من و من می دانم که او را

لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظَلَمٌ وَلَوْ تَقَمَّيْتُكَ

پس در حکم تو ظلم نیست و اگر مرا بگردانی

عَجَلَةً وَأَمَّا يَجْعَلُ مِنْ خِيفَةِ الْفَوْتِ

شستابی درستی که شتاب منم که از سر انداختی

وَأَمَّا يَجْعَلُ إِلَى الظِّمِّ الضَّعِيفِ

و درستی که مخمخ منم بستم بمرضعیف

قَدْ تَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا

و حقش که برتری منی ای خدای من از این برتری

كَبِيرًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

بزرگی خداوند رحمت بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْنِي لِلْبَلَاءِ غَرْصًا وَلَا

و بگردان مرا از برای غارتش نه و نه

لِنَفْسِكَ نَصَبًا وَمَهْلِكِي وَنَفْسِي

از برای عقوبت خود را برای شده و هلاک مرا و نفس مرا

وَاقْلَنِي عَثْرَتِي وَلَا تَبْتَلْنِي بِبَلَاءٍ عَلَى

و در گردان مرا از سر و آزار من از شدت گردان بلاء منی

أَثَرِ بَلَاءٍ فَقَدْ تَرَى ضَعْفِي وَقَلَّةَ جِيلَتِي

عفت من پس حقش که می بینی سستی منی را و کمی جاده مرا

وَتَضَرَّعِي إِلَيْكَ أَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ الْيَوْمَ

و زاری مرا سوی تو پناه میگیرم تو است امروز

مِنْ غَضَبِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

از غضب تو پس رحمت بر محمد و آل او

وَاعِدْنِي وَاسْتَجِيرُكَ الْيَوْمَ مِنْ

و پناه ده مرا و در پناه بگیرم من امروز از

سَخَطِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآجِرِي

عشتم تو پس حضرت بر محمد در هزار ده مره

وَاسْأَلْكَ أَمْنًا مِنْ عَذَابِكَ فَصَلِّ

در ستم تا استی از عذاب تو پس حضرت

وَالِهِ وَآمِنِي وَاسْتَهِدِيكَ فَصَلِّ

وآل او و این س از مره و هشت شات بیدار تو پس حضرت

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاهْدِيهِ وَاسْتَنْصِرْكَ

بر محمد و آل او و هدایت کن مره و هشت شات بیدار تو

مُحَمَّدٍ

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَانْصُرْنِي وَاسْتَحْجِ

پس حضرت بر محمد و آل او و یاری ده مره و هشت شات

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْحَمْنِي وَاسْتَكْفِيكَ

پس حضرت بر محمد و آل او و رحمت کن مره و هشت شات

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي وَاسْتَرْزُقْكَ

پس حضرت بر محمد و آل او و کار ده مره و هشت شات

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي وَاسْتَعِينَكَ

پس حضرت بر محمد و آل او و رزق ده مره و هشت شات

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْنِي وَاسْتَغْفِرْكَ

پس حضرت بر محمد و آل او و مدد ده مره و هشت شات

وَمَا سَلَفَتْ ذُنُوبِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و از برای آنکه گذشت گناهات از من پس حضرت بر محمد

وَالِهِ وَاسْتَغْفِرْكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و آل او و عذاب ده مره و هشت شات بیدار تو پس حضرت بر محمد و آل او

و اعظم

و اعظم



وَاعْظِمْنِي فَإِنِّي لَنَأَعُودُ بِشَيْءٍ كَرِهْتَهُ

و ای نگاه دار مرا ایس برستی که من باز میگردم بخیزای که من کراهت دارم

مَتَى إِنَّ شَيْئَ ذَلِكَ يَارَبِّ يَارَبِّ

و ز من اگر خواهی تو آن را ای پروردگار من ای پروردگار

يَا حَتَّانُ يَا مَتَّانُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ

ای حسان ای متسان ای تو مسنده ای ضاوه بزرگی و

الْإِكْرَامِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاسْجِ

را ای کریم بر محمد و آل او و حاجت من

لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ

از برای من همه آنچه سوال کردم از تو و طلب کردم نزد تو

وَرَعَيْتُ فِيهِ إِلَيْكَ وَارِدَهُ وَقَدِّ

در رعایت کردم در آن بهر می تو در کوفه آن را و قدرش را

وَاقْضِهِ وَأَمْضِهِ وَخَرِّ لِي فِيمَا تَقْضِي

و حکم کن آنرا و در آن ساز آن را و مرده مرا در آنچه حکم کنی

مِنْهُ وَبَارِكْ لِي فِي ذَلِكَ وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ

از آن در بركت ده مرا در آن و تفضل کن بر من

بِهِ وَاسْعِدْنِي بِمَا تَعْطِينِي مِنْهُ وَزِدْنِي

باز و وسیع نمود مرا آنچه عطی منی را از آن و زود کن مرا

مِنْ فَضْلِكَ وَسَعَةِ مَا عِنْدَكَ فَإِنَّكَ

از فضل خود و وسعت آنچه نزد توست پس بخیر

وَاسِعٌ كَرِيمٌ وَصَلِّ ذَلِكَ بِخَيْرٍ

و وسیع و بزرگوار و پیوند آن را بخیر

ای پروردگار من

ای کریم

ای بزرگوار

الْآخِرَةُ وَنَعِيمُهَا نَازِلًا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ٥

آفت وفت آن ای مهر باختر مهر باستان

ثُمَّ تَدْعُو بِمَا بَدَأَ لَكَ وَتُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ

پس دعائے پاکجہ طے فرمود ترا در صلوات علیہ

وَالِإِلَافِ مَرَّةً هَكَذَا كَانَ يَفْعَلُ عَلَيْهِ

را آید از این امر که

وَكَانَ مِنْ عَائِدَةِ السَّلَامِ فِي

از دعای حضرت علی علیه السلام در

دِفَاعِ كَيْدِ لَاعِلَاءِ وَرَدِ بَاسْمِ

مید دسلمان در دهمی

الهي هديتني فلم هو وعظ ففسوت

ی خدا می من برایت راوی را بسپارم و در هر روزی که می خوانی

وَأَبْلَيْتَ الْجَمِيلَ فَعَصَيْتَ ثُمَّ عَرَفْتَ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَكُونَا لَهُ شَاكِرِينَ إِلَّا يَهْدِيَ مَنْ يُرِيدُ

ما اصدرك اذ عرفتني فاستغفر

تَبَارَكَ الَّذِي يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ

فَاَقْلَتْ فَعَدَّتْ فَمَسَّتْ فَلَكِ الْاِحْدَى

وَأَمَّا الْفُلُ فَأَنزَلْنَاهُ ذِي الْقُرْبَىٰ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمَ يَافَثَ ۚ

بَحْمَتِ اوردیه اهلایک و خلعت
از اوست امر خرد را و او بهای علیک و خرد را

1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34 35 36 37 38 39 40 41 42 43 44 45 46 47 48 49 50 51 52 53 54 55 56 57 58 59 60 61 62 63 64 65 66 67 68 69 70 71 72 73 74 75 76 77 78 79 80 81 82 83 84 85 86 87 88 89 90 91 92 93 94 95 96 97 98 99 100 101 102 103 104 105 106 107 108 109 110 111 112 113 114 115 116 117 118 119 120 121 122 123 124 125 126 127 128 129 130 131 132 133 134 135 136 137 138 139 140 141 142 143 144 145 146 147 148 149 150 151 152 153 154 155 156 157 158 159 160 161 162 163 164 165 166 167 168 169 170 171 172 173 174 175 176 177 178 179 180 181 182 183 184 185 186 187 188 189 190 191 192 193 194 195 196 197 198 199 200 201 202 203 204 205 206 207 208 209 210 211 212 213 214 215 216 217 218 219 220 221 222 223 224 225 226 227 228 229 230 231 232 233 234 235 236 237 238 239 240 241 242 243 244 245 246 247 248 249 250 251 252 253 254 255 256 257 258 259 260 261 262 263 264 265 266 267 268 269 270 271 272 273 274 275 276 277 278 279 280 281 282 283 284 285 286 287 288 289 290 291 292 293 294 295 296 297 298 299 300 301 302 303 304 305 306 307 308 309 310 311 312 313 314 315 316 317 318 319 320 321 322 323 324 325 326 327 328 329 330 331 332 333 334 335 336 337 338 339 340 341 342 343 344 345 346 347 348 349 350 351 352 353 354 355 356 357 358 359 360 361 362 363 364 365 366 367 368 369 370 371 372 373 374 375 376 377 378 379 380 381 382 383 384 385 386 387 388 389 390 391 392 393 394 395 396 397 398 399 400 401 402 403 404 405 406 407 408 409 410 411 412 413 414 415 416 417 418 419 420 421 422 423 424 425 426 427 428 429 430 431 432 433 434 435 436 437 438 439 440 441 442 443 444 445 446 447 448 449 450 451 452 453 454 455 456 457 458 459 460 461 462 463 464 465 466 467 468 469 470 471 472 473 474 475 476 477 478 479 480 481 482 483 484 485 486 487 488 489 490 491 492 493 494 495 496 497 498 499 500 501 502 503 504 505 506 507 508 509 510 511 512 513 514 515 516 517 518 519 520 521 522 523 524 525 526 527 528 529 530 531 532 533 534 535 536 537 538 539 540 541 542 543 544 545 546 547 548 549 550 551 552 553 554 555 556 557 558 559 560 561 562 563 564 565 566 567 568 569 570 571 572 573 574 575 576 577 578 579 580 581 582 583 584 585 586 587 588 589 590 591 592 593 594 595 596 597 598 599 600 601 602 603 604 605 606 607 608 609 610 611 612 613 614 615 616 617 618 619 620 621 622 623 624 625 626 627 628 629 630 631 632 633 634 635 636 637 638 639 640 641 642 643 644 645 646 647 648 649 650 651 652 653 654 655 656 657 658 659 660 661 662 663 664 665 666 667 668 669 670 671 672 673 674 675 676 677 678 679 680 681 682 683 684 685 686 687 688 689 690 691 692 693 694 695 696 697 698 699 700 701 702 703 704 705 706 707 708 709 710 711 712 713 714 715 716 717 718 719 720 721 722 723 724 725 726 727 728 729 730 731 732 733 734 735 736 737 738 739 740 741 742 743 744 745 746 747 748 749 750 751 752 753 754 755 756 757 758 759 760 761 762 763 764 765 766 767 768 769 770 771 772 773 774 775 776 777 778 779 780 781 782 783 784 785 786 787 788 789 790 791 792 793 794 795 796 797 798 799 800 801 802 803 804 805 806 807 808 809 810 811 812 813 814 815 816 817 818 819 820 821 822 823 824 825 826 827 828 829 830 831 832 833 834 835 836 837 838 839 840 841 842 843 844 845 846 847 848 849 850 851 852 853 854 855 856 857 858 859 860 861 862 863 864 865 866 867 868 869 870 871 872 873 874 875 876 877 878 879 880 881 882 883 884 885 886 887 888 889 890 891 892 893 894 895 896 897 898 899 900 901 902 903 904 905 906 907 908 909 910 911 912 913 914 915 916 917 918 919 920 921 922 923 924 925 926 927 928 929 930 931 932 933 934 935 936 937 938 939 940 941 942 943 944 945 946 947 948 949 950 951 952 953 954 955 956 957 958 959 960 961 962 963 964 965 966 967 968 969 970 971 972 973 974 975 976 977 978 979 980 981 982 983 984 985 986 987 988 989 990 991 992 993 994 995 996 997 998 999 1000 1001 1002 1003 1004 1005 1006 1007 1008 1009 1010 1011 1012 1013 1014 1015 1016 1017 1018 1019 1020 1021 1022 1023 1024 1025 1026 1027 1028 1029 1030 1031 1032 1033 1034 1035 1036 1037 1038 1039 1040 1

شِعَابِ نَفَقِ عَرَضَتْ فِيهَا

1970

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the previous page, written in a cursive style.

25

بسم الله الرحمن الرحيم

المستوفى



لِسَطَوَاتِكَ وَيَجْلُوها عَقُوبَاتِكَ وَه

در تیرای ترا / بسبب زود آمدن از آنجا عفو شدی ترا و

وَسَيَّلْتَنِي إِلَيْكَ التَّوْحِيدَ وَذَرَيْتَنِي

دو سبیل من بسوی ترا / بیکانه در این که دوست آوردی من

أَتَى لَمْ أَشْرِكْ بِكَ شَيْئًا وَلَمْ أَتَّخِذْ

اجتناب گزاشتم بیکت که ام تر جز آن / تو را نکردم ام

مَعَكَ إِلَهًا وَقَدْ فَرَرْتُ إِلَيْكَ بِنَفْسِي

و تو / من را / در عفو کردی که من بسوی تو عفو نمودم

وَالْيَكْ مَفَرُّ الْمُسْتَيْ وَمَقَرُّ الْمَضِيعِ

و بسوی تو / که از گناه / در پناه / که می گشت

يُحِطُ نَفْسِهِ الْمَلْجِئِ فَكَمْ مِنْ عِلَاقٍ

در جبهه نفس خود را پناه گزیده / بیک / از بر من

أَنْتَضَى عَلَى سَيْفِ عِلَاوَتِهِ وَشَحَذَ

که کشید / بر من / شمشیر / از منی خود را و دست کرد

لِي خَبَّةَ مَدْيَنَتهِ وَأَرْهَفَ لِي

برای من / دم / کار و زحمت خود را / دست کرد / از برای من

شَبَاحَةً وَدَافَ لِي قَوَائِلَ سَمُومِهِ

نارده / بختی ترا / و بیند / برای / زهرهای / شسته خود را

وَسَدَّ دُخْوَى صَوَائِبِ سَهَامِهِ

و در است / کرد / بیک / من / سه / های / در است / خود را

وَلَمْ تَتَمَّ عَنِّي عَيْنُ جِرَاسَتِهِ وَأَضْمَرَ

و نگرفت / از من / چشم / بچشم / او / در دل آورد

أَنْ لِّسُوْنِي الْمَكْرُوْنَ وَخَجِّرْ عَنِّي هَلَكُوْا

که بر من اندر مکرور و بر من دور گردان

زَعَاقِ مَرَارَتِهِ فَظَنَرْتُ يَا اِلٰهِيْ اِلَى

از آفات بسیار رخ خود پس اندر ای خدای من بسوی

ضَعْفِيْ عَنْ اِحْتِمَالِ الْفَوَاحِشِ وَغَجْرِيْ

ضعف من از برداشتن چیزهای گناه و عجز من

عَنِ الْاِثْتِصَارِ مِنْ قَصْدِيْ فِيْ تَحَارِيْبِهِ

از ایستقامت کردن از کسی که قصد کرده باشد بکارزاردن

وَوَحَدَتِيْ فِيْ كَثِيْرٍ عَدَدٍ مِنْ اَوَانِيْ

و تنهایی من در عدد بسیار که با من است

وَارْصَدَتْنِيْ بِالْبَلَاءِ فَيَا اِلٰهَ اَعْمَلْ فِيْهِ

و گشود مرا در ایام بخت و ای خدای من بکن در این

فِيْ كَرِيْ فَابْتَدَأَتْنِيْ بِنَصْرِ اَوْشَدَّ

در کرم خود را پس بپایانده اگر دانی باری خود و محکم کردی

اَزْ رِيْ بِقُوَّتِكَ ثُمَّ فَلَلْتُ لِيْ حَلَةً وَ

بخت مرا بپشت خود پس شکستی برای من تنی و اورا

صَيَّرْتَهُ مِنْ بَعْدِ جَمْعٍ عَلَيَّ يَدٍ وَحَدَّ

گردانیدی او را از پس بستم بسیار تن

وَاَغْلَيْتُ كَغَبِيْ عَلَيْهِ وَجَعَلْتَ

و بزد کردی مرا بگشاید بر او و گردانیدی

مَا سَدَّدَهُ مَرْدُودًا عَلَيْهِ فَرَدَّدْتَهُ

آنچه زد او را باز گردانیده بر او پس باز کردی

و اینست که در این
کتاب آمده است که
در این کتاب آمده است
که در این کتاب آمده است

و اینست که در این
کتاب آمده است که
در این کتاب آمده است
که در این کتاب آمده است

لَمْ يَشْفِ عَيْظَهُ وَلَمْ يَسْكُنْ عَلَيْهِ

تخت نهادم خود را و در کسوت کینه او

قَدَّعَضَ عَلَى شَوَاهِ وَأَذْبَرَ مَوْلِيَا قَدْ

چون که دندان بر کفایت و دستهای خود را بر پشت کرد و کرده محقق

أَخْلَفْتُ سَرَايَاهُ وَكَمْ مِنْ بِلَاحِ بَغَا

کرد و ده و خفت کردنش برای او و در آن کینه ده که کینه او

بِمَكَائِدِهِ وَنَضَبَ لِي شَرَكُ مَصَائِدِهِ

بسمه ای خود در بار کرد برای من و امم حسنه ای خود

وَوَكَّلَ بِي تَقْقُدَ رِعَايَتِهِ وَأَضْبَأَ إِلَى

و کلمات بر من بستن رعایت کردن خود او در کسوت

أَضْبَاءَ السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ إِنْ تَظَارَّ الْأَنْهَارُ

بهمان شستن سبب برای نگاه خود بکینه آنقدر در روزهای

الْفُرْصَةِ لِغُرُوبِ سِتِّهِ وَهُوَ يُظْهِرُ لِي

و بهت برای نگاه خود و حال نگه او در کسوت برای

لِشَاشَةِ الْمَلَقِ وَيُظَرِّفُ لِي عَلَى شِدَّةِ

بهمان شستن بد بوسی را و نگاه بکینه بر کسوت

الْحَقِّ فَلَمَّا رَأَيْتَ يَا إِلَهِي تَبَارَكَتْ

بسمه پس در دیدن تو ای الهی و در کسوت

وَتَعَالَيْتَ دَغْلَ سِرِّيهِ وَقَبَّحَ مَا أَنْطَوِي

و برتری تو نمود و بهتای او را و کسوتی که در او بود

عَلَيْهِ أَرْكَسْتَهُ لِأَمِّ رَأْسِهِ فِي رَيْبَتِهِ

بر او بکسوت کردی او را بطن بر سرش و در کسوت او

تخت نهادم خود را و در کسوت کینه او
چون که دندان بر کفایت و دستهای خود را بر پشت کرد و کرده محقق
کرد و ده و خفت کردنش برای او و در آن کینه ده که کینه او
بسمه ای خود در بار کرد برای من و امم حسنه ای خود
و کلمات بر من بستن رعایت کردن خود او در کسوت
بهمان شستن سبب برای نگاه خود بکینه آنقدر در روزهای
و بهت برای نگاه خود و حال نگه او در کسوت برای
بهمان شستن بد بوسی را و نگاه بکینه بر کسوت
بسمه پس در دیدن تو ای الهی و در کسوت
و برتری تو نمود و بهتای او را و کسوتی که در او بود
بر او بکسوت کردی او را بطن بر سرش و در کسوت او

وَرَدَدَتْهُ فِي مَهْوَىٰ حُضْرَتِهِ فَأَقْتَمَعَ

دور کرد آنرا در مهوای حاضرت او و فرو برد

بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِيلًا فِي رِبْقِ

پس در استیلا و غلبه او در بند و دام

حَبَالَتِهِ الَّتِي يَقْدِرُ أَنْ يَرَانِي فِيهَا

در حبال او که بود که تقدیر می کرد که من را در آن

قَدْ كَادَ أَنْ يَجْلِيَ لِي لَوْلَا رَحْمَتُكَ فَاحْلُ

بسیار بود که نزدیک بود که از روی تو بگریزم مگر رحمت تو بود که مرا نگاه داشت

لِسَاحَتِهِ وَكَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ شَرَفَ

پس از سخاوت او و چقدر از حاسدان او شرف یافت

بِي بَغْضَتِهِ وَشَجِي مَتْنِي بَغِظِهِ وَ

برای من بدشمنی او و دشمنی من با او و بدشمنی او

سَلَقَنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ وَوَحَرَنِي بِقَرْفِ

او مرا با حد لسان او و با یخ زدن او

عُيُوبِهِ وَجَعَلَ عِرْضِي عَرْضًا لِمَرَامِيهِ

پس او مرا را با عیب او و او مرا را را با عیب او

وَقَدْ لَنِي خِلَالَ الْأَلَمِ تَزَلُّ فِيهِ وَوَحَرَنِي

و او مرا را در میان آلام و او مرا را را با عیب او

بِكَيْدِهِ وَبِمَكِيدَتِهِ فَتَأَيَّتِكَ

با حیله او و با مکر او پس تو را

يَا إِلَهِي مُسْتَغِيثًا بِكَ وَاثِقًا بِسُرْعَةِ

ای خداوند منم که مرا را را با تو و با سرعت تو

کَانَ

إِحْلَالِكَ



إِجَابَتِكَ عَلِيمًا أَنَّهُ لَا يُضْطَهُدُ مَنْ

اجابت تو را دانای باینکه

أَوَى إِلَى ظِلِّكَ نَفِكَ وَلَا يَفْزَعُ

که بجای کرانه در سایه عبادت تو

مَنْ جَاءَ إِلَى مَعْقِلِ إِنْصَارِكَ فَحَصَّتْنِي

کسی که بنده رود بسوی بناگاه تو

مِنْ نَاسِهِ بِقَدَرَتِكَ وَكَمْ مِنْ سَكَّانٍ

از شدت آن بصورت تو

مَكَرُوهُ جَلِيَّتْهَا عَنِّي وَسَكَّائِبُ نَعِيمٍ

مکرهای دشمنی از من

أَمْطَرَتْهَا عَلَى وَجْدٍ أَوَّلِ رَحْمَةٍ نَشْرَتْنِي

که بارشهای او را بر من

وَعَافِيَةِ الْبَسْتِهَا وَأَعْيُنِ أَحْدَاثٍ

و بی نیستی

طَمَسَتْهَا وَغَوَّاشِي كُرْبَاتٍ

که بر روی او را

كَ شَفَقَتْهَا وَكَمْ مِنْ ظُنِّ حَسَنِ

که در دشت او را

حَقَّقَتْ وَعَلِمَ جَبَرَتْ وَصَرَعَتْ

که درستی کردی

أَنْعَشَتْ وَمَسَّ كُنْهَ حَوْلَتْ

که در دشت

باز خوانده اند که در این قصیده
از کمال و جلال و عظمت تو
و از کمال و جلال و عظمت تو



كُلَّ ذَلِكَ اِنْعَامًا وَتَطَوَّلَ لَمِنْكَ وَرِي

معه اینها از روی انعام و تطویل است از قرآن دور

جَمِيعِهِ اِنَّهُمْ كَانُوا مِنِّي عَلَىٰ مَعَاصِيكَ

همه اینها گشتند از من است از من بر ما فریبهای

لَمْ تَمْنَعْكَ اِسَاءَةً لِّي عَنْ اِيْمَانٍ اِحْسَانًا

از من است که به کرداری من از تمام کردن حسن

وَلَا حَجَرَ لِّي فِي ذَلِكَ عَنْ اِيْكَ اِحْسَانًا

و هیچ مانع مرا از این در آنجاست و از ایتک

لَا تَسْأَلُنِي عَمَّا تَفْعَلُ وَلَقَدْ سَأَلْتُكَ

سوال کرده ام از آنچه میکنی و بقی که سوال کرده ام

فَاَعْطَيْتَ وَلَمْ تَسْأَلْ فَاَبْتَدَأْتَ

پس میفرمودی و سوال کرده ام از تو پس ابتدا کردی

وَاسْتَمِيعَ فَضْلَكَ فَمَا اَكْثَرَتْ

و شنید که بزرگی تو را پس اندک نه او می

اَبَيْتَ يَا مَوْلَايَ اِلَّا اِحْسَانًا وَ اَمْنًا

سپردادم ای سرور من را جز حسن و امان

وَتَطَوَّلَ وَاِنْعَامًا وَ اَبَيْتَ لَا تَقْصُرًا

و تطویل و انعام و سپردادم که کوتاهی

يَحْرُمَانِكَ وَتَعَدَّ بِاِلْحَادٍ وَ دِهْوَغْلَةٍ

از حرمان تو و در حدیث و در حدیث

عَنْ وَعِيدِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ اِلٰهِي مِنْ مُقَدِّمِ

از تو و وعده تو پس بزرگوار است ای خدای من از پیش

لَا يَغْلِبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا تَجْلُ هَذَا

که سبب غلبه نمی شود و خداوند استقامتی که شتاب ندارد

مَقَامٌ مِّنْ اعْتِرَافٍ بِسُبُوحِ النِّعَمِ وَقَائِلَهَا

مقام کسی است که عزت آن کرده است تمامی نعمتها و در برابر آنها

بِالتَّقْصِيرِ وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّضْيِيعِ

و کمزوری داد و است بر نفس خود اقرار کرد

اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْمَحْمَدِيَّةِ

خداوند پس من به سوی تو نزدیکی میجویم بوسیله نبوت محمدی

الرَّفِيعَةِ وَالْعُلَوِيَّةِ الْبَيضاءِ وَالتَّوَجُّهُ

به بلند است و به علوی که در روشن است و توجه

إِلَيْكَ بِمَا أَنَّنِي تَعَيَّدَنِي مِنْ شَرِّ كُلِّ

به سوی تو باینکه که در دنیا که گری مرا داشته پس

وَكُنَّا فَإِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ

و پس پس درستی که این تنگ نیست بر تو

فِي وُجْدِكَ وَلَا يَتَكَأَذُكَ فِي قَدَرِكَ

در چشمت نخواهد بود و گران نمیگردد در حد قدرتت

وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ فَهَبْ لِي

و تو بر هر چیزی قادر هستی پس بفرما برای من

يَا إِلَهِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَدَوَامِ تَوْفِيقِكَ

ای خدای من از رحمتت و در پیوستگی تو

مَا أَخَذَكَ سُلْماً أَعْرِجْ بِهِ إِلَى رِضْوَانِكَ

آنچه برای تو گرفتار بود برود با من که با تو بروم به سوی رضایت تو

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

وَأَمِنْ بِهِ مِنْ عِقَابِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و این کرم بمان از مقام تو ای مهربانترین مهربانان
و کان منی غایب علی السالم فی السهبة

اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَنِي سَوِيًّا وَرَبِّتَنِي

خدایا مرا درست کن و پرورش دادی مرا درست اندام و پروردی مرا

صَغِيرًا وَرَزَقْتَنِي مَكْفِيًّا اللَّهُمَّ إِنِّي

در کوچکی و روزی دادی مرا کنفیست کرده و خدایا مرا کافی

وَجَدْتُ فِيهَا أَنْزَلْتَ مِنْ كِتَابِكَ وَلَيْسَتْ

یافته ام در آنکه خود کشاده از کتاب خود در آن

بِهِ عِبَادًا أَنْ قُلْتَ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ

ای بندگان خود را و گفتی ای بندگان آنانی که

اسْتَرْفَوْا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْطَعُوا مِنْ

استرغاف کردند بر نفسهای خود و قطع مکن از

رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ

رحمت خدا را پس ای بندگان که می گزیدند گناهان را

جَمِيعًا وَقَدْ تَقَدَّمَ مِنِّي مَا قَدْ عَلِمْتُ

همگی و پیش از من آنکه می دانستم

وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي فَيَا سَوَاءَ مَا مَحَظَّتُهُ

و تو دانایتری با من از من پس ای وای بر من که محظبت مرا

عَلَى كِتَابِكَ فَلَوْلَا الْمَوَاقِفُ الْمَحْجِي

بر من کتاب تو پس ای وای بر من که

این دعا را در هر روز بخواند
و اگر در وقت حاجت بخواند
بسیار سودمند است
و اگر در وقت غم بخواند
بسیار شادمان کننده است
و اگر در وقت ترس بخواند
بسیار دلگشاه کننده است
و اگر در وقت غم بخواند
بسیار دلگشاه کننده است

اُفٍّ



أَوْمِلُ مِنْ عَفْوِكَ الَّذِي شَمِلَ كُلَّ شَيْءٍ
 لَا لَقِيْتُ بِيَدِي وَلَوْ أَنَّ حِلْمًا اسْتَطَاعَ
 الْهَرَبَ مِنْ رَبِّهِ لَكُنْتُ أَنَا أَحَقُّ
 بِالْهَرَبِ مِنْكَ وَأَنْتَ لَا تَحْفَظُ عَلَيْكَ
 خَافِيَةً فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ
 إِلَّا أَتَيْتَ بِهَا وَكَفَىكَ جَازِيًا
 وَكَفَىكَ حَسِيْبًا اللَّهُمَّ إِنَّكَ
 طَالِبِي إِنْ أَنَا هَرَبْتُ وَمُدِيرِي إِنْ أَنَا
 قَرَرْتُ فَهَذَا أَنَا ذَابِينَ يَدَيْكَ خَاضِعٌ
 ذَلِيلٌ رَاغِمٌ ارْتَعِدْ بَنِي فَاتِي لِذَلِكَ
 أَهْلٌ وَهُوَ يَارَبِّ مِنْكَ عَدْلٌ وَإِنْ

تَعَفُّ عَنِّي فَقَدْ يَمَّا شَمَلَنِي عَفْوُكَ

در گذردی از من پس از قدم در گذشتت ای عفو تر

وَالْبَسْتَنِي غَافِيَتَكَ فَاسْأَلْكَ اللَّهُمَّ

در پوشش بندها را غایت خود پس سؤال کن از ما خدا

بِالْمَحْزَنِ مِنَ السَّمَائِكَ وَبِمَا وَارَتْهُ

آنچه پنهان شده است از آسمانهای تو و آنچه پوشیده است

الْحُجُبُ مِنَ بَهَائِكَ الْإِرْحَمْتَ هَذِهِ

پرده ها را از جلالت تو که اینها را رحمتی این

النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ وَهَذِهِ الرِّمَّةُ الْهَالِكَةُ

نفس را تشنه و این استخوانهای پوسیده

الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ حَرَّ شَمْسِكَ فَكَيْفَ

آنکه نتواند گرمی آفتاب تو پس چگونه

تَسْتَطِيعُ حَرَّ نَارِكَ وَالَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ

تواند گرمی آتش تو و آنکه نتواند

صَوْتَ رَعْدِكَ فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ

آواز را صدای تو پس چگونه

غَضَبَكَ فَإِرْحَمْنِي اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَمْرُؤُ

نفسم ترا پس رحم کن بر من خداوند پس من مردی

حَقِيرٌ وَخَطَرِي لَيْسَ عِلَّالِي

حقیرم و قدر من اندک است

مِمَّا يَزِيدُ فِي مَلِكِكَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ

از آنکه کوزد در کرمی در پادشاهی خود بهر گشت مردم

وَلَوْ أَنَّ عِلَّابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ

و اگر ایله در عذاب من از آن کس است که روزی در ملک تو

لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ وَاحْبَبْتُ

من ایستادم و صبر را از تو خواستم و دوست داشتم

أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ لَكَ وَلَكِنْ سُلْطَانُكَ اللَّهُمَّ

آنکه بود آنکه باشد آنکه از برای تو و لیکن پادشاه تو خداوند

اعظمُ ومُلْكُكَ اَدْوَمُ مِنْ أَنْ تَزِيدَ فِيهِ

بزرگترین و سلطنت تو جاوده تر است از آنکه در آن

طَاعَةُ الْمُطِيعِينَ أَوْ تَنْقُصَ مِنْهُ مَعْصِيَةٌ

طاعت عاقلان و عتق شدن کسان یا کم شدن از آن که کاری

الْمَذْنُوبِينَ فَأَرْحَمَنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

کن کاروان پس رحمت کن بر من ای رحیمترین رحمت کننده

وَجَاءَ وَزَعْنِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

و در گذر از من ای خداوند بزرگی و کرامت

وَتَبَّ عَلَى أُمَّتِكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

و بدید بر تو ای گروه من تو ای خداوند بازگشت کننده و رحیم

وَكَانَ مِنْ عَمَلِهِ السَّلَامُ التَّضَرُّعُ وَالْإِسْكَانُ

و بود از دعا و بخت و سلام و تضرع و ایستادن

إِلَهِي أَحْمَدُكَ وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ عَلَى

ای خدای من ستایش کنان و تو ایستادن برای ستایش

حُسْنِ صَتْبِكَ إِلَيَّ وَسُبُوحٌ لَعْنَتُكَ

و ایستادن تو و ستایش من و لعنت تو

عَلَى وَجْزِيلٍ عَطَاكَ عِنْدِي وَعَلَى

بر من بسیار می عطای تو نزد من در

مَا فَضَّلْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَسْبَغْتَ

را آنچه زیاده و قی دادی مرا از رحمت خود و تمام کردی

عَلَى مِنْ نِعْمَتِكَ فَقَدْ اِضْطَنَعْتَ عِنْدِي

بر من از نعمت خود پس بخت کردی نزد من

مَا يَعْجَزُ عَنْهُ شَيْءٌ كَرِيهُ لَوْ لَا اِحْسَانُكَ

را آنچه عاجز است از آن شکر من در کار خودی جان

إِلَى وَسَبَّوْهُ نِعْمَتُكَ عَلَيَّ مَا بَلَغْتُ

بهری من و تازی نعمت ای تو بر من بزرگ شد

اِخْرَازَ حَظِّي وَلَا اِصْلَاحَ نَفْسِي وَلَكِنَّكَ

برج کردن بر سر خود و نه بصلاح آوردن نفس خود و لیکن

اِبْتَدَأْتَنِي بِالْاِحْسَانِ وَرَزَقْتَنِي فِي

ابتدا کردی مرا با احسان و روزی کردی مرا در

اُمُورِي كُلِّهَا الْكَفَايَةَ وَصَرَفْتَ

کارهای من را بکافی کار گذاردی و گردانیدی

عَنِّي جَهْدَ الْبَلَاءِ وَمَنْعْتَ مِنِّي مُحَلِّدُونَ

از من سخت بلا و باز داشتی از من مضر کننده

الْقَضَاءِ اِلَهِي فَاَكْمَرُ مِنْ بَلَاءٍ جَاهِلٍ

تقصای ای خدا می پس بزرگتر از طاعتی جاهل

قَدْ صَرَفْتَ عَنِّي كَثْرَ مِنْ نِعْمَةٍ سَائِلَةٍ

را بخت کردی از من از نعمت چنانچه

فَرَحًا



أَقَرَّرْتُ بِهَا عَيْنِي وَكَمْ مِنْ صَنِيعَةٍ

کردن کردن کردی بآن چشم را و ب آن از احسان

كَرِيمَةٍ لَكَ عِنْدِي أَنْتَ الَّذِي

بزرگی بر آن نزد من آنست که ای اله

أَجَبْتِ عِنْدَ الْاضْطِرَارِّ دَعْوَتِي

اجابت کردی نزد عیب رگی دعا می را

وَأَقَلْتُ عِنْدَ الْعِثَارِ زِلَّتِي وَأَخَذْتُ

و در گذراندن زلف سپردم آمدن از گزند من و گرفتم

لِي مِنَ الْأَعْدَاءِ بِظُلَامَتِي إِلَهِي مَا

از برای من از دشمنان حق مرا ای ضایع

وَجَدْتُكَ بِخِيَالِ حِينَ سَأَلْتُكَ وَلَا

پیدا کردم ترا بخیال آنکه می که خواستم ترا دید

مُنْقِضًا حِينَ ارْدْتُكَ بَلْ وَجَدْتُكَ

آنست که من که اراده کردم ترا بلکه یافتم ترا

لِلدَّعَايِ سَامِعًا لِطَالِي مُعْطِيًا

از برای دعا می فروشنده از برای طالبی خود عطا کننده

وَوَجَدْتُ نَعْمًا عَلَى سَابِغَةٍ فِي

و یافتم نعمتی ترا بر خود تمام در

كُلِّ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِي وَكُلِّ زَمَانٍ مِنْ زَمَانِي

در هر حال جزو و هر زمان از زمان من

فَأَنْتَ عِنْدِي بِحَمْدٍ وَصَنِيعِكَ لَدُنِّي

پس آنست که نزد من ستوده و آنست که پیش من

مَبْرُورٌ وَمُحَدِّدٌ نَفْسِي وَإِسَانِي

بزرگوار نیست و بسیار کند و دل من و زبان من

وَعَقْلِي حَمْدًا يَبْلُغُ الْوَفَاءَ وَحَقِيقَةَ

و عقل من است که به کمال وفاء و حقیقت

الشُّكْرِ رَحْمَةً يَكُونُ مَبْلُغَ رِضَاكَ

و شکر است که به کمال راضی باشد بمقدار خوشنودی تو

عَنِّي فَتَجَنَّبْ مِنْ سَخَطِكَ يَا كَهْفِي

از من پس در امانی و در آسایش خود ای پناه من

حِينَ تَعَيَّنِي الْمَذَاهِبُ وَيَا مُقِيلِي

اگرگاه من که گاه گاه مرا از خواب بیدار کنی

عَذْرَتِي فَلَوْلَا سِتْرُكَ عَوْرَتِي لَكُنْتُ

از بوسه تو من پس اگر نبود پند تو من که بپوشد من را از بوسه تو

مِنَ الْمُقْضُوحِينَ وَيَا مُوَيْدِي يَا نَصْرِي

ای پند تو ای پند تو ای پند تو ای پند تو

فَلَوْلَا نَصْرُكَ يَا أَيُّ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ

پس اگر نبود پند تو من که بپوشد من را از بوسه تو

وَلَكِنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نِيرَ الْمَذَلَةِ

و ای پند تو که بپوشد من را از بوسه تو

عَلَى أَعْنَاقِهِمَا فَهَمٌّ مِنْ سَطَوَاتِهِ

و ای پند تو که بپوشد من را از بوسه تو

خَائِفُونَ وَيَا أَهْلَ التَّقْوَى يَا مَنْ لَهُ

ترسیده باشند و ای پند تو که بپوشد من را از بوسه تو

و ای پند تو که بپوشد من را از بوسه تو

و ای پند تو که بپوشد من را از بوسه تو

الاستاء

الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى اسْأَلْكَ أَنْ تَعْفُو

نامهای نیکو سوال کن از تو ای که درگذری

عَنِّي وَتَعْفِرَ لِي فَلَسْتُ بِرِيًّا فَاغْتَدِرْ

از من و بپوشی مرا پس نیستم بر تو بیگانه پس عذر بگو

وَلَا يَذِي قُوَّةً فَانْتَصِرْ وَلَا مَقْرَرٍ لِي

و نه خداوند قوت پس ایستادم و نه دست گزاشی مرا

فَافِرٌ وَأَسْتَغِيْلُكَ عَثْرًا لِي وَأَتَّصِلُ

پس گروم و از تو درخواست می کنم که در گذری از لغزشهای من و پیوسته

إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبٍ الَّتِي قَدْ أَوْبَقْتَنِي

به سوی تو از گناهانی که مرا محقق چاک گزیده

وَأَحَاطَتْ بِِي فَاهْلِكْ كَثِيرًا مِنْهَا

و زار گرفته اند مرا پس چاک بگو که مرا از آنست

فَرَدْتُ إِلَيْكَ رَبِّ تَائِبًا قَبْلَ عَلَى

میگردم به سوی تو ای پروردگار من گریخته پیش از آنکه مرا

مُتَعَوِّذًا فَاغْدِني مُسْتَجِيرًا فَلَا تُخْذِلْنِي

بنا ده که بگریزم پس بنده و مرا از نیت رو بپوش و مرا

سَائِلًا فَلَا تُخْزِني مُعْتَصِمًا فَلَا تُسْلِمْنِي

سوال کننده پس مخورم بنده را چاک در زنده پس مایه مرا

دَاعِيًا فَلَا تُرْذِني خَائِبًا دَعَوْتُكَ يَا رَبِّ

دعا کننده پس بگردان مرا نا امید و اندم نهای از تو

مُسْتَكِينًا مُسْتَكِينًا مُسْتَكِينًا

در حالی که در تو گشتم زاری کننده در گشتم

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين



خَائِفًا وَجَلًّا فَقِيرًا مُضْطَرًّا إِلَيْكَ

بازنده و پریشانده فقیر و مجارده و بوی تو

أَشْكُو إِلَيْكَ يَا إِلَهِي ضَعْفَ

تکایت بکنیم کوی تو ای خدای من سستی

نَفْسِي عَنِ الْمَسَارَعَةِ فِيمَا وَعَدْتَهُ

نفس من از شتاب کردن در آنچه وعده دادی

أَوْلِيَاءَكَ وَالْمُجَانِبَةَ عَمَّا حَذَرْتَهُ

دوستان خود را و دوری کردن از آنچه بیم دادی

أَعْدَاءَكَ وَكَثُرَ هُمُومِي وَشَوَّ

دشمنان خود را و بسیار شد اندیشه های من و دگر

نَفْسِي إِلَهِي لَمْ تَفْضَحْنِي بِسِرِّي

نفس من ای خدای من مرا در پند من

وَلَمْ تَهْلِكْ كُنْزِي بِخَبْرِي أَدْعُوكَ

و مراک من مرا بخت من من بخواهم ترا

فَتَجِيبْنِي وَأَزْكُكْتُ بِطِئَانٍ حِينِ

پس بماند من ترا و پاک کن مرا در پند من و بماند من ترا

تَدْعُونِي وَأَسْأَلُكَ كُلَّ مَا سَأَلْتُ

که بخواهم ای مرا و سوال کنم ترا هر چه بخواهم

مِنْ خَوَائِجِي وَحَيْثُ مَا كُنْتُ

از حاجت های من و هر جا که باشم

وَضَعْتُ عِنْدَكَ سِرِّي فَلَا أَدْعُو

نیکه دارم بپندش ترا از خود را پس بخواهم

سؤال



سِوَاكَ وَلَا أَرْجُو غَيْرَكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ

سواي ترا و امید ندارم غیر ترا اجابت کنم تا اجابت کنم

مَنْ شَكَكَ إِلَيْكَ وَتَلَقَّى مِنْ تَوَكَّلْ

کسی که شکایت کرد به سوی تو و پیش من بیاری بر که توکل

عَلَيْكَ وَخَلِّصْ مَنْ اعْتَصَمَ بِكَ وَتَفْرَجْ

از تو و برطرف کن کسی که بر او استوار شد و در طوالت

عَمَّنْ لَا ذِيكَ إِلَهِي فَلَا تَحْزِنْ خَيْرُ

از کسی که پناه آلود تو ای خدای من پس محزون ماز مرا در

الْآخِرَةِ وَالْأُولَى لِقَلَّةِ شُكْرِي

آخرت و دین بکثرت منی

وَاعْفِرْ لِي مَا تَعْلَمُ مِنْ ذُنُوبِي أَرْغَبُ

در پناه برای من آنچه میدانی از گناهان من بزرگتر

فَأَنَا الظَّالِمُ الْمَقْرُطُ الْمُضْطَرِعُ الْأَثِمُ

پس من ستمگر تقصیر کننده صدای کننده گناهکار گناهی

الْمُفْجِعُ الْمَغْفِلُ حَظَّ نَفْسِي وَإِنْ

تقصیر کننده واکندارنده پسر نفس خود را و اگر

تَغْفِرْ فَإِنَّتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

پس اگر ببخشی تو مهربانترین مهربانان

وَكَأَنَّ مِنْ عَائِلَتِي فِي الْإِحْسَانِ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى

و چون در زودیا من در عائلتم در راه احسان و خداوند

يَا اللَّهُ الَّذِي لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ

ای خدای من که پنهان نیست بر او چیزی

فِي الْأَرْضِ وَالْأَفْئِطَةِ السَّمَاءِ وَكَيْفَ

در زمین و در آسمان و چگونگی

يُخْفِي عَلَيْكَ يَا إِلَهِي مَا أَنْتَ خَلَقْتَهُ

پنهان باشد در تو ای خدای من آنچه تو آفرینی

وَكَيْفَ لَا يُحْصِي مَا أَنْتَ صَنَعْتَهُ

و چگونگی که نمی‌شمارد آنچه تو ساخته‌ای

أَوْ كَيْفَ لِيَسْتَطِيعَ أَنْ يَهْرُبَ مِنْكَ

یا چگونه که بتواند از تو فرار کند

مَنْ لَا حَيَاقَ لَهُ إِلَّا بِرِزْقِكَ أَوْ كَيْفَ

آنکه نیست از تو بجز با تو یا چگونه

يَتَجَوَّمُكَ مَنْ لَا مَذْهَبَ لَهُ فِي غَيْرِ

روزی کسی که بی‌مذهب است در روزی

مُلْكِكَ سُبْحَانَكَ اخْشَى خَلْقَكَ

مملکت تو بزرگوار تو ترسیده‌ترین خلق است

لَكَ أَعْلَمُ هُمْ بِكَ وَأَخْضَعُ هُمْ لَكَ أَعْلَمُ

مرا و دانایان تو را و خوارتر تو را

بِطَاعَتِكَ وَاهْوَنُهُمْ عَلَيْكَ مَنْ أَنْتَ

در عبادت تو و سبک‌ترین تو را

تَرْزُقُهُ وَهُوَ يَعْبُدُ غَيْرَكَ سُبْحَانَكَ

روزی می‌دهی او را و او پرستد غیر تو بزرگوار تو

لَا يَنْقُصُ سُلْطَانُكَ مِنْ شَرِّكَ بِكَ

کم نمی‌کند پادشاهی تو را و آنچه است برکت تو

وَكَيْفَ يُعْبَدُ عِنْدَكَ مَا أَنْتَ تَكْتُمُ

وَكَيْفَ





وَكَاذِبٌ رُّسُلَكَ وَلَيْسَ يَسْتَطِيعُ

وگفته بگوید رسولان ترا دروغ گویند

مَنْ كَرِهَ قَضَاءَكَ أَنْ يُرَدَّ أَمْرُكَ وَلَا

کسی ناپسند دارد قضای ترا ای که رو کند امر ترا و

يَمْتَنِعُ مِنْكَ مَنْ كَذَبَ بِقُدْرَتِكَ وَلَا يَقُوْكَ

باو نماندست من که دروغ گوید بقدرت ترا و قوت نمی کند

مِنْ عَبْدٍ غَيْرِكَ وَلَا يَعْمُرُ فِي الدُّنْيَا

بر کسی نیست غیر ترا و در دنیای نمی رود بجا

مَنْ كَرِهَ لِقَاءَكَ سُبْحَانَكَ مَا أَعْظَمَ

کسی ناپسند نیست ملاقات ترا ای که بزرگوار است

سَانَكَ وَأَقْهَرُ سُلْطَانِكَ وَأَشَدُّ قُوَّتِكَ

شان ترا و مهتر قهارات ترا و شدید قوت ترا

وَأَنْفَقَ أَمْرَكَ سُبْحَانَكَ قَضَيْتَ عَلَى

و بیهوده امر ترا ای که بزرگوار است حکم کردی بر

جَمِيعِ خَلْقِكَ الْمَوْتَ مِنْ وَحْدِكَ

بر همه آفریدگان تو مرگ را از خودت بیکبار

وَمَنْ كَفَرَ بِكَ وَكُلُّ ذَا ثِقِ الْمَوْتِ

و هر که کفر کند بکفر تو و هر که ثقیل مرگ است

وَكُلُّ صَائِرٍ إِلَيْكَ فَتَبَارَكَ

و همه گردیده اند بسوی تو پس و ابلیس

وَتَعَالَيْتَ إِلَهُ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ

و درازی ایست خدا می گوی ترا تنه می

لَا شَرِيكَ لَكَ أَمَّنْتُ بِكَ وَطَدَقْتُ

این را می گویم حق است و راستی را

رُسُلَكَ وَقِيلْتُ كِتَابَكَ وَكَفَرْتُ

از پیغمبر تو را و از کتاب تو را و کافر شدم

بِكُلِّ مَعْبُودٍ غَيْرِكَ وَبَرِئْتُ مِنْ عِبَادَةِ

همه معبودی غیر تو را و بری شدم از عبادت

سِوَاكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحُ وَأَمْسِي مُسْتَغِيلاً

ای خداوند من صبح و عصرم را در غفلت سپری کردم

لِعَمَلِي مُعْتَرِفاً بِذُنُوبِي مُقَرِّراً لِمُخْطَايَايَ

بر کارهای من را به خاطر گناهانم و مقرباً به خطایم

أَنَا يَا شَرِيفِي عَلَى نَفْسِي ذَلِيلٌ عَلَى أَهْلِكُنِي

من ای عزیز من در برابر خودم خوارم و در برابر خانواده ام ضعیفم

وَهُوَ أَيْ أَرَادَ أَنْ يَشْهَوَانِي حَرَمَتِي

و آنرا می خواست که مرا از حرمت خود ببرد

فَأَسْتَأْذِنُكَ يَا مَوْلَايَ سَوْأَلَ مَنْ نَفْسُهُ

پس ای مولای من از خودم سؤال می کنم

لَا هِيَ لَطُولُ أَمَلِهِ وَبِدْنُهُ غَافِلٌ

نه به خاطر طول عمر او و نه به خاطر غفلت او

لَسْتُ كَوْنِي عَرُوقَهُ وَقَلْبُهُ مَقْتُونٌ

من نیستم چون او که غرق در غفلت است و دل او گرفتار است

بِكثْرَةِ النِّعَمِ عَلَيْهِ وَفِي كَرَمٍ

به خاطر کثرت نعمت تو بر او و به خاطر بزرگواری تو

فَقِيلَ



قَلِيلٌ لِّمَا هُوَ صَائِرٌ إِلَيْهِ سُؤَالَ مَنْ قَدْ

کم است در آنچه او گردیده است سوئی او سؤال کردن کسی که

غَلَبَ عَلَيْهِ الْأَمَلُ وَفِتْنَةُ الْهَوَى

فائز شده است بر او آرزو و گرفتار گشته است او را خواهش

وَاسْتَمْتَكَنْتَ مِنْهُ الدُّنْيَا وَأَظْلَهُ

در دست یافتن است بر او دنیا و پست تر از آن

الْأَجَلَ سُؤَالَ مَنْ اسْتَكْثَرَ ذُنُوبَهُ

برود کرد سؤال کردن کسی که بسیار گناهان کرده است

وَاعْتَرَفَ بِخَطِيئَتِهِ سُؤَالَ مَنْ لَا رَبَّ

بر او ندارد گشته است اعتراف می نمود سؤال کردن کسی که پروردگار ندارد

لَهُ غَيْرُكَ وَلَا وَلِيَّ لَهُ دُونُكَ وَلَا مُنْقَذَ

بر او ندارد غیر از تو و نه دوستی بر او دارد سواي تو و نه رستگارنده

لَهُ مِنْكَ وَلَا مُلْجَأَ لَهُ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ

بر او ندارد از تو و نه پناهی بر او دارد از تو مگر به سوی تو

إِلَهِي اسْأَلْكَ بِحَقِّكَ الْوَاجِبِ عَلَى

ای خدای من بطلبم از تو بحق تو که واجب است بر

جَمِيعِ خَلْقِكَ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي

همه صفت تو و نام تو که بزرگ است که

أَمَرْتَ رَسُولَكَ أَنْ يَسْتَخَارَكَ بِهِ وَبِجَلَالِ

امر کرده رسول خود را که استخاره کند نزد تو و بجلالت

وَجْهِكَ الْكَرِيمِ الَّذِي لَا يَبْلَى

وفاقت بر تو که از تو که است

بسم الله الرحمن الرحيم
۱۰



وَلَا يَتَغَيَّرُ وَلَا يَحُولُ وَلَا يَقْنِي أَنْ تُصَلِّيَ

و تغییر نمی یابد و از حال خود شیرود و دانی نمی شود و اینکه در سجده

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْنِيَنِي عَنْ

بر محمد و آل محمد و آنکه مرا بکند از حاجت

كُلِّ شَيْءٍ بَعِيْدًا ذَنْبِكَ وَأَنْ تُسَلِّيَ

از هر چیزی دورتر از گناه خود و اینکه تسلی می دهی

نَفْسِي عَنِ الدُّنْيَا بِمَخَافَتِكَ وَأَنْ تُثَنِّينِي

نفس مرا از دنیا بترس خود و اینکه بزرگوار می گردانی مرا

بِأَلْكَ كَثِيرٍ مِنْ كَرَامَتِكَ بِرَحْمَتِكَ

بسیاری از کرامت خود بر رحمت تو

فَالْبَيْتُ أَقْرَبُ مِنْكَ أَخَافُ وَبِكَ

این کعبه تو نزدیکترم و از تو می ترسم و بترسم

اسْتَعِيْثْ وَآيَاكَ أَتَّقُ وَآيَاكَ اسْتَعِيْثُ

فریاد درستی بگویم و از تو پناهی می جویم و پناهی تو را از من می جویم

وَبِكَ أُوْمِنُ وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ

و بترسم و بر تو تکیه می کنم

وَعَلَى جُودِكَ وَكَرَمِكَ أَتَكِلُ

و بر بزرگواری و کرمی تو تکیه می کنم

وَكَانَ مِنْ عَائِشَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

و بود از عایشه که حضرت علی علیه السلام در جوارش نمودن از برای پناهایی

رَبِّ اِحْمَسْنِي ذُنُوبِي وَانْقَطَعَتْ

پناه من از گناهانم و قطع شد

و این دعا را حضرت علی علیه السلام در جوارش نمودن از برای پناهایی
و بود از عایشه که حضرت علی علیه السلام در جوارش نمودن از برای پناهایی
و بود از عایشه که حضرت علی علیه السلام در جوارش نمودن از برای پناهایی

مَقَالِي



مَقَالَتِي فَلَا حُجَّةَ لِي فَأَنَا الْأَسِيرُ سِلَاقِي

کنار من پس دست نمی آرد ایمن پس هم اسیر بید خود

الْمُرْتَهَنُ بِعَمَلِي الْمُرْتَدُّ فِي خَطِيئَتِي

در گداز برادر خود نزد اسبند در خطای خود

الْمُخَيَّرُ عَنْ قَصْدِي الْمَنْقَطِعُ بِي قَدْ

سخت از قصد خود سقط من محض

أَوْقَفْتُ نَفْسِي مَوْقِفَ الْأَذَلَاءِ

که بادهشته ام نفس خود را در جای استخوان فراریان

الْمَذْنُبِينَ مَوْقِفَ الْأَشْقِيَاءِ الْمَخْرَجِينَ

کن کاروان در جای استخوان برکنان و مخرجی گناه

عَلَيْكَ الْمُسْتَخْفِينَ بِوَعْدِكَ سُبْحَانَكَ

بر تو ستمگانه کسان بر وعده تو ای کبریا

أَيُّ جُرْأَةٍ أَجْتَرَأْتُ عَلَيْكَ ذَايَ تَغْيِيرِ

بچه ام جرات و بیبری کرده ام روی در بچه ام فریب دادن

عَرِيزَتِ بِنَفْسِي مَوْلَايَ اِرْحَمْ كَبُوتِي كَحِرِ

در مملکت انداخته ام نفس خود را ای مولای من ای خدای من

وَجْهِي وَزَلَّةَ قَدَمِي وَعَدَّ بِحُلُمِيكَ

روشنی من و لغزش پاهایم و دهنم را گشاده نهادم

عَلَى جَهْلِي وَيَا خَسَانِكَ عَلَى إِسَاءَتِي

نادرستی من و ای کارهای خود را بر سر کارهای من

فَأَنَا الْمُقَرَّبُ بِبِي الْمُعْتَرَفُ بِخَطِيئَتِي

پس هم از نزدیک گناه خود اعتراف کننده کلماتی خود

وَهَذِهِ يَدِي وَنَاصِيَتِي وَاسْتَبْكِي

داین دستانت و پیش پیش بخت و داری بنشینم

بِالْقَوْدِ مِنْ نَفْسِي اَرْحَمَ شَيْئِي تَفَادَا

بمنقذ من کون از نفس من رحیم تر کسی را دگر رسید

اَيَّامِي وَاقْتِرَابَ اجَلِي وَضَعْفِي

روزهای من و نزديك شدن اجل من و رستی مرا و

وَمَسْتُ كُنْتِي وَقَلَّةَ حِيلَتِي مَوْلَايَ

دور نرفتی مرا و کمی چاره مرا ای مولای من

وَارْحَمْنِي اِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْيَا اثَرِي

و رحم من کن مرا چون منقطع شود از دنیای من

وَالْحَمَامِينَ الْمَخْلُوقِينَ ذِكْرِي وَكُنْتُ

و بخت نمودم از آن پندگاران یاد من و بودم بخت

فِي الْمُنْسِيَتِينَ كَمَنْ قَدَّسَنِي مَوْلَايَ

در فراموشی شدگان را همچو کسی که تقدس داد مرا ای مولای من

وَارْحَمْنِي عِنْدَ تَغْيِيرِ صُورَتِي وَحَالِي

و رحم من کن مرا نزد تغییر شدن صورت من و حال من

اِذَا بَلَغَ جِسْمِي وَتَفَرَّقَتْ اَعْضَائِي وَ

چون گشته شود تن من و پاشد اعضای من و

تَقَطَّعَتْ اَوْصَالِي يَا غَفْلَتِي غَمًّا يَرَادُ

بریده شود پیوندهای من ای غفلتم غم که آید

بِي مَوْلَايَ وَارْحَمْنِي فِي حَشَرِي وَنَشَرِي

ای مولای من و رحم کن مرا در زنده کردن من و در بخت کردن

ای مولای من
در زنده کردن من
و در بخت کردن
و در زنده کردن
و در بخت کردن

وَلَجَعَلْ



وَاجْعَلْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمَ مَعَ أَوْلِيَائِكَ

و بگردان در آن روز یا بران خود

مَوْفِقِي فِي أَحِبَّائِكَ مَصْدَرِي فِي

دوستان مرا در میان دوستان خود جای رستن مرا در

جَوَارِكَ مَسْتُ كُنْتُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

پناهجوی خودم آرمگاه مرا ای دروگاه عالمیان

وَكَانَ مِنْ عَمَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ اسْتَيْكْشَا اللَّهُمَّ

و بود از عمارت علی السلام در طلب تو کردن از درگاه

يَا فَارِجَ الْهَمِّ وَكَاشَفَ الْغَمِّ يَا حَمَلُ الدُّنْيَا

ای برطرف کننده اندوه برطرف کننده غم ای حامل دنیای

وَالْآخِرَةِ وَرَحِمَهُمَا صِلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و در آغوش و در رحم دو نفر حق است محمد و آل محمد

وَأَفْرِجْ هَمِّي وَأَكْشِفْ غَمِّي يَا وَاحِدَ

و گشاید غم مرا و برطرف کن غم مرا ای یگانه

يَا أَحَدًا يَا صَمَدًا يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

ای یگانه ای بی نیاز ای آنکه نزا پیدا و زاده نشد

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ لَهْفٌ أَوْ أَحَدٌ أَغْصِمْنِي

و نیستی بر او اندوه یا هیچ کس مرا نماند از غم

وَأَذْهَبْ بِي لَيْتِي تَمَّ اقْرَأِ آيَةَ الْكُرْسِيِّ

و ببرد مرا به سلامت ای که خوانی آیه الکرسی

وَالْمَعُودَتَيْنِ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَقُلْ

و سوره بقره و بگو او الله احد و بگو

این کلمات

چون از او بگذری و از او بگذری

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَرِئْتٍ

۱۸. دست را درستی کردن سوال کنگنه ۱۹ سوال کونگنی کونگنی

فَاقَتْهُ وَضَعْفًا قُوَّتَهُ وَكَثُرَتْ

استیاج او دستات قوت او دب سیرت

ذَنُوبُهُ سُؤَالَ مَنْ لَا يَحْدُ لِفَاقَتِهِ مَعَكُمْ

کتاب او سوال کردن کسی که میسر باشد از برای مستی حاج خود را دارد

وَلَا لِضَعْفِهِ مُقَوِّيًا وَلَا لِذَنْبِهِ غَافِرًا

و نه از برای سستی خود وقت می نهده و نه از برای گناه خود آ مرزده

غَيْرِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اسْأَلُكَ

عنبره ای خدایند بزرگی درامی دانش سوال کلیم

عَلَّامُ الْغُيُوبِ بِهِ مِنْ عَمَلٍ بِهِ وَيَقِينًا تَنْفَعُ

کوداری کو دوستدار می یابن هر کرا عمل کنند بر نفس کمر نفع رساني

بِهِ مَنِ اسْتَيْقَنَ بِهِ حَقَّ الْيَقِينِ فِي

آن کسی را که عیش و اشتها باشد آنکه حق تعالی در

نَفَاذِ امْرِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سیدان بنده سارو خداوند رحمت محمد و آل محمد

وَاقْبِضْ عَلَى الصِّدْقِ نَفْسِي وَقَطِّعْ

و بعضی از برزخ استی حضرت را و قطع

مِنَ الدُّنْيَا حَاجَتِي وَاجْعَلْ فِيمَا عِنْدَكَ

روز دوشنبه حاجت مرا برآورده شد و بعد از آنکه نزد او رفتم

رَغْبَتِي شَوْقًا إِلَى لِقَائِكَ وَهَبْ لِي

رفت مرا بکته آروندی سوری لقا، تو و جیش مرا

البركة والبركة

Handwritten signature or text in Arabic script, likely a personal note or signature.

الحمد لله رب العالمين

1

10

بسم الله الرحمن الرحيم
 یا ارحم الراحمین
 یا خیر البر
 یا خیر العباد

صِدْقَ التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ اَسْأَلُكَ مِنْ

خَيْرِ كِتَابٍ قَدْ خَلَا وَاعُوذُ بِكَ مِنْ

شَرِّ كِتَابٍ قَدْ خَلَا اَسْأَلُكَ خَوْفَ

الْعَايِدِينَ لَكَ وَعِبَادَةَ الْخَاشِعِينَ لَكَ

وَيَقِينَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ وَتَوَكَّلْ

الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْكَ اَللّهُمَّ اجْعَلْ رَغْبَتِي

فِي مَسْئَلَتِي مِثْلَ رَغْبَةِ اَوْلِيَائِكَ فِي

مَسَائِلِهِمْ وَرَهْبَتِي مِثْلَ رَهْبَةِ

اَوْلِيَائِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي مَرْضَاتِكَ

عَمَلًا لَا اُتْرَكُ مَعَهُ شَيْءًا مِنْ دِينِكَ

مَخَافَةَ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ اَللّهُمَّ هَذِهِ

كَلِمَةٌ تَرَسُّ بِهَا



حَاجَتِي فَأَعْظِمْ فِيهَا رَغْبَتِي وَأَظْهِرْ

در این پس بزرگ کن خواهش مرا و روشن ساز

فِيهَا عُدْرِي وَلَقِّنِي فِيهَا حَاجَتِي

در آن عذر مرا و بیاورد مرا در آن حاجت من

وَعَافِ فِيهَا جَسَدِي اللَّهُمَّ وَلَنْ

در این عفو مرا در آن ای خداوند و هرگز

أَصْبِحَ وَلَهُ ثِقَةٌ أَوْ رَجَاءٌ غَيْرُكَ فَقَدْ

صبح شود و او را در آن اعتمادی یا پستی نیست و پس از تو

أَصْبَحْتُ وَأَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي

صبح گشتم و تو ای اعتماد من و امید من

فِي أُمُورِي كُلِّهَا فَأَقْضِ لِي

در کارهای من پس بزرگ کن برای من

بُخَيْرَهَا عَاقِبَةً وَجَنِّني مِنْ مُضْلَلَاتِ

بخت من این از روی آگاه در این راه را از گمراهی ها

الْفِتَنِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

مهربانی تو ای مهربان ترين مهربانان

وَطَلَى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولٍ

و بر حق گشت آن بزرگوار ما محمد رسول

اللَّهُ الْمُصْطَفَى وَعَلَى آلِهِ وَعِزَّتِهِ

و بر آن برگزیده و بر آل او و عزت او

الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ

و پاکان را آشکارا



